



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# مقالات مدیر مسئول

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مقالات مدیر مسئول

نویسنده:

[www.modiryar.com](http://www.modiryar.com)

ناشر چاپی:

[www.modiryar.com](http://www.modiryar.com)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۷	..... مقالات مدیر مسئول
۷	..... مشخصات کتاب
۷	..... مدیریت کیفیت؛ مدل تعالی سازمانی
۸	..... آزادی خرمشهر؛ اوج شکوفایی عزت ملی
۱۳	..... رسالت معلم از دیدگاه اسلام
۱۵	..... غفلت جایز نیست
۱۷	..... جایگاه تفکر و تعقل در دین
۱۹	..... بایسته های جهاد اقتصادی
۲۰	..... هوش هیجانی و مدیریت رفتار اجتماعی
۲۲	..... کافی است به وجدانتان مراجعه کنید
۲۴	..... مدیریت آهسته
۲۶	..... محمد (ص) ، شمع جمع آفرینش
۲۸	..... اثرات نهادینه شدن «مثبت اندیشی» در اجتماع
۲۸	..... مدیریت ذره بینی؛ وسواسی ناخواسته
۳۰	..... مهم ترین حقوق محوری شهروند
۳۲	..... آموزه های بهار
۳۴	..... تقوای جمعی؛ فصل الخطاب ارتباطات اجتماعی
۳۶	..... دروغ نگی(م)!
۳۹	..... نگاهی به فلسفه وجوبی حجاب
۴۱	..... جوان شایسته از منظر اسلام
۴۳	..... روزه؛ تمرین تقوا
۴۵	..... جهاد اعتقادی

- ۴۷ ..... کشتی نجات نظام اسلامی و جذب حداکثری
- ۴۸ ..... غم و شادی از منظر دین
- ۵۱ ..... نظام مدیریت شهری
- ۵۳ ..... پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادی
- ۵۵ ..... دفاع از فرهنگی مقدس
- ۵۷ ..... اقتصاد اسلامی؛ بستر تحقق جهاد اقتصادی
- ۵۹ ..... شرح صدر اندیشه ها
- ۶۱ ..... بحران؛ واقعیتی جدایی ناپذیر از سازمانها
- ۶۵ ..... راهنمایی نوشتن طرح تحقیق
- ۷۰ ..... جهاد اقتصادی مبتنی بر اصول
- ۷۲ ..... جلوه های زیبایی عاشورا
- ۷۴ ..... مسائل اجتماعی و سیر تکاملی کارکرد مدیریت شهری
- ۷۷ ..... امام مهربان؛ بهترین همسایه
- ۷۸ ..... نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی
- ۸۰ ..... معضلی به نام تنبلی اجتماعی
- ۸۲ ..... انتخابات، کشتی نجات نظام اسلامی و جذب حداکثری
- ۸۴ ..... تأثیر تولید ملی بر پدیده های اجتماعی
- ۸۶ ..... درآمدی بر نظم اجتماعی
- ۸۹ ..... حمایت از تولید ملی در سایه اصلاح الگوی مصرف
- ۹۱ ..... عرصه های کار در مدیریت روابط عمومی
- ۹۳ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مقالات مدیر مسئول

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مقالات مدیر مسئول / www.modiryar.com

ناشر: www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع: مدیریت - مقالات

## مدیریت کیفیت؛ مدل تعالی سازمانی

EFQM گردآوری: مهدی یاراحمدی خراسانی

معرفی: یکی از نیازهای واحدهای دارای سیستم کیفیت در جوامع صنعتی ارتقا و تعمیق سیستم کیفیت به موازات رشد سازمان می باشد. از طرفی سیستمهای مدیریت کیفیت در خصوص برخی موارد و فعالیتهای سازمانها سکوت کرده اند لذا سازمانهای مختلف پس از رسیدن به درجه ای از بلوغ سازمانی این استانداردها را پاسخگویی نیازهای رو به تعالی خود نمی بینند. با توجه به این موارد وجود مدلهای عملی و اجرایی جهت استقرار TQM به صورت قابل ارزیابی ضرورتی برای پاسخگویی به نیاز سازمانها است. اولین گام اجرایی در این زمینه با تعریف مدل جایزه دمنینگ در ژاپن برداشته شد و پس از آن در ایالات متحده آمریکا و اروپا نیز مدلهایی برای پر کردن خلأ چنین جایزه بزرگی ارایه شد. جایزه کیفیت ملی مالکوم بالدريج (MBNQA) بر اساس نوعی مدل ارزیابی سازمانها در آمریکا تعریف شده و مدل اروپایی آن در سال ۱۹۹۱ در نشست بنیاد اروپایی برای مدیریت کیفیت (EFQM) تحت عنوان جایزه کیفیت اروپایی (EQA) مطرح شد. این جوایز در کشورهای مختلف به برترین شرکتها که به نحو موثرتری به TQM عمل می کنند اعطا می شود تا به ایجاد نوعی رقابت در تعالی و رشد سازمانها کمک نماید. مدل جایزه ملی تعالی سازمانی ایران نیز از مدل اروپایی آن (EFQM) اقتباس شده است و از سال ۱۳۸۲ اعطای جوایز آن در ایران شروع شده است. در این مدل بر اساس ارزیابی سازمانها و میزان نزدیکی آنها به TQM سه نوع تندیس (تندیس زرین برای بهترین سازمان، تندیس سیمین برای سازمان دوم و تندیس بلورین برای سازمان سوم) و دو نوع گواهینامه اهتمام به اجرای TQM در نظر گرفته شده است که به بهترین سازمان در هر زمینه کاری مشروط به کسب حداقل امتیاز لازم ارایه می شود. در این مدل، ارزیابی بر اساس تلاشها و فعالیتهای سازمان و نتایج حاصله انجام می شود. بخش و فعالیتهای اقدامات اجرایی سازمان تحت عنوان توانمند سازها شامل ۵ گروه معیار (رهبری، خط مشی و راهکار، مدیریت مشارکتی، منابع و فرآیندها) و نتایج حاصله از توانمند سازها شامل ۴ گروه معیار (رضایت کارکنان، رضایت مشتری، تاثیر بر جامعه و نتایج) می باشد که با چک لیست های، مخصوص توسط ارزیابان آموزش دیده ارزیابی و امتیاز دهی می شود. مزایای به کارگیری: - انجام خود ارزیابی بر اساس این مدل به سازمانها کمک می کند تا وضعیت خود را نسبت به سازمانهای موفق ارزیابی نمایند و نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کنند. - وجود هدف در فرآیند استقرار انگیزه لازم جهت اعتلای سازمان را برای مدیران و کارکنان ایجاد می کند. - فضای رقابتی کسب جوایز به تسریع در رشد سازمانها کمک می کند که شعار «کیفیت راه بدون پایان» را جامعه عمل پوشانند. - ارزیابی ها و گزارشات آن فضای مناسبی جهت الگوبرداری از بهترینها (Benchmarking) را فراهم می کند. - کسب جوایز حاصل از مدل (با توجه به دشواری دریافت آن) دستاورد بزرگی برای سازمان ایجاد می کند. دامنه کاربرد کلیه سازمانهای تولیدی و خدماتی که قدمهای اولیه برای استقرار

سیستم‌های مدیریتی مختلف را برداشته و نیاز به مدل‌های متعالی برای رشد و بلوغ سازمان دارند. تعالی سازمانی رشد و ارتقای سطح یک سازمان در تمامی ابعاد کسب رضایتمندی کلیه ذینفعان ایجاد تعادل بین خواسته‌ها و انتظارات کلیه ذینفعان تضمین موفقیت سازمان در بلندمدت کاربردهای مدل تعالی سازمانی ابزاری برای خودارزیابی به منظور تعیین موقعیت سازمانها در مسیر تعالی، کمک به درک فاصله بین اهداف و واقعیت‌ها و ترغیب سازمانها به یافتن راه‌حلهای بهبود. مبنایی برای ایجاد زبان و تفکر مشترک در تمامی ابعاد سازمان و در همه حوزه‌های عملکرد. چارچوبی برای درک وضعیت اقدامات انجام شده، حذف دوباره کاری‌ها و تشخیص انحرافات ساختاری برای سیستم مدیریتی سازمان مزایای مدل تعالی سازمانی برخوردار از دیدگاه سیستماتیک و فراگیر مدیریت مبتنی بر فرآیندهای سازمانیتوجه ویژه به نتایج کسب شده توسط سازمانارزیابی مبتنی بر واقعیات مشارکت گسترده کارکنانشناسایی نقاط قوت و زمینه‌های قابل بهبود ارائه تصویر واقعی از فعالیتهای سازمانتبادل تجربیات درون و برون سازمانی با بکارگیری ابزار کاوی (benchmarking) استفاده از رویکرد خودارزیابی به منظور تعالی سازمان ارزشها و مفاهیم بنیادین تعالی سازمانی بدون توجه به بخش و اندازه سازمان‌ها، برای کلیه آنها قابل کاربرد بوده و مدل تعالی سازمانی را پشتیبانی می‌نماید. نتیجه‌گرایی: تعالی دستیابی به نتایجی است که رضایت کلیه ذینفعان سازمان را در بر داشته باشد. مشتری‌مداری: تعالی خلق ارزش‌های مطلوب مشتری است. رهبری و ثبات در مقاصد: تعالی رهبری دوراندیش و الهام بخش همراه با ثبات در مقاصد است. مدیریت مبتنی بر فرآیندها و واقعیت‌ها: تعالی مدیریت سازمان از طریق مجموعه‌ای از سیستم‌ها، فرآیندها و واقعیت‌های مرتبط و به هم پیوسته است. توسعه و مشارکت کارکنان: تعالی حداکثر نمودن مشارکت کارکنان از طریق توسعه و دخالت دادن آنها در امور است. یادگیری و بهبود مستمر: تعالی به چالش‌طلبیدن وضع موجود و ایجاد تغییر به منظور نوآوری و خلق فرصتهای بهبود با استفاده از یادگیری است. توسعه همکاری‌های تجاری: تعالی توسعه و حفظ مشارکت‌هایی است که برای سازمان ارزش افزوده ایجاد می‌کند. مسئولیت اجتماعی سازمان: تعالی فراتر رفتن از چارچوب حداقل الزامات قانونی است که سازمان در آن فعالیت می‌کند و تلاش برای درک و پاسخگویی به انتظارات ذینفعان سازمان در جامعه است.

## آزادی خرمشهر؛ اوج شکوفایی عزت ملی

\*\*\*فتح خرمشهر فتح خاک نیست، فتح ارزشهای اسلامی است\*\*\*مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: اشغال و آزادسازی خرمشهر در دوره دفاع مقدس، یکی از نقاط عطف جنگ تحمیلی و حتی تاریخ معاصر ایران است. خرمشهر که سقوط کرد، قلب ملت ایران از کار ایستاد، اما دم مسیحایی حضرت روح‌الله، در کالبد خسته ملت و رزمندگان ما جان تازه دمید و فرزندان انقلابی امام، تصمیم گرفتند که دل او را دوباره شاد کنند و این تلاش مستمر و توأم با مظلومیت ولی همراه با عزت بعد از ماههای متمادی به ثمر رسید و در عملیات بیت المقدس آشکار شد. کوتاه سخن اینکه عملیات بیت المقدس به عنوان برجسته‌ترین عملیات پدافندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تاریخ نظامی ۸ سال دفاع مقدس ثبت شده است. عملیاتی که نتیجه‌ی آن آزادی بود. آزادی خرمشهر. آزادی‌ای که غرور اسلامی و عزت ملی ما رابه اوج شکوفایی خویش رسانید. حال در سال نوآوری و شکوفایی، آزادی خرمشهر به عنوان سندی افتخار آمیز از شکوفایی عزت ملی در این مجال مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقدمه: فتح خرمشهر (سوم خرداد ۱۳۶۱) در تاریخ جنگ ایران و عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خبر آزادی خرمشهر آن چنان شگفت‌آور بود که در سراسر میهن اسلامی ما مردم را به وجد آورد. با اعلام خبر فتح خرمشهر مردم ایران بسان خانواده‌ای بزرگ که فرزند از دست رفته خود را باز یافته است اشکهای شادی و شمع خود را نثار روح شهدای حماسه‌آفرین صحنه‌های شورانگیز این نبرد کردند. برای پی بردن به عظمت این نبرد حماسی کافی است بدانیم که نیروهای متجاوز عراق پیش از نبرد سرنوشت ساز رزمندگان ما برای آزادی خرمشهر در اطلاعیه‌ای به نیروهای خود دستور داده بودند که دفاع از خرمشهر را به



منزله دفاع از بصره، بغداد و تمام شهرهای عراق محسوب دارند. همچنین تجهیزات و امکانات دفاعی دشمن در این منطقه نشان می‌داد که عراق خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ به حساب آورده و قصد داشته است به هر قیمت، این شهر را در تصرف نیروهای خویش نگهدارد. هنگامی که مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس به پایان رسید و رزمندگان ما در اطراف خرمشهر مستقر شدند، رادیوی رژیم بعثی، می‌کوشید در تبلیغات کاذب خود، حضور نیروهای عراق را در خرمشهر به رخ بکشد تا توجیهی برای ترمیم روحیه نیروهای شکست خورده و رو به هزیمت عراق باشد. فتح خرمشهر در زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، موجب شد که بخش قابل توجهی از نیروهای مهاجم عراقی به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی ایران درآیند. نبرد بزرگ، سرنوشت‌ساز و غرورآفرین بیت‌المقدس که برای رها سازی خرمشهر از سلطه نیروهای مهاجم عراقی انجام شد، از دهم اردیبهشت ماه تا چهارم خرداد ما ۱۳۶۰ به طول انجامید. این نبرد حماسی علاوه بر پایان بخشیدن به ۱۹ ماه اشغال بخشی از حساس‌ترین مناطق خوزستان و آزادسازی خرمشهر، ضربه‌ای سهمگین و کمرشکن به توان رزمی و جنگ طلبی‌های دشمن مهاجم وارد ساخت. جغرافیای خرمشهر: شهرستان خرمشهر با مساحت ۴۵۵۲ کیلومتر مربع، در منتهی‌الیه جنوب غربی استان خوزستان و در محل تلاقی رود کارون و اروند در واقع شده و از مهم‌ترین شهرهای این استان است که در ۱۸ کیلومتری شهر آبادان قرار دارد. این شهرستان از شمال به اهواز، از شرق به شادگان، از جنوب به آبادان، و از غرب به اروند رود محدود است. شهرستان خرمشهر به طور کلی دشت و شوره‌زار است و ارتفاعات مهمی ندارد. فقط در جنوب شرقی آن، کوه میشان به ارتفاع ۲۵۰ متر دیده می‌شود. مهم‌ترین رود این شهرستان کارون است که از وسط شهر می‌گذرد و در نزدیکی خرمشهر به اروند رود می‌پیوندد. آب آشامیدنی شهر از رودخانه‌های کارون، اروند رود و بهمنشیر تامین می‌شود. شهرستان خرمشهر دارای دو بخش مرکزی و مینو است و ساکنین آن عموماً به کار در بخش خدمات، کشاورزی (خرما و مرکبات)، حرفه‌های عبابافی و حصیر بافی و همچنین در کارهای صنعتی اشتغال دارند. بندر خرمشهر در آخرین نقطه سرحدی غربی کرانه خوزستان قرار دارد و بار انداز و اسکله‌های آن در کرانه اروند رود، ایران را از عراق جدا می‌کنند. خرمشهر همواره به دلیل موقعیت جغرافیایی و تجاری خود و به دلیل ارتباط با دریای آزاد، ثروت عظیمی را در خود جای داده است. وجود تجارخانه‌های بزرگ و نمایندگی شرکت‌های بزرگ تجاری داخلی و خارجی، و همچنین شرکت‌های بزرگ کشتیرانی، به خرمشهر چهره یک بندر بین‌المللی بخشیده است. به همین دلیل خرمشهر از دو سده قبل، مورد توجه استعمارگران قرار گرفته و تاکنون چندین بار نیز به اشغال قوای خارجی درآمده است، از جمله عثمانی‌ها در سال ۱۹۸۲م، انگلیس در سال ۱۸۵۷ م و ارتش متجاوز عراق در سال ۱۳۵۹ش، به اشغال این شهر اقدام کردند. خرمشهر تا پیروزی انقلاب اسلامی: در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در خرمشهر چندین گرایش سیاسی - اجتماعی فعال بودند: الف) جریان مذهبی - سنتی: کارهای علمی، فرهنگی و خدماتی نظیر امور خیریه، جنبه اصلی فعالیت این جریان را تشکیل می‌داد و به دلیل ارتباط با حوزه‌های علمیه که داشت، جریان نیرومندی بود. این جریان وجود بندری بودن شهر و تردید مداوم افرادی با فرهنگ‌های متنوع اجتماعی که تا حدودی محیط را تحت تاثیر قرار می‌داد و نیز با وجود آلودگی‌های فرهنگی ناشی از آمد و رفت خارجی‌ان و فعالیت شرکت‌های خارجی، موفق شده بود فضای مذهبی را در حد نسبتاً مطلوبی حفظ کند. ب) جریان مذهبی - انقلابی: اینان فعالیت خود را براساس مبنای اسلامیت قرار داده بود و در پیروی از سیاست‌های مذهبی - سیاسی قیام ۱۵ خرداد به وجود آمد. در این جریان عمدتاً نیروهای جوان و پرشور مذهبی فعالیت داشتند. با شروع انقلاب اسلامی، نیروهای مذهبی - انقلاب خرمشهر همانند دیگر شهرها فعال شدند اما به دلیل عدم ارتباط قوی با شهرهایی چون قم، تهران و اصفهان که در مبارزه نقش محوری داشتند، در مبارزه خلل ایجاد می‌شد. در عین حال، حرکات انقلابی به صورت فعالیت‌های فرهنگی و نیز تظاهراتی که غالباً رنگ خشونت می‌گرفت و نیز تحصن و پخش اعلامیه انجام می‌شد. ج) جریان قومی: از سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ ش) در پی اوج‌گیری حرکت‌های ناسیونالیستی و استقلال طلبانه جهان سوم به خصوص با توجه به نهضتی که جمال‌الناصر در مصر رهبری آن را به عهده داشت، در برخی کشورهای عربی خاورمیانه

تشکل‌هایی مبتنی بر ناصریسم شکل گرفت. از آن جمله تشکلی که مدتی بعد با نام (جبهه التحریر) (جبهه آزادی بخش) خوزستان ایجاد گردید، که البته این یکی در اصول به حزب بعث گرایش نشان می‌داد. در شرایطی که از سرکوب حرکت شیخ خزعل در خوزستان سال‌ها می‌گذشت، تاسیس سازمانی که اتکایش بر قومیت عربی بود، آن هم با شعارهای مترقی و با اتخاذ مشی مبارزه با رژیم وابسته شاه توانست در میان عده‌ای از جوانان عرب پایگاهی پیدا کند. این سازمان را عراق در شرایط خاص بین الملل و منطقه‌ای ایجاد کرد و به زودی آن را شکل یک جریان مبارزاتی و پیشرو خارج کرد و به گروهی مزدور مبدل ساخت که ابزاری شد برای اجرای سیاست‌های و مطامع رژیم عراق، از این رو وقتی ساواک موفق به قلع و قمع آن گردید، ماجرا به عنوان جنگ قدرت دو نیروی ضد انقلابی که به نفع یک طرف خاتمه یافته است، پایان پذیرفت و این سازمان نتوانست موجد یک حرکت اصیل باشد. پس از دستگیری و اعدام برخی سران جبهه، سایرین متواری شدند و در کشورهای لیبی، سوریه و عراق مراکزی برای ادامه فعالیت ایجاد کردند. رژیم عراق که پس از حاکمیت حزب بعث، آشکارا از خود تمایل تجاوز به منطقه بسیار با ارزش نظامی، سیاسی و اقتصادی خوزستان را نشان می‌داد، از این گروه به عنوان یک سرویس اطلاعاتی که به تحرکات سیاسی - تبلیغاتی و یا اقدامات خرابکارانه نیز دست می‌زد، استفاده می‌کرد. پس از توافق سال ۱۹۷۵ الجزایر، رژیم بعث تعدادی از عناصر جبهه را به رژیم شاه تحویل داد که برخی اعدام شدند و برخی به زندان‌های طولانی مدت محکوم گردیدند. با این وجود، عراق همچنان برای حفظ و بقای چنین گروهی تلاش می‌کرد تا در موقع مقتضی از آن استفاده کند. سقوط رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی و نابسامانی اوضاع در اوایل انقلاب، سران رژیم عراق را ترغیب کرد که مطامع خود را مجدداً مطرح سازند و حرکات قومی و محلی جدیدی را علیه ایران سازماندهی و تدارک کنند. از این رو دو ماه پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، مراکزی را تحت عنوان (دفاتر جبهه آزادیبخش خوزستان) در بصره و العماره گشود و اقدام به عضوگیری کرد. بنابراین شرایط مناسب برای تشکیل و تقویت یک جبهه ضد انقلاب با محور قومیت ایجاد شد. صف بندی و جبهه بندی این گروه در یکی از بحران‌های جمهوری اسلامی، به اولین درگیری انقلاب اسلامی و بعث عراق شکل داد. در این درگیری رژیم بعثی عراق در پوشش دفاع از قومیت عربی، تا مدتی خرمشهر را در معرض تاخت و تاز قرار داد و تحرکاتی از جمله انفجار و خرابکاری و تجمع نیروهای نظامی در مرزها، انجام داد که در نهایت حاصلی نداشت. پس از فرو نشستن بحران ناشی از تحرکات (خلق عرب) در خرمشهر و شکست رژیم بعثی در استفاده از حضور سیاسی - نظامی گروه‌های وابسته، دوران دیگری آغاز گردید که دوران آمادگی عراق برای ورود به یک جنگ تمام عیار نظامی برای تحقق اهداف خود بود. خرمشهر در آستانه تهاجم عراق : از اواخر شهریور ۱۳۵۹ هر چند خرمشهر هنوز زیر آتش قرار نگرفته بود، اما اوضاع شهر متشنج بود. هر چه آخر شهریور نزدیک تر می‌شد، بر وخامت اوضاع افزوده می‌گردید. با تشدید درگیری در پاسگاه‌های مرزی، اروند رود و پایگاه نیروی دریایی، صدای انفجارهای مکرر، مردم شهر را که نمی‌خواستند جنگ را باور کنند، در تشویش فرو می‌برد. اصولاً برای مردم شهر، قابل تصور نبود که عراق بخواهد در خاک ایران دست به پیشروی بزند و همه معتقد بودند در این صورت حتماً شکست می‌خورد به همین دلیل آن عده که در صدد ترک شهر برمی‌آمدند مورد تمسخر قرار می‌گرفتند. در هفته آخر شهریور با گسترش درگیری‌های مرزی، مشکل دیگر بوجود آمد که بر اوضاع متشنج افزود. به علت آتش دشمن که علاوه بر پاسگاه‌ها، روستاهای مرزی خرمشهر و آسیب دیدن عده‌ای از مردم فقیر و عرب زبان منطقه، روستائیان از کوچک و بزرگ و مرد و زن با احشام خود به سوی خرمشهر سرازیر شدند. نبودن جای مناسب برای آنها، شهر را دچار مشکل جدیدی کرد. روستائیان جنگ زده در شهر سرگردان یا در مساجد تجمع کرده بودند. از سوی دیگر، تلاش بازماندگان گروه‌های موسوم به خلق عرب نیز از عوامل افزایش تشنج بود. در این شرایط، نتیجه اغتشاش داخلی این بود که بخشی از نیروهای سپاه بسیج درگیر مساله امنیت داخلی شوند و نتوانند در کنار دیگر نیروهای فعال در مرز حاضر شوند. در این میان، سپاه خرمشهر به فرماندهی محمد علی جهان آراء، از نقاط اتکاء مردم و از کانون‌های آرامش دهنده شهر محسوب می‌شد. سپاه خرمشهر نیز در این

شرایط هم در مقابله با ضد انقلاب و هم نسبت به حفاظت از مرزها نقش حساس و بار سنگینی بر دوش داشت هر چند که فاقد سلاح و تجهیزات نظامی کافی بود. در پی افزایش درگیری‌های مرزی و با توجه به وضع آشفته مرز و نیز اغتشاشات داخلی خرمشهر، در اردیبهشت ۱۳۵۹، تشکیلاتی تحت عنوان (ستاد اروند) به وجود آمد تا نیروهای نظامی و انتظامی را هماهنگ نموده، تصمیم مشخصی در ارتباط با مسائل مرزی و ضد انقلاب اتخاذ کند. این ستاد از نمایندگان نیروهای نظامی، انتظامی، استانداری و ... تشکیل شده بود و مسئولیت آن را فرمانده تیپ یک لشکر ۹۲ زرهی اهواز (سرهنگ عزیز مرادی) به عهده داشت که تا بیستم تیرماه در این سمت باقی بود و از آخرین وضعیت نیروها، امکانات و موقعیت مرز، اطلاعات کافی کسب کرد و با کشف کودتای نوژه، او که از مهره‌های اصلی کودتا و رهبری شاخه کودتا در خوزستان بود، با قایق از اروند رود عبور کرد و به عراق را نداشت. نه نیروی کافی و کارآمدی بود که کمبود امکانات را جبران کند، نه امکانات و تجهیزات مناسبی که در اختیار اندک نیروی مدافع قرار گیرد و نه فرمانده توانایی از این حداقل توازن، حداکثر بهره را برگیرد. برعکس، ارتش عراق با توجه به برنامه‌ریزی‌های طولانی و اقدامات گسترده، از آمادگی نظامی مناسبی برخوردار بود. یگان‌ها و نیروهای عمل‌کننده‌اش با انجام مانورهای متوالی و فشرده، آمادگی لازم را کسب کرده بودند و تجهیزات و امکانات گسترده‌ای در اختیار داشتند و ارتش عراق با اقدامات وسیع مهندسی، زمین مناطق عملیاتی و معابر وصولی را برای عبور ستون‌های نظامی آماده کرده و امکان پشتیبانی از یک جنگ گسترده و سریع را مهیا ساخته بود. علاوه بر این با استفاده از شیوه‌های رایج اطلاعاتی و شناسایی، اطلاعات لازم از استعداد و گسترش نیروهای نظامی جمهوری اسلامی، وضعیت زمین و عوارض آن را به دست آورده بود و با کمک سران فراری کشوری و لشکری شاه و همکاری اطلاعات کشورهای غربی و منطقه اطلاعات نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را در مورد ایران افزایش داده بود. عراق بخصوص از مدت‌های قبل تحرکات، اقدامات و عملیات متعددی را در مناطق مرزی انجام داده بود و با جزیی‌ترین واکنش‌های خودی در مقابل انواع تحرکات عراق آشنا بود و ارزیابی دقیقی از اوضاع داشت. با نزدیک شدن زمان هجوم، به خصوص در روزهای پایانی شهریور، سیل یگان‌های ارتش عراق با سرعت در مواضع از قبل تعیین شده، مستقر شدند. اشغال خرمشهر: دنیای تقسیم شده به بلوک‌های شرق و غرب هرگونه انقلابی با ماهیت دینی و اسلامی را خلاف منافع خود ارزیابی می‌کرد. از سوی دیگر اسرائیل و کشورهای مرتجع عرب به دلیل عدم مشروعیت مردمی از پیروزی انقلاب اسلامی احساس نگرانی کرده و از تأثیر آن در مسلمانان منطقه هراسان بودند. ادامه نگهداری گروگان‌های آمریکایی نیز به خصومت آمریکا با انقلاب اسلامی می‌افزود. در فروردین ۱۳۵۹ آمریکا رابطه خود با ایران را قطع کرد و پس از ناکامی و شکست در عملیات طبس و کودتای نوژه آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند صدام را در جنگ علیه ایران حمایت کنند. هجوم سراسری عراق علی‌رغم تحرکات نظامی عراق از چندین ماه قبل از هجوم سراسری در مرزها و همچنین پیش‌بینی نیروهای مسلح در مورد وقوع یک جنگ تمام‌عیار، بنی‌صدر که در آن زمان فرمانده کل قوا بود این تحرکات را جدی قلمداد نکرد و هیچ اقدام عملی برای محافظت از مرزها و آمادگی نیروها انجام نداد. عراق هجوم سراسری خود را در ساعت ۱۴ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ با حملات هوایی آغاز کرد و ظرف چند ساعت ۱۹ نقطه مهم از جمله فرودگاه‌های کشور را مورد هدف قرار داد. نیروی زمینی ارتش عراق با استعداد ۱۲ لشکر، ۱۵ تیپ مستقل به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی شامل ۲۰ تیپ مرزی از سه جبهه به خاک ایران تهاجم کرد: ۱- جبهه جنوبی برای تصرف خرمشهر، آبادان، بستان، سوسنگرد، شوش، دزفول و دهلران ۲- جبهه میانی برای تصرف مهران، سومار، نفت شهر، قصرشیرین، سرپل ذهاب و گیلان غرب ۳- جبهه شمالی برای تصرف نوسود و ارتفاعات مرزی میوان. ارتش دشمن از مرز شلمچه تا پل نو را با سرعت طی کرد اما نزدیک پل نو با مقاومت شدید رزمندگان اسلام مواجه شد که اصلاً انتظار آن را نداشت و ضایعات و خسارات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد شد. رزمندگان اسلام در بندر خرمشهر با حمله به نیروهای دشمن موجب عقب‌نشینی آنها تا پل نو شدند و در نتیجه وحشت شدیدی بر دشمن مستولی شد و فرمانده نیروهای دشمن

در خرمشهر، ضمن تقاضای کمک، عدم توانایی در اجرای مأموریت خود را اظهار نمود. هر چند شهامت رزمندگان در تمام دوران مقاومت در خرمشهر ستودنی و غیرقابل توصیف است اما روز ۱۰ مهر جلوه دیگری داشت. در این روز جنگ تن به تن و تانک در آستانه خرمشهر در گرفت در میدان راه آهن، مدافعین شهر، چون صاعقه بر تانک های دشمن فرود آمده و با پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف آنها را یکی پس از دیگری منهدم کردند و دشمن مجدداً اقدام به عقب نشینی کرد. دشمن پس از تقویت نیرو و سازمان دهی جدید و افزایش آتش توانست به داخل شهر نفوذ کند و با عبور از کارون شهر را محاصره کرد. عقبه نیروهای اسلام و محل تدارک، سازمان دهی، استراحت و مداوای مجروحین در مسجد جامع واقع شده بود. به عبارت دیگر مسجد جامع با قدرتمندی، نقش ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می کرد. به تعداد نیروهای داخل شهر نه تنها افزوده نمی شد بلکه تدریجاً با شهادت و مجروح شدن نیروهای موجود هر لحظه از تعداد آنها کاسته می شد. روز ۲۴ مهرماه خرمشهر «خونین شهر» نام گرفت. سرانجام پل خرمشهر نیز مسدود شد و دشمن روز دوم آبان را روز اشغال خرمشهر اعلام کرد و این در حالی بود که هنوز مقاومت نیروها ادامه داشت و مدافعین از زن و مرد و کوچک و بزرگ همگی تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با ۳۴ روز مقاومت خود حماسه آفریدند. دشمن بعضی که در ابتدا تنها دو گردان را جهت تصرف خرمشهر اختصاص داده بود عملاً مجبور شد که به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشهر که از داخل کشور هم به خوبی حمایت نمی شدند و برخی از منافقین هم در داخل شهر کارشکنی می کردند بیش از دو لشکر را به کار بگیرد. صدام که قول تصرف سه روزه استان خوزستان را داده بود، ۳۵ روز طول کشید تا توانست قسمت غربی شهر مرزی خرمشهر را تصرف کند پیامدهای فتح خرمشهر: بررسیهای اجمالی تاریخ جنگ تحمیلی روی هم رفته سه پیامد عمده فتح خرمشهر را به قرار زیر نشان میدهد: الف: تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران: فتح خرمشهر از دیدگاه حامیان عراق به منزله سقوط رژیم عراق و فروپاشی کشورهای منطقه بود. به دنبال موقعیت برتر ایران پس از فتح خرمشهر، در میان آمریکایی ها دو دیدگاه کلی در مورد برخورد با ایران و عراق و مسئله جنگ وجود داشت: اول، کیسینجر و برخی دیگر بر این نظر بودند که با توجه به تبعات ناشی از پیروزی های ایران و تاثیرات آن بر تغییر موازنه در منطقه، لزوماً می باید با دادن امتیاز به ایران، هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم. دوم، برخی دیگر از صاحب نظران آمریکایی عقیده داشتند در حالی که ایران نسبت به عراق در موضع برتری قرار گرفته و نوعی اضطراب و نگرانی در سراسر منطقه مستولی شده است و همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، برقراری هر گونه آتش بس همراه با دادن امتیاز به ایران منجر به تشدید بی ثباتی در منطقه و عراق و به عبارتی گسترش انقلاب اسلامی خواهد شد و این مسئله چیزی نیست که آمریکا نسبت به آن بی تفاوت باشد. رویهم رفته احتمال فروپاشی رژیم عراق و تبعات ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس، چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که جلوگیری از آن، محور همه تلاش ها و اقدامات نظامی و دیپلماتیک کشورهای حامی عراق قرار گرفت. ب: تغییر ماهیت جنگ: جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از شکسته شدن محاصره آبادان (مهرماه ۱۳۶۰)، در حالتی انفعالی و عمیقاً تحت تاثیر ابعاد و اهداف تهاجم عراق داشت. بی ثباتی در جبهه داخلی و فقدان قابلیت نظامی لازم برای بازپس گیری مناطق اشغالی دو مشخصه بارز وضعیت جمهوری اسلامی در این دوره بود. چنین وضعیتی امکان هر گونه تحرک و فعالیت گسترده را از نیروهای نظامی ایران سلب کرده بود با توجه به اهداف آمریکا و عراق از تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران، جنگ در این دوره به منزله اهرم فشار سیاسی و نظامی به ایران، برای سقوط نظامی جمهوری اسلامی و یا مهار و تعدیل این نظام، قلمداد می شد. ابزار لازم برای تحقق هدف یاد شده، علاوه بر حضور نظامی در داخل و نیز در سطح منطقه و بین الملل به ایران بود. در پی تحولات در جبهه داخلی و سپس تاثیرات آشکار آن بر جبهه نظامی، روند تحولات با شکسته شدن محاصره آبادان به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد. در موقعیت جدید، قوای اسلامی با به دست گیری ابتکار عمل در جبهه های نبرد و هجوم های پی در پی به نیروهای عراق، اوضاع

را عمیقاً به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده در این مرحله که منجر به تغییر ماهیت جنگ نیز شد، توانمندی رزمندگان اسلام برای حمله به نیروهای دشمن و آزاد سازی مناطق اشغالی بود. این مهم با جذب و سازمان دهی نیروهای مردمی، گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و تجدید قوای نیروهای ارتش و همکاری و هماهنگی این نیروها با یکدیگر حاصل شد. از این پس ایران در موضعی قرار داشت که آمریکایی‌ها ارائه امتیاز به ایران را به زیان خود ارزیابی می‌کردند و توانایی نظامی ایران و برتری آن نسبت به عراق و پافشاری بر احقاق حقوقش را نگران کننده می‌دانستند. بر همین اساس و مبتنی بر درکی که غرب و شرق از وضعیت جدید و تبعات ناشی از آن داشتند، اقدامات گسترده‌ای به منظور تغییر مجدد اوضاع به سود عراق در دستور کار خود قرار دادند. ج: نگرانی‌ها و اقدامات آمریکا: آمریکایی‌ها بنا به اظهارات کارتر رییس جمهور وقت آمریکا امیدوار بودند که جنگ، ایران را بر سر عقل آورد و نیز پیش بینی آن‌ها مبنی بر اینکه روند فرسایش جنگ و بی ثباتی اوضاع داخل ایران، سرانجام منجر به فرسایش و اضمحلال جمهوری اسلامی و پذیرش شرایط صلح تحمیلی خواهد شد، در برابر پیدایش وضعیت جدید کاملاً غافلگیر و به صورت فزاینده‌ای نگران شدند. روزنامه‌های پرتیراژ آمریکا تماماً طی تجزیه و تحلیل‌های متعدد، وضعیت عراق را اسفبار توصیف کرده و نگرانی خود را از پیروزی‌های قریب الوقوع جمهوری اسلامی در سطح منطقه اظهار و به دست اندرکاران آمریکایی ضرورت برخورد فعال با روند تحولات منطقه را خاطر نشان کردند. نتیجه گیری: اگر امروز در هر شهر و روستا به گلزار شهیدان گذر کنیم و تاریخ نقش بسته بر سنگرها را مرور کنیم، خواهیم دید که مجموعه شهیدان سوم خرداد ۱۳۶۰ الگویی کوچک از ملت مقاوم ایران است که چونان سپهری پر ستاره می‌درخشد. شادیهایی به یاد ماندنی خودجوش و سراسری پس از آزادسازی خرمشهر نیز برگ دیگری از این حماسه ملی بود و نشان داد که مردم سراسر ایران اعم از آن که هرگز خرمشهر را به چشم دیده باشند یا نه چگونه از شنیدن خبر این پیروزی ساعتها به دست افشانی و پایکوبی پرداختند و هزیمت دشمن اشغالگر را از خاک میهن جشن گرفتند. سوم خرداد یک حماسه ملی است؛ اگر حضور ملت در صحنه جبهه‌های دفاع نبود، نه حماسه آن پیروزی تحقق می‌یافت و نه حماسه حضور مردم در جشن پس از پیروزی. لذا به حق می‌توان گفت پاسداشت فتح خرمشهر در گرو پاسداشت حضور مردمی در همه صحنه‌هاست. بی‌شک آزادسازی خرمشهر یکی از درخشان‌ترین و شاخص‌ترین صفحات تاریخ ایران بزرگ است. بازگشت دوباره خرمشهر به آغوش میهن اسلامی با رهبری و فرماندهی روح خدا - که با تمسک به آموزه‌های پیامبر اعظم (ص) بود - و همبستگی ملی و و با حضور آگاهانه و شجاعانه همه مردم در عرصه‌های دفاع از تمامیت ارضی کشور تجلی یافت و اقتدار و پایداری ملت بزرگ ایران را به تمامی دشمنان ثابت کرد. خلق این حماسه ملی مرهون قطره قطره خون شهیدانی است که تا ابد درس شرف و آزادی را برای تمامی آزادی خواهان و عدالت طلبان تفسیر نموده‌اند. و بالاخره پایان این مجال کلام شیوای مرشد فتح است که میگوید: "فتح خرمشهر فتح خاک نیست، فتح ارزشهای اسلامی است. خرمشهر شهر لاله‌های خونین است. خرمشهر را خدا آزاد کرد." از بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (قدس سره) "والسلام" مهدی یاراحمدی خراسانی منابع و مأخذ: ۱- کاظمی، اصغر. خرمشهر در اسناد ارتش عراق. ۲- پیام حضرت امام خمینی (قدس سره) به مناسبت عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر. ۳- اشغال خرمشهر، نشریه بسیج. ۴- خونین شهر تا خرمشهر، جلد اول از مجموعه سیری در جنگ ایران و عراق. ۵- خاتمی، سید محمد، دیدگاههای ریاست جمهوری در مورد دفاع مقدس و جنگ تحمیلی. ۶- موسوی، سید محمد، هشت سال پایداری. ۷- درودیان، محمد، پایان (سیری در جنگ ایران و عراق)، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. ۸- وزیری، معین - بختیاری، نصرت الله، از نبرد بیت المقدس، آزادسازی خرمشهر، نشر سازمان عقیدتی - سیاسی، ارتش جمهوری اسلامی ایران

## مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: کلمات رب، ربنا، ربکم، ربک، ربه، ربها، ربهم، ربی، ربهما، ربکما که در قرآن کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت است و اصل رب تربیت است و آن عبارت از ایجاد شی است تا به تدریج او را به مقصد کمال و تمام رهنمون سازد. با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب، حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است و در کلمات رسول الله (ص) آمده است (بالتعلم ارسلت)، (بعثت معلما)، (بعثت لا تمم مکارم الاخلاق) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن بسوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت‌گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی‌شناسد چرا که علم و حکمت را گمشده مومن می‌داند که نزد هر کس بیابد آن را می‌گیرد. جایگاه معلم در مکتب تعلیم و تربیت اسلامیدر عظمت منزلت و مقام معلم همین کافی است که بزرگ‌ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم (ص) به این ویژگی خود افتخار می‌کرد. آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می‌کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می‌آموختند، افضل دانست و فرمود: «انما بعثت معلما؛ همانا که من به عنوان معلم انسان‌ها مبعوث شده‌ام.» آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می‌فرمود: «اللهم اغفر للمعلمین و اطل اعمارهم و بارک لهم فی کسبهم؛ (کشف الخطا، ج ۱، ص ۴۸) خداوندا! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!» اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می‌کند و می‌گوید: (اب معلمک) یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می‌آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می‌شود باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت گردد. نام معلم چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و رسول الله (ص) فرموده اند: (انما بعثت معلما). رسالت معلمان و مربیانپس از نهاد خانه و خانواده مدرسه مهم‌ترین مکان برای تعلیم و تربیت است جائی که محل بروز و ظهور رسالت خطیر معلمی است که اگر او معلمی کند راه انحراف بسته می‌شود و در زندانها مسدود می‌گردد. مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت‌های مهمی را برای معلم و مربی ترسیم کرده است که در ذیل با آن اشاره می‌شود: ۱- دعوت به سوی خدا و تربیت الهی: یکی از اهداف عالی در دعوت انبیاء که سر لوحه کار آنها محسوب می‌شود دعوت به خدا و تربیت مردم برای حرکت در مسیر کمال معبود است. خداوند متعال از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: (الا تعبدوا الا الله) نخستین دعوت من این است که به جز خدای یگانه را نپرستید. ۲- دعوت به سوی نور و تربیت نورانی: رسالت معلم در جامعه همان رسالت خداوند است که فرموده است: (الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) یعنی خدای تبارک و تعالی ولی مومنین است و آنها را از ظلمات به سوی نور خارج می‌کند. نقش سرپرستی، دلسوزی و خروج آگاهانه افراد از ظلمات به سوی نور به عهده معلم گذاشته شده است، معلم همانند انبیاء که معلم بشریت هستند، بشریت را معلمی می‌کند و چه بسا با تربیت نورانی یک نفر جهانی را متحول کند. ۳- دعوت به سوی اصلاح جامعه و تربیت صالح: در قرآن کریم آمده است (ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله) من جز اصلاح تا آنجا که توانائی دارم و توفیق من جز به خدا نیست. این شعار تربیتی همه ی انبیاء الهی بوده که توأم با عمل تربیتی آنها اسباب اصلاح در تفکر، اندیشه، اخلاق و نظامات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در همه ی ابعاد پدید آورده است. و رسالت معلمی نیز چنین است که با کسب توفیق الهی به اصلاح فرهنگ و تربیت فکر و مغزهای متفکر می

پردازد تا تمامی عرصه های جامعه به سمت اصلاح حرکت نماید. ۴- دعوت به پاکسازی و تربیت اخلاقی: (فقولا- قولاً لینها لعله يتذكر او يخشى) این آیه اشاره لطیفی به این حقیقت است که رسالت انبیاء برای پاکسازی انسان ها و بازگرداندن طهارت فطری نخستین به آنها است. نخستین دستور قرآن برخورد ملائیم و توأم با مهر و عطف انسانى است. هدف آن است که مردم جذب بشوند، متذکر شوند راه پیدا کنند. توقع اصلاح جامعه بدون اصلاح مریبان و معلمان آن جامعه توقعی بی جا و نارواست. لذا پاکسازی و خودسازی را هر کس باید خودش شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد آن وقت به اصلاح دیگران پردازد. تربیت اخلاقی کند و احساس مسئولیت اخلاقی را در همه عرصه ها در مریبان رشد دهد و آنها را متعهد به جامعه اسلامی تحویل دهد. ۵- دعوت به سوی علم و دانش و تربیت قرآنی: رسول الله (ص) فرموده اند: (بالتعليم ارسلت) یعنی من برای تعلیم فرستاده شده ام و باید دانست علم در آیات قرآن به معنی داشتن یک سری اصطلاحات و الفاظ نیست بلکه منظور از علم آن معرفت و آگاهی خاصی است که انسان را به اطاعت پروردگار و ترس و امید از خدا دعوت می کند. اگر در یک قلب تربیت شده این علم وارد بشود عطرش عالم را می گیرد و همه استعدادها در پرتو آن شکوفا می شود و جامعه به سوی اصلاح و کمال حرکت می نماید. و چنین علمی در پرتو تربیت قرآنی میسر می گردد تربیتی که نور علم را در وجود انسان جلوه گر می سازد. اوصاف معلمین از منظر کلام وحی - خلوص نیت: از دیدگاه کلام وحی، جاودانگی هر عملی نیاز به خلوص نیت دارد و بدون این ویژگی اعمال افراد ارزش واقعی نخواهد داشت: «فاعبد الله مخلصا له الدين ﷻ لا لله الدين الخالص (زمر- ۳) پس خدای را با خلوص نیت درعمل به آئین حق، بندگی کن، هان ای انسان! دین و آئین خالص و پاکیزه از آن خدای متعال و برای او است.» بنا بر این اولین گام توفیق در عرصه تعلیم، خالص بودن نیت است و یک معلم شایسته در آموزش متعلمین خود فقط و فقط به خاطر خدا انجام وظیفه می کند. - صلاحیت علمی: بدون علم و آگاهی هرگز کاری سامان نمی یابد و دانستن راه و روش تعلیم از اساسی ترین شرط های شغل معلمی است. ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش- فروتنی و گذشت: از ویژگی های معلمان موفق، تواضع و گذشت آنان در مقابل خطاهای شاگردان می باشد. عفو و گذشت یک معلم از خطاهای متعلمین می تواند هم شخصیت معلم را در برابر دانش آموزان محبوب و دوست داشتنی جلوه دهد و هم درس عملی خوبی برای آنان باشد. سخن پایانیقرآن کریم به عنوان چراغ پر فروغ که کاملترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد در آیات نورانش مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبایی هرچه تمام ترسیم نموده است و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی نموده که به پیامبرش در آغاز بعثت فرمود: (اقراء باسم ربك الذی خلق) و اینچنین مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان مکتبی ممتاز، مستقل و با مبانی و اصول مشخص پدیدار گردید که در این مکتب علم و دانش، معلم و متعلم (شاگرد و مربی) و مدرسه و مکتب خانه از جایگاه بسیار ارزشمند و رفیعی برخوردارند. در نظام تعلیم و تربیت اسلام معلم مسؤل تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می آید و مسؤل تمام انسان هائی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس نماید و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح و صالحه خواهند بود و اگر در این میان معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف نسلها و عصرها می گردد و جامعه ای را به خرابی می کشاند و همه سعادت ها و همه شقاوت ها از مدرسه هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است. روزنامه رسالت

## غفلت جایز نیست

!مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: انسان نیازمند آن است که خداوند مهربان در هر حالی او را هدایت نموده از غفلت درامان نگه دارد. زمانی که از یوسف (ع) پرسیدند چرا گناه نکردی؟ فرمود: «وما یری نفسی ان النفس لاماره بسوء الاما رحم ربی انربی غفور رحیم» و من خودستایی نمی

کنم و نفس خویش را از عیب و تقصیر میرانمی دانم (زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا وامی دارد) جز آن که خدا به لطف خاص خود آدمی را نگه دارد که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است. خداوند متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم، به کلمه "غفلت" اشاره فرموده و مسلمانان را از آن نهی کرده است. مقدمه ملاک ارزش اعمال انسان وابسته به میزان آگاهی اوست. هر قدر کارهای انسان آگاهانه تر باشد و نسبت به کار خود توجه و شناخت بیشتر داشته باشد آن کار انسانی تر است و هر اندازه کار به انگیزه غرایز و امیال حیوانی که طبعاً در آنها شناخت و آگاهی هم کم تر است انجام گیرد آن کار کم ارزش تر است و انسان را به حیوانیت نزدیک می کند. شاید همین باشد که در قرآن کریم داریم: کسانی که از حیوانات پست ترند اهل غفلت اند و آگاهیندارند. پس غفلت و ناآگاهی انسان را آن قدر تنزل می دهد و پست می کند که از حد چهارپایان هم فروتر می رود. ظاهراً غفلت و ناآگاهی در زندگی انسان فراوان است و هر اندازه انسان در فکر اشباع غرایز حیوانی باشد از آگاهی انسانی دورتر می شود، تا آنجا که خدا را فراموش می کند، خدا هم به واسطه کفران این نعمت و عقوبت این گناه خودش را از یادش می برد. یعنی انسان از خودش هم غافل می شود و دیگر توجه ندارد که کیست و کجاست و از کجا آمده و کجا خواهد رفت. عیناً مثل حیوانی که فقط چشمش به پر کردن شکم و توابع و لوازمش است. غفلت چگونه انسان را در بر می گیرد؟ "غفلت" از آفات ایمان و شاید نخستین آفت آن است. همچنین استمرار غفلت نیز، موجب "تکبر" و "انحراف" می گردد. در حقیقت، کردار ناشایست و ناپسند و انواع گناهان آثار بدی روی حس تشخیص وقوه درک انسانی گذارد و سلامت فکر را به تدریج از او می گیرد. هر اندازه، شخص در اینراه فراتر رود، پرده های غفلت و بی خبری بر دل، چشم و گوش او محکم تر میشود و سرانجام کارش به جایی می رسد که چشم دارد و گویی نمی بیند، گوش دارد و گویی نمی شنود و مانند اینکه دریچه روح او به سوی حقایق، بسته شده و حس تشخیص که برترین نعمتهاست از وی گرفته شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم زیرا دل هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند، آری آنها همان غافل ماندگان هستند. (سوره اعراف ۱۷۹) غفلت از نگاه قرآن کریم در فن اخلاق، غفلت به عنوان "مانع" و بیداری به عنوان "شرط لازم" تهذیب نفس و سیر و سلوک شمرده شده است. مقدمه واجب سیر و سلوک آن است که انسان توجه کند که "ناقص" است و باید "کامل" شود و "مسافر" است و به زاد و راحله و راهنما نیاز دارد و بدیهی است که اگر کسی غافل باشد و نداند مسافر است، در جای خود می ماند. توجه بدین نکته ضروری است که خداوند بزرگ کسی را به خاطر ستم هایش و در حال غفلت، پیش از فرستادن پیامبران مجازات نمی کند و این به این معنی است که کیفر دادن آنها در این حال ظلم و ستم است و خداوند برتر از آن است که درباره کسی ستم روا دارد. از نگاه کلام خدا "غفلت" ریشه انحرافات و کژی هاست که سبب می شود انسان تنها ظاهری از زندگی دنیا را درک کند و به باطن و حقیقت آن، که همان آخرت است توجه نداشته باشد؛ یعلمون ظاهراً من الحیاه الدنیا وهم عن الآخره همغافلون. (سوره روم ۷) برخی از موارد مربوط به غفلت که در قرآن به آن اشاره شده است به شرح زیر است: الف) نکوهش غفلت: وان کثیراً من الناس عن ایاتنا لغافلون؛ بسیاری مردم، از آیات و نشانه های ما غافل اند. (سوره یونس ۹۲) ب) نهی از غفلت: ولا تکن من الغافلین؛ هرگز از غافلان و بی خبران از یاد خدا مباش. (سوره اعراف ۲۰۵) مهمترین عوامل غفلت امام صادق (ع) در توصیف قلب سلیم می فرمایند: "قلب سلیم، قلبی است که خدا را ملاقات کند، در حالی که هیچ کس جز او در آن نباشد" و این همان قلبی است که از هر گونه بیماری و فساد خالی باشد. چنین قلبی بر اساس روایت پیامبر اکرم (ص)، "اگر شیاطین، قلوب فرزندان آدمی را احاطه نکنند، می تواند به جهان ملکوت نظر افکند". (میزان الحکمه، ج ۱) در قرآن کریم مهمترین عوامل غفلت به شرح زیر ارائه گردیده است: ۱- روی گردانی از یاد خدا: هر کس از یاد پروردگار خود دل برگرداند، وی را در قید عذابی (روز) افزون در آورد. (سوره جن ۱۷) ۲- فراموش کردن خدا: و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کرده اند و او (نیز) آنان را دچار خود فراموشی کرد، آنان همان بدکاران هستند. (سوره هشر ۱۹) ۳-



عدم ایمان: و آنان را از روز حسرت بیم بده، آن گاه که داوری انجام گیرد و حال آن که آنها (اکنون) در غفلت هستند و سر ایمان آوردن ندارند. (سوره همیم ۳۹/۴) - فراموش کردن روز حساب: در حقیقت، کسانی که از راه خدا به در می روند، به سزای آنکه روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت خواهند داشت. (سوره هص ۲۶/۵) - دروغ انگاشتن آیات خدا: آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلتورزیدند. (سوره اعراف ۱۴۶/۶) - فراموش کردن مرگ: به او می گویند واقعا که از این حال سخت در غفلت بودی، ولی ما پرده ات را از جلوی چشمانت برداشتیم و دیده ات امروز تیزاست. (سوره ق ۲۲/۷) - همنشینی با دوستان ناباب: ای وای! کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم! او بود که مرا به گمراهی کشانید؛ پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است. (سوره فرقان ۲۸/۲۹) - ۸ - غفلت از آیات الهی: کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته اند و کسانی که از آیات ما غافل هستند. آنان به کیفر آنچه به دست می آورند، جایگاهشان آتش است. (سوره یونس ۸/۷) - ۹ - کفر: آنان کسانی اند که خدا بر دل و گوش و دیدگان شان نهاد هو آنها همان غفلان می باشند. (سوره نحل ۱۰۸/۱۰) - ۱۰ - علاقه افراطی به اموال و اولاد: ای کسانی که ایمان آورده اید، [زنها را] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگرداند، البته کسانی که در اثر توجه به امور دنیا از یاد خدا غافل می شوند، آنها، همان زیانکاران هستند. (سوره منافقون ۹/۹) چگونگی درمان غفلت انسان های بی بصیرت، از هدف، خدا، خود، امکانات، آخرت، نشانه ها، قانون ها و نعمت های خداوندی و گناهان خویش غافل هستند. برای آنکه انسان بتواند از غفلت در امان باشد باید با تمرین تقوا و رعایت مواردی از بروز آن جلوگیری نماید. مهمترین موارد درمان غفلت ذکر خدا، خواندن قرآن، یاد نعمت ها و نعمت دهنده، عبرت از تاریخ پیشینیان، یاد مرگ، یاد قیامت و ... می باشند. بعد از دوری از غفلت برای دستیابی به قلب سلیم می بایست نسبت به آرامش و پاکی دل، شرح صدر، ارتباط با علمای صالح، خودسازی، پرهیز از گناه و بویژه، پرهیز از غذای حرام، عادت دادن خود به کارهای نیک اقدام نموده تا همواره مورد توجه حضرت دوست باشیم. سخن پایانی همان طور که غفلت انسان را از سرحد انسانیت تنزل می دهد، توجه و آگاهی به خود، جهان و خدا، انسان را به درجات معرفتی بالایی رساند. غفلت - که یکی از موانع سیر انسان به سوی خداست - از نظر فرهنگ دین، رجس و چرک است. امیرالمومنین (ع) می فرماید: «الغفله ضلال النفوس» غفلت، گمراهی جاناست. باید توجه داشته باشیم که صرف نیت اولیه برای یک کار کافی نیست که آن کار سالم انجام بگیرد و به نفع انسان تمام شود، بلکه باید تا آخر کار، اخلاص داشته باشد و غافل نشود. از این رو در دعای ابو حمزه آمده است که خدایا پناه می برم از آن کاری که برای تو آن کار را شروع کردم و بعد عارض شد برای من چیزی که من را از آن راه حق و هدف صحیح منحرف و منحرف کرد. هر قدر انسان از نعمت هایی که خدا به او داده بیشتر بهره برداری کند و چشم و گوش و دل و قلب و وسایل ادراک و فکر خود را در راه حقیقت به کار بیندازد به مرز انسانیت نزدیک تر می شود. این یکی از مهم ترین مسائلی است که انبیا و اولیای خدا و مصلحانی که از طرف خدا برای اصلاح جامعه ها آمده اند بر آن همواره تکیه داشته اند. روزنامه رسالت

## جایگاه تفکر و تعقل در دین

مهدی یاراحمدی خراسانی

مقدمه: اهمیت تفکر و تعقل در زندگی آدمی تا بدان جااست که از آن به عنوان وجه تمایز اصلی انسان و سایر جانداران نام می برند. در واقع آنچه انسان را از سایر موجودات متمایز می سازد توانایی عظیم قدرت تفکر و تعقل اوست. این واقعیت که: «هر فردی تا چه میزان از عقل خود در راه تعالی و در مسیر عمل استفاده می نماید؟» یکی از عوامل اساسی می باشد که از طریق آن انسان ها در جوامع مختلف بشری محک خورده و توسط دیگران مورد ارزیابی قرار می گیرند. اگر بخواهیم به صورت کلی نگاهی به رابطه عقل و دین هم داشته باشیم باید به این نکته اشاره نماییم که دین ضمن تائید عقل به عنوان یکی از راه های اساسی شناخت

همواره از آن برای درک صحیح مسائل و قواعد دینی و فقهی بهره می‌گیرد. بر همین اساس متکلمین و اصولیون، تلازم عقل و شرع را قاعده ملازمه می‌نامند و می‌گویند: کل ما حکم به العقل حکم به الشرع. یعنی هر چه عقل حکم کند شرع هم طبق آن حکم می‌کند. تعریف تفکر و تعقل تفکر به معنای دقیق و صحیح کلمه، ویژگی اساسی انسان را تشکیل می‌دهد. «تفکر و تعقل» به معنای؛ «به کار گرفتن نیروی عقل و اندیشه برای استنتاج امور مثمر ثمر است»؛ چنانکه «تفکر علمی»، یک «نظر علمی» را نتیجه می‌دهد. عقل یکی از منابع چهارگانه احکام است. مقصود این است که گاهی ما یک حکم شرعی را به دلیل عقل کشف می‌کنیم. یعنی از راه استدلال و برهان عقلی کشف می‌کنیم که در فلان مورد فلان حکم وجوبی یا تحریمی وجود دارد و یا فلان حکم چگونه است و چگونه نیست. حجیت عقل، هم به حکم عقل ثابت است (آفتاب آمد دلیل آفتاب) و هم به تائید شرع. اساساً ما که حقانیت شرع و اصول دین را به حکم عقل ثابت می‌کنیم، چگونه ممکن است از نظر شرعی عقل را حجت ندانیم. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «لا یستعان علی الدهر الابالعقل». تنها از طریق عقل می‌توان بر زمانه پیروز شد. حل مسائل شخصی، اجتماعی، بین‌المللی و تحکیم مناسبات انسانی و... در سایه تفکر میسر است. تعقل و تفکر دینی تعقل و تفکر در دین شریف اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در تعلیمات خود، برای رسیدن به مقاصد و معارف اسلامی سه راه را در دسترس پیروان خود قرار داده است: الف - ظواهر دینی ب - حجّت عقلی (تفکر فلسفی) و ج - درک معنوی. در دین مبین اسلام علاوه بر عبادات بدنی (چون نماز و روزه) و مالی (چون خمس و زکات) نوع دیگر از عبادت وجود دارد که عبارت است از: «عبادت فکری». که اگر در مسیر بیداری و آگاهی بخشی انسان به کار گرفته شود، از سالها عبادت بدنی هم برتر می‌باشد. دین ما نه تنها با قدرت تعقل و تفکر مخالفت و مبارزه نکرده، بلکه تقریباً در تمام جهات از آن کمک و تائید خواسته و به نحو عجیبی هم بر آن تاکید نموده است. ارزش واقعی دین مبین اسلام و انطباق آن با فطرت در همین جا مشخص می‌شود. درحالی که ادیان دیگر، قوه عقل انسان را حتی در جزئی‌ترین مسائل راکد و منجمد نگه داشته‌اند، اسلام آن قدر آن را محترم و آزاد دانسته که حتی درباره اصول عقیدتی خود - که تحصیل آنها بر همگان مفروض است - نه تنها تقلید و تعبد را ناکافی و مردود دانسته، بلکه خوان تعقل و تفکر انسان را نیز در ساحت آن گسترده و الزام داشته که هر فردی، مستقل و آزادانه صحت آنها را کسب کند. پیش از اسلام، دین را به عنوان حقیقتی در تضاد با عقل می‌دانستند. علی‌الخصوص در تعالیم آیین تحریف شده مسیحیت، این طرز فکر غلط وجود داشته و دارد. آنان معتقد بوده و هستند که دین امری ربانی است و انسان را توان و اجازه تفکر در آن نیست و از همین روی زمینه انسداد فکری و بن بست عقلانی در عالم مسیحیت به وجود آمد و آنچه که امروز شاهد آنیم به وقوع پیوست! تفکر و تعقل دینی نیز مانند سایر تفکرات منبع و ماخذی می‌خواهد تا مواد فکری از آن سرچشمه بگیرد. منبع و ماخذ تفکر و تعقل در اسلام، همانا قرآن کریم مدرک قطعی و همیشگی پیامبر اعظم (ص) می‌باشد. مصادیقی از جایگاه تفکر و تعقل در قرآن کریم انسان را به تفکر و تعقل دعوت نموده و ایمان را بر پایه آن می‌داند و بر همین اساس موضوعاتی که شایسته تفکرند بیان می‌فرماید. با مطالعه آیات مذکور می‌توان پی برد که قرآن، تفکر در چه موضوعاتی را توصیه کرده است. این موضوعات را می‌توان از دیدگاه قرآن به دو بخش کلی تقسیم کرد:

- ۱- آیات انفسی (خودشناسی) ۲- آیات آفاقی (جهان‌شناسی، تاریخ‌شناسی و آگاهی از سنن و نظامات الهی) که برخی از مصادیق آن به شرح ذیل نقل می‌گردد ۱- قرآن کریم به اشکال مختلف جایگاه بلند متفکران و دانشمندان را تذکر داده است: (زمر / ۹ - مجادله / ۱۱ ۲- انسان را به تفکر در آفرینش و تفکر در خودشان دعوت کرده است: (آل عمران / ۱۹۱ ۳- در بسیاری از آیات، بدون اینکه صریحاً مردم را به تفکر دعوت کند، استدلال عقلی آورده می‌شود؛ و بدون اینکه اعتبار تعبدی خود را لحاظ کند با منکران احتجاج می‌کند: (هود / ۳۵- انبیاء / ۲۲- مومنون / ۴۹۱- در ده‌ها آیه نشانه‌های خود را با هدف به تفکر واداشتن مردم بیان می‌نماید. تعابیری چون: (لعلهم یتفکرون، لعلکم تتفکرون، افلا تتفکرون، لقوم یتفکرون) و یا تعابیری چون: (افلا تعقلون، افلم تکنونوا تعقلون، لعلکم تعقلون، ان کنتم تعقلون، لقوم یعقلون، افلا یعقلون) که هر یک از آنها چندین بار تکرار شده است. عناصر و

محورهای تفکر و تعقل از دیدگاه قرآن کریم، سه منبع اصلی برای تفکر وجود دارد: ۱- طبیعت (تفکر و تعقل در طبیعت عالم)، ۲- تاریخ و ۳- ضمیر انسان. انسان‌ها به صورت فطری خود قادر به تفکر هستند. با این تفاسیر منطقی‌ها تفکر انسان را دارای دو عنصر اساسی می‌دانند: ۱- مواد تفکر (دانسته‌هایی که انسان از قبل آموخته و می‌خواهد توسط آنها به مطالب جدیدی دست یابد) ۲- شکل تفکر (چینش و نظمی که متفکر به دانسته‌های قبلی خود می‌دهد تا به طور صحیح به نتیجه برسد) اصول تفکر و تعقل قرآن کریم آشکارا بر استقلال قوه عقل تاکید و آن را در حکم غربال و وسیله هدایت معرفی می‌فرماید و آن‌گاه این «هدایت عقلی» را «هدایت الهی» می‌داند. اما برای تفکر و تعقل صحیح اصولی مطرح است که عمده‌ی آن به شرح زیر است ۱- اقامه دلیل و برهان روشن: از فحوای آیه شریفه ۱۲۶ سوره مبارکه «نحل» چنین مستفاد می‌شود که پذیرفتن هرادعایی منوط است به اقامه دلایل روشن ۲- پشتوانه علمی: مایه تفکر، علم است و امر به هر چیزی، امر به مقدمه آن است و چون تفکر بدون علم میسر نیست لذا امر به تفکر، خود امر به سرمایه آن (کسب علم) نیز هست ۳- ژرف نگری: تفکر اگر سطحی و پراکنده باشد، فایده و اثری بر آن مترتب نیست ولی اگر مبتنی بر مطالعات و آزمایش‌ها و حسابگری‌های دقیق باشد، بسیار مفید خواهد بود ۴- دوری از تعصب: حقیقت جویی منزّه از جزم اندیشی و تعصب کور و جاهلان است آفات تفکر و تعقل قرآن کریم عقل را مبرا از خطا و اشتباه ندانسته و آفات آن را مشخص نموده است ۱- تکیه بر ظن و گمان به جای علم و یقین: یکی از عوامل عمده اشتباهات عقل پیروی از ظنات (به جای پیروی از یقینات) است. ۲- پیروی از امیال و هواهای نفسانی: قرآن کریم امیال و هواهای نفسانی را نیز یکی از عوامل لغزش عقل برمی‌شمارد ۳- شتابزدگی: شتاب و تعجیل، یکی از لغزش‌های اندیشه است ۴- سنت‌گرایی: مشکلی که تمامی پیامبران الهی در امر دعوت با آن مواجه می‌شده‌اند، استناد جاهلان به عقاید آباء و اجدادشان بوده است ۵- پیروی از اکثریت: تصمیم اکثریت نمی‌تواند ملاک درستی برای تصمیم‌گیری باشد ۶- شخصیت‌گرایی: قرآن کریم همه افراد بشر را به استقلال رای و فکر دعوت می‌کند و پیروی کورکورانه را موجب شقاوت می‌داند. سخن پایانی عقل «یکی از مواهب الهی و استعداد مخصوصی است که خداوند متعال به انسان عنایت فرموده تا با بهره‌گیری از آن بتواند در مسیر زندگانی خود، راه سعادت و رستگاری را از طریق آن طی نماید. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «خداوند متعال به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است». همچنین تفکر منطقی عبارت است از بررسی فعال، مداوم و دقیق هر عقیده یا هر شکل فرضی دانش، با توجه به دلایلی که آن عقیده را تائید می‌کنند و نتایج بیشتری که این عقیده به آنها گرایش دارد

## بایسته‌های جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره؛ نامگذاری سال ۹۰ با عنوان سال «جهاد اقتصادی» نشان دهنده اهمیت و وزن اصلاحات و تحولات اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری است. حال اگر بخواهیم به اختصار این رویکرد را واکاوی کنیم باید دقت در تعبیر به کار برده شده توسط ایشان با عنوان «جهاد اقتصادی» داشته باشیم. عبارت جهاد اقتصادی به دلیل استفاده از واژه «جهاد» در دو بعد دینی و وظیفه محور برای هر ایرانی حائز اهمیت است. بعد وظیفه محوری به لحاظ مردمی بودن آن و سهم توده مردم در این حرکت بسیار اهمیت دارد چرا که شکل‌گیری اصلاحات اقتصادی از یک موضوع دانشگاهی و نخبگی وارد فاز مردمی و به عنوان یک وظیفه عمومی ترسیم شده است. نگاهی به مفهوم جهاد اقتصادیدر باب مفهوم و نسبت دو کلمه جهاد و اقتصاد دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول: مفهوم جهاد اقتصادی و خصوصاً کلمه جهاد یک تعبیر استعاره گونه و دارای معانی و دلالت‌های خاصی است. کلمه جهاد به نوعی تلاش مقدس اطلاق می‌شود و یکی از کلماتی است که در گفتمان دینی ما معنا پیدا می‌کند و همیشه صبغه تقدس را در درون خودش دارد. این یکی از پیام‌های بزرگ انقلاب است که مسائل معنوی و مادی و یا به عبارتی حسنه دنیا و آخرت چگونه می‌توانند با هم،

همراستا شوند اگر مسئولان از ظرفیت های معنوی، انسانی و فرهنگی کشور به درستی استفاده کنند ما می توانیم از کلمه جهاد برکات زیادی را نصیب این مرز و بوم کنیم. نکته دوم: در گفتمان دینی ما کلمه جهاد در کنار کلماتی مانند هجرت ایمان، عبادت و... پازل گفتمان و دینی را تکمیل می کنند. در برخی موارد مفاهیم دینی به ما اشاره می کند که باید موانع را دور زد اما کلمه جهاد همیشه برخورد با مانع و رفع مانع را مورد توجه دارد. در همین راستا یکی از استراتژیهای مهم در سال جهاد اقتصادی شناسایی موانع اقتصادی کشور است. نکته سوم: هرگونه جهادی نیازمند دیده بانی و رصد دقیق است در همین زمینه اقتصاد دانان کشور باید افق ۲۰ ساله آینده اقتصاد دنیا و همچنین مزیت های نسبی کشور را رصد کرده و شناسایی کنند. نکته چهارم: یکی دیگر از استعاره هایی که کلمه جهاد برای ما به ارمغان می آورد بحث نقشه و طرح است، هر جهادی نیازمند طراحی نقشه عملیاتی است و این امر در واقع خواسته ای است که از سوی مقام رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی مطرح شد. نکته پنجم: پنجمین نکته در خصوص مفهوم جهاد اقتصادی مسائل مربوط به آرایش جهادی است. دستگاه های اجرایی کشور، دستگاه های قانونگذار، نهادهای قضائی، بخش های مردمی، بخش های غیر انتفاعی و خصوصی کشور باید با یک راهبردی که از سوی دستگاه های سیاستگذار مشخص می شود یک آرایش جهادی به خود بگیرد. آموزش نیروها نیز آخرین نکته در باب مفهوم جهاد اقتصادی است. اگر در هر عملیاتی آموزش نیرو نداشته باشیم و نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم در صحنه جهاد دچار مشکل خواهیم شد. چرا جهاد اقتصادی انتخاب واژه جهاد اقتصادی به جای واژه های دیگر همچون تلاش، جهش، حرکت و...، خود دارای پیام و معنای خاصی است، آنچه از این عنوان استنباط می شود حاوی دو نکته مهم است. ۱) تلاش های اقتصادی سال های گذشته قابل انکار نیست چرا که از پیروزی انقلاب تاکنون حرکت های اقتصادی بسیار زیادی را شاهد بوده ایم. ۲) تفاوت بین جایگاه و نقش اقتصاد در نظام مردمسالار دینی با نظام های غربی لازم است رعایت شود چرا که مبانی فکری نظام های سرمایه داری با مبانی اسلامی متفاوت است، جهان، انسان، ثروت، طبیعت و در مجموع رفتار اقتصادی در منظر اسلام با منظر نظام سرمایه داری غربی کاملاً مغایر و متماز است. سود و سود پرستی زیاده خواهی، اسراف و تبذیر، ظلم و استثمار، طبیعت اولیه فعالیت های اقتصادی غیر اسلامی است در حالی که فعالیت اقتصادی در نگاه اسلام به عنوان ابزاری در راستای ارتقاء و تعالی و کمال باید دارای صبغه و روح الهی و انسانی باشد. پاتک های احتمالی دشمن در جهاد اقتصادی یکی از طرفند هایی که دشمن در سال های اخیر در خصوص نظام اسلامی جامعه ما سرمایه گذاری کرده است ناکارآمد جلوه دادن نظام است. دشمن در واقع سعی کرده است تا نظام دینی و الگویی حکومت مردمسالارانه دینی را ناکارآمد جلوه دهد که خوشبختانه در عرصه های مختلف که دشمن این امر را مطرح کرده است با شکست روبه رو شده است. همچنین برنامه های دنباله دار و سریالی رسانه های خارجی دائماً تأکید داشته اند که تحریم های اقتصادی چه مشکلات عدیده ای را برای کشور ما به وجود آورده است. البته این تحریم ها برای ما عاری از مشکل نبوده اما هر تحریمی طبق تئوریهای اقتصاد بین الملل فرصت های مناسب و مزیت های نسبی را نیز به همراه دارد. سخن پایانی امروز دنیای غرب قصد جلوگیری از پیشرفت ما را کرده است. آنها می خواهند با تحمیل تحریم و جلوگیری از پیشرفت ملت ایران، استقلال و عزت ما را هدف قرار دهند. حال که رهبر انقلاب با ایستادگی های خود فضای جهادی جدیدی را برای جوانان و ملت ایران آماده کرده است باید قدر آن را دانسته و تمام همت و نیروهای خود را برای شکست طرح های ظالمانه غرب علیه کشور عزیزمان بسیج کنیم.

## هوش هیجانی و مدیریت رفتار اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

هوش یکی از مهمترین سازه های فرضی است که از زمان مطرح شدن آن توسط آلفرد بینه در اوایل قرن بیستم همواره برای تبیین موفقیت شغلی و کارایی به کار رفته است. هوش یکی از مهمترین سازه های فرضی است که از زمان مطرح شدن آن توسط آلفرد

بینه در اوایل قرن بیستم همواره برای تبیین موفقیت شغلی و کارایی به کار رفته است. امروزه محققان علوم رفتاری دو صورت هوش عقلانی و هیجانی را ارائه می دهند. که این در واقع تقابل دو بعد رفتاری انسان به نام های احساس و منطق می باشد. امام علی (ع) می فرماید: «به هنگام خشم نه تنبیه، نه تصمیم و نه دستور». این فرمایش بر کنترل رفتار و احساسات در هنگام هیجانات تأکید دارد. ● مفهوم هوش هیجانی (عاطفی) هوش هیجانی، یعنی به جای اینکه فقط منطق در تصمیم گیری ها مؤثر باشد، از احساسات هم استفاده کنیم. در مورد هوش عقلانی و مزایای آن بسیار سخن گفته شده است. اما هوش عاطفی اصطلاحی است که در مورد آن کمتر شنیده ایم. در حالی که اثرات آن بر رفتار انسان فراوان و شگفت انگیز است. هوش عاطفی همچنین نقش موثری در آرامش انسان دارد. هوش عاطفی توانایی برای مدیریت اضطراب و کنترل تنش ها و انگیزه، امیدواری و خوشبینی در مواجهه با موانع در راه رسیدن به هدف است. در واقع این هوش عاطفی است که می تواند هوش عقلانی را به کار گیرد و در جهت مقصودش به پیش برود. شاید تا کنون افراد باهوش زیادی را دیده باشید که نه در شغل و کارشان و نه در روابط خانوادگی و روابط بین فردیشان و نه در تفریح و عشق ورزیدنشان و ... موفقیتی حاصل نکرده اند. و کسانی را هم می شناسیم که علی رغم اینکه از هوش سرشاری برخوردار نیستند زندگی آرام و موفق داشته اند و حتی به سطوح بالای موقعیت ها اجتماعی دست یافته اند. ● هوش هیجانی در گذر زمانارسطو اولین کسی بود که دو واژه احساس و منطق را در کنار هم قرار داد. او مثال می زند: "عصبانی شدن آسان است، اما عصبانی شدن نسبت به فردی به صورت درست، تا حد معقول و درست در زمان درست و به دلیل درست، کاری ساده نیست." هوش عاطفی زمانی مورد توجه قرار گرفت که دنیل گولمن در سال ۱۹۹۵ کتاب خود را با عنوان "چرا هوش عاطفی می تواند مهمتر از IQ باشد"؟ به چاپ رساند. تا نزدیک به صد سال پس از ظهور علم روان شناسی، روان شناس ها وقتی که از "هوش" حرف می زدند، منظورشان هوش منطقی بود. آنها روز به روز، تست های هوششان را پیشرفته تر می کردند تا چیزی که به عنوان IQ (بهره هوشی) از آن در می آوردند، دقیق تر و دقیق تر باشد. آنها می گفتند که هر چه بهره هوشی بالاتری داشته باشید، موفقیت بالاتری کسب می کنید؛ اما تجربه عموم مردم، چیزهای دیگری می گفت. IQ در بهترین حالت، می توانست موفقیت تحصیلی یک نفر را تضمین کند. چه قدر آدم، دور و بر ما هستند که بهره هوشی چندان بالایی ندارند، اما بسیار آدم های موفق هستند! آنها از چه هوشی برای پیش بردن کارهایشان استفاده می کنند؟ این سئوالی بود که در نهایت، در دهه ۱۹۹۰ میلادی، ذهن روان شناسان را هم مشغول خودش کرد. پیتر سالووی، اولین نفری بود که اصطلاح هوش هیجانی «EQ» را برای ویژگی این آدم ها به کار برد؛ اصطلاحی که رابطه تنگاتنگی با "شادکامی" و "خوشبینی" داشت. ● مهارت های هوش عاطفیهوش عاطفی مجموعه ای از مهارت ها در ارتباط با مواردی از قبیل؛ شناخت احساس خود، کنترل احساس خود، برانگیختن و به هیجان آوردن خود، شناخت احساسات دیگران و تنظیم روابط با دیگران می باشد. هر کدام از شاخصهای پنج گانه فوق مباحث عمده ای در روانشناسی کاربردی و وروانشناسی علمی دارد. برای سال های متمادی تصور بر این بود که "IQ" یا ضریب هوشی نماینده میزان موفقیت افراد است. اما در دهه اخیر محققان در یافتند که IQ تنها شاخص ارزیابی موفقیت یک فرد نیست. آنها در حال حاضر مشغول تحقیق درباره "EQ" یا "هوش عاطفی" هستند. در ابتدای پیدایش این سازه، روانشناسان بیشتر بر روی جنبه های شناختی همانند حافظه و حل مسئله تأکید می کردند. اما خیلی زود دریافتند که جنبه های غیر شناختی مانند عوامل عاطفی و اجتماعی نیز دارای اهمیت زیادی هستند. بعضی پژوهشگران بر این عقیده اند که IQ در خوشبینانه ترین حالت ۱۰ الی ۲۵ درصد از واریانس متغیر عملکرد را تبیین می کند. هوش عاطفی یا هوش اجتماعی شامل ۴ مهارت در ارتباط با خود، دیگران، آگاهی و اقدام است. که با ترکیب این ها، مؤلفه های بنیادی هوش عاطفی به دست می آید. بحث برانگیزترین حوزه ای که مبحث هوش عاطفی در آن وارد شده، حوزه مدیریت و مباحث سازمانی است. تحقیقات نشان می دهد هوش عاطفی در سازمان و مخصوصاً در حوزه مدیریت، اهمیتی فراتر از هوش منطقی یافته است. محققان دریافتند در محیط کار- یعنی محیطی که اغلب به عقل توجه می شود تا

قلب و احساسات- نه تنها مدیران و روسای شرکت ها نیازمند هوش عاطفی هستند، بلکه هر کسی که در سازمان کار می کند، نیازمند هوش عاطفی است. اما هر چه در سازمان به سمت سطوح بالاتر می رویم، اهمیت هوش عاطفی در مقایسه با هوش عقلی، افزایش می یابد. ● چگونگی توسعه و پرورش هوش هیجانی کمتر مهارت ها بر اثر تعلیم و تربیت توسعه می یابد. هوش هیجانی به وسیله رشد مهارت های هیجانی خاص قابل توسعه است. هوش هیجانی مفهومی، قابل یادگیری است. بر خلاف بهره هوشی که در طول زندگی سطح آن تقریباً ثابت است، هوش هیجانی را می توان افزایش داد. قبل از هر چیز انسان باید در باره احساسات و هیجانات اطلاعات بیشتری پیدا کنند و در باره انواع هیجان مثل شادی و غم، شجاعت و ترس، صبر و بی حوصلگی، عشق و تنفر و... اطلاعات سازنده ای داشته باشد. با ایجاد یک محیط امن عاطفی می توان با آزادی در باره احساسات سخن گفت. آموزش مهارت های اجتماعی از راه های افزایش هوش هیجانی است. این آموزش شامل برنامه کنترل خشم و عصبانیت، همدلی، پی بردن به تفاوت ها و شباهت های مردم، حل مسائل و مشکلات، برقراری ارتباط موثر، ارزیابی خطرات، تصمیم گیری، تقویت روحیه افراد گروه، ابتکار و مدیریت تغییر، استفاده از روشهای گوناگون برای متقاعد کردن دیگران و ... است. روان شناسانی که از هوش هیجانی، به عنوان مهم ترین عامل موفقیت فردی دفاع می کنند، معتقدند که این نوع از هوش، اکتسابی است و می توان آن را پرورش داد. آنها راه های مختلفی را برای پرورش هوش هیجانی بدین شرح پیشنهاد می کنند؛ تشکیل گروه های دوستانه (به منظور شناخت احساسات خودش و دیگران)، تمرین حل یک یا چند مشکل، شناخت احساسات از طریق ادبیات و سینما، تنظیم احساسات بوسیله نوشتن (نوشتن، هم نوعی تخلیه هیجانی است و هم نوعی تنظیم هیجان) و قاطعیت محترمانه (در عین اینکه احترام دیگران را داریم، از حق خودمان هم دفاع کنیم) ●. تجلی هوش هیجانی در ارتباطات هوش هیجانی می تواند زمینه ای مناسب برای ساختن محیطی مطلوب برای یادگیری و برقراری ارتباط موثر باشد. تا به وسیله آن آزادانه نیازها و انتظارات خود را برای کسب حمایت از سوی دیگران ابراز کنیم. این امر ابزاری مطمئن برای بهبود ارتقای کیفیت زندگی محسوب می شود که در نهایت جامعه نیز از آن بهره مند می شود. اصولاً هوش هیجانی در ارتباطات تجلی می یابد. این ارتباطات از سویی حوزه درون فردی (ارتباط فرد با خود) و از طرف دیگر قلمرو میان فردی (ارتباط فرد با دیگران) را دربرمی گیرند. در قلمرو فردی، هوش هیجانی به قابلیت ها، شایستگی ها و توانمندی هایی می پردازد که ارتباط فرد با خود را تنظیم می کنند. در این حوزه با ویژگیهایی، مانند: آگاهی به خود، اعتماد به نفس، مدیریت هیجان ها و ابتکار عمل سروکار داریم. در قلمرو اجتماعی، هوش هیجانی به قابلیت هایی می پردازد که ارتباط فرد با دیگران را سامان می بخشند، ویژگی هایی، مانند: همدلی، آگاهی سازمانی، مدیریت تضاد و تعارض، کار گروهی، نفوذ، پرورش دیگران و ارتباط موفق با دیگران، که در این حوزه قرار می گیرند ●. سخن پایانی گرچه انسان ها با ویژگی های گوناگون به دنیا می آیند و چگونگی برخورد آن ها با مسائلی از قبیل؛ برخوردهای اجتماعی، اشتیاق خجالت و غیره متفاوت است، اما هوش عاطفی کمک می کند تا انسان بر روی قابلیت های خاص عاطفی و یا عدم وجود آنها مطالعه کرده و خود را برای رویارویی با جامعه بیرونی آماده کند. اولین قدم برای افزایش هوش عاطفی، خود آگاهی است. خود آگاهی یعنی شما چه احساسی دارید و چرا دچار آن احساس شده اید. اگرچه ممکن است این کار در بدو امر برای بعضی از افراد مشکل باشد، اما زمانی که فرد شروع به درک خود می کند، می تواند دیگر مهارت های احساسی اش را نیز توسعه دهد و در نهایت به هوش عاطفی بالایی دست یابد. هدف از تقویت هوش عاطفی، آگاهی از احساسات و تربیت آنها برای غلبه بر موانع زندگی است. هوش هیجانی عامل مهمی در ایجاد تغییرات اساسی در زندگی است. از آنجا که هوش هیجانی مجموعه ای از مهارتهاست که اغلب آنها از راه آموزش قابل یادگیری و تقویت هستند، تعجب ندارد که مدارس را به عنوان مکان اصلی پرورش و ارتقای هوش هیجانی در نظر بگیریم. مهدی یاراحمدی خراسانی روزنامه رسالت ( www.resalat-news.com )

## !مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: زمانی که انسان در همه حال خدای مهربان را ناظر بر اعمال و کردار و گفتار خویش ببیند و به این موضوع باور و اعتقاد قلبی داشته باشد هیچ گاه جسارتِ معصیت و انجام اعمالِ خلافِ اخلاق پیدا نمی کند. این فرموده امام (ره) که: «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید.» در واقع تذکری جدی به انسانی است که بار امانت و خلافت ربوبی را به دوش می کشد تا بداند رفتارش در برابر ذات اقدس الهی انجام می پذیرد و اوست که از فاصله ای نزدیک تر از من به من نظاره ام می کند. امروزه یکی از معضلات جامعه بشری این است که قبح و زشتی هر گونه عمل خلاف اخلاقی ریخته شده است و انسان، خدایی که از ما به ما نزدیک تر است را فراموش می کند و از رحمت و گذشت الهی سوء استفاده می کند و بدین ترتیب در ورطه آلودگی گرفتار می شود. برای دوری جستن از این معضل تنها یک راه اساسی وجود دارد و آن در وجود خود انسان متجلی می گردد که با نظارت و حسابرسی مستمر نفس خویش مانع گمراهی شود. تعریف خود کنترلی درباره خود کنترلی تعریف خاصی ارائه نشده است، ولی می توان خود کنترلی را مراقبتی درونی دانست که بر اساس آن وظایف محول شده انجام و رفتارهای ناهنجار و غیر قانونی ترک می گردد بی آنکه نظارت و یا کنترل خارجی در بین بوده باشد هنگامی که کسی بی توجه به کنترل خارجی تلاش خود را مصروف انجام دادن کاری که بر عهده او واگذار شده است نماید و مرتکب خلافی از قبیل کم کاری، سهل انگاری نگردد از کنترل درونی بهره مند است. به عبارت دیگر: هرگاه عامل کنترل کننده از خارج به داخل انسان منتقل گردد به طوری که شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب پردازد، خود کنترلی تحقق یافته است. در این صورت است که نظارت خارجی در تحقق چنین رفتاری که متضمن انجام دادن وظیفه و ترک خلاف است نقشی نداشته و تنها مراقبت درونی است که موجب رفتار مزبور می گردد. بر طبق توصیه های دینی ما مبنی بر «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» و یا «موتوا قبل ان تموتوا» انسان موظف است قبل از هر کس خودش به اعمال و رفتارش نظارت اساسی و عملی داشته باشد تا بتواند بر اساس شاخص های دینی رفتار خود را کنترل و اصلاح نماید. نقش و ضرورت خود کنترلی می توان ادعا کرد که اگر خود کنترلی ایجاد و تقویت گردد کارکردی به مراتب کارآمدتر از نظارت های خارجی دارد، زیرا در پاره ای از نظارت های بیرونی همواره این دغدغه وجود دارد که آیا از اعتبار و صحت کافی برخوردار است یا آنکه شائبه ها و غرض های دیگری در کار بوده و زد و بندهای رفاقتی یا کینه توزانه در آن نقش داشته است. از این رو باید پیوسته بر ناظران و بازرسان نیز ناظران دیگری گماشت تا مراقب صحت نظارت آنان باشند. در سامانه های اجتماعی نوعی طراحی سیستم های سایبرینک وجود دارد که می توانند حجم وسیعی از داده ها را بر اساس فرایندی پیچیده و در زمانی اندک به اطلاعات تبدیل کنند. اما مسئله خود کنترلی انسان ها در اجتماع که از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و مهارت های خاص و ویژه ای را مطالبه می کند به مانند طراحی سیستم های سایبرینک چندان کار ساده و آسانی نخواهد بود. بسترهای خود کنترلی هدفی که در نظام های خود کنترل دنبال می شود ارائه یک شخصیت سالم از انسان است که به بلوغ فکری رسیده و در برابر انواع آلودگی ها از خود مقاومت نشان می دهد و این میسر و ممکن نخواهد بود مگر بسترهای مناسب در آن جامعه فراهم گردیده تا خود کنترلی نهادینه شود. مواردی از قبیل: (۱) ایمان به خدا و اعتقادات مذهبی (۲) توجه به شخصیت و حرمت انسان (۳) امر به معروف و نهی از منکر بر اساس آموزه های دینی (۴) دادن انگیزه و تشویق افراد خود کنترل (۵) حس تعلق و وفاداری به ارزش های انسانی از مهم ترین بسترهای توسعه و بسط نظام خود کنترلی در اجتماع است. امیر المومنین علیه السلام در نامه های که به عثمان بن حنیف فرماندار بصره مینویسد می فرماید: بدانید که هر مامومی پیشوایی دارد که به او اقتدا می کند و از نور علمش بهره میگیرد، شما خود میدانید که امام شما از دنیایش به دو پیراهن کرباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان بسنده کرده است. سپس میفرماید البته شما توان این گونه زندگی را ندارید. «الاولانکم

لا تقدرن علی ذلک فاعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد» یعنی اکنون که نمیتوانید مانند من زندگی کنید، پس لااقل با التزام به چهار خصلت مرا یاری دهید: گناه نکنید و در راه خدا و اجرای عدالت کوشا باشید، دامن و شکم خود را به حرام و شبهه آلوده نسازید و در زندگی درست و راست کردار باشید. و به راستی ورع و تقوی و پاکدامنی و درستکاری زمینه های خود کنترلی را در انسان به وجود می آورد. که این امر نیازمند تلاش و مجاهدت انسان در مسیر انجام واجبات الهی و ترک محرمات است. خود کنترلی و ارزش و کرامت انسان خود کنترلی ایجاد حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می سازد، بدون آنکه عامل خارجی او را تحت کنترل داشته باشد. امام علی (ع) می فرماید: «آنان که کرامت نفس دارند هرگز با ارتکاب گناه آن را پست و موهون نمی کنند». یکی از اعتقادهای اسلامی که زمینه ساز تحقق خودکنترلی است؛ مسئله ارزش و کرامت انسان است زیرا اگر انسان قدر و منزلت و جایگاه رفیع خود را بهتر بشناسد دیگر به امور پست و آلوده شدن به زشتی ها رضایت نمی دهد و برعکس شخصی که برای خودش ارزش و منزلتی قائل نیست تن به هر ذلتی می دهد و چنین شخصی که خود از شر اعمالش در امان نیست؛ بالطبع دیگران نیز از شر او در امان نیستند: چنان که امام هادی (ع) می فرماید: «هرکسی که در نزد خودش پست و بی ارزش است پس تو از شر او در امان نباش» (ابن شعبه، ص ۳۶۲). سخن پایانی در عصر حاضر جوامع مختلف می کوشند تا از راه های گوناگون خود کنترلی را تحقق بخشند. در نظام اعتقادی اسلام، هستی محدود به این جهان مادی نمی شود که با مرگ انسان پایان پذیرد بلکه این جهان تنها جزء کوچکی از هستی می باشد و جسم انسان نیز جزئی از وجود او را تشکیل می دهد و پس از مرگ زندگی انسان در مراتب بالاتری از حیات ادامه پیدا می کند. بنابراین نیستی برای انسان معنا ندارد. زندگی در این جهان مقدمه ای بر حیات ابدی اوست و نحوه زندگی در آن جهان بستگی به چگونگی زندگی او در این جهان است بنابراین لحظات زندگی انسان ارزش بی نهایت پیدا می کند زیرا سرنوشت ابدی او را رقم می زند. از این رو است که می بینیم تمامی پیامبران برای بیداری و تبه بشر بیش از هر چیز به مسئله معاد اشاره کرده اند و بخش عظیمی از آیه های قرآن کریم نیز به این مسئله اختصاص دارد. یکی از مهمترین ارزش های اسلامی که سر منشا ارزش های دیگر می باشد، تقوی است که مهمترین ثمره اعتقادهای اسلامی در زمینه خداشناسی و توحید و معاد می باشد. از این رو خود کنترلی لازمه تحقق زندگی سعادت مند در سرای جاودان است. روزنامه رسالت، شماره ۷۲۲۰ به تاریخ ۱۶/۱۲/۸۹، صفحه ۱۸ (اندیشه □)

## مدیریت آهسته

مهدی یاراحمدی خراسانی

در زندگی چنان با سرعت حرکت نکنید که دیگران مجبور شوند برای جلب توجه شما، پاره آجر به طرفتان پرتاب کنند. این جمله نشأت گرفته از داستانی بدین شرح است؛ «روزی مردی ثروتمند با اتومبیل گران قیمت خود با سرعت زیاد از خیابان کم ترددی عبور می کرد. ناگهان از بین دو اتومبیل پارک شده در کنار خیابان، پسر بچه ای پاره آجری به سمت او پرتاب کرد. آجر به اتومبیل خورد و صدمه زیادی وارد ساخت. مرد پایش را روی ترمز گذاشت و سریع از ماشین پیاده شد. به طرف پسرک رفت تا او را به سختی تنبیه کند. پسرک گریان با تلاش فراوان بالاخره توانست توجه مرد را به سمت پیاده رو، جایی که برادر فلجش از روی صندلی چرخدار به زمین افتاده بود، جلب کند. پسرک گفت: "اینجا خیابان خلوتی است و به ندرت کسی از آن عبور می کند. هر چه منتظر ایستادم و از رانندگان کمک خواستم کسی توجه نکرد. برادر بزرگم از روی صندلی چرخدارش به زمین افتاده و من برای بلند کردنش زور کافی ندارم". برای اینکه شما را متوقف کنم ناچار شدم از این پاره آجر استفاده کنم." مرد متأثر شد و به فکر فرو رفت... برادر پسرک را روی صندلی اش نشانده، سوار ماشینش شد و به راه ادامه داد ●مقدمه برای سریع بودن، نخست باید آهسته بود و همه چیز را درست دید. مفهومی که از مدیریت زمان در ذهن ها نقش بسته، رسیدن به هدف در کوتاهترین زمان



است. در هزاره سوم انسان‌ها در همه‌جا شتاب زدگی و سرعت غوطه‌ورند به هم توصیه می‌کنند که از این قافله پرشتاب عقب نمانند و چنان بر همراهی این قافله تمرکز کرده‌اند که دیگر فرصتی برای درنگ و تأمل در اینکه به کجا می‌رویم؟ باقی نمی‌ماند. مدیران، سرعت را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و جنبش‌های کیفیت هم نتوانسته‌اند اولویت‌های مدیران را در شتاب برای رسیدن به هدف‌ها، کنترل کنند. غلبه کمیّت بر کیفیت در اولویت‌ها از همین جا آغاز می‌شود و در جهان تجارت مدار امروزی، سازمان‌هایی که عمر مدیریت مدیران آنها کوتاه است، به این غلبه دامن می‌زنند. ● مفهوم مدیریت آهسته‌مدیریت آهسته می‌کوشد ایده‌ی پیوستگی منافع را بر اقتصاد و جامعه مستقر سازد تا به اثر و نتیجه مطلوب برسد. مدیریت آهسته به دنبال تبیین این مفهوم است که تمام کار مدیریت دست یافتن به سود کوتاه مدت نیست بلکه باید به دنبال هدف‌های پیوسته بود. مطرح‌کنندگان مدیریت آهسته قصد دارند آن را در فعالیت‌های روزمره به صورت مفید، اساسی و سازنده منعکس کنند. مدیریت آهسته (Slow Management) به عنوان راه حلی برای کاستن از تنش‌های شغلی و ابزاری برای خلق ارزش و بالا بردن قدرت ابتکار در حوزه کسب و کار، تأکید می‌ورزد و تولید آهسته و سنجش آهسته را به عنوان ابزارهایی کاربردی در خدمت مدیریت برای شکل دادن به سازمان‌های آهسته که زمان استقرار طولانی و رشد نمایی سریع دارند، معرفی می‌کند. ● مدیریت آهسته در گذر زمان‌کلماتی همچون: مدیریت آهسته، شرکت آهسته، شهر آهسته، غذای آهسته، کسب و کار آهسته، خبرنگاری آهسته و... یک به یک وارد ادبیات نوین اجتماعی می‌شوند. این مفاهیم شیوه زندگی و کار در دوره کنونی را به چالش می‌کشند و تضادهایی را در ذهن پدید می‌آورند. کارلو پترینی جنبش غذای آهسته را پایه‌گذاری کرد و شاید آن زمان کمتر کسی فکر می‌کرد که فلسفه او الهام بخش جنبش‌های گوناگون آهستگی شود. نگرشی که رویکردی دوباره به داستان مسابقه لاک پشت و خرگوش دارد و بار دیگر توانمندی‌های لاک پشت‌ها را به رخ خرگوش‌های بازیگوش می‌کشد؛ گرچه تعلق داشتن به جنبش آهستگی به معنی همیشه آهسته بودن نیست. حدود ۴۴ سال پیش (۱۹۸۶) در ایتالیا، در اعتراض به تجاوز فست‌فودها یا غذاهای سریع به سبک زندگی سنتی نواحی مدیترانه، جنبش غذای آهسته به وسیله یک رستوران‌دار به نام کارلو پترینی پایه‌گذاری شد. جنبش غذای آهسته در بیانیه‌ی در سال ۱۹۸۹ وضعیت را این گونه بیان کرد: «ما برده سرعت شده‌ایم و خود را در برابر ویروس خطرناکی که زندگی سریع نامیده می‌شود ساخته‌ایم، این ویروس عاداتمان را از بین برده، حریم خصوصی خانه‌های مان را مختل کرده و ما را مجبور ساخته که از غذاهای سریع استفاده کنیم». اصول جنبش پترینی انتخاب محصولات تازه محلی، آماده‌سازی آن براساس شیوه‌های سنتی و صرف غذا به همراه دوستان و خانواده بود و شعار جنبش: مردم خواستار کاهش صرف زمان در آشپزخانه‌هایشان هستند، اما دوست ندارند این کار به بهای از دست دادن طعم مناسب غذا و تغذیه نا درست تمام شود. کیفیت غذاهای سریع مورد پرسش بسیار است و علاوه بر آن، استفاده از آنها نوعی اعتیاد به سریع‌تر و بیشتر خواستن را به وجود می‌آورد. پترینی می‌گوید: در جهان مدرن، گاهی سرعت آن چنان بالا می‌رود که افراد نمی‌توانند هم‌پای تغییرات پیش‌روند. پرسش این است که چگونه می‌توان برای زندگی بهتر، از وقت، هوشمندانه‌تر استفاده کرد؟ برپایه این انتقادات، جنبش غذای آهسته، پایه جنبش بزرگتری شد که توسط مجله بیزنس ویک طرح شده و اروپای آهسته نامیده شده است. این جنبش اساساً حس شتاب و سرگشتگی ناشی از حرکت جهانی شدن را که کمیّت را جایگزین کیفیت در همه شئون زندگی کرده است - مورد پرسش قرار می‌دهد و بر یادگیری دوباره هنر انجام دادن کارها به بهترین وجه ممکن و نه به سریعترین وجه ممکن تأکید دارد. مبانی اساسی دیدگاه مدیریت آهسته با توجه به رشد روزافزون فعالیت‌ها، رهبران اعتماد به تجربه‌ها، ذکاوت و شهودشان را از دست داده‌اند؛ عواملی که بسیار شخصی است و علمی نیست. وقتی فشار بی‌امان برای بهبود عملکرد و انجام سریع کارها وجود دارد، اما ایده روشنی برای «چگونه انجام دادن» در دست نیست، ساختن عددها گزینه مطمئن تری به نظر می‌رسد؛ حتی اگر عددهای مورد نیاز گیج‌کننده باشند و یا مفهوم مهمی را نشان ندهند. مدیران، در تلاشی دامنه‌دار برای مدیریت علمی و یافتن اطمینان و پایه‌های کمی برای تصمیم‌شان، زمان، انرژی،

افراد و پول خود را، صرف سنجش هایی می کنند که ارزشی در بر ندارند. مبانی اساسی دیدگاه اجتماعی مدیریت آهسته را می توان به شرح زیر بیان نمود: ۱) تلاش در جهت مزیت های مناسب در فرایندها و تهیه کالاهایی برای ارتقای زندگی. ۲) شناخت سرچشمه های مواد و اینکه آیا آنها به محیط آسیب می رسانند یا خیر. ۳) تولید کالاهای بادوام که در مواقع لزوم به راحتی قابل تعمیراند. ۴) داشتن تعامل اخلاقی و رفتار منصفانه با همکاران، مشتریان، تامین کنندگان و فروشندگان. ۵) پرورش، استفاده و یادگیری مهارت هایی که فرایند ساخت را ارتقا می دهند. ۶) فراهم آوردن روش هایی برای لذت بردن و با رغبت انجام دادن ساخت آهسته. ● سخن پایانی باید تصور کرد که مدرنیته و آهستگی مخالف یکدیگرند؛ آهستگی، یک استراتژی برای هدایت و معنی دادن به مدرنیته است و می خواهد توازنی بین سنت و مدرنیته ایجاد کند. ذهن، هنگامی که در آرامش است، بینش خارق العاده ای به انسان می دهد. توجه به آهستگی که همرا تدبیر و خردگرایی باشد، ما را زودتر به سرمنزل مقصود می رساند. در ادبیات کهن و غنی ما بیت معروفی وجود دارد: " رهرو آن نیست گهی تند و گهی خسته رود - رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود. " غذاهای سریع، نیایش های سریع، خواندن سریع، پیاده روی های سریع، رشد سریعو ... شمایی از زندگی در عصر مدرن هستند. بسیاری از واژگان و خطوط، صداها و نشانه هاو بسیاری از نیازها و خواسته ها در طول مسیر مسابقه به سوی موفقیت و به دست آوردن نتایج، نادیده گرفته می شود. آهنگ تند زندگی جایی برای تفریح، استراحت، تعمق، روابط معنی دار و بالاتر از همه، جایی برای ارتباط با خالق بی همتا بر جا نمی گذارد. در واقع زمانی که از راه زندگی سریع ذخیره می شود، پیش از آن هدر رفته می رود، چراکه در بسیاری مواقع اصلاح اشتباه هایی که بر اثر عجله زیاد حاصل شده، وقت بیشتری طلب می کند و در پایان یک روز پرشتاب، افراد چنان خسته اند که نمی توانند از لحظه های باقی مانده روز لذت ببرند. در دنیای رقابتی امروزی، فشار زیادی برای دستیابی سریع به نتایج و به تبع آن تصمیم گیری های سریع وجود دارد. مدیران در گیر یک سیر دایمی از تصمیم های توفانی هستند که فقط تا بحران بعدی کارساز است و در واقع سازمان ها به سرعت از بحرانی به بحران دیگر می روند. در شرایطی که فلسفه مدیریت و تجارت، خلق ارزش است و این موضوعی نیست که به سرعت اتفاق بیفتد. آیا مدیران حق دارند به هر بهایی سریع باشند؟ در جهان آهسته، هدر رفتن و زیان کمتری وجود دارد و زمان، قدرت ابتکار بیشتری را برای استفاده از منابع در اختیار قرار می دهد. مهدی یاراحمدی خراسانیروزنامه رسالت ( <http://www.resalatnews.com> )

### محمد (ص)، شمع جمع آفرینش

۹۰، ۱۶:۱۱

محمد (ص)، شمع جمع آفرینشمهدی یاراحمدی خراسانی

تاریکی و ظلمت، شرک و کفر، جنگ و خونریزی، نابرابری و بی عدالتی، کینه و دشمنی و ... همه جا را فرا گرفته است. دیگر انسانیت و اخلاق معنایی ندارد. محبت بی معناست. ارزش های اخلاقی حلقه مفقوده زندگی بشریت است. دختران حق زندگی ندارند و باید زنده به گور شوند ولی تعداد زیاد پسران نشانه خوبی برای هر خانواده است. با کوچکترین سوء تفاهمی جنگ های خونین و بی پایان رخ می دهد. اشرافی گری تنها ملاک شایستگی است. سیاه پوستان برده هستند و نژاد پست تر و بردگان از حداقل حقوق اجتماعی بی بهره اند. شکنجه ضعیفان امری طبیعی است و بالاخره انسان گرگ انسان است. اینها همه و همه تنها گوشه ای از ویژگی های دوره خاصی از تاریخ است؛ عصر جاهلیت. روح انسان به واسطه انتسابش به آستان ربوبی درغایت ظرافت و حساسیت است. اما چگونه است که تباهی همه جا را فرا گرفته است؟ و چگونه می توان بشریت را احیا نمود؟ خداوند متعال برای نجات انسانها از گمراهی و برای هدایت بشریت " رحمه للعالمین " را به آفرینش عنایت فرمود. عالی ترین نمونه اخلاق و تربیت و والاترین الگوی کمالات انسانی برانگیخته می شود تا به مصداق آیه ی شریفه " و لکم فی رسول الله اسوه حسنه " اسوه ای

حسنة، نعمت آفرینش را کامل نماید. پیامبر گرامی اسلام (ص)، هم او که برای همه عزیز و دوست داشتنی است و هم او که (محمد امین) است، همچون خورشید تابان در آسمان انسانیت می درخشد و کالبد ارزش های والای اخلاقی و کمالات و سجایای انسانی را روح می بخشد. الگویی به تمام معنا از جمیع کمالات و امتیازاتی که یک انسان در همه ابعاد وجودی خود می تواند داشته باشد در زندگی پر عظمت و شگفت آمیز آن حضرت ترسیم شده است که برای همیشه چون مشعلی فروزان فرا راه آدمیان پر تو افشانی می نماید. محمد، پیشوای عظیم الشان اسلام بسیار با بهت بود، در دل ها جای داشت، عزیز و گرامی بود و قلب ها را تسخیر نموده بود. به زیبایی و پاکیزگی آراسته بود. در تنهایی محزون و متفکر و در میان جمع بشاش و گشاده رو بود و غالباً تبسمی بر لب داشت. کسی نتوانسته است و هیچ کس نیز نمی تواند او را آنچنان که هست بشناسد و تعریف کند. هیچ نویسنده و هیچ خطیب توانایی یارای ادای حق مطلب در وصف ابعاد شخصیت و خلق و خوی پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) را ندارد. وجود شریف حضرت محمد (ص) که بهانه خلقت است فصل جدیدی در زندگی بشریت به وجود می آورد. تعالیم وسیع و گسترده آن حضرت همچو خورشید در شب های تاریک و ظلمانی تابید و انسانیت را احیا نمود. در روزگاری که اشرافی گری و تجملات ملاک ارزش انسان ها بود، زواید معیشت را از زندگی خود حذف نمودند و با وجود اینکه با کوچکترین اراده می توانستند خزاین عالم را در اختیار داشته باشند، ساده و بی آلایش بودند. در دوره ای که دختران حق زندگانی نداشتند و زنده به گور می شدند ایشان دختر اطهر خود را تکریم نمودند و بر دستانش بوسه زدند. برادری و برابری را جایگزین برده داری و نژاد پرستی نمودند. جنگ های خونین و دراز مدت را به مودت و دوستی مبدل ساختند و دو قبیله اوس و خزرج را که سالیان سال با هم در جنگ بودند را به صلح و دوستی رهنمون ساختند. خداپرستی و وحدانیت را جایگزین شرک و بت پرستی نمودند و قلب انسان ها را با نور خدا روشن و منور ساختند. در عصر بی سواد و جهالت مردم را به کسب علم و دانش توصیه می کردند؛ حتی اگر در چین باشد. "این تنها قطره ای از دریای نعمتی بود که "ارحم الراحمین" با عطای "رحمه للعالمین" به بشریت کرامت نمود. نعمت بزرگ و وصف ناشدنی، که تنها خدا به خاطر عطای او بر مومنین منت نهاد. "لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم". و اما امروز؛ در عصر فرا صنعتی و در هزاره سوم که پیشرفت های قابل توجهی در صنعت و تکنولوژی بوجود آمده است نیز بشر در جاهلیت به سر می برد؛ "جاهلیت مضاعف". "جاهلیتی که به برکت! استعمار و استثمار اخلاقی و فرهنگی غرب به وجود آمده است. جاهلیتی که به واسطه زیاده خواهی و دنیا طلبی ایجاد شده است. امروز نیز ارزش های اخلاقی در جوامع مختلف رنگ باخته است. جاهلیت مضاعف نیز دختران را زنده به گور می کند اما نه جسم آنها را بلکه روح و روان و شخصیت و عفت آنان را. در عصر جدید هم شاهد جنگ های خونین طولانی مدت هستیم اما این بار با شعار دموکراسی، عدالتخواهی و بشر دوستی. در عصر جدید هم شاهد شکنجه ضعیفان هستیم اما این بار در زندان "ابوغریب" یا "گوانتانامو". در عصر جدید هم بر سر پیامبر اکرم (ص) خاکستر می ریزند اما به شیوه خود ... پس باید بار دیگر دست به دامن "شمع جمع آفرینش" شویم همان وجود شریفی که تا ابد "چراغ افروز راه اهل بینش است" و همان پیامبر رحمتی که همواره نگران انسان هاست. پیامبر اعظم (ص)، پیامبر رحمت و مهربانها دوباره باید گوشه چشمی به انسان ها بیندازند و حیات بخش اخلاق و کمال باشند. آری، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند دستاویزی به سیره نبوی هستیم تا از جهالت رهایی یابیم و بتوانیم به مکارم اخلاقی دست یابیم چون تنها اوست که مکارم اخلاق را می تواند به اتمام برساند. اکنون که در ظلمت و تاریکی خورشید تابناک پیامبر اعظم فروزان شده است باید تلاش کنیم تا زمینه ظهور و بروز سیره آن حضرت فراهم شود. مقوله ای که تنها باید شرایطش را فراهم نماییم تا فرزند موعودش مهدی "عج" بیایند و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) باشند. در این مقطع زمانی که به قول خورشید انقلاب "یاد و نام پیامبر اعظم (ص) از همیشه زنده تر است" باید آموزه های ایشان را در برنامه زندگی خودمان قرار دهیم که به واقع اکنون بیش از هر زمان دیگری محتاج توجه و عنایت خاص حضرتش هستیم. مهدی یار احمدی خراسانی روزنامه رسالت (www.resalatnews.com)

## اثرات نهادینه شدن «مثبت اندیشی» در اجتماع

مهدی یاراحمدی خراسانی

خوشبینی و مثبت اندیشی را می‌توان، استفاده کردن از تمامی ظرفیتهای ذهنی مثبت و نشاط انگیز و امیدوار کننده در زندگی، برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساسهای یاس آور ناشی از دشواری ارتباط با انسانها و رویارویی با طبیعت دانست. (الوود همپتن) تفکر مثبت چیزی بیش از افکاری است که در سر داریم و راهی است برای ورود و نزدیکتر شدن به زندگی ایده آل. یعنی اینکه در تمام موقعیت ها به جای تمرکز روی نقاط منفی روی نقاط مثبت تمرکز کنیم. این به معنای آن است که به جای آنکه خود را تحقیر کنیم برای خود ارزش قائل شویم. و همین طور درباره دیگران فکر کرده و با آنها کنار بیاییم. تفکر مثبت یعنی آنکه بهترین ها را از زندگی بخواهیم و یقین داشته باشیم که آن را به دست می‌آوریم. افراد مثبت از زندگی بیشتر سود می‌گیرند و سالم تر می‌مانند و روابط بهتری با دیگران دارند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «چه چیز نیکویی است خوشبینی.»! (مسند الشهاب) نهادینه شدن «مثبت اندیشی» در عرصه رفتار اجتماعی نه تنها هزینه ای ندارد بلکه با ایجاد زمینه های خاص بهبود عملکرد، سبب افزایش بهره وری می‌گردد. یکی از بهترین شیوه‌هایی که برای ایجاد تفکر مثبت می‌تواند بسیار مثر ثمر باشد، «تلقین» است. دکتر «امیل گوته» معروف ترین فردی است که کاربرد این تکنیک را مطرح نموده است. اساس این تکنیک بر استفاده از ضمیر ناخودآگاه استوار است؛ یعنی اینکه به واسطه تلقین نمودن، افکار مثبت و شادی بخش را هوشیارانه به اندرون خود بکشیم و برای حفظ و بقای آنها کوشش نماییم و افکار منفی و بدبینانه و مبتنی بر توهم و خیالات واهی و وسوسه ها و کوته نظری ها را دور بریزیم و به یاد داشته باشیم که شادی و نشاط واقعی و پایدار، در درون خود ماست. پس آن را به وسیله تلقین و ابزارهایی از این قبیل، از درون خود جستجو نماییم. این نکته را نیز توجه داشته باشیم: همچنان که تلقین مسائل مثبت به خود و دیگران در زندگی، از جمله نگاه خوشبینانه به اطراف و مسائل، زمینه ساز به وجود آمدن زندگی آرمانی می‌شود، تلقین منفی نیز می‌تواند اثرات بسیار مخربی را از خود به جای بگذارد. برخی از اثرات تفکر مثبت به شرح زیر است: ۱- افراد خوشبین و دارای تفکر مثبت از «لحظه»ها استفاده می‌کنند. که این امر استفاده بهینه از زمان می‌باشد. ۲- انسان دارای تفکر مثبت از امکانات موجود، هرچه هست، استفاده می‌نماید و منتظر کامل شدن تمام وسایل و زمینه های مورد نیاز نمی‌شود؛ چرا که اولاً؛ «فردا دیر است» و ثانیاً؛ آنچه اکنون داریم، هرچه باشد، بالاخره بخشی از چیزهایی است که باید باشند. یک ضرب المثل چینی می‌گوید: «اگر در جنگل زندگی می‌کنی، قدر چوب را بدان» و عرفا گفته اند: «هر سفر دور و درازی، با یک گام آغاز می‌شود.» ۳- خوشبین بودن، هزینه چندانی نمی‌خواهد. فقط کافی است تصمیم و عزم جدی در کار باشد. اگر بر این باور باشیم که «ما وارثان بحق ملک الهی هستیم» و همواره با این نگاه، حرکت کنیم و بیندیشیم، تمامی آرزوهای ما به تدریج، جامه عمل خواهند پوشید. (والتر اندرسون) افرادی که تفکر مثبت دارند از زندگی و کار خود بیشتر سود می‌گیرند و سالم تر می‌مانند و روابط بهتری با دیگران دارند. این گونه افراد با دید مثبت به زندگی می‌نگرند به جای آنکه افسوس گذشته را بخورند با رضایت به آن نگرسته و به جای شک و تردید با امیدواری و خوشبینی به آینده نگاه می‌کنند. و این امر نشاط را به فرد هدیه می‌کند. مثبت اندیشی از طریق؛ کاهش استرس، رسیدن اطلاعات جدید به مغز، افزایش خلاقیت، غلبه بر عقده خود کم بینی، کاهش بی‌قراری و شتاب، مغتنم دانستن فرصت ها و لحظه ها، و بالاخره با نگاه کردن از منظر یک انسان قدرتمند به موضوع زمینه ساز موفقیت، بهبود و افزایش امید و نشاط در اجتماع می‌گردد. لینک خبر: <http://www.resalat-news.com/Fa/?code=21171> منبع خبر: رسالت

## مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: کنترل مقوله ای اساسی در مدیریت است. نقش کنترل در مدیریت تا بدانجاست که برخی از صاحب نظران در نگاهی افراطی مدیریت را مترادف کنترل تعریف نموده اند. از این رو شیوه ها و روش های کنترل و نظرات مترتب بر آن همیشه به عنوان عاملی مهم در دسته بندی های رهبری و مدیریت نقش دارد. در این راستا مدیریت ذره بینی، نمونه ای از ضعف مدیریتی است که بیانگر کنترل بیش از اندازه و غیر ضروری کارکنان توسط مدیریت و توجه شدید مدیر به جزئیات کاری است. مدیران ریز بین به دلیل غرق شدن در مسائل جزئی، کلیات را فدای جزئیات می کنند و از نگاه نقطه ای به جای نگاه فرایندی برخوردارند. مدیریت ذره بینی **Micro management** این گونه مدیریت معمولاً در بین افرادی رایج است که اصطلاحاً خود را «همه فن حریف» می پندارند. اکثر مدیران ذره بینی کسانی هستند که کارکنان را ابزار تحقق اهداف می دانند. تا زمانی که کارکنان انتظارات آنها را برآورده سازند، این مدیران مشکلی ندارند اما چنانچه کاری اشتباه انجام گیرد، رفتارهای وسواس گونه خود را نشان می دهند. مدیریت ذره بینی در واقع توجه شدید به جزئیات و مسائل ریز و کنترل دقیق افراد می باشد. مدیران ذره بینی، مدیرانی هستند که به کارکنان خود بسیار نزدیکند. آنها مرتب بر کار افراد خود نظارت کرده و همواره خواه، مثبت یا منفی در رابطه با عملکرد کارکنان اظهار نظر می کنند. مدیریت ذره بینی در واقع یک وسواس ناخواسته و یک اختلال رفتاری-ارتباطی است. وسواس مدیران ریز بین، شامل حال همه کارکنان چه توانمند و چه ضعیف می شود. در حیطه کاری این گونه مدیران، هیچ کاری تفویض نشده و نظرات کارکنان نادیده گرفته می شود. احساس عدم اطمینان و شک و تردید مدیر نسبت به دیگران، کنترل شدید پرسنل را باعث می شود و همین امر موجب تکرار دوباره کارها، اتلاف وقت و انرژی و تحمیل هزینه های اضافی بر سازمان می شود. برخی از مدیران میکرو، معتقدند برای انجام درست کارها باید شخصاً اقدام کنند. آنها خود را بهترین تصمیم گیرندگان می دانند، تمام کارها و وظایف را در دست می گیرند و اجازه تصمیم گیری حتی به زیر دستان توانا نمی دهند. نشانه های مدیران ذره بینیاز طریق برخی نشانه ها مدیران ذره بینی شناسایی می شوند. این گونه مدیران معمولاً: زمان زیادی را صرف می کنند تا به کارکنان آموزش دهند دقیقاً چه کاری باید انجام شود. همچنین زمان زیادی را صرف بازبینی پروژه ها و بازدید از عملکرد انجام شده می کنند. مدیران میکرو از اینکه فردی بدون مشورت با آنها تصمیمی بگیرد یا کاری انجام دهد به شدت عصبانی می شوند. به جای توجه بر سیاستها و خط مشی ها، زمان زیادی را صرف جزئیات و مسائل کوچک می کنند. این گونه مدیران تفویض اختیار نمی کنند و خود مستقیماً کارکنان را هدایت می کنند. تاکید بیش از حد بر گزارش کاری از دیگر نشانه های این تیپ مدیریتی است. دلایل روی آوردن به مدیریت ذره بیندلایل بسیاری وجود دارد که باعث می شود افراد، مدیریت ذره بینی را انتخاب کنند. مهمترین این دلایل عبارتند از: ۱- نامشخص بودن نقش ها و مسئولیت ها: زمانی که یک مدیر دامنه اختیارات و مسئولیت هایش نامشخص است، خودش تشخیص می دهد که بهترین کار و شیوه چیست. بنابراین به کنترل بیشتر و دقیق تر روی می آورد. ۲- وجود بحران سازمانی: در زمان بحران، بسیاری از مدیران ترجیح می دهند که کنترل شدیدتری بر اوضاع سازمان داشته باشند. ۳- ترس از شکست: ترس از شکست، ترس از انجام اشتباهات، ترس از بروز بحران، ترس از بی نظمی و اغتشاش، ترس از دست دادن موقعیت کاری و اختیارات و ... هر چند ترس یک رفتار غریزی است اما کنترل شدیدتر و بازبینی مجدد کارها، راهی برای غلبه بر آن تلقی می شود. نتایج مدیریت ذره بینمدیریت ذره بینی ریشه در عدم اعتماد به دیگران داشته و مخرب کار تیمی و مانع رشد و پیشرفت و در برخی مواقع منجر به شکست سازمان می شود. در زیر به برخی اثرات و نتایج چنین شیوه ای اشاره می شود: \* ارتباطات ضعیف: رفتار وسواس گونه چنین مدیرانی، مانع ارتباطات اصولی و صحیح بین مدیر و کارمند می شود. \* گوشه گیری و کاهش روحیه کار تیمی: مدیران ذره بینی، کارکنان را گوشه گیر و منزوی می کنند و بدین ترتیب روحیه همکاری و کار تیمی بین افراد از بین می رود. \* کار شکنی کارکنان: افراد تا حدی توانایی تحمل امر و نهی و اظهار نظر بی مورد را دارند. در بسیاری از مواقع کارکنان

به دنبال راه حلی برای تخلیه احساسات منفی خود می گردند و کار شکنی از جمله این روشهاست. \* پنهان کاری: ترس از توییح و شماتت باعث می شود کارکنان برخی مسائل را از دید چنین مدیرانی پنهان کنند. \* کاهش انگیزه و بهره وری: مدیریت ذره بینی باعث می شود که کارکنان انگیزه خود را از دست داده و بهره وری آنها کاهش می یابد. \* افزایش تنش و استرس و حوادث ناشی از کار: مدیریت ذره بینی باعث می شود کارکنان دائم نگران و دلواپس بروز اشتباه باشند. \* افزایش جابه جایی کارکنان و کاهش رشد سازمانی: توجه به جزئیات اگر چه بسیار خوب است اما افراط بیش از اندازه سبب ناراحتی کارکنان و تمایل آنها برای جابه جایی شغلی می شود. \* اتلاف وقت و منابع سازمانی: تکرار مجدد یا اصرار مدیر بر انجام کارها توسط شخص وی منجر به اتلاف وقت و منابع و صرف هزینه های بالایی می شود. راه حل مقابله با مدیران ذره بینی برای مقابله با مدیران ذره بینی نسخه واحد و راه حل از پیش تعیین شده ای وجود ندارد. برای کاهش کنترل چنین افرادی باید اعتماد آنها را جلب کرد، ترسشان را از بین برد و روحیه کار تیمی را تقویت نمود. علاوه بر این هدف گذاری صحیح و مشخص کردن حیطه وظایف و مسئولیتهای افراد و جلوگیری از ابهام نقش نیز موثر است. البته توجه به جزئیات و ریزبینی مدیر- تا اندازه معقول- نشان از توجه و علاقه مندی وی به کار و کارکنانش دارد. بنابر این نباید به اشتباه تصور کرد انتقاد از مدیران ذره بینی، دلیلی بر تاکید مدیریت ماکرو است. این دو شیوه در دو طرف یک طیف قرار می گیرند و در حالت افراطی و شدید هر دو مخرب هستند. مدیریت خردمندانه هرگز ارزش، اعتبار، غرور و عزت نفس کارکنان را نادیده نمی گیرد و بابرقراری ارتباط صحیح با کارکنان و زیر دستان همواره با هدایت آنها، به توانمند سازی و بالندگی افراد نیز می اندیشد. سخن پایانی مدیریت ذریبینی یک وسواس ناخواسته و یک بحران رفتاری - ارتباطی است که در درگیری با کار، تعارض با زیردستان، ریز بینی در عملکردها و تصمیمات و ... متجلی می شود. این گونه رفتار ریشه در عدم اطمینان و اعتماد مدیر دارد و مانع رشد و پیشرفت سازمان می شود. مدیران ذره بینی خود را بهترین تصمیم گیرندگان می دانند و به خود اجازه می دهند در مورد تمام وظایف و کارهای مرئوسین و کارکنان خود اظهار نظر نمایند. این گونه افراد به دلیل تاکید بیش از حد در مسائل جزئی، بهره وری کلی را فراموش کرده و در واقع کل را فدای جزء می کنند. که این امر سبب سلب احترام و اعتماد کارکنان زیر مجموعه آنها خواهد شد. برای برخورد موثر با مدیران ذره بینی باید: نیاز و خواسته هایشان را تشخیص و قبل از تقاضای وی در اختیارش قرار دهید، هنر ارتباطات را یاد بگیرید، به او نشان دهید که کارها و پروژه ها برایتان اهمیت دارد، انتظارات و خواسته های خود را به طور شفاف با او در میان بگذارید و در نهایت با قوانین و مقررات سازمانی آشنا باشید و آنها را به کار گیرید. زیرا مدیران ریز بین از اجرای دقیق مقررات و دستورالعمل ها لذت می برند.

### مهم ترین حقوق محوری شهروند

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: به طور سنتی شهروند را معادل تبعه دانسته شده و به کسی گفته می شود که از حقوق مدنی، سیاسی یک جامعه ی دولت - ملت بهره مند است. بدین ترتیب بسیاری از انسان ها از تعریف مذکور و از شمول حقوق شهروندی خارج می شوند. در دیدگاهی وسیع تر، شهروند و حقوق شهروندی، صرف نظر از تعلقات ملی، همه ی افراد ساکن کشور را در بر می گیرد. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیتهایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه ای بر اساس نظم و عدالت دارد. مفهوم شهروندبرای اینکه «شهروندی» دارای مفهوم و جوهره واقعی باشد، شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت

قرار گیرند. لذا «شهروندی» در ابتدا خودش یک قواست و در ادامه زاینده حقوق متعدد دیگری برای شهروند می‌باشد. از این رو «شهروندی» توانائی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند و زندگی آنها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی یکی از هویت‌شان تعیین نمی‌شود. موقعیت شهروند به یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد و به او استقلال می‌دهد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس پیدا می‌کند که هر چند از نظر محتوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت اند لیکن، همیشه بر پذیرش کارگذاری و فاعلیت سیاسی دارندگان آن حقوق دخالت دارند. مفهوم شهروندی در حقوق ایراناصطلاح «شهروند» در متن بسیاری از مقررات به کار رفته است. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می‌رسد که «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه‌ی افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت در بر می‌گیرد. در حالی که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۸۳/۲/۲۱، در تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱ که، اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده‌ی ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» به کار رفته است، به نظر می‌رسد که منظور از شهروند فقط «تبعه» است. همچنین در آیین‌نامه‌ی تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۵، و در قانون معاهده‌ی اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ مجلس شورای اسلامی، در ماده‌ی ۸ آن در خصوص تسهیلات برای «روادید برای شهروندان طرف دیگر» نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین می‌توان گفت که در نحوه‌ی استفاده از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا به کار گرفته شده است، اما به لحاظ محتوایی، چنان که در قسمت دوم ذکر می‌شود، در حقوق ایران در بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع، حسب مورد، تفاوت‌های جزئی یا کلی وجود دارد. حقوق شهری و شهروندی حقوق شهروندی «مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست. در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می‌شود. بنابراین این تعریف واقعیت است که «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره‌مندی‌های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده‌اند می‌باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می‌باشند. مدیریت شهری و حقوق شهروندی از موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است. اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون‌کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. معمولاً مقامات و مسئولان شهری، با مسائل و مشکلاتی مواجه‌اند که مقابله درست و عملی با این مسائل و مشکلات محلی و شهری منوط به تدوین قوانین و مقررات برنامه‌ریزی شده است. مهمترین قوانین و مقررات در این زمینه عبارتند از: قانون برنامه‌ریزی شهری، قانون شهرداری، قانون توسعه شهری، قانون بهسازی شهری، قانون پاکسازی مناطق حاشیه‌نشین شهری، قانون دستیابی به زمین و قانون مربوط به آلودگی‌های زیست محیطی. بدیهی است فرآیند تصمیم‌گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم‌گیری‌ها از

خود نشان دهند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌نماید. انواع حقوق شهروندیاز تعاریف مربوط به حقوق شهروندی، انواع آن قابل استنباط است. «شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که دست‌یابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کند.» تی. اچ. مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌کند. شهروندی، موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است (شیبانی، ۸۴). به طور خلاصه حقوق شهروندی به انواع زیر قابل تقسیم است. الف - حقوق مدنی: این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری. ب - حقوق سیاسی: حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می‌گیرد. حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی. ج - حقوق اقتصادی - اجتماعی: حقوق اقتصادی - اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه‌ی اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، موارد زیر را در بر می‌گیرد: حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی - بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی. د - حقوق فرهنگی: حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت‌ها، حق دست‌یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم‌ترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان). ه - حقوق قضایی: بهره‌مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله‌ی قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهم‌ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می‌گردد. سخن پایانی برای تداوم حیات انسان در زمین، و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسان‌ها، شناخت حقوق همدیگر و رعایت آن ضروری است. مهم‌ترین حقوق محوری شهروند از دیدگاه اسلام عبارت است از؛ حق حیات چرا که آن اولین حقوق شهروندی است که در اسلام مطرح و حائز اهمیت است. بنابراین تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد، یعنی جان و حیات انسان محترم است و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. در باور و عقیده اسلامی، انسان تا حدی محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی بخاطر انسان است. در آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره می‌خوانیم: «خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفریده.» این مخلوق با کرامت، حق حیات از مسلم‌ترین حقوق اوست، و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ مگر در مواردی که قانون اسلام تشخیص بدهد آن هم در محکمه‌ای که بر اساس عدالت حکم صادر گردد. سلب حق حیات یک فرد بدون جرم (قصاص، فساد) همانند قتل تمام بشریت است. چنانچه در سوره مبارکه مائده/۳۲ آمده است: «هر کس، کسی را جز به قصاص و قتل، یا کیفر فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد، و هر کس، کسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زندگی داده باشد»

## آموزه‌های بهار

" مهدی یاراحمدی خراسانی

هر پدیده و هر تجلی خود به نحوی هدایتگر انسان به اصل است و آن رانمی‌توان بی‌معنی دانست. بهار پدیده زیبایی است که باید آثار لطف و جمال و جلال خداوند گردون سپهر را در آن جستجو کرد. بهار فصلی است که هر انسانی را به تفکر و تأمل در زیبایی‌های طبیعت وادامی‌دارد. از آنجا که به قول شیخ اجل سعدی شیرازی برگ سبز درختان در نظر هوشیاران و حقیقت‌جویان هر



ورقش دفتری از معرفت کردگار می باشد باید بهار را موسم حقیقت طلبی و خدا شناسی دانست. یکی از خصوصیات تدبر و تعمق رویاندن اندیشه احساس درد و روان آدمی است از این رو بهار تنها " دگرگونی در طبیعت " نیست، بلکه هنگامه " تحولی عمیق و هدفمند در روح و قلب آدمی " نیز می باشد. بدین صورت باید گفت: آمد و رفت بهار، تکرار درس های معلم طبیعت است که همواره در گوش انسان زمزمه گر این واقعیت است که ؛ رستاخیز آمدنی و بلاشک است و خداوند تمامی کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده می گرداند که این حقیقت در واقع بیانگر حیات مجدد و شور انگیز پس از مرگ می باشد. نرم نرمک صدای پای بهار به گوش می رسد و نسیم دل انگیز بهاری پیام طراوت و شادابی، امید و سرزندگی و شور و نشاط را به گوش همگان می رساند. چقدر تمام ناشدنی می نمود شب های بلند و یلدایی زمستان! زمستان، امسال بیش از همیشه ادعای ماندگاری داشت. سردی، جمود و تاریکی چنان همه جا را فرا گرفته بود که گویی زمستان سیطره ای دائمی بر طبیعت و زمین دارد. ولی این بهار است که با دست و پنجه نرم کردن با آن بار دیگر پیروزمندانه و طرب انگیز شور زندگی را بر جمود و سردی مستولی می گرداند. زمستان رفت. چون مانند همه امور دنیوی محکوم به رفتن بود. اما با رفتن آن دو چیز به جا ماند: یکی پاداش بهار برای صابران و دیگری رو سیاهی برای ذغال. حیات دوباره طبیعت در واقع یکی از نمایش های خداوند مهربان در جهان است، طبیعتی که در فصل زمستان می میرد و سبزی و شادابی خود را از دست می دهد، اما در فصل بهار دوباره زنده شده و جانی تازه می گیرد. طبق تعبیر قرآن، خداوند با دها را می فرستد که ابرها را برانگیزد، آن گاه آن را به سوی سرزمین مرده می راند تا زمین را پس از مرگش دوباره زنده کند. توصیف طبیعت و حیات دوباره آن یک نمونه از شگفتی های طبیعت در قرآن است، اما جالب است بدانیم هدف این توصیف، نشان دادن طبیعی حیات انسان پس از مرگ است. به عبارت دیگر برای آن است که بدانیم چگونه پس از آنکه تمام جسم پوسید و متلاشی شد، دوباره زنده می شود، همان گونه که طبیعت زمین پس از پژمردگی و خزان و مرگ حیاتی مجدد پیدا می کند. دستی در سراپرده طبیعت، نعمت بهار را برای انسان و تمامی جانداران تدبیر می کند و این نعمت در جهت آسایش و رفاه همراه با (ابر و باد و مه و خورشید و فلک) در کار است. بهار رستاخیز کوچک و سمبلی از رستاخیز بزرگ است. بهار فصل رویش، شادی و زندگی می باشد و از منظر قرآن آیه و نشانه ای است که باید مورد توجه اهل بصیرت قرار گیرد. خداوند متعال بارها در قرآن به فصل بهار و رویش گیاهان اشاره کرده و کلماتی مانند « نبت » و « انبات » بسیار در قرآن ذکر شده که هدف اصلی آن از بحث زندگی و احیای مجدد طبیعت، تبیین و تمثیل واقعی از معاد و رستاخیز بوده است. در قرآن کریم نیز بهار به رستاخیز طبیعت تعبیر شده و این امر را می توان از آیه پنج سوره مبارکه « حج » نیز استنباط کرد. هدف اصلی قرآن از بحث زندگی و احیای مجدد طبیعت تبیین و تمثیل واقعی از معاد و رستاخیز بوده است. در واقع تجدید حیات طبیعت به خاطر آن است که خدای هستی بخش انسان را متوجه اعتقاد و یاحقانیت زنده شدن بعد از مرگ گردانیده و او را بر ضمیر خویش راسخ ترمی سازد. به بیان دیگر؛ بهار با خود پیام زندگی، پیام دوباره زیستن و پیام دوباره نگریستن. بهار همراه با رویش، زیبایی و انبساط است و همین امر را باید مدنظر قرار داده و با تجدیدنظر در اعمال و رفتار به گونه ای عمل کنیم که زیبایی، زندگی و شادی آفرینی را برای خود و دیگران به ارمغان بیاوریم. مانند بیشتر عناصر طبیعت بهار نیز درس هایی آموزنده و زندگی ساز دارد که حیات بخش و تأمل انگیز است. تنوع، شادابی، تبادل، تحول و حیات آفرینی مهمترین آموزه های بهار می باشد. ۱- تنوع؛ در بهار، تنوع خاصی در رنگها و جلوه های طبیعت، درختان، گیاهان و گلها مشاهده می شود. زندگی متعادل نیز باید برخوردار از تنوع ویژه ای باشد. کار، استراحت، اوقات فراغت، مطالعه، ورزش، ارتباط با خدا و ... همگی عناصری از یک زندگی متنوع بوده و در جای خود، مهم و با ارزش تلقی می شوند. ۲- شادابی؛ بهار، آکنده از شادابی و طراوت است، به گونه ای که معرف تحول و دگرگونی در تمامی طبیعت می باشد. زندگی متعادل نیز برخوردار از شادابی و سرزندگی است. باید در زندگی مشوق روح شادمانی و مسرت باطنی باشیم و هر یک بر دیگری در این امر، سبقت بجویم. ۳- تبادل؛ از زیبایی های بهار، تعادل در هواست؛ نه آن چنان سرد است که گزنده باشد و نه آن

اندازه گرم است که سوزنده باشد. هوای ملایم و نسیم فرحبخش بهار، جان‌ها را گرمی می‌بخشد. باید درزندگی متعادل، با الهام از مکتب بهار، در روابط متقابل خویش به دور از هر گونه افراط و تفریط، مناسباتی گرم و ثمربخش را پی‌ریزی کرد. روابط نه افراطی است که به وابستگی و اتکای بیش از حد بینجامد و نه سرد و قهر آمیز است که بذره‌های محبت و عاطفه را از قلوب برکند. ۴- تحول؛ طبیعت پس از دوره افسردگی و خمودی خزان در طراوت بهار به وجد می‌آید و دگرگونی‌هایی را در خود پذیرا می‌شود. اندام خشکیده گیاهان و درختان در گذر از رکود و رخوت زمستان به شور و جذب بهار، جوانه‌های حیات را بر خود ظاهر می‌سازد. چنین تغییر و تحولی در طبیعت، این پیام را برای هر فردی در بردارد: "حال که طبیعت متحول شد، تنها انسان‌ها که برتر از طبیعت اند و اشرف مخلوقات، باید در این دگرگونی‌ها بر طبیعت، سبقت جویند." هر فردی باید نیک بیندیشد که نسبت به از دست دادن سرمایه عمر و سپری نمودن بهترین سال‌های زندگی، چه حاصلی اندوخته؟ و با چنین سرمایه‌ای، دست به چه معامله‌ای زده است؟ چنین اندیشه‌ای، بارور و زاینده است و انسان را فراتر از پوچی و ابتذال، به رشد و تعالی می‌خواند. امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: "خدایا به من عمر طولانی عطا فرما تا زمانی که عمرم در راه اطاعت و بندگی ات صرف شود و اگر روزی برسد که سال‌های زندگی‌ام چراگاه شیطان گردد، مرا فرصت مده." ۵- حیات آفرینی؛ بهار حیات است و حیات آفرین، آن گونه که نسیم بهاری بر روح‌ها و جان‌ها می‌وزد، حیاتی دوباره در کالبدها می‌دمد و به عبارتی، بهار علاوه بر سرزندگی، زندگی ساز نیز هست. گفت پیغمبر به اصحاب کبار تن می‌پوشانید از باد بهار آنچه با برگ درختان می‌کند با تن و جان شما آن می‌کند بهار یعنی؛ آغازی دوباره بر پایان شیرین سختی‌ها، یعنی امیدواری به شکفتن مجدد، یعنی رستاخیز طبیعت، یعنی حیات بعد از ممات و یعنی اشتیاق و صف ناپذیر زندگی. خردمندان بر این موضوع وقوف کامل دارند که به دنبال هر سپیده دم، شب سیاهی نیز می‌باشد و در پی هر بهار دل‌انگیزی فصل دگرگونگری است به نام برگ ریزان و زمستان! پس عقل سلیم حکم می‌کند به دنبال هر سرور و شادمانی، فرا رسیدن غمی بیکران را از یاد نبرد و لازمه همه اینها ابراز امتنان است و ادای شکر به بارگاه خدای منان. اکنون که با عنایت قادر متعال توفیق درک بهار دیگری حاصل گردیده است مستانه و شورانگیز از این نعمت بزرگ، به هنگامه "؛ اذا رأیتم الربیع" مشتاقانه ذاکر و شاکر نعمت‌های بیکران ایزد منان خواهیم بود پس "؛ فاکثرو ذکر النشور." <http://www.resalat-news.com/Fa/?code=۵۷۷۸۷>

### تقوای جمعی؛ فصل الخطاب ارتباطات اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

و لباس التقوی ذلک خیر: اشاره: رهبر معظم می‌فرمایند: «مجموعه‌ها و جمع‌ها و جریان‌ها، علاوه بر تقوای فردی اعضای خود، باید در نگاه کلان از تقوای جمعی نیز برخوردار باشند چرا که در غیر این صورت، افراد متقی حاضر در این جریان‌ها نیز، به علت خطای عمومی جمع، به انحراف و خطا می‌افتند.» ایشان با ذکر مثالی در این زمینه افزودند: «جریانی که اوایل انقلاب به جریان چپ مشهور بود و شعارهای خوبی می‌داد با وجود داشتن آدم‌های با تقوا، از مراقبت و تقوای جمعی غافل شد و کار به جایی رسید که «فته‌گران ضد امام حسین (ع) و ضد اسلام و امام»، به آن‌ها تکیه کردند که این واقعیت نشان می‌دهد غفلت از تقوای جمعی، خطری بسیار بزرگ است.» بر این اساس در این مجال مطالبی در این زمینه ارائه می‌گردد. سخن اول: تقواتقوا از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. اگر این کلمه به صورت اسمی استعمال شود مثل کلمه «تقوا» و یا کلمه «متقین» به پرهیزگاری ترجمه می‌شود. این کلمه از کلمات شایع و رایج دینی است در قرآن کریم به صورت اسمی و یا به صورت فعلی زیاد آمده است تقریباً به همان اندازه که از ایمان و عمل نام برده شده و یا نام نماز و زکات آمده و بیش از آن مقدار که مثلاً نام روزه ذکر شده از تقوا اسم برده شده است. در نهج البلاغه از جمله کلماتی که بسیار روی آن تکیه شده کلمه تقوا است در نهج البلاغه

خطبه ای طولانی است به نام خطبه متقین. این خطبه را امیر المومنین در جواب تقاضای همام فرمود. ابتدا حضرت از بیان ویژگی های متقین استکاف کرد و به ذکر سه چهار جمله اکتفا فرمودند ولی همام بن شریح که مردی مستعد بود قانع نشد و در تقاضای خود اصرار کرد. امیر المومنین شروع به سخن کرد و با بیان بیش از صد صفت و ترسیم بیش از صد رسم از خصوصیات معنوی و مشخصات فکری و اخلاقی و عملی متقین سخن را به پایان رسانید. مورخین نوشته اند که پایان یافتن سخن علی علیه السلام همان و قالب تهی کردن همام بعد از یک فریاد همان .سخن دوم: معنا و حقیقت تقواتقوا برای روح مانند خانه است برای زندگی و مانند جامه است برای تن. در قرآن مجید از تقوا به جامه تعبیر شده در سوره مبارکه اعراف آیه ۲۶ خداوند بعد از آنکه نامی از جامه های تن می برد می فرماید: « و لباس التقوی ذلک خیر» یعنی تقوا که جامه روح است بهتراست. تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از اصول معینی پیروی کند. بر این اساس تقوای دینی و الهی یعنی این که انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصول خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. از آنچه در اطراف لغت تقوا گفته شد تا اندازه ای می توان معنا و حقیقت تقوا را از نظر اسلام دانست ولی لازم است به موارد استعمال این کلمه در آثار دینی و اسلامی بیشتر توجه شد تا روشن گردد که تقوا یعنی چه؟ انسان اگر بخواهد در زندگی اصولی داشته باشد و از این اصول پیروی کند خواه آنکه آن اصول از دین و مذهب گرفته شده باشد یا از منبع دیگری ناچار باید یک خط مشی معینی داشته باشد به عبارت دیگر هرج و مرج در کارهایش حکم فرما نباشد. لازمه خط مشی معین داشتن و اهل مسلک و مرام و عقیده بودن این است که به سوی یک هدف و یک جهت حرکت کند و از اموری که با هوی و هوسهای آنی او موافق است اما با هدف او و اصولی که اتخاذ کرده منافات دارد خود را نگهداری کند. سخن سوم: تقوای جمعی و آسیب های گروه در اسلام جمع گرایی و برگزاری اجتماعات اهمیت زیادی دارد. جمله معروفه ی " یدالله مع ید الجماعه " نیز حکایت از این مهم دارد. برای همین ثواب برگزاری نماز به صورت جماعت یا شرکت در نماز جمعه غیر قابل شمارش است. نکته قابل ذکر این است که همانطور که اسلام به تشکیل اجتماعات اهمیت زیادی داده است برای برقراری و تداوم نظام های اجتماعی نیز قواعد و قوانین متعددی وضع نموده که رعایت آن ضامن بقای سلامت جمعی و گروهی است. افراد زیادی وجود داشته و دارند که در قالب رفتار فردی بسیار موجه و قابل قبول هستند ولی متأسفانه بعضاً مشاهده می گردد در قالب انحرافات گروه ها در مسیر یک جریان قرار گرفته و منحرف می شوند. که نمونه ی بارز آن امروز در ورزشگاه های کشور قابل مشاهده است. بسیاری از جوانانی که در قالب گروه های هوادار یک تیم ورزشی هستند به شخصه انسان های منظم و با ادبی هستند ولی در قالب گروه اجتماعی و در مسیر هیجانانگیز مسابقات یک ورزشی از خود بی خود گشته و در یک حرکت عجیب فحاشی یا بی نظمی می کنند و یا به اماکن ورزشی آسیب وارد می نمایند. این خود مثال بسیار ساده ای است که به سایر گروه های اجتماعی نیز قابل تعمیم است. در تعریف گروه داریم: " گروه چیزی فراتر از اجتماع افراد است " بر همین اساس برای مصون ماندن از آسیب های گروه ها یا اجتماعات با مفهوم " تقوای جمعی مواجه می شویم که مقوله ای فراتر از اجتماع افراد متقی است. سخن چهارم: مصادیق عملی مفهوم تقوای جمعی در نظام اسلامی تقوای جمعی مصادیق عملی دارد. اگر جریانات و گروه ها در نظام ارتباطات اجتماعی خود، جذب حداکثری و دفع حداقلی، اثبات خود به جای نفی دیگران، روحیه جمع گرایی، داشتن نظام سیستمی و کل نگر، در نظر گرفتن منافع ملی، تحمل نظرات مخالفین، احترام به قانون و حقوق دیگران و ... را رعایت نمایند تقوای الهی در قالب گروه ها و نظام های اجتماعی مختلف متجلی می گردد. سخن پایانیامروزه نظام اجتماعی به گونه ای است که آدمی برای رفع بسیاری از نیازهای خود به صورت فردی توانایی کافی ندارد. از این رو گروه ها، جمع ها، تشکل ها، حزب ها و سازمان های متعددی تشکیل گردیده است. به طوری که هزاره ی سوم هزاره سازمان هاست. حال اگر در ارتباطات اجتماعی افراد عضو گروه های مختلف، برای تحقق منافع گروه یا دسته ی خود منافع دیگران را نفی کنند -با عنایت به قابلیت هم افزایی گروهی- اتفاقات نا بهنجاری در اجتماع می

افتد که به مراتب بدتر از عدم رعایت تقوای فردی است. حال که کلام رهبری فصل الخطاب است (باید باشد) پس دیگر تفسیر به رأی و اجتهاد شخصی در نظام ارتباط اجتماعی معنایی ندارد. هر اجتماع و گروهی در هر جایگاه و مقامی که قرار دارد می بایست به جبل الهی متمسک شود و حول محور واحد که بر اساس دستورات خدا و معصوم (ع) نظام اسلامی را مدیریت می کند خالصانه حرکت نماید و از ایجاد تفرقه در بین مسلمین پرهیز نماید. که فی الواقع "در خانه اگر کس است یک حرف بس است." و این یک حرف همانا رعایت تقوای جمعی برای سلامت نظام ارتباطات اجتماعی است. از این رو لازم است همیشه از خدا بخواهیم که به جمع ما تقوا عنایت فرماید: "الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی." تقوای جمعی مفهومی است که بوسیله ی آن گروه های اجتماعی همواره خود را در چارچوب یک منشور اخلاقی که منبعث از شرع مقدس است دانسته و همواره رفتار خود را با آن تطبیق و تنظیم می نمایند.

## دروغ نگی(م)!

مهدی یاراحمدی خراسانی

« أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِينَ؛ لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد »: سخن اول: دروغ: دروغ در حوزه رذایل اخلاقی و نابهنجاری اجتماعی به معنای سخن ناراست، خلاف حقیقت و یا واقعیت و گفتاری ناحق است. البته برای دروغ اقسام و انواعی گفته اند و برای هر یک از آنها نام های خاصی گذاشته شده است. از جمله می توان به افک و افترا اشاره کرد. راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ القرآن بر این باور است که اصل کذب و دروغ در گفتار است. تفاوتی در دروغ از این لحاظ نیست که در گذشته اتفاق افتاده باشد یا در آینده؛ چنان که تفاوتی از این جهت وجود ندارد که دروغ نسبت به وعده ای باشد که انجام نمی شود و یا امر دیگری باشد. سخن دوم: اولین دروغگو نخستین دروغ را شیطان به انسان گفت. ابلیس که خواهان خلافت الهی بر زمین بود، علاوه بر اینکه حقیقت را به گونه ای دیگر توصیف کرد تا انگیزه ای برای خوردن حضرت آدم (ع) از درخت ممنوع شود، با سوگندهای دروغین خویش، وی را به انجام این عمل واداشت: « فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ »؛ « سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده، مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند». سخن سوم: همه می دانند همه دروغ می گویند! دروغگویی به عنوان یک رفتار ناسالم و نابهنجار، از سوی همه انسان ها در طول تاریخ بشریت ناپسند شمرده می شود. دروغ، رفتاری است که در فرایند کلی رفتار انسان ها ثبت شده، جافتاده و در شرایط مختلف، با اشخاص مختلف به کار برده می شود. عمل دروغ را نه تنها در گفتار و نوشتار که در رفتار و کردار و در فکر و نگاه و سکوت هم می توان بازشناخت. هرچند دروغگویی به عنوان یک نابهنجاری اجتماعی از سوی دین، گناه بزرگ دانسته شده است و دروغگویان به عنوان دشمنان خدا شناخته شده اند، اما دروغگویی به عنوان رفتار اجتماعی، بخشی از رفتارهای روزمره و زندگی اجتماعی ما را تشکیل می دهد. شگفت آنکه همه می دانیم دروغ می گوئیم، می دانیم مردم دروغ می گویند، همه می دانند ما دروغ می گوئیم و بالاخره همه می دانند همه دروغ می گویند! سخن چهارم: شیطان و ابلیس؛ منشأ دروغقرآن به انسان هشدار می دهد که شیاطین و یاران ابلیس الهام کنندگان دروغ بر دروغگویان هستند (شعرا: ۲۲۱) و آنان هستند که به این نابهنجاری دامن می زنند. قرآن به انسان هشدار می دهد که شیطان به عنوان بنیانگذار دروغ و کسی که از این طریق کوشید تا به اهداف پست خود دست یابد، موجودی است که انسان را تشویق به دروغ می کند. قرآن در داستان آفرینش و خلافت انسان گزارشی کامل از واقعه به دست می دهد و در آن جا به اموری توجه می دهد که بسیار حیاتی و حساس است. قرآن گزارش می کند که ابلیس برای دست یابی به اهداف خویش و خوار و گمراه

کردن انسان به دروغ متوسل می‌شود و نخستین موجودی است که از آن برای دست‌یابی به اهداف شوم خود سود می‌برد. به نظر می‌رسد که ابلیس بی‌دروغگویی نمی‌توانست آدم را گمراه کند و لذا برای گمراه کردن وی از سوگند دروغ بهره برد. سخن پنجم: چرا دروغ می‌گوییم؟ چرا دروغ می‌گوییم: ما دروغ می‌گوییم تا کارمان پیش برود پس ما فی الواقع در یک موضوع طوری تغییر ایجاد می‌کنیم که طرف مقابل مان لذت بیشتری ببرد و خودمان نیز به موفقیت بیشتری دست‌یابیم مثلاً می‌گوییم "چقدر امروز عالی به نظر می‌رسی" و یا اینکه "من واقعا با تمام حرف‌هایت موافقم" در صورتی که یقین داریم حقیقت این نیست ولی برای دست‌یافتن به موفقیت و منافع بیشتر دروغ می‌گوییم گاهی اوقات نیز دروغ می‌گوییم زیرا می‌خواهیم اطرافیان خود را به آنچه می‌گوییم متقاعد کنیم تا آنها حرف‌هایمان را راحت‌تر و بیشتر باور کنند یا اینکه دلایل بسیاری را می‌توان برای دروغگویی ذکر کرد اما بطور کلی می‌توان گفت دروغ گفتن یک تاکتیک نادرست اجتماعی است برای رسیدن به آنچه که در صدد به دست آوردنش هستیم. سخن ششم: عامل‌های دروغ‌گرایی به دروغ و دروغ‌گویی عامل‌هایی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: وسوسه‌های شیطانی، چیرگی شیطان بر انسان، ضعف قدرت و نفاق، حسادت، گناه پیشگی و مکر. بی‌گمان حسادت، عامل بسیاری از نابهنجاری‌ها، و رذایل اخلاقی است و از این لحاظ می‌بایست گفت که حسادت حتی عامل مهم در کفر ابلیس و رانده شدن حضرت آدم (ع) از بهشت است. انسان به جهت حسادت نسبت به دیگری گرفتار اخلاق زشت دروغ می‌شود. نمونه و مصداقی که قرآن مطرح می‌سازد داستان برادران یوسف (ع) است که برای جلب اعتماد حضرت یعقوب و دست‌یابی به منفعتی، دروغ بر زبان راندند است. (یوسف آیه ۹ و ۱۱) عامل دیگری که قرآن شناسایی و معرفی می‌کند گناه پیشگی انسان است. در حقیقت دروغ‌گویی ریشه در گناه دارد از این رو در آیه ۷ سوره جاثیه می‌فرماید: وای بر هر دروغگوی گناهکار. در این آیه ائیم به عنوان تعلیل و علت و عامل دروغ بیان شده است. قرآن مکر زنانه را نیز به عنوان عامل دروغ‌گویی مطرح می‌سازد. (یوسف آیه ۲۵ تا ۲۸) شخص می‌کوشد تا با توجیه رفتار خویش و زشت‌نشان دادن رفتار دیگری خود را تبرئه نماید. از این رو مکر، هم می‌تواند زنانه باشد و هم غیرزنانه و هم دروغ‌گویان از این شیوه برای دست‌یابی به اهداف خاصی بهره می‌برند. سخن هفتم: آثار دروغ و دروغ‌گویی هر نابهنجاری آثار و تبعاتی در فرد و جامعه و در دنیا و آخرت به جا می‌گذارد. از مهم‌ترین آثار دروغ‌گویی در حوزه اجتماعی، سلب اعتماد عمومی است. افزایش دروغ در میان افراد جامعه، هرگونه قضاوت و داوری درستی را سلب می‌کند و اشخاص در تعامل با یک‌دیگر نمی‌توانند به گفتارهای یک‌دیگر در هیچ حوزه‌ای اعتماد کنند. از آثار دیگری که قرآن برای دروغ بر می‌شمارد آثاری است که به حوزه شخصی باز می‌گردد. قرآن بیان می‌کند که نخستین کسی که از دروغ زیان می‌بیند خود دروغ‌گوست. (غافر آیه ۲۸) قرآن از مردم می‌خواهد که از دروغ پرهیز کنند زیرا دروغ‌گویی امری زیان‌آور برای انسان است (همان) افزون بر این موجب می‌شود تا در زمره ستمگران قرار گیرد (آل عمران آیه ۹۴ و انعام آیه ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴) و در دنیا از رستگاری محروم گردد (یونس آیه ۶۹ و نحل آیه ۱۱۶) و از هدایت الهی نصیب و بهره‌ای نبرد. (زمر آیه ۳ و نیز غافر آیه ۲۸) و در آخرت نیز روسیاه برانگیخته شود. (زمر آیه ۶۰) سخن هشتم: اهداف و انگیزه‌های دروغ‌گویان ۱- برخی برای رهایی از فشار قدرت و یا احساس فشار قدرت ظالمانه، به سمت دروغ‌گویی گرایش می‌یابند و معتقدند که می‌توانند با دروغ‌گویی، خود را از آسیب‌های احتمالی قدرت و اعمال آن دور نگه‌دارند. ۲- پنهان کردن جرم و جنایت نیز از دیگر اهداف و انگیزه‌های دروغ‌گویی است؛ زیرا شخص از اعمال قانون می‌ترسد و می‌کوشد تا با پنهان کردن جرم خویش از راه دروغ‌گویی از زیر بار مجازات، شانه خالی کند. ۳- برخی نیز برای فریب دیگران از آن استفاده می‌کنند: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبْلَى»؛ «ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟». سخن نهم: مضرات دروغ‌متمترین مضرات دروغ به شرح زیر معرفی می‌گردد: ۱- نابود کننده ایمان: به یقین اعمال نیک هر انسانی پاداش شایسته‌ای دارد، اما کسانی که می‌خواهند کارهای نیک خود را با گناه و دروغ‌گویی همراه سازند،

هرگز از کار خیر خود بهره ای نخواهند برد؛ زیرا دروغ گفتن به اصل ایمان لطمه می زند و عمل منهای ایمان به خداوند چه اثری خواهد داشت؟ امام باقر «علیه السلام» فرمود: «إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيْمَانِ؛ دروغ نابود کننده ایمان است.»<sup>۲</sup> - شاخص ترین علامت نفاق: خداوند متعال در سوره منافقون به بعضی از نشانه های اهل نفاق پرداخته و به مردم معیار کلی معرفی می کند که اگر کسی این صفات نازیبا را داشته باشد از او حذر کنید و در معاشرت با وی کمال احتیاط را داشته باشید. شاخص ترین علامت منافقین دروغ گفتن آنان در ارتباط با دیگران است. آنان نه تنها اخبار دروغ و گزاره های کذب را در گفت و گوهایشان به کار می گیرند، بلکه با قسم هائی که بر آن می افزایند در سقوط به دره هولناک معصیت شتاب می ورزند.<sup>۳</sup> - سلب اعتماد عمومی: انسان بر اثر دروغگوئی، نه تنها اعتماد به نفس خود را از دست می دهد، بلکه اعتماد عمومی نیز از او سلب شده و جایگاه اجتماعی اش متزلزل می گردد. در مقابل، راستگوئی آن چنان شخصیت انسان را بالا می برد که نه تنها مورد اعتماد عموم قرار می گیرد، بلکه مورد توجه بزرگان و خواص نیز قرار خواهد گرفت. روایت زیر این سخن را کاملاً روشن می سازد.<sup>۴</sup> - در معرض لعن خداوند: قرآن کریم برای از میان بردن این صفت زشت، آثار زیانبار آن را بیان می کند و می فرماید: «أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ؛ لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد»<sup>۵</sup> - دوری از امام زمان (عج): حضرت مهدی (عج) در مورد شرایط دوستان راستین خود می فرماید: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقَرَّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلْيَتَجَنَّبْ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَسَيِّئَاتِنَا؛ هر یک از شما باید به آنچه که او را به دوستی ما نزدیک می سازد، عمل کند و از آنچه که خوشایند ما نبوده و خشم ما در آن است، دوری گیرند»<sup>۶</sup> بدون تردید دروغگو نمی تواند از دوستان خالص حضرتش باشد. سخن دهم: موارد استثنا در مورد دروغنا گفته نماند که در مورد دروغ مواردی استثنا شده است که در آنها صلاح جامعه و افراد ملاک است. امام صادق (ع) فرمود: «المصلح ليس بكذاب»؛ «کسی که واقعاً قصد اصلاح داشته باشد او در شمار دروغگویان نیست.» سخن یازدهم: الگوهای راست گویی<sup>۱</sup> - قرآن: امیر مؤمنان (ع) در گفت و گوها و رفتارهای فردی و اجتماعی خویش بر آیات الهی اصرار ورزیده و بر ترویج آن اهتمام ویژه ای داشت. آن حضرت بر این باور بود که: قرآن راست ترین کلام است و ذره ای در آیات آن تردید وجود ندارد آن حضرت می فرمود: «همانا این قرآن پند دهنده ای است که نمی فریبد و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی گوید.»<sup>۲</sup> - اهل بیت (ع): سیره ایشان به عنوان برترین هادیان بشر و بهترین الگوهای انسانی می تواند چراغ راه در این مسیر گردد. حضرت فاطمه (س) در خانه علی (ع) با عشق و صفا و صمیمیت زندگی کرد و در آخرین لحظات زندگی به شوهر وفادار خویش صادقانه اظهار داشت: «ای عموزاده! هیچ گاه دروغ و خیانتی در زندگی از من ندیدی و از وقتی که با من زندگی مشترک آغاز نمودی، هرگز با دستورات تو مخالفت نکردم.» علی نیز در جواب او فرمود: «پناه به خدا [ای دختر پیامبر!] تو نسبت به خدا داناتر و نیکوتر و پرهیزکارتر و بزرگوarter و هراسناک تر از آنی که بخواهم در مورد مخالفت با خود، تو را سرزنش و توبیخ نمایم.»<sup>۳</sup> - انسان های کامل: در مورد شیخ عباسی قمی نوشته اند: در یکی از روزهایی که محدث قمی بیمار بود و بعد از آن رحلت نمود یکی از علمای تهران برای عیادت به حضورش رسید. حاج شیخ عباس آن روز بسیار متفکر و ناراحت بود. آن عالم پرسید: چرا ناراحتید؟ محدث قمی پاسخ داد: در سفری که به حج رفتم در مکه معظمه خواستم به روش محدثین که از یکدیگر اجازه می گیرند از یکی از محدثان اهل سنت اجازه نقل حدیث بگیرم. وقتی این منظور را با وی در میان نهادم، عالمی سنی از من سؤالی کرد و من روی مصالحی آن را انکار نمودم. اکنون در این فکرم که فردای قیامت چگونه این سخن غیر واقعی را در محضر عدل الهی توجیه کنم؟ سخن دوازدهم: روانشناسی دروغنیمی از مردم جهان بطور میانگین در هر ۱۰ دقیقه سه دروغ می گویند از دروغ های پیش پا افتاده (من الان می خواستم بهت زنگ بزنم) گرفته تا دروغ های بزرگتر. پژوهشگران درباره اینکه "چرا ما دروغ می گوئیم"؟<sup>۴</sup> چرا حقیقت را وارانانه جلوه می دهیم؟ تحقیقاتی کرده اند و به این نتیجه نیز رسیده اند که دروغ گفتن همه گیر شده است و بیش از آنچه تصور می شود مردم به این عادت خو گرفته اند. دروغ گفتن از پایین ترین سنین زندگی ما شروع می شود از همان دورانی

که تازه شروع به حرکت می‌کنیم. در ابتدا دروغ‌های مان ساده تر و بچگانه تر است و هرچه بزرگ تر می‌شویم دروغ‌ها شکل پیچیده تری به خود می‌گیرند و دیگر از دروغ‌های ساده خبری نیست در واقع یاد می‌گیریم که برای نجات خود از هر موقعیت آزار دهنده ای دروغ بگوییم. اگر چه از همان دوران کودکی دروغ گفتن را می‌آموزیم ولی دروغ گفتن نیز ریشه‌های تکاملی دارد اگر به زندگی حیوانات کمی توجه کنید در می‌یابید که آنها نیز دروغ‌های ساده می‌گویند. حتی گاهی اوقات برخی از آنها می‌توانند دروغ‌های پیچیده نیز بگویند. مثلاً کرم شب تاب، سیکنال‌هایی می‌فرستد تا گونه‌های دیگر کرم‌های شب تاب را جذب خود کند و کسی که به طرف او کشیده شود در نهایت طعمه او شده و خورده می‌شود شاپانزه و میمون، حیواناتی هستند که دروغ‌های پیچیده تری می‌گویند این حیوانات از نظر روانشناسی شخصیت‌های مرموزتری داشته و شباهت زیادی به انسانها دارند. از منظر روانشناسی مردم با دروغ گفتن پایه‌های روابط خود را با ارتباطات غلط و نادرست آغاز می‌کنند. سخن پایانبیا آن که دروغ در میان همه ملت‌ها و ادیان امری ناپسند شمرده می‌شود ولی همگان بدان تمسک می‌جویند و برخلاف باورها و اعتقادات خویش دروغ‌گویی را گناه به صورت پیشه و گناه به صورت موردی انجام می‌دهند. برخی از افراد بیش از دیگران به دروغ تمایل و گرایش دارند. این افراد کسانی هستند که از نظر شخصیتی، خود را با گناه آلوده کرده‌اند ولی از آن جایی که نمی‌توانند به آسانی و در همه جا رفتارهای نابهنجار و غیرقانونی خود را انجام دهند به دروغ گرایش می‌یابند تا در پناه دروغ، اعمال و رفتار خویش را پسندیده جلوه دهند. برخی بر این باورند که عامل فزاینده نابهنجاری‌ها و گناهان در شخص و جامعه، دروغ و دروغ‌گویی است. هر چند که هنجارشکنی و گناه، ریشه در علل و عوامل دیگری دارد ولی افزایش گرایش فرد به گناه را می‌بایست در دروغ‌گویی انسان دانست. اگر شخص به جهت کسب منافع و یا مصالح، قانون را زیر پا می‌گذارد و با عبور از قانون و هنجارهای پسندیده اجتماعی می‌کوشد تا به آن منافع دست یابد این عامل دروغ است که این مساله را سامان می‌دهد و با تغییر وجوه ناپسند و زشت آن، مساله را در ظاهر پسندیده و هنجاری می‌نمایاند. امام علی (ع) در خطبه ملاحم، شیوع دروغ‌گویی را از نشانه‌های آخر الزمان می‌فرماید: «راستی از میان رفته و دروغ شایع می‌شود. مردم در زبان با هم دوست و در دل با همدیگر دشمن می‌شوند. به گناه افتخار می‌کنند و از پاکدامنی به شگفت می‌آیند.»

## نگاهی به فلسفه وجوبی حجاب

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد.

سخن اول: مفهوم حجاب و عفافحجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می‌شوند و در نگاه اول به نظر می‌آید هر دو به یک معنا باشند، اما با جستجو در متون دینی و فرهنگ نام‌ها به نکته قابل توجهی می‌رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این گونه تعریف کرده‌اند: الحجاب: المنع من الوصول حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می‌شود. با توجه به معانی ذکر شده درمی‌یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است. اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است، ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می‌گویند. که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. گاه «عفت» به معنای قناعت آمده و مسایل مالی مورد نظر است، نظیر و آن کس که توانگر است، باید (از گرفتن اجرت و

سرپرستی) خودداری کند و آنکه تهیدست است، مطابق عرف بخورد. برخی از لغت‌شناسان عفت را به معنای "ترک شهوات و پاکی خوی و جسم" آورده‌اند. از مجموع معانی ذکرشده برای حجاب و عفاف می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه بازمی‌دارد. عفاف، خویشتن‌داری با علائم و نشانه‌های رفتاری و گفتاری است و وجود آن بستگی به وجود نشانه‌های آن دارد پس حفظ عفاف بدون رعایت نشانه‌های آن ممکن نیست. عفت نمی‌تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت در نشانه‌های خویشتن‌داری زن و مرد، از تفاوت در خلقت آنها سرچشمه می‌گیرد و یکی از نشانه‌های عفاف پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش، قابل تصور نیست. نمی‌توان به زن یا مردی «عفیف» گفت در حالی که عریان یا نیمه‌عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود گرچه تفاوت رفتارهای انسانی و حیوانی ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش‌ها و منش‌ها دارد. در اسلام از نشانه‌های برجسته «عفاف» می‌توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره نمود. (مطهری □ ۱۳۶۲)

سخن دوم: حجاب اسلامی‌اسلام آخرین آیین الهی و بالطبع کامل‌ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم، نازل شده است، لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریط‌هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است. در حجاب اسلامی، سهل‌انگاری‌های مضر و سخت‌گیری‌های بی‌مورد، وجود ندارد. دستور به رعایت حجاب هم در قرآن کریم مطرح شده و هم در احادیث و روایات اسلامی. پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) علاوه بر تأکیدی که بر رعایت حجاب داشته‌اند، با ارائه دستورالعمل‌هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته‌اند.

سخن سوم: هدف و فلسفه حجاب هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید: "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ اوست خدایی که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند" از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست‌یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون: "قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

سخن چهارم: مبانی و مصادیق حجاب احکام اسلام بر اساس جلب مصالح و دفع مفاسد مبتنی بر فطرت پاک انسان و عدم ضرر است خالق انسان بهتر از هر نهاد یا منبعی می‌داند که نیاز فطری انسان چیست زیرا بدون تردید اگر پروردگار را تنها علت اصلی پیدایش عالم هستی بدانیم به طور قطع علم و عدالت آن ذات بی‌همتا اقتضا دارد که منبع اصلی قانون‌گذاری نیز برای رفتار و گفتار شخصی و اجتماعی انسان باشد. خداوند تنها برای دین شرافت و کرامت قائل است و بر همین اساس پارساترین افراد را با کرامت‌ترین می‌داند و حجاب در تعریف خالق انسان یکی از نمادهای پارسایی است زن مسلمان واقعی پارسا و با کرامت است و خداوند راضی نیست زیبایی و محاسن چنین زنی در منظر و دید افراد فاسد قرار گیرد تا در بعضی موارد مورد استمتاع و شهوترانی آنان واقع شود. حرمت زن مسلمان به اعتبار اسلام و پارسایی اقتضا دارد که زن مسلمان برخلاف زن کافر، محاسن و زیباییهای خود را از نامحرمان بپوشاند و مجاز باشد تنها برای محارم تا حدودی و برای شوهرش هیچ گونه حجابی نداشته باشد. حجاب چشم: "قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (نور؛ ۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند" "قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (نور؛



۳۱) ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند." حجاب در گفتار: نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است: *فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ* (احزاب؛ ۳۲) پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد. حجاب رفتاری: نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌های راه نروند که با نشان دادن زینتهای خود باعث جلب توجه نامحرم شوند و *لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ* (نور؛ ۳۱) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده میشود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

سخن پنجم: منافع حجابپوشش یا حجاب، به صورتی که زیبایی‌ها و زینت زن را بپوشاند و او را از چشم چرانی مردم هرزه و بی تربیت، و آلودگان به شهوت حیوانی، و حالات شیطانی حفظ کند دستوری قرآنی، و قانونی الهی، و تکلیفی انسانی، و برنامه‌ای اخلاقی است. حجاب و پوشش اسلامی که بهترین نوع آن چادر است، چادری که یادگار منبع عصمت و عفتی چون فاطمه زهرا (علیها السلام) است، هیچ مانعی در راه دانش طلبی و رشد و کمال زن ایجاد نمی‌کند، بلکه او را از بسیاری از خطرات، و دامهایی که حیوان صفتان در راه زیبارویان، و دختران و زنان جوان قرار داده اند حفظ می‌کند، و پاکدامنی و سلامت و عفت و حیای او را برای شوهرش یا اگر ازدواج نکرده، برای مرد آینده اش محفوظ می‌گذارد.

سخن پایانی حجاب و پوشش برای بانوان به ویژه حجاب برتری یعنی چادر توجه به حریم عفاف و حراست آن از اصلی ترین سنگرزنان و از مهم ترین و عمیق ترین و سودمندترین قانون الزامی آفرینش برای آنها و جامعه است. بنابراین باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما به سوی ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد به مهم ترین وجهی رهنمون گردند. زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده کلاس درس اوست. بر همین اساس زن مربی بشر است و می تواند با تربیت فرزند امتی را رهایی بخشد. حال جایگاه والای این گوهر آفرینش اقتضای کند که در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های او حفظ شود و این است فلسفه پوشش که خدای حکیم برای ناموس خلقت واجب کرده است. فلسفه حجاب حفظ ارزش والای زن است و از همین رو است که خداوند پوشش دینی را بر او واجب و نگاه به بدن و موی سر او را حرام فرموده است.

## جوان شایسته از منظر اسلام

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: دوران نوجوانی و جوانی دوران حساس و سرنوشت ساز و تعیین کننده شخصیت فرد است. در این دوران غرور، هیجان، احساس، شهوت و ناپختگی عقلی بر شخص سایه می افکند. چیزی که می تواند این احساسات را در مسیر سالم، هیجان و غرور را در طریق مثبت و شهوت را در مسیر مشروع هدایت نماید، قانون الهی یعنی قرآن و احادیث معصومین (ع) است. جوانی بهترین و حساس ترین دوره عمر انسان به حساب می آید. در همین دوره است که انسان می تواند سرنوشت خویش را رقم بزند و افق آینده خود را روشن و درخشان و یا آن را تیره و تار سازد. در واقع قالب وجودی انسان در این دوره شکل می گیرد و آینده او هم بر همین اساس رقم می خورد. جوانی از نگاه قرآن و احادیث از منظر قرآن مجموع فراز و نشیب زندگی انسان دارای سه مرحله می باشد؛ مرحله ضعف کودکی، دوران قوت و جوانی، مرحله ضعف پیری. قرآن کریم و روایات اسلامی به دوره حساس

نوجوانی و جوانی عمر انسان اهمیت ویژه ای داده اند. چنان که امام صادق (ع) در این باره به یکی از اصحاب خویش می فرماید: چون جوان مسلمان قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس آمیخته شود و خداوند متعال او را در زمره پیامبران والا مقام نزد خود قرار می دهد و خداوند خود در قیامت مدافع وی باشد. همچنین قرآن کریم با طرح الگوهایی از جوانان شایسته همانند اصحاب کهف و برخی از پیامبران جوان الهی و یادآوری برخی از داستان ها و نکات اخلاقی و تربیتی سیمای جوان شایسته را ترسیم می کند. در این راستا یک جوان شایسته از دیدگاه قرآن کسی است که تقوا و پرهیزکاری را پیشه می کند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: خداوند متعال به وجود جوان عبادت پیشه و باتقوا بر فرشتگان می نازد و می فرماید: این بنده من را بنگرید به خاطر من از هوای نفس خویش دست کشیده است. ویژگی های جوان شایسته بر اساس آیات الهی مرور آیات شریف قرآن کریم می توان موارد زیر را به عنوان مهم ترین ویژگی های یک جوان شایسته عنوان نمود: ۱- داشتن ایمان و دوری از شرک: قرآن کریم می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده ایمان بیاورید. ۲- عدالت طلبی و حمایت از مظلومان: از آن جا که جوان هنوز در نابرابری های محیط غرق نشده و به آن خو نگرفته و آلوده نشده است صفت عدالت طلبی و حمایت از مظلومان در او بیشتر تجلی دارد. قرآن کریم در این باره به جوانان عدالت طلب و حامی مظلوم حضرت موسی (ع) اشاره می کند. ۳- کوشش و تلاش: دوره جوانی زمان تلاش، کوشش و نشاط است. قرآن در این باره نیز حضرت موسی را یادآور می شود و او را سمبل و الگوی یک جوان فعال و تلاشگر و پرتحرک معرفی می کند که بدون سرمایه و ثروت برای حضرت شعیب کار کرد و بعد از انتخاب همسر و تشکیل خانواده با ثروت فراوان به شهر خود بازگشت. ۴- حق پذیری: جوانان زودتر به حقایق دل می بندد و در عمل نیز بی باک و جسور اند و اگر چیزی را حق ببیند در تثبیت آن مقاومت می کند. قرآن کریم برخی از جوانان اصحاب کهف را چنین می داند و می فرماید: ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارش ایمان آوردند و ما بر هدایت شان افزودیم. ۵- شهامت و شجاعت: از دیگر ویژگی های یک جوان شایسته از نگاه قرآن داشتن شهامت و شجاعت است. این دو از صفات کمال انسان است که بیشتر در جوانان نمود دارد. از جمله این جوانان می توان به حضرت داوود و حضرت ابراهیم اشاره کرد. ۶- عفت و پاکدامنی: از دیگر ویژگی های یک جوان می توان به عفت و پاکدامنی اشاره کرد. قرآن کریم در جایی در باره حیا و عفت دختران شعیب می فرماید: ناگهان یکی از آن دو زن به سراغ او آمد در حالیکه که با نهایت حیا گام بر می داشت. ۷- پرهیز از افراط و تفریط: پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال از دیگر ویژگی های یک جوان شایسته است. امام موسی کاظم (ع) در این باره می فرماید بهترین کارها معتدل ترین و میانه ترین آن هاست. جوانان در این مقطع از سن باید احساسات و شور جوانی را در خویش کنترل و هدایت کنند و از افراط و تفریط در امور پرهیزند. ۸- خوش اخلاقی و تواضع در برابر مردم: لقمان حکیم به فرزند جوانش سفارش می کند: پسر من با بی اعتنایی از مردم روی بر مگردان و مغرورانه بر زمین را نرو که خدادند هیچ متکبر و مغروری را دوست ندارد. ۹- عبادت و امر به معروف و نهی از منکر: یک جوان شایسته باید در اقامه ی نماز بکوشد و مردم را از منکرات و زشتی ها نهی و به خوبی ها دعوت کند و در برابر سختی ها و مشکلات صبور باشد. ۱۰- نیکی به پدر و مادر: از ویژگی های یک جوان شایسته، نیکی به پدر و مادر است. خداوند می فرماید: به پدر و مادر خود نیکی کنید همچنین به خویشانان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و... ۱۱- یادآوری معاد و روز قیامت: یک جوان شایسته از نظر قرآن هیچ گاه یاد مرگ و روز قیامت و حساب و کتاب اعمال آخرت را فراموش نمی کند. لقمان به فرزند خویش می فرماید: "پسر من اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل خوب یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می آورد، خداوند دقیق و آگاه است." ۱۲- اهتمام به ازدواج: ازدواج یکی از محبوب ترین نهادها نزد خداوند و از سنت های پیامبر اسلام (ص) است که با آن می توان خود را تضمین کرد. جوان برای رشد خود نیازمند به آرامش روحی و فکری است و این آرامش می تواند در سایه ازدواج مهیا شود. علاوه بر این ازدواج اولین مرحله خروج از خود

طبیعی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است و انسان را پخته و شخصیت او را اجتماعی و ثمراتی چون حفظ و تقویت ایمان، بهره مندی از نشاط جوانی، پاک ماندن از فساد و انحرافات جنسی و محفوظ ماندن از بیماریهای عصبی و روانی را به ارمغان می آورد. ۱۳- دوری از هوای نفس و شهوت: بالاترین غریزه انسان غریزه شهوت است که اوج آن در دوران جوانی است و بزرگترین مانع رشد یک جوان شهوت و هوای نفس اوست. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید هر کس از شهواتش پیروی کند به تحقیق در هلاکت به نفسش کمک کرده است. ۱۴- طلب شخصیت و عزت شخص: جوانان در طلب شخصیت و کسب عزت نفس می باشند و مایلند هر چه زودتر شخصیتی ثابت و مستقل برای خود بسازد و موجبات رشد خود را فراهم نماید و صلاحیت های لازم را برای پذیرش در جامعه به دست آورد. پیامبر (ص) در این باره می فرماید: فرزند در هفت سال اول به سبب ناتوانی جسم و نارسایی فکر مورد عطف و ترحم والدین است و والدین از روی رحمت به خواسته ای او عمل می کنند، لذا کودک بر پدر و مادر آقایی می کند. در هفت سال دوم به سبب اینکه به اندازه ای نیرومند شده مانند گذشته مورد ترحم نیست و وظایف خود را در قالب دستور از پدر و مادر می گیرد. در هفت سال سوم که دوره بلوغ و جوانی است دوره ای دارای ارزش های والا است و پیامبر اکرم با دادن نسبت وزارت به جوانان در حقیقت چنین نکته ای را مورد اهمیت قرار می دهد: اول اینکه جوان دارای ارزش است و باید مورد احترام و تکریم قرار گیرد. دوم اینکه طلب شخصیت با کسب عزت یعنی ارزشیابی انسان در مورد خودش که با مفهوم هویت در ارتباط است ارتباط مستقیم دارد و ضعف و قوت خصوصیات شخصیتی هر فرد با میزان موفقیت وی در کسب عزت نفس در ارتباط است. ۱۵- الگو یابی: یکی از مهمترین ویژگی های شخصیت انسان در دوران جوانی الگو یابی است که در راستای رشد و شکل گیری هویت شکل می گیرد. قرآن کریم پیامبر اسلام را بهترین شایسته ترین الگو معرفی می نماید. سخن پایانبیرخی از افراد به غلط جوانی را دوران جهالت و نادانی می دانند. و هر گونه اشتباهی را با دلیل جوانی توجیه پذیر می دانند این در حالی است که از نگاه اسلام - که جامع ترین مکتب آسمانی است - جوانی دوران تلاش و کوشش و تفکر است. از این رو اسلام فعالیت های خردمندانه در دوران جوانی را ارزشمندتر می پندارد. و عبادت و پرهیزکاری را بهترین همراه انسان در بهار زندگانی می شمارد " در جوانی پاک بودن شیوه ی پیغمبری است. " دین مبین اسلام بیشترین توصیه ها را در هدایت و تربیت نسل جوان و رسیدگی و ساماندهی امور آن ها دارد. فرصت زندگی اولین نعمتی است که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته است که بهترین دوره ی آن جوانی است. از این رو باید به گونه ای زندگی کرد که مدیون جوانی نشویم و به گونه ای جوانی کنیم که شرمنده ی زندگانی خود نباشیم. به قول مرحوم شهریار: از زندگانی ام گله دارد جوانی امشرمنده ی جوانی از این زندگانی ام

## روزه؛ تمرین تقوا

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: تقارن ماه رحمت و میهمانی الهی با روزهای گرم، بلند و طاقت فرسای تابستان فرصت مناسبی است که کوله بار سنگین گناهان را به زمین گذاشته و زنگار عصیان، زشتی و پلیدی را که بر جسم و جان خسته مان نشسته در برابر باران رحمت الهی قرار دهیم و به قول شاعر " دست از مس وجود چو مردان ره بشوئیم " و حق جویانه به سوی حضرت دوست پرواز کنیم. و به راستی چه زیباست بنده ی گنهکار خدای مهربان با نفس خویش پیکار می کند، نفس را به زانو در می آورد و در دریای رحمت کریم شکست ناپذیر شناور می گردد. امام صادق (ع) می فرماید: هر کس در روز بسیار گرم برای خدا روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند هزار فرشته را می گمارد تا دست به چهره او بکشند و به وی بشارت دهند تا هنگامی که افطار کند. (الکافی، ج ۴، ص ۶۴). تقوا؛ علت اصلی روزهانگیزه و خوب روزه از سوی خداوند متعال تمرین تقوا از سوی روزه داران است. تقوا در فرهنگ قرآنی از جایگاه ارزشی والایی برخوردار است. چنان که بسیاری از احکام و پاداش ها مبتنی بر این اصل است و حتی دریافت پیام های وحی و قرار

گرفتن در مسیر هدایت الهی و بهره مندی از آن منوط به تحقق نوعی تقوای عقلانی و عقلایی است. تقوا به معنای نگه داشتن و پرهیز از پلشتی‌ها و پلیدی‌های عقلانی و شرعی است. خداوند متعال در بیان علت و انگیزه وجوب روزه برانسان‌ها در همه ادیان به تقوا اشاره می‌فرماید: «خداوند به عنوان قانون بر شما روزه را نگاشت و حکم کرد چنان که بر کسانی که پیش از شما بودند این حکم نوشته شده تا شاید شما تقوا پیشه کنید. (بقره آیه ۱۸۳) در آیه کریمه به صراحت بیان شده است که هدف از روزه دست یابی روزه داران به تقواست و به کارگیری واژه لعل (شاید) به این علت است که روزه به معنای تقوا نیست بلکه تمرین تقوایی است. بر این اساس است که فعل (تتقون) آورده شده است. به بیان دیگر اموری که در مجموعه روزه مورد توجه قرار گرفته حتی در میان خردمندان عالم به عنوان اموری تمرینی برای ایجاد تقوا و مهار نفس مطرح است و آن را برابر با تقوا نمی‌شمارند. کیفیت روزه داری خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه ای برای آفریدگان خود قرار داده تا با طاعتش برای خشنودی او از یکدیگر پیشی گیرند. در صحف ادریس پیامبر (ع) در کیفیت روزه داری آمده است: "هر گاه وارد ماه صیام شدید، پس خویشتن را از هر پلیدی و ناپاکی پاک سازید، (درون خود را برای پذیرش عبادت ویژه خداوند پاکسازی نمائید) و روزه بگیریید برای خداوند با قلبی خالص و نورانی و پاک از فکرهای بد، و صداها‌ی نامفهوم و بی معنی و زشت، زیرا خداوند حبس می‌نماید دل‌های ناپاک و نیت‌های غیر خالص شما را و دهن‌های شما نباید فقط با امساک از خوردنی‌ها صائم و روزه‌دار باشد. بلکه باید جوارح شما از گناهان نیز روزه باشد (یعنی اعضاء شما هم باید از معصیت خدا امساک نمایند) و همانا خداوند راضی نمی‌گردد و خشنود نمی‌شود از شما به اینکه فقط از خوردنی‌ها پرهیز کنید، بلکه از کل منکرات و زشتی‌ها باید پرهیز نمائید تا آنجا که تغییر حالت پیدا کنید." روزه در آیات و روایات ۱- پایه‌های اسلام: اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. (امام باقر ع.ع) ۲- فلسفه روزه: خداوند روزه را واجب کرده تا بدین وسیله دارا و ندار مساوی گردند. (امام صادق ع.ع) ۳- یادآور قیامت: مردم به انجام روزه امر شده‌اند تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را بیابند. (امام رضا ع.ع) ۴- زکات بدن: برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است. (پیامبر ص.ص) ۵- سپر آتش: روزه سپر آتش (جهنم) است. (پیامبر ص.ص) ۶- برترین روزه: روزه قلب بهتر از روزه زبان است و روزه زبان بهتر از روزه شکم است. (امام علی ع.ع) ۷- روزه چشم و گوش: آنگاه که روزه می‌گیری باید چشم و گوش و مو و پوست تو هم روزه‌دار باشند. «یعنی از گناهان پرهیز کند». (امام صادق ع.ع) ۸- روزه اعضاء جوارح: روزه‌داری که زبان و گوش و چشم و جوارح خود را حفظ نکرده روزه‌اش به چه کارش خواهد آمد. (حضرت زهرا س.ع) ۹- بهشت و روزه‌دارن: برای بهشت دری است بنام (ریان) که از آن فقط روزه داران وارد می‌شوند. (پیامبر ص.ص) ۱۰- روزه خواری: هر کس یک روز ماه رمضان را (بدون عذر)، بخورد روح ایمان از او جدا می‌شود. (امام صادق ع.ع) ۱۱- ماه رحمت: رمضان ماهی است که ابتدایش رحمت است و میانه‌اش مغفرت و پایانش آزادی از آتش جهنم. (پیامبر ص.ص) ۱۲- ماه قرآن: هر کس ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا را قرائت کند مثل اینست که در ماه‌های دیگر تمام قرآن را بخواند. (امام رضا ع.ع) ادای حق روزه‌در کلام برزگان دین آمده است: حق روزه را ادا نکرده فردی که زبان و گوش و چشم و جوارحش را از محرّمات حفظ نکرده باشد. یعنی روزه در معنای واقعی حفظ شکم از کل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و مبطلات دیگر و خلاصه‌ای از اجتناب از گناهان و معصیت‌خداوند می‌باشد، زیرا روزه‌دار بدون پرهیز از تمامی محرّمات روزه واقعی را تحقق نبخشیده است. نقل است از پیامبر اعظم (ص) که می‌فرماید: پنج خصلت موجب افطار روزه و بطلان وضوء می‌شود: «خمس خصال یفطرن الصائم، و ینقضن الوضوء الکذب، و الغیبه و النمیمه، و النظر بشهوه، و الیمین الکاذبه» پنج صفت است که روزه را باطل و وضوء را می‌شکند؛ دروغ و غیبت و سخن چینی و نظر شهوت انگیز، و قسم دروغ. سخن پانینیا شروع میهمانی خدا و طلوع ماه مبارک رمضان آسمان لبخند می‌زند و در‌های آن در شب اول ماه گشوده می‌گردد و تا آخرین شب بسته نمی‌شود. و چه زیباست در این روزهای بلند عشق بازی بنده با مهر ثابت و عشق پایدار!؛ خدای مهربان. "رسول خدا (ص) فرمود: روزه گرفتن در گرما، جهاد است. (بحار الانوار، ج ۹۶،

ص ۲۵۷). سفره رحمت و مغفرت پهن می شود و همه می توانند (یعنی باید بتوانند) در این ماه خود را از بند نفس رهایی ببخشند و لغزش های گذشته را جبران کنند تا مورد آمرزش الهی قرار گیرند. و فرمایش رسول گرامی حق تکلیف را بر مؤمنان روشن می نماید: « بدبخت واقعی کسی است که این ماه را پشت سر گذارد و گناهانش آمرزیده نشود »

## جهاد اعتقادی

مهدی یاراحمدی خراسانی

پیامبر اعظم (ع): الصوم فی الحر جهاد: اشاره: روزه ماه رمضان و سایر عبادات و شعائر دین فقط فعالیت های جسمی نیستند، بلکه همه این ها اعمالی هستند که از عقل و دل سرچشمه می گیرند و در قالب حس می ریزند و با آن همراه می شوند. از همین رو، هر گاه این اعمال بدون مشارکت و حضور دل و عقل انجام گیرد، بی روح، بی هدف، و تقلیدی می شوند و در واقع: انجام می گیرند اما تأثیری نمی بخشد. تقارن ماه رحمت و میهمانی الهی با روزهای گرم، بلند و طاقت فرسای تابستان فرصت مناسبی است که کوله بار سنگین گناهان را به زمین گذاشته و زنگار عصیان، زشتی و پلیدی را که بر جسم و جان خسته مان نشسته در برابر باران رحمت الهی قرار دهیم و به قول شاعر " دست از مس وجود چو مردان ره بشوئیم " و مجاهدانه و حق جویانه به سوی حضرت دوست پرواز کنیم. روزه؛ جهاد اعتقادیرمضان موسم تمرین جهاد است و آمادگی برای جنگ و ستیز با نفس اماره و آغاز بازگشت به خدا. اگر مبارزه با نفس را جهاد اکبر بدانیم روزه نوعی " مبارزه با نفس " نوعی جهاد است که از اعتقادات ناب اسلامی نشأت می گیرد. روزه یک توفیق بزرگی است که چنین عمل مشقت زایی را برای ما آسان می نماید و بوستانی از خوبی ها را در اختیارمان می گذارد دل، قلب، روح و جان آدمی کانونی شریف و حساس است و آفریدگار هستی عرش خویش را دل مؤمنان قرار داده است. ولی گاهی این گوهر وجود آدمی دچار هیجان های منفی و تشویش ها و اضطراب های بیهوده می گردد، از جمله داروهای شفا بخش این تلاطم های روحی روزه است که تمایلات را کنترل و تعدیل می نماید. رسول اکرم (ص) روزه را به یک سپر تشبیه کرده اند. به برکت این ویژگی روزه دار مراقب است از راه حق منحرف نگردد و از کژی های زبانی، رفتاری و کرداری پرهیز می کند و با زبان حال خویش می گوید این نفس اماره می خواهد چنین پاسبان قوی را که وجودم را تحت نظارت گرفته و این نگهبان مفید و مهربان را که قوای رذیلت و نکوهش شده را به زندان افکند از بین ببرد اما دستش کوتاه است و به برکت معنویت روزه قادر نیست مرا از صراط حق منحرف کند. انگیزه وجوب روزه از سوی خداوند متعال تمرین تقوا از سوی روزه داران است. خداوند متعال در بیان علت و انگیزه وجوب روزه برانسان ها به تقوا اشاره می فرماید: «خداوند به عنوان قانون بر شما روزه را نگاشت و حکم کرد چنان که بر کسانی که پیش از شما بودند این حکم نوشته شده تا شاید شما تقوا پیشه کنید. (بقره آیه ۱۸۳) در آیه کریمه به صراحت بیان شده است که هدف از روزه دست یابی روزه داران به تقواست و به کارگیری واژه لعل (شاید) به این علت است که روزه به معنای تقوا نیست بلکه تمرین تقوایی است. بر این اساس است که فعل (تتقون) آورده شده است. به بیان دیگر اموری که در مجموعه روزه مورد توجه قرار گرفته حتی در میان خردمندان عالم به عنوان اموری تمرینی برای ایجاد تقوا و مهار نفس مطرح است و آن را برابر با تقوا نمی شمارند. فواید روزه در آیات و روایاتاز نگاه آیات و روایات، روزه دارای آثار و فضایل زیادی دارد. برخی از مهم ترین آن عبارتند از: ۱- سلامت جسم و بدن: پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: صوموا تصحوا؛ روزه بگیرید تا تندرست بمانید (شوید). یکی از پزشکان روسی به نام الکسی سوفورین روزه طبی (یعنی فرد ۴۰ روز فقط آب بخورد) برای تجویز بیماری های صعب العلاج تجربه کرده و نتایج موفقیت آمیزی از آن به دست آورده بود که استدلال این طبیب بدین شرح است: انواع بیماری ها از غذاهای زاید و اضافی که از معده می گذرد و به تصرف بدن نمی رسد، سرچشمه می گیرد. این مواد غذایی اضافه، تولید عفونت هایی می کند که بهترین شرایط را برای نشو و نمای میکروب ها و باکتری ها فراهم می سازد. بنابراین، اساس درمان همه آنها نیز

مصرف کردن و نابود ساختن آن مواد اضافی از طریق گرسنگی و امساک از غذاست. این دو اصل همان است که در عبارت کوتاه و پرمعنی از یک حدیث مشهور که از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده، صریحاً آمده است: *المعدة بيت كل داء، و الحمئة رأس كل دواء؛* (بحارالانوار، ج ۱۴) معده خانه تمام دردهاست و امساک بالاترین داروهاست. ۲- تعادل اقتصادی: امام صادق (ع) می‌فرماید: به راستی خداوند روزه را واجب کرده تا به وسیله او بین اغنیا و فقرا مساوات و برابری وجود آید و این برای آن است که ثروتمندانی که هرگز درد گرسنگی را احساس نکرده‌اند، به فقرا ترحم کنند. زیرا اغنیا هرگاه (خوردن و آشامیدن) اراده کردند (و هوس هر نوع مأكولات و مشروبات کردند) برایشان میسر است. پس خداوند تبارک و تعالی (روزه را واجب کرد) که بین بندگان از فقیر و غنی، برابری به وجود آورد و اینکه سرمایه‌داران مسلمان درد گرسنگی را لمس کنند تا برضعفاء رقت آورند و بر گرسنگان عالم ترحم کنند. ۳- مهار شهوت جنسی (عفاف): روزه یکی از راه‌های مهار طغیان شهوت جنسی است، بنابراین میان عفت و روزه، رابطه مستقیم وجود دارد، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: ای گروه جوانان! کسی که از شما توانایی بر ازدواج داشته باشد، ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب می‌شود که از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند و کسی که توانایی بر ازدواج ندارد، روزه بگیرد. ۴- اخلاص: حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: خداوند روزه را به خاطر تثبیت اخلاص واجب فرموده است. ۵- آرامش قلب: امام باقر (ع) فرمود: *الصيام والحج تسكين للقلوب*: روزه و حج آرامش‌دهنده قلوب آدمیان است. ۶- ورود به بهشت: قال رسول الله: *ان الجنة باباً يدعى الدیان لا يدخل منه الا صائمون*: برای بهشت دری است به نام ریّان که فقط روزه‌داران از آن در داخل می‌شوند. ۷- دعای ملائک: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: *ان الله و كل ملائكة بالدعاء للصائمين*: خداوند ملائکه‌ای را مأمور کرده است تا به روزه‌داران دعا کنند. ۸- استجاب دعا: امام رضا (ع) می‌فرماید: *دعوة الصائم تستجاب عند افطاره*: دعای روزه‌دار هنگام افطار به اجابت می‌رسد. ۹- دور کردن شیطان از انسان: از آثار دیگر روزه در روایات، می‌توان به دور کردن شیطان از انسان و قبولی اعمال و شفاعتش نام برد. ۱۰- یادآور قیامت: مردم به انجام روزه امر شده‌اند تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را بیابند. (امام رضا ع. ۱۱- زکات بدن: برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است. (پیامبر ص. ۱۲- سپر آتش: روزه سپر آتش (جهنم) است. (پیامبر ص. روزه در امت‌های پیشینوقتی از حضرت امام رضا (ع) درباره فلسفه روزه می‌پرسند، ایشان می‌فرمایند: همانا مردم مأمور به روزه گرفتن شدند تا درد و ناگواریهای گرسنگی و تشنگی را دریابند و آنگاه استدلال کنند بر سختی‌های گرسنگی و تشنگی و فقر آخرت که پیامبر اکرم (ص) در خطبه شعبانیه فرمودند؛ به وسیله گرسنگی و تشنگی از روزه‌داریتان، گرسنگی‌ها و تشنگی‌های روز قیامت را به یاد آورید، که این یادآوری انسان را به فکر تدارک برای قیامت می‌اندازد تا جد و جهد بیشتری در کسب رضای خدا بنماید. قرآن کریم به وجود روزه در امت‌های گذشته تصریح می‌کند: *يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ* مفسرین نیز معتقدند اصل روزه در تمام ادیان آسمانی بوده است و حتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که از زمان آدم روزه واجب بوده است. اما در کیفیت و کمیت آن در ادوار گذشته تفاوت داشت. در برخی ادیان، روزه به معنای خودداری از بعضی از امور چون خوردن گوشت و سخن‌نگفتن آمده است. گاهی ایام روزه چهل روز بوده است. گاهی شب و روز را روزه می‌گرفتند و گاهی دو روز را به هم متصل می‌کردند که به آن، روزه وصال می‌گفتند سخن پایانی مؤمنانی که در ماه خدا روزه می‌گیرند و میهمان حضرت رحمان می‌گردند در دایره کرامت الهی قرار گرفته و از سفره‌ی رحمت او مستفیض می‌گردند که این وعده‌ی خداست و خدا خُلف وعده نمی‌کند. به راستی چه زیباست بنده‌ی گنجه‌کار خدای مهربان با نفس خویش پیکار می‌کند، نفس را به زانو در می‌آورد و در دریای رحمت کریم شکست‌ناپذیر شناور می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس در روز بسیار گرم برای خدا روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند هزار فرشته را می‌گمارد تا دست به چهره او بکشند و به وی بشارت دهند تا هنگامی که افطار کند. (الکافی، ج ۴، ص ۶۴). سفره رحمت و مغفرت پهن می‌شود و همه می‌توانند (یعنی باید

بتوانند) در این ماه خود را از بند نفس رهایی ببخشند و لغزش‌های گذشته را جبران کنند تا مورد آموزش الهی قرار گیرند. و فرمایش رسول گرامی حق تکلیف را بر مؤمنان روشن می‌نماید: «بدبخت واقعی کسی است که این ماه را پشت سر گذارد و گناهانش آمرزیده نشود». در راه مهر ثابت و عشق پایان "خدای مهربان" و بر مبنای اعتقادات قلبی خویش با نفس اماره و وسواس خناس مبارزه می‌کنیم و خدا رایاری می‌دهیم و خوب می‌دانیم که "خدا هر کس را که یاریش کند، یاری می‌کند".

## کشتی نجات نظام اسلامی و جذب حداکثری

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: رهبر معظم انقلاب (در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۶ اسفند ۸۸) فرمودند: "کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که ... یک نقطه‌ی قوت را برای نظام، می‌خواهند به یک نقطه‌ی ضعف تبدیل کنند، این‌ها در واقع دارند خودشان را از یک کشتی نجات - که نظام اسلامی است - بیرون می‌اندازند. و الا هیچ کس نمی‌خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد. نظام اسلامی به همه می‌گوید: «بیاید با ما باشید و وارد این کشتی نجات شوید. ولا تکن مع الکافرین؛ هود، ۴۲» هدف و مبنا این است "رویه مهر و رویه قهر بر مبنای مبانی فقهی و اسلامی مدیریت باید مظهر دو نوع از صفات باشد؛ رویه مهر و رویه قهر. این دو صفت لازم است در مدیریت به صورت همزمان وجود داشته باشد. مدیر باید با جاذبه و ارزیابی، انسان‌های محروم و مشتاق و لایق را به سوی خود جذب کند و آنان را دلگرم و ثابت قدم نگه دارد و با قهر و خشم، ناهلان را از خود دور سازد و دست ناهلان را از دراز شدن به سوی حریم‌های محترم مال و جان مردم کوتاه کند. محبت و مشکل‌گشایی، عدالت محوری، زهد و پاکی، تلاش و جسارت و قدرشناسی، از جمله صفاتی هستند که با تحقق آن‌ها مدیریت، جمالی‌زینده می‌یابد و این‌ها موجب توفیق و کام‌یابی مدیر می‌گردد و صفاتی همچون: پای بندی به قانون، برخورد با متخلف و جدیت و دقت در حسابرسی و نظارت؛ هیبت، وقار و شکوه لازم را برای مدیر اسلامی می‌آفریند و بر حول مدیریت او، دیواره آتشی ایجاد می‌کند که حوزه مدیریت او را از دستبرد و سوءاستفاده بدخواهان و ناهلان محفوظ نگه می‌دارد و موانع را از سر راه مدیریت برطرف می‌سازد. برطبق آموزه‌های مدیریت اسلامی ولی فقیه کسی است که در دایره دستورات و احکام اسلامی امور جامعه‌ی اسلامی را مدیریت می‌نماید. و مسلماً هر سخن و هر کلامی که می‌گوید منشأ و ریشه‌ی آن در قرآن و سنت است (باید باشد). از این رو نگاه مرحمت‌آمیز و همراه با صبر و گذشت رهبری معظم نظام اسلامی به افرادی که به دلایلی از قبیل؛ عدم بصیرت، هیجان زدگی در مواجهه با تبلیغات رسانه‌های بیگانه، فریب خوردگی و ... اشتباهاتی را مرتکب شده اند ریشه در رأفت اسلامی دارد. کما این که اوج این رفتار مرحمت‌آمیز اسلامی را پیامبر اعظم (ص) پس از فتح مکه از خود نشان دادند. اما مسلماً این رفتار تا جایی ادامه دارد که افراد خود را از دایره رحمت و گذشت خارج نسازند". ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی‌کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان را از نظام خارج می‌کنند؛ و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می‌دهند که از دست داده‌اند". مفهوم جذب حداکثری "جذب حداکثری" یک فرهنگ است. فرهنگی برگرفته از مبانی فکری دین رأفت و پیامبر رحمت آن. فرهنگی که به دنبال مدیریت هیجان‌انگیز اجتماعی و اصلاح رفتار است. تا بوسیله‌ی روح معنوی اسلام افراد بیشتری را در کشتی نجات نظام اسلامی نشانند و از گمراهی نجات دهد. همچون کشتی نوح؛ که پیامبر شریف الهی تا آخرین لحظات ممکن افراد را بر سوار شدن بر آن تا دستیابی به فلاح و نجات توصیه می‌نمودند. امروز جذب حداکثری همان فرهنگ را مطالبه می‌کند. بر اساس همین تفکر سیاست نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب این بوده که معاند را به منتقد و منتقد را به موافق تبدیل کند. سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی که بارها رهبر فرزانه انقلاب خاطر نشان کردند، اهمیت و ضرورت این مقوله را نشان می‌دهد. برای دستیابی به معنای واقعی جذب حداکثری باید صبور بود. نمی‌توان جواب هرگونه بدی یا مخالفت را بلافاصله و با شدت بیشتر

پاسخ داد و خود را معتقد به راهبرد جذب حداکثری دانست. جذب حداکثری و یک استثنا باید توجه داشته باشیم اصل کلی جذب حداکثری - که حاصل رأفت اسلامی است - با یک تبصره کامل می شود. تبصره ای که در آن افرادی را که عالمانه و عامدانه در مسیر دشمن حرکت می کنند و در نهایت گستاخی مِهر نظام اسلامی را با عداوت پاسخ می دهند استثنا می نماید. بی شک این نظام متعلق به تمام کسانی است که در این مملکت و خارج از آن به اصالت تمدن و دین این دیار وابستگی دارند. بطور کلی سیاست نظام این است که تمامی گروه ها و جریانات سیاسی در چرخش قدرت مشارکت داشته باشند و سند این مدعا دست به دست شدن قدرت در میان گروههای مختلف سیاسی درون نظام است. اما امروز شرایط خاصی در کشور وجود دارد که می بایست نسبت به اعمال رفتار تسامحی نظام با برخی از کسانی که عمداً در راستای دشمنی با ملت ایران گام بر می دارند، کمی شدت عمل به خرج داد. برخی جریانات داخل متأسفانه با استفاده از امکانات نظام به انقلاب لطمه وارد می سازند. یعنی به راحتی در قدرت نشسته اند و تیشه به ریشه ملت می زنند. اینها مال این است که به آن محور مشترک عقیده ندارند و البته سیاست نظام هم در مقابل کسانی که اینگونه رفتار می کنند، تا یک جایی تحمل است و قطعاً وقتی از حد تحمل خارج شوند، برخورد نظام یک برخورد دافعه ای و تفابلی خواهد بود. بعضی ها به اشتباه سعی دارند مفهوم جذب حداکثری را به همه تعمیم دهند، در حالی که این اصلاً کار درستی نیست و روی دیگر جذب، دفع است هر چند حداقلی باشد. سخن پایانیامروز علی رغم تمامی ناملایمات سیاسی و تحریم های اقتصادی که توسط ایادی استکبار جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی رخ می دهد کشتی نظام اسلامی با سلامت و صلابت از تلاطم امواج عبور کرده و خود را به ساحل سعادت و سلامت نزدیک و نزدیک تر می نماید. مسلماً هر گونه حرکت انحرافی و فتنه انگیزی نمی تواند خللی در مقابل کشتی نظام که بر پایه ی مبانی اسلام عزیز، ولایت فقیه و شور و اشتیاق قاطبه ی ایرانیان مؤمن و مسلمان در حرکت است ایجاد نماید. پس باید بدین نکته توجه داشت که چند سنگ ریزه نمی تواند مانع حرکت کشتی نظام اسلامی شود جز اینکه افراد منحرف و فتنه انگیز خود از سلامت و سعادت باز می مانند. باید به فرموده ی رهبری با تقوای جمعی به ریسمان محکم الهی چنگ زد و با اتحاد و همدلی و صبر و تحمل در مقابل سختی ها و سعه ی صدر در مقابل نظرات مخالف خود، بر کشتی نظام اسلامی بنشینیم تا با یاری خداوند مهربان به فلاح و رستگاری نائل شویم. آفریده ها، با درک جمال الهی مجذوب و مشتاق او می گردند و از درک آثار جلال خداوند، به ترس و خشوع می افتند. دو بال شوق و خوف، برای کمال آفریده ها ضروری است و انسان چون خلیفه خداست، باید مظهر اسمای خدا باشد و هر دو گونه از اسمای جلالی و جمالی، در صفات و اعمال او نمودار باشد که بر اثر این نمود، فرد جاذبه و دافعه پیدا می کند. ائمه معصومین (ع) که مظهر انسان کامل بودند، بیشترین جاذبه و دافعه را داشتند. جاذبه آنان؛ پیروان را به تولی و محبت فرامی خواند و دافعه قوی آنان؛ دشمنان را به شدت از آنها دور و جدا می ساخت. یا رب این قافله را لطف ازل بدرقه باد که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به کام

## غم و شادی از منظر دین

مهدی یاراحمدی خراسانی

غم و شادی از انفعالات و کیفیات نفسانی محسوب می شوند؛ غم نتیجه تأثر نفس است از حصول امری مکروه و شادی زاده تأثر آن از امری مطلوب و دوست داشتنی در روایات آمده است که معصومان و مؤمنان حزن و اندوهشان در دل است و شادمانی و سرور در چهره شان درباره امام علی (ع) هم می گویند که پس از درگذشت پیامبر اعظم (ص) و حضرت فاطمه (س) بسیار محزون شدند. ایشان می فرمایند که « اَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ » یعنی حزن من محصول عواطف جاودانی من است در این مجال برآئیم تا، درباره غم و شادی و معانی و مفاهیم مختلف آن از منظر دینی مطالبی ارائه نمایم. مقدمه: شادی و امید طبیعت زندگی هستند با وجود این، غم و ناامیدی حقایقی هستند که به سراغ هر موجود زنده ای می آیند. اسلام دینی است که به روابط اجتماعی و چگونه حاضر شدن



دراجماع و خوشرو و خنده رو بودن در جامعه و زدودن غبار غم از چهره دوستان بوسیله شادابی و خندان بودن تأکید بسیاری کرده است و از مؤمنان خواسته است تا از اخمو بودن و تلخی کردن و غمگین بودن دوری کنند چرا که هم در زندگی خود آن‌ها و هم بر اطرافیان آنها اثر منفی می‌گذارد. در فرهنگ شیعی "شادی و غم" دارای معنا، تفسیر و تعریف خاصی می‌باشد. حضرت علی (ع) در نامه ۲۲ نهج البلاغه به عبدالله بن عباس می‌فرماید: "پس باید شادی تو از دسترسی به امور آخرت باشد، و حسرت بر آنچه از آخرت از دست داده‌ای. به هر چه از دنیا دست یافتی شادی بسیار مکن، و به خاطر آنچه از دنیا از دست رفت به بی‌تابی حسرت مخور و همه اندیشه ات باید در امور پس از مرگ باشد." و همچنین در جایی دیگر ایشان فرمودند: "با به دست آوردن مالی از دنیا شادمان می‌گردید و متاع بسیار آخرت را از دست می‌دهید و اندوهناک نمی‌شوید" (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴) غم و شادی یعنی چه؟ انسان در زندگی روزمره بر اثر کار و فعالیت‌های روزانه و حرکت در پیچ و خم‌های دشوار زندگی، دچار خستگی و ملال خاطر می‌شود. برای رهایی از این وضعیت لازم است بخشی از اوقات فرد به شادی و تفریح اختصاص داده شود تا روح انسان صفا و طراوت یابد. در واقع، همان‌طور که جسم انسان نیاز به غذا و انواع ویتامین‌ها دارد، روح انسان نیز به تنوع، استراحت، تفریح و شادی نیازمند است. واژه شادی واژه‌ای فارسی است که در معنای حاصل مصدری به کار می‌رود. مهم‌ترین برابری آن عبارت‌اند از: شادمانی خوشحالی بهج بهجت استبهاج بشاشت مسرت نشاط طرب ارتیاح وجد، انبساط سرور، فرح سراء، مرحان خوشدلی رامش مقابل غم و اندوه سوگ تیمار، کروز و کروژ و ... که بعضی از این واژه‌ها عربی هستند و در قرآن نیز به کار رفته است و اما واژه غم که کوتاه‌شده غم (با میم مشدد) است لفظی عربی و کلمه‌ای قرآنی می‌باشد. این واژه در پارسی به تخفیف میم استعمال می‌شود و در هر دو زبان تازی و پارسی در معنای اسمی و مصدری به کار می‌رود. مهم‌ترین برابری آن عبارت‌اند از: حزن اندوه کرب گرم تیمار، خدوک حزن کمید، خوبه معطاء، اندیشه نجد، خیس شجن فرم زله غمه و غصه آذرنگ و آذرنگ و .... غم و شادی در فرهنگ اسلامی: دین اسلام کاملترین دین هاست که به تمام امور در زندگی توجه کرده است. بر این اساس "غم و شادی" نیز از مباحثی است که اسلام بدان توجه کافی مبذول داشته است. دینی که برای تمام امور زندگی برنامه و راه کار به ما نشان داده است. شادی کردن و دوری از غم منفی و احساس خوشبختی کردن از اصلی‌ترین برنامه‌های آن است. با عنایت به سخنان بزرگان دین و سفارشات که در قرآن کریم شده است اگر بگوییم دین اسلام و فرهنگ اسلامی مساوی است با نشاط، امید و شادی، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. چون در واقع دستورات دین اسلام مبتنی و منطبق بر خواسته‌های فطری انسان هاست. و برای درست زندگی کردن و سعادت‌مند شدن هم در این دنیا و هم در جهان آخرت است. دقت در سخنان ائمه و پیامبر اعظم (ص) اهمیت فوق العاده‌ی شادی و تبسم و خوشرویی را نشان می‌دهد. با عنایت به مطالب فوق‌الذکر باید به این نکته اذعان نمود که: فرهنگ غنی اسلام جایی برای غم و اندوه نیز به عنوان واقعیت غیر قابل اجتناب زندگی در نظر گرفته است. و آن غم و اندوه بر فراق محبوب و اندوه بر گناهان و اشتباهات زندگی و غیره است و هم چنین احساس همدردی با دوستان و خانواده در دنیا است. در فرهنگ اسلامی دردی که برای دیگران باشد، همیشه لذیذ است. این مطلب چه رازی دارد؟ خدا خودش می‌داند. هم چنان که درد دیگران داشتن لذیذ است، درد هجران حق هم لذیذ است. بوعلی در اشارات درباره این مسئله که گاهی یک چیز درد هست، ولی در عین اینکه درد است لذیذ است، مثال می‌آورد. می‌گوید این نوع درد نظیر خارش بدن است که بدن خارش می‌کند و سوزش دارد و انسان وقتی خارش می‌دهد، (محل خارش) درد می‌کند و در عین اینکه درد می‌کند، خوشش می‌آید. این درد، درد تلخی نیست. این درد، دردی است که جان را می‌سوزاند، اشک را جاری می‌کند اما غم محبوب است، غم مطلوب است. انسان از یک سلسله غم‌ها همیشه فرار می‌کند، ولی چطور می‌شود که اگر به ما بگویند مجلس ذکر مصیبت امام حسین (ع) برقرار است و مجلس خیلی خوبی است، می‌خواهیم به آنجا برویم؟ انسان تا دلش نسوزد و درد نگیرد، اشک نمی‌ریزد ولی در عین حال انسان دلش می‌خواهد به این مجلس برود، این درد را احساس کند و این اشک را بریزد، وقتی این قطرات اشک می‌ریزد، انسان صفائی

را احساس می‌کند که آن درد، دیگر در مقابل این، چیزی نیست، این است درد انسانیت. مصادیقی از غم و شادی در قرآن کریم: قرآن کریم در آیاتی پراکنده عوامل متعددی که موجب شادی و دوری از غم است بیان می‌کند. در این مجال برخی از آن‌ها ارائه می‌گردد: - ایمان: مهمترین عامل شادی ایمان به خداست. «الا بذکر الله تطمئن القلوب» - رضایت: «قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون.. ای رسول به خلق بگو شما باید منحصرأً بفضل و رحمت خدا شادمان شوید که آنها بهتر و مفید تر از ثروتی است که بر خود اندوخته آید. - «کمک به مسکین (انفاق): «و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمأً و اسیراً» و طعامشان را به سبب دوستی خدا به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و برای رضای خدا و خداوند در روز قیامت، روز حساب از آنها استقبال می‌کند در حالیکه شادمان و مسرورند. - شادی های بی جا و آثار شوم آن (غم): «و إذا اذقنا الناس رحمۃ فرحوا بها إن تصبهم سیئۃ بما قدّمتم ایدیههم إذا هم یقنطون.. و مردم بر آنند که هرگاه ما به لطف خود رحمتی به آنها چشاندیم شاد شده و اگر رنج و بلائی از کرده خودشان ببینند در آن حال از خداوند نومید می‌شوند.» یعنی اگر ما امور را واگذار به خداوند کنیم در درونمان شاد خواهیم بود. غم و شادی در کتب آسمانی: در سایر کتب آسمانی نیز در مورد غم و شادی مطالبی نقل گردیده است. مثلاً: در کتاب زبور حضرت داود (ع) می‌خوانیم (غم های شدید بسیار می‌باشد اما هر که به خداوند توکل دارد، رحمت او را احاطه خواهد کرد، ای صالحان در خداوند شادی وجود کنید و ای همه راست دلان ترنم کنید، جان منتظر خداوند می‌باشد او اعانت و سپر ماست زیرا که دل ما در او شادی می‌کند و در نام قدس او توکل داریم، ای خداوند رحمت تو بر ما باد.) در انجیل آمده است: (ای برادران مسیحی من شما را خیلی دوست دارم و دلم برای شما تنگ شده چون شادی من و پاداش زحمات من هستید، عزیزان به خدا وفادار بمانید و همیشه در راه خداوند شاد باشید.) و النهایه در اوستا می‌خوانیم («ای فردا» مرا از بهترین کردارها و گفتارها بیاگاهان و مرا با توانایی خود از آن ستایش که باغ بندگان است آگاه ساز تا زندگی به خواست شما شاد و خرم و تازه گردد.) غم و شادی در روایات: در مورد غم و شادی واقعی و غم و شادی منفی در روایات اسلامی سخنان گهرباری نقل شده است. به عنوان مثال شادی کردن مؤمنان خود یک عمل پسندیده و خوب بیان گردیده است که زدودن غم و اندوه از چهره مؤمن باعث شاد شدن دل او در قیامت می‌شود و بهشت برای کسانی که دل مؤمن را شاد می‌کنند مباح شمرده شده است و بعد از سلامتی و تندرستی بزرگترین نعمت خنده است و اینکه شادی مایه آرامش روان است و غم و اندوه نفس را در تنگنا قرار می‌دهد و آرامش را از بین می‌برد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: (اندوه جسم را تباه می‌کند و کسی که غم او بسیار باشد اندوه او به درازا می‌کشد. غرالحکم، ج ۱، ص ۴۵۴) جایگاه و عوامل شادی در آموزه های دینی: در آموزه های دینی، داشتن نشاط و روحیه شاد لازمه ی یک زندگی موفق است. در اسلام، نکات ارزشمندی در خصوص ایجاد شادی و نشاط آمده است. شادی می‌تواند برای خود فرد و گاهی نیز دیگران سازنده باشد. مفهوم شادی مجموعاً حدود ۲۵ بار با الفاظ مختلف در قرآن کریم آمده است. از جمله مباحثی که در متون دینی به آن اشاره شده است، گره‌گشایی از مشکلات مردم و «ادخال سرور» و ایجاد شادمانی در آنهاست. در این منابع از کسانی که موجبات دلخوشی و شادکامی مردم را فراهم می‌آورند، ستایش شده و آنها سزاوار نعمت‌ها و پاداش‌های خداوند در آخرت، خوانده شده‌اند. امام رضا (ع) می‌فرماید: «اوقات روز شما ۴ ساعت باشد؛ ساعتی برای خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان واقف می‌سازند و... و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از مسرت و شادی ساعات تفریح، انجام وظایف و وقت‌های دیگر را تأمین کنید.» (یعنی از ساعات تفریح نیرو بگیرید و از این نیرو برای انجام وظایف استفاده کنید. بحارالانوار، ص ۳۲۱) از نگاه دین مهمترین عوامل شادی را در زندگی انسان‌ها عبارت است از: محبوبیت، مقبولیت، موفقیت، عوامل شادکامی پایدار، ایمان، هویت ملی و فرهنگی، خلاقیت، تجربه‌های عارفانه، حل مسئله و مشکل، پرهیز از گناه، رضایت و تحمل، تبسم و خنده، تنوع ظاهری، بوی خوش، کار و تلاش، تفریح و تفرج، سیر و سفر، تفکر در آفرینش و کشف حقیقت، رسیدگی به دیگران، با بچه‌ها بودن، استفاده از روشهای

استعاره ای، شعری در بیان نظرات، داشتن دوستان ساده و خوش مشرب، تقویت عزت نفس، هدیه دادن و مهربانی کردن و گره گشایی از کار دیگران. غم و شادی از دیدگاه عرفان اسلامی و مولانادر عرفان اسلامی غم مساوی و معادل با شادی و حتی شادی وصف ناپذیر، می باشد و منظور از غم یک رهایی درونی، تخلیه کامل ذهنی و احساس سرخوشی و سرزندگی و پرواز روحانی است. بلکه این شادی نیست مگر به خاطر سبکی روح. این غم از نظر روانشناسی یک شادمانگی واقعی است. دری از درهای آسمانی، شادی و مستی عاشقانه است که تمام ذرات وجود یک عارف را در برمی گیرد و مملو از شور و عشق و لذت می کند. شادمانی واقعی یعنی لذت بردن از لحظه لحظه زندگی. پس در عرفان اسلامی غم هجران معشوق و دوری یار، مقدمه شادی و غم رسیدن به محبوب و یار زیباترین و باشکوه ترین شادمانگی است و لذتی وصف ناپذیر دارد. در این رابطه مولانا می گوید: غم و شادی در پی یکدیگرند این و آن لازم و ملزوم همنند. از نظر مولانا عوامل غم اعم از نوع محمود یا نامحمود آن می تواند مختلف باشد که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می شود: غرور و خودبینی (انسان مغرور، همه چیز را برای خود و در خدمت خویشتن می خواهد، پس وقتی که با نبود آنها روبه رو می شود، دچار غم و اندوه می گردد)، فرورفتن در معاصی و شهوات (مقصود از عقل کل خداوند است مولانا عقیده دارد که مجموع عالم صورت عقل کل است، دوری از معشوق و اصل خود مرغ پرنده چو ماند در زمین باشد اندر غصه و درد و حنین)، آرزوهای دراز (در نظر مولانا، یکی از علل غم طول امل است و ترس از طول امل در کلام حضرت علی (ع) هم آمده است "من بر شما از دو چیز بیشتر می ترسم دنبال هوای نفس رفتن و آرزوی دراز در سر پختن) نتیجه: از منظر دین غم و شادی واقعیت بلا اجتناب زندگی هستند. با این وجود نگاه دین، شادی آفرین است. و سیره و سنت معصومین (ع) به عنوان حقیقت تدین حکایت از سرزندگی، نشاط و شادابی دارد حتی در سخت ترین حالات و ساعت زندگیشان. انسان باید موقعیت ها را بشناسد و نگرش مثبت در آنها داشته باشد. در آموزه های دینی راه ها و روش های مختلفی برای چگونه شاد زیستن وجود دارد که برخی آن عبارت است از: توکل به خدا، رضایت از زندگی، بخاطر عشق با مشکلات مبارزه کردن، فروتنی و تواضع، شجاعت و هدفمندی، دوری از خاطرات منفی، انعطاف پذیری، کرامت نفس داشتن، داشتن جسم سالم و ورزش کردن، اعتدال و میانه روی، صداقت و راستی، باور خوشبختی، بخشش و گذشت، برنامه ریزی و نظم، اعتقاد به ارزشها و... منابع: قرآن کریم/ نهج البلاغه/ ولیزاده، صمد؛ زندگی شادمانه، انتشارات نگرش روز/ غررالحکم، ج ۱/ صدوق، الخصال/ فصلنامه شورای فرهنگی زنان/ [www.modiryar.com](http://www.modiryar.com)

## نظام مدیریت شهری

مهدی یاراحمدی خراسانی .

اشاره: امروزه بحث عدم تمرکز در ساختار حکومت ها و به دنبال آن رشد، توسعه و استقلال سازمان های محلی، شوراهای شهری و شهرداری ها در شیوه ی اداره کشورها از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است. در واقع رشد سازمان های محلی و شهرداری ها و شوراهای تصمیم گیری شهری نشانه ای مناسب برای افزایش مشارکت مردم در فرآیند تصمیم گیری دموکراتیک است. به موازات این حرکت لزوم نهادینه شدن اصول علمی مدیریت شهری برای بهره برداری حداکثری از منافع فعالیت های منطقه ای با در نظر داشتن نگاه ملی اهمیت بیشتری می یابد. به همین منظور فرآیند آموزش اصول مدیریت شهری و ابعاد آن باید به صورت گسترده ای در جامعه صورت پذیرد. شهر چیست؟ شهر مرکز فرصت و محیطی برای ارائه توانائی های بالقوه انسانی است. از ابتدای پیدایش شهرها، شهر با نقش های اداری- سیاسی و مذهبی شناخته می شد بنابراین اولین شهرها دارای نقش اداری- سیاسی بوده اند. لیکن امروز، شهرها دارای کارکردهای متنوعی بویژه کارکردهای اقتصادی- صنعتی و خدماتی- خدمات رسانی می باشند شهر بر اساس بخشی از سلسله مراتب سیستم قضایی و تقسیمات سیاسی - جغرافیایی هر کشور براساس شاخصه های مختلفی مانند؛ نوع حکومت،

مدیریت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی اجتماعی و مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و... شکل می‌گیرد. در تعریف شهر وحدت نظر وجود ندارد و در تعاریف بیان شده بر مواردی نظیر تعداد جمعیت، نوع فعالیت‌های اقتصادی، حوزه اداری و موارد دیگری اشاره شده است. لیکن در بعد جهانی برای شناخت شهر از روستا بیشتر بر تعداد جمعیت تأکید شده است. در برخی کشورها در شناخت شهر از روستا کارکردهای اقتصادی به همراه میزان جمعیت اساس کار قرار می‌گیرد. بنابراین تأکید بر یک عامل در شناخت شهر کفایت نمی‌کند. انواع شهرها و ویژگی‌های آن‌ها تأکید بر نقش شهر (یا نوع کارکرد آن) به صورت مناسب تری ما را در شناخت شهر و تمایز قائل شدن بین شهر و روستا هدایت می‌کند. در شناخت شهر به دو کارکرد بیشتر توجه می‌شود؛ یکی اینکه شهرها کارکرد غیر کشاورزی دارند و دوم اینکه اغلب شهرها به تولید کالا و بیش از آن به مبادله کالا می‌پردازند؛ یعنی اینکه فعالیت‌های غیر کشاورزی بر اقتصاد شهر غلبه دارد. شهرها می‌توانند در اندازه‌های گوناگون شکل بگیرند؛ کوچک، متوسط، بزرگ و بسیار بزرگ. از دو جنبه می‌توان به انواع شهرها پرداخت. یکی از بعد کارکردی (فعالیت و نقش) و دیگر از بعد اندازه (کوچک و بزرگ بودن). الف- کارکرد و نقش: در این دیدگاه شهرها بر نوع فعالیت غالب طبقه‌بندی می‌شوند: مانند شهرهای فرهنگی، شهرهای مذهبی و زیارتگاهی، شهرهای اداری-سیاسی، شهرهای صنعتی-خدماتی و... ب- اندازه و وسعت: در این دیدگاه عامل جمعیت در تقسیم‌بندی شهرها نقش مهمی را بازی می‌کند در ایران حداقل جمعیت برای شهر ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد. با عنایت به شرایط کشورمان انواع شهرها را بیان می‌کنیم: ۱: بازار شهر؛ ۱۰-۵ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: دهستانی) ۲: روستا-شهر؛ ۲۵-۱۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: بخش) ۳: شهر کوچک؛ ۵۰-۲۵ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: شهرستان) ۴: شهر متوسط کوچک؛ ۱۰۰-۵۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: شهرستان) ۵: شهر متوسط؛ ۲۵۰-۱۰۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: ناحیه ای) ۶: شهر بزرگ میانی؛ ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: استانی) ۷: شهر بزرگ؛ ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: منطقه ای) ۸: کلان‌شهر (متروپل)؛ ۵/۲-۱ میلیون نفر جمعیت. (عملکرد: کلان‌منطقه ای) ۹: کلان‌شهر (متروپل ملی)؛ ۵/۲ میلیون نفر جمعیت و بیشتر. (عملکرد: ملی) مفهوم مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن، و تبعیت از اهداف و سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور. مدیریت شهری باید برای شهر برنامه‌ریزی کند، فعالیت‌های شهر را سازمان دهد، بر فعالیت‌های انجام شده نظارت کند، حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمان‌ها و شهروندان ایجاد نماید. به نقل از پاول هوس و کنت بلانچارد معمولاً مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه‌ای از حکومت محلی تعریف شده و شهرداری خوانده می‌شود. نظام مدیریت شهری نظام مدیریت شهری با هدف اداره مطلوب امور شهر، سعی دارد روابط میان عناصر شهری را هماهنگ سازد. به دلیل گستردگی و میان‌رشته‌ای بودن سیستم مدیریت شهری به مثابه یک سیستم باز، عوامل مختلفی در آن دخالت دارد و بدون شناخت این سیستم نمی‌توان عناصر و روابط را در جهت اهداف آن تغییر شکل داد، زیرا هنر برنامه‌ریزی، شناخت عناصر سیستم و ایجاد روابط بین آن عناصر است، به نحوی که این مجموعه عناصر در جهت هدف سیستم عمل کنند. بی‌توجهی به اجزاء همچنین عدم کشف روابط و میزان تأثیر هر یک از عناصر در نظام تصمیم‌گیری هرگز به یک نظام تصمیم‌گیری منسجم، مؤثر و معطوف به اهداف مطلوب منجر نخواهد شد. از این رو می‌بایست با ارائه تعریفی از مدیریت شهری، جایگاه آن را در سیستم مدیریت جامعه مشخص کرد و با بیان اهداف و راهبردهای این نوع مدیریت، ویژگی‌ها و معیارهای مطلوب سیستم مدیریت شهری را نیز نشان داد. تعریف سیستم مدیریت شهری نگاه صحیح در مدیریت شهری نگرش سیستمی است. هدف سیستم مدیریت شهری به مثابه جزئی از سیستم حکومتی، اداره امور شهرهاست. و نقشی که دولت برای این سیستم قایل می‌شود، تعریف این هدف را روشن می‌سازد. تردیدی نیست که این تعریف، هرچه باشد، هدف سیستم مدیریت شهری در جهت اهداف ملی بوده و با آن همسوست و از کلیات آن تبعیت می‌کند. به همین دلیل است که برنامه‌های این سیستم برای ساماندهی امور شهر، به‌طور کلی در چارچوب برنامه‌های

کلان و قوانین جاری کشور تدوین می‌گردد و اقدامات این سیستم ناقض مقررات قانونی کشور نیست. در واقع مدیریت شهری در قالب نظام برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و قضایی حاکم بر کشور، اقدام به تهیه برنامه‌های توسعه شهری برای شهر می‌کند و سپس آن برنامه را در چارچوب نظام اداری - اجرایی حاکم، به پروژه‌های عملیاتی تبدیل کرده و به مرحله اجرا می‌رساند. سخن پایانی مدیریت شهری یکی از مسائلی است که امروزه شهرها با آن دست به گریبان هستند مدیریت مطلوب می‌تواند شهرها را به سوی رشد فرا خواند و آسایش ساکنان آن را فراهم سازد و مدیریت نامطلوب شهر را به سمت زوال هدایت کرده و نیازهای شهروندان را مرتفع نمی‌سازد. نظام تصمیم‌گیری شهری به‌عنوان یک سیستم باز برای خود اهداف، محیط، منابع و شیوه‌های خاص اجرایی را داراست و چنانچه هر یک از این عوامل به‌عللی به رکود کشیده شود سیستم دچار اختلال گردیده و نمی‌تواند به عملکرد بهینه خود پردازد و لذا ضروری است که همواره دیدگاه سیستمی به نظام مدیریت شهری تسری داده شود، شرایط و محیط مورد نیاز برای فعالیت سیستم مدیریت شهری مهیا گردد، به نقش مردم و مشارکت آنها در مدیریت شهری اهمیت داده شود و ارتباطات درون سیستمی و برون سیستمی به گونه‌ای برقرار گردد که حداکثر بازدهی را برای اهداف سیستم ارائه دهد. مدیریت شهری در گذشته به صورت متمرکز (از بالا به پایین) بوده، به تدریج دولت‌ها دریافته‌اند که با کمک گرفتن از ساکنین شهر می‌توانند نیازهای آنها را بهتر شناخته، شهر را بامدیریت مطلوب تری اداره نمایند. در نتیجه الگوی مدیریت غیر متمرکز (از پایین به بالا) جایگزین الگوی متمرکز (از بالا به پایین) گردید. براین اساس، کارآیی مدیریت شهری وابستگی مشخصی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی و رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه‌های سیاستمداران و اشخاص استفاده‌کننده از این سیاست‌ها دارد.

## پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی

ملت در این جهاد اقتصادی همه شریک‌اند (رهبر معظم)؛ اشاره<sup>۱</sup>: "من امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه‌ی از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه‌ی اقتصاد است". بیانات رهبر فرزانه انقلاب بیان‌گر بهترین مسیر برای تحقق پیشرفت توأم با عدالت و ارتقای ایران اسلامی است. این موضوع به طور ویژه در ابتدای هر سال با توجه به نام‌گذاری سال جدید تبلوری دیگر یافته و تبدیل به انگیزه‌ای مضاعف در میان مردم و مسؤولان برای اجرای منویات ایشان می‌شود. (باید بشود) نام‌گذاری سال ۹۰ به عنوان «جهاد اقتصادی» برای نشان دادن مسیر و نوع جهت‌گیری برای مردم، دولت، مجلس و همه ارکان مؤثر کشور است. باید دقت کنیم که تعبیر جهاد در فرمایشات رهبری معظم یک بار معنایی عمیقی دارد و با بهره‌گیری از این تعبیر باید مجاهدت کرد و مجاهد گونه در عرصه‌های اقتصادی عمل نمود. تعریف عملیاتی جهاد برای ملتی که معنای جهاد را با حضور هشت ساله‌ی خود در میدان‌های مبارزه علیه دشمن درک نموده است تعریف جهاد<sup>۲</sup> زیره به کرمان بردن<sup>۳</sup> است. دوران دفاع مقدس برای ما، هم جهاد نظامی بود هم جهاد سیاسی. هم جهاد اقتصادی بود و هم جهاد علمی. به بیانی دیگر مجاللی بزرگ برای هنرنمایی جوانان این مرز و بوم که زیبایی‌های مقاومت و جهاد اسلامی را به رخ جهانیان بکشند. برای بررسی مفهوم عملیاتی جهاد به چند نکته که از میان فرمایشات رهبر معظم انقلاب (در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه) اقتباس شده است بسنده می‌کنم: ۱- جهاد با تلاش فرق دارد: این جهادی که امروز باید انجام دهیم - جهاد اقتصادی - از جهادهائی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکل‌تر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. ۲- رویارویی با دشمن؛ بار معنایی ویژه جهاد: جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک

وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه‌ی شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ۳- انواع جهاد: ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال (جنگ) باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. ۴- معادل جهاد در ادبیات امروز: اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی. ۵- نیت خدایی: نیت اگر نیت خدائی باشد، می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. وقتی انسان برای اعلا‌ی کلمه‌ی حق، اعلا‌ی کلمه‌ی اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل‌الله وجود دارد. پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادی مسلماً برای تحقق جهاد اقتصادی نیازمند فراهم آوردن زمینه‌ها و پیش نیازهایی هستیم که اقتصاد کشور را در مسیر توسعه بیمه نماید. برخی از این پیش نیازها به شرح زیر است: اول: تعریف اسلامی از علم اقتصاد: "جهاد" یک واژه‌ی اسلامی و از فروع دین است. پس تحقق جهاد اقتصادی بر بستر علوم غربی ممکن نیست. پایه و مبنای علوم انسانی‌ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد. خوشبختانه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ به وضوح می‌شود این را دید. برای تحقق جهاد اقتصادی باید عمل مالی و اقتصادی ما بر اساس مفاهیم مالی و اقتصادی اسلام باشد. اقتصادی که در آن ربا حرام است. و قرض الحسنه، انفال، بیع، خمس، زکات و ... در آن تعریف شده است. در این مقام توجه دقیق به مسأله عدالت و توسعه اقتصادی، رشد، سنت تسخیر طبیعت به وسیله انسان، توصیه‌های اسلام در مورد استعمار، استثمار، استصلاح زمین و سرمایه‌ها، احیاء موات، وجوب خمس و زکات، نفی سبیل کفار بر مسلمین، فلسفه اموال و فلسفه خلقت انسان، از پیش نیازهای ضروری جهاد اقتصادی است. دوم: نقشه عملیاتی: یکی دیگر از استعاره‌هایی که کلمه جهاد برای ما به ارمغان می‌آورد، بحث نقشه و طرح است. ما می‌دانیم که هر جهادی نیازمند طراحی نقشه‌ی عملیاتی است. این دقیقاً خواسته‌ای است که سال گذشته از سوی رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی مطرح شد که گفت‌وگوهای و ظرفیت‌سازی بسیار خوبی نیز در جامعه‌ی نخبگانی کشور در مورد آن ایجاد شد. سوم: رفع موانع توسعه اقتصادی: در گفت‌وگوهای دینی ما کلمه جهاد در کنار کلماتی مانند هجرت، ایمان، عبادت و ... پازل گفت‌وگویی دین را تکمیل می‌کند. در برخی موارد، مفاهیم دینی به ما اشاره می‌کنند که باید موانع را دور بزنید، مثل کلمه هجرت. ولی کلمه جهاد همیشه برخورد با موانع و رفع موانع را مورد توجه دارد. این در معنای جهاد حالت تأکید و تصریح دارد. در همین راستا یکی از استراتژی‌هایی که تحقق جهاد اقتصادی باید سر لوحه‌مان باشد این است که باید جهاد عظیمی در شناسایی موانع توسعه اقتصادی کشور صورت دهیم. موارد و موانعی که دست و پا گیر است. معمولاً در نگاه نهادی برخی از مقررات، آیین‌نامه‌ها یا ترکیب‌های نهادی و یا به تعبیر دانشگاهی برخی از مواد یا تفاسیر قانونی که امروزه در بدنه اجرایی ما وجود دارد، معمولاً به شکل موانع عمل می‌کنند. چهارم: آموزش و تربیت نیروها: همان طور که برای جهاد نظامی سال‌ها آموزش، تمرین و مانور لازم است، آموزش و تربیت نیروهای مختلف تأثیر گذار در عرصه اقتصادی از پیش نیازهای تحقق جهاد اقتصادی است. اگر نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم، مثل هر عملیاتی که اگر آموزش و تربیت نیرو نداشته باشیم، در صحنه جهاد اقتصادی دچار مشکل خواهیم شد. البته بخشی از آموزش نیروها بحث عمومی است، یعنی بدنه‌ی آموزش و پرورش و دانشگاه‌های کشور و در نهایت رسانه‌ها و به‌طور مشخص رسانه‌ی ملی، باید حرکتی جهادی داشته باشند و یک برنامه‌ی مدون در جهت آموزش و تربیت نیروهای کشور نسبت به مقتضیات یک جهاد اقتصادی ارائه و اجرا کنند. پنجم: داشتن دیدگاه جامع و سیستمی: هرگونه جهادی نیازمند دیده‌بانی و رصد دقیق است. استراتژی اساسی که اقتصاد ایران در مسیر تحقق جهاد اقتصادی باید لحاظ کند، یک دیده‌بانی

و رصد جامع و فراگیر و درعین حال سیستمی است. ما باید دقیقاً رصد کنیم که تحولات جهانی در اثر چیست و به چه مسیری سوق پیدا می‌کند؟ ما باید افق بیست سال آینده اقتصاد دنیا را و همچنین مزیت‌های نسبی کشور خودمان را رصد کنیم و بشناسیم. ما سریعاً باید خودمان را برای دهه‌های آینده به کمک رصد و دیده‌بانی‌ای که صورت می‌دهیم، ارتقا دهیم و به مسائلی که از طریق علم تولید ثروت می‌کنند، بیشتر توجه کنیم. دیدگاه اقتصادی جامع و سیستمی مقوله‌ای است که به نقاط ضعف و قوت خود در عرصه‌های مختلف کشاورزی، صنعتی، تولیدی، خدماتی، معدنی و ... توجه دارد و همچنین فرصت‌ها و عوامل تهدید آفرین محیطی را نیز به خوبی می‌شناسد. ششم: تلاش، احساس مسئولیت و اتحاد همگانی: یکی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق جهاد اقتصادی احساس مسئولیت و کوشش همگانی در کنار روحیه جهادی آحاد جامعه است. که در این راستا توجه به مواردی از قبیل؛ همکاری سه قوه، اتحاد و انسجام ملی، قطع وابستگی از درآمدهای نفتی، تعیین شاخص‌های مفید برای الگوی مصرف، داشتن راهبرد اساسی در مواجهه با قدرت‌ها و غول‌های اقتصادی دنیا، همه جانبه‌گرایی از پیش‌نیازهای ضروری است. هفتم: توجه به اقتصاد در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: از آنجا که اقتصاد به عوامل زیادی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ... وابسته است برای تحقق جهاد اقتصادی می‌بایست در کنار سایر جنبه‌های توسعه براساس الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مورد توجه قرار گیرد. سخن پایانی جهاد اقتصادی موجب به فعل درآمدن قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و شرایط بالقوه کشور می‌شود. ماهیت فعالیت اقتصادی به گونه‌ای است که قهراً کاربرد مفهوم «جهاد» درباره آن، ناظر به معنای اول؛ یعنی جد و جهد و اهتمام مضاعف برای رتق و فتق امور است. این سعی بلیغ نیز لاجرم محصور در مصادیق اقتصادی مشخص و قابل احصا است. تحقق جهاد اقتصادی به الزامات و ضروریاتی نیاز دارد. الزاماتی مثل آن که همه ارکان اجرایی کشور که دست‌اندرکار و مجری چنین اصلی هستند باید مبتنی بر برنامه‌ای مشخص و روشن اقدامات خود را سامان دهند و از بی‌برنامگی و تصمیم‌های نادرست و شتاب‌زده پرهیز کنند زیرا مطالعات تاریخی نشان داده هرگاه مجریان و مسئولین به الزامات قانونی و برنامه‌های مدون و مصوب پایبند بوده‌اند سریع‌تر به اهداف توسعه‌ای خود دست یافته‌اند. اسلام خواستار انسان و جامعه رشید است. رشد مورد نظر اسلام در زمینه سرمایه‌های مادی همان توسعه اقتصادی است که انسان و جامعه رشید در مسیر آن قرار دارند.

## دفاع از فرهنگی مقدس

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: انقلاب اسلامی ایران تحت هدایت مردی از جنس مردم و با وحدت و شور بی‌نظیر آحاد جامعه بدون وابستگی به هیچ کشور و جریان و گروهی خاص شکل می‌گیرد و استعداد همدلی یک ملت را در عرصه‌ی جهانی به رخ می‌کشد. هر چند این کشور - همانند خیلی از ممالک مستکبر غربی - از لحاظ پیشرفت‌های تکنولوژیکی و صنعتی در سطح عالی قرار ندارد ولی از چنان روحیه‌ای برخوردار است که - در صورت اراده - برای رسیدن به هدف خود از جان مایه می‌گذارد. کما این که بارور شدن نهال انقلاب تنها از خون هزاران شهید گلگون کفن میسر گردید. این ویژگی می‌تواند ایران را در عرصه‌ی جهانی قدرتمند نماید. لذا آنان که به تعبیر امام (ره) چشم دیدن استقلال و آزادی مردم در انقلاب "پابرهنگان و مستضعفان" را ندارند راهی جز ایجاد جنگی ددمشانه و بیرحمانه برای تخلیه عقده‌های خود نمی‌بینند. پس چنان جنگ بیرحمانه‌ای به راه می‌اندازند که اثبات کنند: "حمایتشان انتهای ندارد." مقدمه‌سال‌ها از روزهای دفاع مقدس می‌گذرد و به ظاهر از آن دوران بجز خسارت‌های مالی و جانی، خاطرات تلخ و شیرین، جراحت‌های هر روز ملت‌هت‌تر از دیروز، چیز دیگری باقی نمانده است، اما نباید فراموش کرد که هدف، "جنگ" نبود. هدف، دفاع از اسلام و کیان مقدس آن بود و این همان آرمان مقدسی است که در راستای نبرد حق علیه باطل که از آدم(ع) شروع شده است و تا پیروزی نهایی حق توسط منجی عالم بشریت مهدی(عج) ادامه خواهد یافت. این نبرد حق علیه باطل

در همه روزگراها وجود داشته داشت و هرگز تعطیل بردار نبوده است و نخواهد بود؛ هر چند که شیوه‌های آن ممکن است در ادوار مختلف متفاوت باشد. وقتی یک ملت آزاده کیان و ناموس خود را در مقابل گرگ‌های درنده‌ی وحشی در خطر می‌بیند تنها هدف خود را "جنگ جنگ تا پیروزی" قرار می‌دهد تا یک بار برای همیشه به مستکبران نشان بدهد "هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند" و درس عبرتی برایشان در تاریخ به ثبت برسد که "غلط زیادی موقوف." چرایی آغاز جنگ تحمیلی ایران که تا قبل از پیروزی انقلاب به عنوان یک قدرت منطقه‌ای حافظ منافع غرب تلقی می‌شد و به عنوان مانعی در برابر نفوذ گسترش کمونیسم بود، با پیروزی انقلاب اسلامی با ارائه الگوهای جدیدی در سیاست خارجی خود، با شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» استراتژی وابستگی را به استراتژی عدم تعهد تغییر داد. امریکا که یار دیرین خود و منافع بسیاری را در منطقه از دست داده بود در صدد برمی‌آید که از طریق عراق ایران را متنبه کند تا پاسخی به امریکا ستیزی که در ایران به راه افتاده بود داده باشد و به همین دلیل چراغ سبز را به عراق نشان می‌دهد. از طرفی رسیدن به آب‌های ساحلی و دسترسی به مناطق مهم و استراتژیک حاشیه خلیج فارس جزو استراتژی عراق به ویژه حزب بعث بود که این هدف از دو راه محقق می‌شد؛ دسترسی به بخشی از مناطق ساحلی ایران و تسلط بر جزایر بویان که جزو خاک کویت بود، اما صدام حسین اعلام کرد که عراق آماده است تمام اختلافات خود با ایران را از راه زور حل کند. این موضع‌گیری آشکارترین اعلام آمادگی عراق برای فشار به ایران در راستای سیاست واشنگتن بود؛ سیاستی که از طرق مختلف مثل تطمیع بر صدام تحمیل شده بود. تحرکات عراق رفته رفته از سال ۵۸ شروع شد. جنگ هشت‌ساله که با تحریک و حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی توسط رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه‌ها نبود، بلکه تمام سرزمین اسلامی، اعم از شهرها و روستاها را دربرگرفت. در عراق نیز صدام جنگ تبلیغاتی شدیدی علیه ایران اسلامی را آغاز نمود و در تلویزیون دولتی به بهانه باز پس‌گیری سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک حملات مستقیم و غیرمستقیم تبلیغاتی را متوجه ایران کرد و سرانجام پس از یک دوره مذاکرات مسئولان عراقی با مسئولان امریکایی و حضور برخی فرماندهان ارشد نظام شاه در عراق، وزارت امور خارجه آن کشور به صورت رسمی در ۲۶/۶/۵۹ طی یادداشتی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرد و ارتش عراق در ۳۱/۶/۵۹ حمله سراسری خود را آغاز کرد. لذا سردمدار عدالت‌خواهی دوران، بنیانگذار انقلاب اسلامی، ملت را به جهاد اسلامی فراخواند و باید به حق گفت که ملت نیز به بهترین وجه ممکن لبیک گفتند و به سوی میدان‌های جنگ شتافتند و چه بسیار که از خود و عزیزانشان گذشتند، اما حتی یک وجب از خاک میهن را به اسارت ندادند. در این جنگ نابرابر ایران با تکیه بر نیروهای مردمی، ارتش و سپاه پاسداران هشت سال جانانه دفاع کرد تا اینکه در سال ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. و اما اکنون؛ دفاع از فرهنگی مقدس‌سهر چند در ارتباط با نحوه‌ی مدیریت جنگ نظرات متفاوتی نقل می‌گردد و بعضاً شاهد انتقاداتی نیز در این راستا هستیم اما نباید از این نکته‌ی مهم فراموش کرد که هشت سال دفاع مقدس سرمایه‌ای جاودان برای ایران اسلامی است. سرمایه‌ی ارزشمندی که حاصل خون هزاران شهید و فداکاری و مجاهدت انسان‌های آزاده‌ای است که از جان و مال خود گذشته‌اند. فارغ از اختلاف نظرانی که در ارتباط با شیوه‌ی اداره جنگ تحمیلی و یا پذیرش قطعنامه وجود دارد آنچه مسلم است تمام دلسوزان و علاقمندان انقلاب اسلامی بر یک نکته اساسی وحدت نظر دارند و آن حفظ آزادی و استقلال کشور و اتحاد و همدلی در برابر تجاوز و بداندیشی بیگانگان است. در واقع هشت سال دفاع مقدس تنها یک جنگ قهرمانانه و یا یک دفاع جانانه نیست. دفاع مقدس یک فرهنگ است. فرهنگ ایثار، مجاهدت، مقاومت، صبر، اتحاد، همدلی و هزاران واژه‌ی دیگر. نبایستی تجلیل و قدردانی از افرادی که بدون هیچ چشم داشت مالی با نثار جان و مالشان و صرفاً با هدف صیانت از اسلام و دفاع از تمامیت ارضی این مرز و بوم قیام و در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت نمودند، به این دوره کوتاه محدود گردد. به یاد بیاوریم که در هشت سال دوران دفاع مقدس انبوهی از فرهنگ‌ها و شخصیت‌ها شکل گرفت به طوری که جمعی از رزمندگان دعوت حق را لبیک گفتند به درجه رفیع شهادت نائل آمدند، تعداد دیگری جانباز و ایثارگر ماندند، گروهی



در زمره آزادگان قرار گرفتند و جمعی دیگر با یاد و خاطره جبهه و جنگ در عرصه های سازندگی کشور حضور یافتند. فرهنگ دفاع مقدس فرهنگ پایداری، مجاهدت و صبر است. فرهنگی که به ما می آموزد برای رسیدن به اهداف متعالی باید کمر همت بسته و با تمام سختی ها و فتنه ها مبارزه نمود. هر چند به ظاهر جنگ به پایان رسیده، ولی آنچه بر جهان حاکم است نشان می دهد ما نباید مبارزه و جنگ را تمام شده تلقی کنیم. که به فرموده ی امام راحل: "ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم، زیرا انقلاب ما اسلامی است... تا بانگ لا اله الا... و محمد رسول... بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم." و این در واقع همان دفاع جانانه از فرهنگی مقدس است. سخن پایانبیه قول شهید آوینی: «شهادت ماندند و زمان ما را با خود برده است.» کاش زمان بایستد تا این قدر از شهدا دور نشویم. شهدای ما آسمانی بودند؛ اما از آسمان نیامده بودند. فرشته‌ها گفتند: «آیا می‌خواهی انسان را خلق کنی که بر روی زمین خون‌ریزی کند؟» خداوند متعال فرمود: «من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» باید به این راز خدایی فکر کنیم! ما هم خیلی روی خاک نمی‌مانیم. باید بار دیگر با خدای خود پیمان ببندیم که در راه ارزش های مقدس خود تا آخر ایستاده ایم و مجاهدان این عرصه به اندازه ی جان عزیز می داریم: مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم هواداران کویش را چو جان خویش پندارم

### اقتصاد اسلامی؛ بستر تحقق جهاد اقتصادی

مهدی یاراحمدی خراسانی روحیه جهادی لازم است نه اسقاط تکلیف (رهبر معظم)؛ مقدمه: فرهنگ جهاد یعنی ایمان به خدا، توجه داشتن به ارزش های دینی و دفاع از ارزش های حاکمیت اسلامی. اگر کاری را برای خدا انجام ندهیم نمی توانیم مدعی جهاد باشیم باید کوششمان خالصانه باشد. حرکت جهادی را می توان مولود ادبیات و فرهنگ انقلاب اسلامی دانست که در این شرایط ناکارآمدی عرصه اقتصاد، جهادگران را به مبارزه با خود فرا می خواند. بسیاری از متفکران و اقتصاددانان اسلامی بیش از همه به دنبال درک و معرفی سیستم ایده آل اقتصاد اسلامی بوده‌اند و از این رو اغلب نوشته‌های مدون در این رشته به بیان مکتب و سیستم اقتصادی اسلام اختصاص داشته است. هر چند به تعبیر مرحوم شهید مطهری (ره): «قوانین اقتصاد اسلامی نمی‌تواند و نباید بر خلاف اصول اولیه اقتصاد نظری باشد، چه در غیر این صورت شکست یا رکود و سرانجام مرگ اقتصادی این جامعه بیمار حتمی است.» لکن نامگذاری امسال توسط مقام معظم رهبری خود یک اقدام راهبردی است. که ضرورت احیای اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن قوانین علم روز اقتصاد را نشان می دهد. ضرورت درک مفهوم اسلامی جهاد اقتصاد یا انقلاب اسلامی حرکتی نوپاست که در متن نظام فراگیر و عمومی شده بین‌المللی، مبتنی بر اصول، فرهنگ و اقتصاد غربی، نضج یافته است و در مسیر این حرکت، البته، رویارویی انواع تهاجمات، در عرصه های مختلف قرار گرفته است. طبیعی است که چنین حرکتی هنوز به مرحله تولیدی، اثربخشی و تمدن سازی رسیده و بدین سبب میراث دار و وام گیرنده، البته به شکل ناقص، همان ساختارهایی است که علی رغم ناسازگاری با اصول انقلاب، گریزی از وجود و به کارگیری آنها نیست. این امر موجب ناکارآمدی و ناسازگاری و اختلال در ابعاد مختلف زندگی شده که بخصوص در عرصه اقتصاد، ناکامی های مرتبط با آن به شکلی عینی تر قابل درک است و بر همین اساس است که پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی و سپری شدن دوران تثبیت، در دهه چهارم در بستر گفتمان پیشرفت و عدالت، ضرورت توجه به عرصه اقتصاد از موضع جهادی مورد توجه قرار گرفته است. جهاد از تعالیم اصلی اسلام است و از این جهت مبتنی است بر پایه های جهان‌بینی آن، که حرکت آگاهانه به سوی خدا را وجه تام و کامل زندگی او می داند. جهاد یک کلمه ارزشی و اسلامی است که جز فروع دین می باشد. این کلمه از ریشه «جهد و جُهد» به معنای مشقت و زحمت فراوان، برگرفته شده و به معنی کوشش، رنج و تلاش فراوان است. البته باید توجه داشت که جدیت در مسائل اقتصادی و جهادی بمعنای کم کاری در زمینه های دیگر همچون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیست. بی شک جهاد اقتصادی تحقق نخواهد یافت مگر آن که بسترهای مناسب تحقق

آن که اقتصاد اسلامی است بوجود آید. بنابراین مفهوم جهاد را نمی توان منفک از مفاهیم بنیادی دیگری چون توحید، معاد و نبوت شناخت. جهاد را می توان واجد شرایطی دانست، که در آن انسان از هر چه که داراست به تجارت کسب رضایت خداوند و البته تعالی خود می گذرد و از رهگذر چنین اراده ای به قدرتی دست می یابد که در کارزار یک مبارزه، موانع آفاتی و انفسی را در جهت نیل به مقصود در می نوردد. و در ازای این حرکت مغفرت، رحمت و هدایت الهی را نصیب خود می کند. آن ها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند ("التوبة/۲۰) اقتصاد اسلامی بستر تحقق جهاد اقتصاد یواژه «اقتصاد اسلامی» یک مشترک لفظی است که دارای ابعاد مختلفی است. هر یک از صاحب نظران و متفکران مرتبط با این حوزه دینی و فکری بر اساس بینش و گرایش هایی که داشته اند به نحوی بر دامنه ابعاد آن افزوده اند. عمده ترین ابهام در تعریف و تبیین وظایف و ابعاد آن ارتباط با حوزه دین اسلام به عنوان مجموعه معارف مرتبط با وحی که از راه کتاب و سنت به ما رسیده است و حوزه علم اقتصاد که در پی شناسایی و کشف روابط ثابت رفتاری در میان متغیرهای اقتصادی است، می باشد. از سوی دیگر گستردگی دامنه بحث و اختلاف در ابعاد آن بیش از همه بیانگر میزان انتظاراتی است که درباره آن وجود دارد. بسیاری از مسلمانان در جوامع اسلامی بر اساس شناختی که از اقتصاد صدر اسلام و موازین شرعی دارند انتظارشان این است که رهبران جامعه و کارگزاران نظام اجتماعی با مبنا قرار دادن این الگوها مشکلات اجتماعی و اقتصادی امروزی را مرتفع سازند. این مهم به ویژه در طی ۵۰ سال اخیر که جوامع اسلامی با ناکارآمدی الگوهای سرمایه داری و سوسیالیستی مواجه بوده اند بروز بیشتری یافته است. برای تحقق جهاد اقتصادی ابتدا باید اقتصاد اسلامی در کشور نهادینه شود. اقتصاد اسلامی دارای مشخصات متنوع و مختلفی است. در ذیل به چهار دسته از مشخصه های کلی اشاره می شود. این مشخصه های کلی، اقتصاد اسلامی را از دیگر مکتب های اقتصادی تفکیک می کند. با در نظر گرفتن هر یک از این چهار مشخصه، اقتصاد اسلامی فرق اساسی و ماهیتی با دیگر مکاتب اقتصادی پیدا می کند: (آیت الله هاشمی شاهرودی) ۱- مفاهیم بنیایی اقتصاد اسلامی: مفاهیم بنیایی در واقع مشخصات فلسفی اقتصاد اسلامی است. نمی توان مسائل اقتصادی را مجزا از مبانی فلسفی دانست و برای اعتقادات نقشی در مسائل اقتصادی قائل نشد. تمام مسائل اقتصادی تحت تأثیر مفاهیم بنیایی اعتقادات و ایدئولوژی ها قرار دارد. قهراً هر اقتصادی نیاز به شاخص های بنیایی و فلسفی دارد و متکی بر مبانی فلسفی است. حتی اقتصادهایی که سعی می کنند خودشان را مجزای از ایدئولوژی ها مطرح کنند - اقتصادهای نظام سرمایه داری - آن ها هم مبتنی بر یک سلسله مفاهیم بنیایی است که به عنوان پیش فرض های مسلم پذیرفته شده است. از این رو برای دستیابی به اقتصاد اسلامی در نظر گرفتن مفاهیم بنیایی آن ضروری است. ۲- منابع اقتصاد اسلامی: که مشخصات فقهی اقتصاد اسلامی است. بحث منابع اقتصاد اسلامی یا منابع کشف اقتصاد اسلامی، برنامه ریزی کلی اقتصاد اسلامی از طرف شارع مقدس، تأثیر فقه و درک شرایط زمان و مکان، منابع شناخت اجتهادی اقتصاد اسلامی، فرق مباحث اقتصادی با مباحث فقهی دیگر، این ها همه مربوط به بحث مشخصات فقهی اقتصاد اسلامی است. ۳- حقوق اقتصادی: که مشخصات حقوقی اقتصاد اسلامی است. اقتصاد اسلامی در مفاهیم بنیایی و در حقوق اقتصادی، واقع گراست. تعاریفی که در جهان بینی اسلامی از انسان می شود تعاریف واقعی است، یک بعدی نیست، بلکه همه ابعاد انسان را در نظر گرفته است. و لذا این مشخصه هایی که ذکر شد مفاهیم ذهنی و رویایی نیست - چنان که در برخی مکاتب مطرح است - بلکه مفاهیمی است با مبنا منطقی و منسجم با فطرت و واقعیت های حیاتی انسان. در اسلام، اصلی به نام اولویت حقوق اجتماعی بر حقوق فرد داریم. در آنجا می گوئیم اگر در جایی حق اجتماعی یعنی عدالت اجتماعی در تضاد با حق فرد قرار بگیرد آنجا حق عامه بر حق فرد قدم است. در مسائل فقهی هم همین را می گوئیم. ۴- مشخصات تحلیلی اقتصادی: خیلی از بحث های اقتصادی مبتنی بر تحلیل های اعتقادی یا به اصطلاح مبتنی بر یک سلسله پیش فرض های اعتقادی است. مثلاً وقتی انسان اقتصادی را تعریف می کنند، انسان را دارای مفهوم مشخصی از سود، زیان و مسائل دیگر فرض می کنند و بعد تحقیقات اقتصادی فراوانی را بر

اساس این پیش فرض‌ها که صرفاً مربوط به جهان بینی یک مکتب در مورد انسان است، پی ریزی می کنند. سخن پایانی مفهوم جهاد اقتصادی یعنی همان اقتصاد مبتنی بر فرهنگ اسلام و این که تمامی برنامه های اقتصادی با اسلامی بودن سیاست های اقتصادی، سنخیت و همخوانی داشته باشد. بی شک دست یابی به این هدف در گرو شناخت آفت های اقتصادی، دشمنان اقتصادی و برنامه ریزی مدون و دقیق است. تلاش گران و مجاهدان عرصه اقتصاد در چارچوب حکومت اسلامی باید بیش از هر چیزی خود را با احکام اقتصادی دین مبین اسلام آشنا و مسلح سازند. تا در این رهگذر زمینه و بستر مناسب تحقق جهاد اقتصادی و پیشرفت کشور بر اساس الگوی اسلامی- ایرانی فراهم گردد. چستی و مفهوم شناسی جهاد اقتصادی شاخص‌ها و ویژگی‌ها، اصول و اهداف آن، بسترهای لازم یا الزامات جهاد اقتصادی مهم ترین موضوعات راهبردی در زمینه جهاد اقتصادی به شمار می‌روند. حرکت جهشی و جهادگونه و بسیجی همراه با مبارزه، توجه به توحید به عنوان یک ارزش اساسی، اقدام برای کارهای بزرگ و زمین مانده، پایداری، استمرار و استقامت در کارهای بزرگ، سطح میداین بزرگ و پر کردن خلأها و حرکت‌های مردمی و تقویت تعاونی‌های بزرگ از مهمترین اصول جهاد اقتصادی است.

### شرح صدر اندیشه‌ها

مهدی یاراحمدی خراسانی

امام موسی صدر کیست؟ امام موسی صدر در ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ در شهر قم و در یکی از خانواده های علم و اجتهاد به دنیا آمد. وی تحصیلات علوم دینی را در شهر قم به اتمام رساند و پس از آن در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۳۸ به دعوت سیدعبدالحسین شرف الدین پیشوای شیعیان لبنان به این کشور عزیمت کرد و پس از شرف الدین به توصیه وی مسئولیت رهبری شیعیان لبنان به ایشان سپرده شد. امام موسی صدر همراه با کار فرهنگی و حرکت ففرزدایی از جامعه مسلمانان لبنان به ایجاد تشکیلات اسلامی برای احقاق حق مسلمانان و مبارزه مؤثر با صهیونیسم نیز اقدام نمود. مجلس عالی شیعیان لبنان، حرکت المحرومین و ... از تشکیلاتی بود که با همت ایشان ایجاد گردید. امام موسی صدر و تحریم صهیونیستامام موسی صدر که مبارزه سختی را علیه صهیونیسم جهانی بنیان نهاده بود برای شیعیان لبنان یک ناجی بزرگ بود و علما و چهره های برجسته لبنان اعم از شیعه و سنی او را یاری بزرگ برای خود می دانستند. امام موسی صدر به شیعیان آموخت که هرگونه داد و ستدی با صهیونیستها حرام می باشد. او سازمان نظامی امل را با هدف دفاع از جنوب لبنان در برابر تعرضات صهیونیست ها بوجود آورد. امام موسی صدر بانی مبارزه مردمی با نظام طائفه گری بود و عامل مؤثری در مقابله با سلطه خواهی اقلیت مارونی بر کشور اسلامی لبنان به شمار می آمد. امام موسی صدر یک ماه قبل از هجرت تاریخی امام خمینی به پاریس طی مقاله ای در روزنامه لوموند از انقلاب اسلامی ایران به عنوان ادامه حرکت انبیاء الهی یاد کرد و امام خمینی را بعنوان یگانه رهبر بزرگ انقلاب به دنیای اسلام معرفی نمود. امام موسی و نوسازی اندیشه دینی در میان عالمان دینی کسانی که گام در راه تجدید و نوسازی اندیشه دینی قدم گذاشته‌اند، نادرند. حساسیت این نوسازی آن گاه بیشتر شد که مسلمین با تمدن جدید غرب مواجه شدند و جامعه مسلمین عقب‌ماندگی خود را احساس کرد. این احساس سبب گشت تا معدودی از عالمان دین در سنت‌های سلف و آن چه به نام فرهنگ اسلامی وجود دارد، تجدید نظر کنند تا بتوانند اسلام را از خطر انزوا و مسلمین را از زیان عقب‌ماندگی نجات دهند. امام موسی صدر نسبت به دردهای جامعه و پیرایه‌های بر دین نشسته یک آسیب‌شناس بود، او در صدد بود تا هندسه دین را به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای انسان امروز باشد، ترسیم کند. شک نیست که در کنار تحوّل علوم بشری و حضور انسان در عرصه دنیای جدید بازمینی و بازسازی در تفکر دینی ضروری می‌نمود. در این میان امام موسی صدر شخصیتی بود که در دانش دین مجتهد بود و دروس حوزوی را تا مرحله اجتهاد طی کرده بود و مبادی و مبانی اسلام را نیک می‌شناخت. هم به نیکی شاگردی کرده بود و هم شاگردان نیکی را تربیت

کرده بود. از سویی دیگر سر در جهان بیرون داشت و مکاتب فکری عصر جدید را از نظر گذرانده بود و نکات ضعف و قوت آن را نیک دریافته بود. از آنجا که امام موسی صدر ذلت و عقب‌ماندگی مسلمین را از نزدیک دیده بود و خود را در رنج و درد آنان شرکت می‌داد، به این تأمل نشسته بود که باید مسلمین را با تکیه بر اسلام نجات داد و برای نجات مسلمین با تکیه بر اسلام، نخست باید اسلام را از برچسب‌های گوناگون و پیرایه‌هایی که به آن بسته‌اند رهایی بخشید. انسان از نگاه امام موسی صدر نگرش امام موسی صدر به انسان دقیقاً همان نگرش اسلام به انسان است. انسان در دیدگاه امام موسی صدر «بما هو انسان» مقدس است؛ ایشان با تکیه بر تعاریف قرآنی اظهار می‌کند که کرامت انسان پیش از پذیرفتن هر دین، نژاد و یا زبانی قابل احترام است. امام صدر معتقد است که ادیان در خدمت انسان هستند و نه انسان در خدمت ادیان. اگر انسان را مرکزی‌ترین موجود آفرینش در دیدگاه امام موسی صدر بدانیم، طبیعتاً همه احکامی که این عالم شیعی درباره انسان صادر می‌کند، غیر از چیزی است که دیگران می‌بینند. این نگرش بر سه پایه استوار است که همه انسان‌ها در آن مشترک‌اند. اصل نخست این است که جوهر رشد انسان‌ها یکی است. اصل دوم، عدم تفاوت میان افراد بشری از حیث اعتبارات خلقی و تکوینی و جنسی است و اصل سوم، تساوی کامل از نظر حقوق و واجبات میان انسان‌هاست. انسان امام موسی صدر انسان است به تمام معنی کلمه. انسان برای او عطیه الهی است. خداوند خالق این انسان این موجود را به عنوان هدیه ای به عالم کون و مکان عرضه کرده است. انسان برای او مخلوقی است که بر صورت و صفات خالقش آفریده شده و خلیفه خدا بر روی زمین است. و چون چنین مقامی از سوی خالق جهان بر او ارزانی گشته پس غایت هستی است. این موجود آغاز و فرجام اجتماع است و مقصد همه حرکت‌ها و رویکردهای بشر در طول تاریخ و در تعامل با جامعه و در طول اوج و فرودهای تاریخ انسانی همین موجود است. "طبع انسان مدنی و اجتماعی است" و این انسان اجتماعی تا حد زیادی از طبیعت و موجودات اطراف خود متاثر است. این موجود مدنی الطبع از دیدگاه امام صدر "موجودی است عینی که با موجودات عینی دیگر، از نظر آزادی انتخاب، متفاوت است، بدین معنا که رفتار و اعمال او ناشی از تعقل و اراده اوست" و نه متاثر از آنچه دیگری امر می‌کند و مدعی می‌شود که اعمال و رفتارش کاملاً عقلانی است و اگر جایی هم به تکافوی ادله بر سر مسئله ای رسید نه به فرموده کسی که بنا به علت‌ها انتخاب می‌کند. انسان بدان میزان از دیدگاه امام موسی صدر ارزشمند است که صراحتاً می‌گوید: "برای انسان گرد آمده ایم، که ادیان برای او آمده‌اند" و یا می‌گوید: "ادیان یکی بودند، زیر در خدمت هدفی واحد بودند: دعوت به سوی خدا و خدمت انسان و این دو نمودهای حقیقی یگانه‌اند". در واقع در انسان‌شناسی امام موسی صدر کل کون و مکان و ادیان و رسولان برای انسان بر زمین نازل شده است و این مسئله را تا حدی گسترش می‌دهد که با هم عرض کردن دعوت به سوی خدا و خدمت به انسان را این دو را نمودهای حقیقی یگانه می‌داند. و این نتیجه مشخص اندیشه ای است که ادیان را در خدمت انسان می‌داند و برای اندیشه ای، دینی و ایدئولوژی ای ارزش قائل است که در خدمت انسان باشد و نه اینکه بخواهد انسان را به خدمت خویش بگیرد. در انسان‌شناسی امام صدر و در ارتباط با جامعه آن انسان مدنی الطبع صراحتاً گفته می‌شود که "جامعه فقط برای انسان است و بس آنچه در زمین به عنوان ثروت در اختیار انسان قرار گرفته امانت خدا در دست انسان است و پس اصل و اساس انسان است نه ثروت. همه گروه‌ها و جوامع برای خدمت به انسان شکل گرفته‌اند و این انسان گوهر یکدانه هستی است و محور جهان مخلوقات." انسان در نزد امام موسی صدر و هم اندیشان او بدون هیچ نقطه ممیزی عزیز است و محترم و باید گرامی داشته شود. انسانی که از او پرسیده نمی‌شود شیعه است یا سنی. مسلمان است یا مسیحی یا یهودی و یا زردشتی. موحد است یا ماتریالیست. کمونیست است، بهائی است یا معتقد به هر اندیشه و ایدئولوژی. انسان برای امام موسی صدر انسان است بماهو انسان. ارزش انسان برای او ماهوی است و ناشی از همین وجود انسانیش. او همه را در برابر خداوند برابر می‌داند مگر به تقوایشان که آن را هم نه بشر با تقوا سنج‌های بشری که به نظارت‌های غیر منطقی می‌انجامد می‌تواند اندازه بگیرد که مکیال و میزان آن را خدا دارد و بس. امام موسی صدر و سرنوشت نامعلوم امام موسی صدر در مدت ۲۰ سال که در لبنان اقامت داشت

تلاش‌های فراوانی در جهت ارتقاء کمی و کیفی رفاه شیعیان و تقویت دین و اعتقادات و اخلاقیات آنان به عمل آورد. او به دنبال تلاش و اقدامات فراوان و مؤثر علیه صهیونیسم سرانجام در شهریور سال ۱۳۵۷ پس از سفر به الجزیره و مذاکره با مقامات آن کشور وارد لیبی شد و پس از ۵ روز اقامت در لیبی خبر ناپدید شدنش اعلام گردید. با این حال، دولت لیبی همواره نقش خود را در ربودن امام موسی صدر انکار کرده است. اکنون بعد از سقوط رژیم قذافی با وجود اظهار نظرهای فراوان هنوز خبری قطعی از وضعیت ایشان در دست نیست. امید است انشاءالله با سقوط دیکتاتور لیبی خداوند متعال عاملان محروم ساختن شیعیان از وجود شریف ایشان را رسوا نماید.

## بحران؛ واقعیتی جدایی ناپذیر از سازمانها

بحران؛ واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت سازمان‌ها نویسنده: مهدی یاراحمدی خراسانی

این مقاله در نشریه علمی، پژوهشی و اطلاع رسانی انجمن مدیریت ایران (ماهنامه مدیریت- شماره: ۱۰۱ - ۱۰۲) پذیرفته و به چاپ رسیده است. (دارای شماره استاندارد بین المللی ۷۴۴۵-۱۰۲۳) چکیده: در عصر جدید و در هزاره سوم بحران‌ها واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها گردیده‌اند. بحران‌ها در واقع در اثر رخدادها و عوامل طبیعی و غیرطبیعی (به طور ناگهانی) پدید می‌آید و سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند. مدیریت بحران برای مواجهه با موقعیت‌های غافل‌گیرکننده و غیرمنتظره پیش از هر چیزی نیازمند تجربه، آمادگی، مهارت، سرعت عمل، هوشمندی و خلاقیت است. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد. که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای کاهش اثرات بحران است. دانشمندان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در هنگام بحران بیشترین فشار بر مدیران سازمان وارد می‌گردد. از این رو مدیران برای مواجهه مناسب با بحران نیازمند ایجاد آمادگی و پرورش قابلیت‌های خود می‌باشند. مدیریت بحران با توجه به نوع بحران‌ها (طبیعی- غیرطبیعی) و همچنین با عنایت به چرخه بحران نیازمند اقداماتی هستند که ضمن انجام آن اولاً- حتی المقدور خساراتی ناشی از بحران را به حداقل برسانند و ثانیاً مانع وقوع اتفاقات ثانویه گردند. (۱) مقدمه «بحران» مقوله‌ای است که همه سازمان‌ها و جوامع کم و بیش و با توجه به ماهیت و فعالیتشان به گونه‌ای با آن روبرو هستند. بروز خطرات، سوانح و بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی به همراه حوادث غیر قابل پیش‌بینی واقعیتی است که بشر در طول تاریخ همواره با آن آشنا بوده است. صنعتی شدن جوامع و گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و نقل و انتقادات اطلاعات به طور وسیع و همچنین بزرگ‌تر شدن سازمان‌های اجتماعی که همراه با موفقیت‌های فراوان تکنولوژیکی و اجتماعی بوده است. نه تنها میزان بروز خطرات غیر منتظره را کاهش نداده است بلکه در بسیاری موارد افزایش نیز داده است. به بیان دیگر امروزه بحران‌ها در سازمان نهادینه گردیده‌اند و واقعیتی جداناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها شده‌اند. از این رو سازمان‌ها مجبورند همراه با افزایش پیچیدگی و توان تولیدی خود، توان رویارویی و مواجهه با بحران‌های مختلف را در خود افزایش دهند. امری که تنها با برنامه‌ریزی‌های میان مدت و بلند مدت ممکن می‌گردد. (۲) بحران‌بحران در واقع حالتی است کاملاً غیر منتظره و غافلگیر کننده که در آن فرصت برای تصمیم‌گیری بسیار کم است. در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان از روش‌های معمول برای نشان دادن عکس‌العمل استفاده کرد. در این حالت مدیریت پیش از هر چیزی به تجربه، مهارت، سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقع‌سنجی نیاز دارد و با توجه به اطلاعات موجود باید هر چه سریعتر موضوع ارزیابی و نسبت به آن اقدام شود. بحران در واقع وضعیتی است که در اثر رخدادها و عوامل طبیعی و غیرطبیعی (انسان) به طور ناگهانی پدید آمده و یا ظاهر می‌شود. همچنین سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری تعریف بحران بعلاوه اینکه تا کنون در خصوص آن توافقی میان صاحب‌نظران پدید نیامده است کار ساده‌ای نیست، واژه بحران در واقع معادل Crisis در زبان انگلیسی است که از پزشکی

وارد علوم اجتماعی و اقتصادی شده است. در پزشکی وضعیت بحران بر حالتی گفته می‌شود که ارگانیزم دچار بی‌نظمی شده و به خطر افتاده است. در زمینه مسائل اجتماعی بحران حالتی است که جامعه و سازمان از نظم عادی خارج و دچار آشفتگی می‌شود. با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، بحران در واقع شرایط عادی است که در آن مشکلات ناگهانی و پیش‌بینی نشده‌ای پدید می‌آید و در چنین شرایطی ضوابط و هنجارها و قوانین مرسوم دیگر کارساز نیست. (۳) مدیریت بحران مدیریت بحران ناظر بر پنج مقوله «سازماندهی»، «ارتباطات»، «تصمیم‌گیری»، «شناخت عوامل بحران» و «طراحی» است. کنترل بحران در مواقعی که سازمان دهی نیروهای مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد آسان‌تر است. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد. که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری است که بوسیله آن بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری نموده و یا در صورت بروز آن در خصوص کاهش اثرات، آمادگی لازم، امدادسانی سریع و بهبودی اوضاع سازمان اقدام نمود. هراندازه میزان ارتباطات بین ارگان‌های مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد مدیریت بحران از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. سرعت تصمیم‌گیری در مدیریت بحران از اهمیت بسیاری برخوردار است. در واقع بین سرعت تصمیم‌گیری و سرعت کنترل بحران ارتباط مستقیم وجود دارد به بیان دیگر هر اندازه سرعت تصمیم‌گیری از سوی مدیریت بحران بیشتر باشد، سرعت کنترل بحران نیز بیشتر خواهد بود. مساله اصلی در مدیریت بحران، چگونگی سنجش فوریت و اولویت تهدید است. در سنجش، طبقه‌بندی و تشخیص اولویت و فوریت تهدید عوامل بسیاری تأثیرگذار هستند. زمان تهدید، مکان و شدت تهدید، توان و قدرت تهدید، عامل تهدید، عمق و دامنه تهدید، نوع تهدید، هدف مورد آماج تهدید و ابزار تهدید از مهمترین این عوامل هستند. (۴) مدل چهار لایه برای تدبیر بحران‌ها دانشمندان مدیریت در این که هدف اصلی در مدیریت بحران، بهره‌گیری از مهارت‌های خسارات از طریق پاسداری از منافع خودی می‌باشد اجماع نسبی دارند. اندیشمندان برای تدبیر بهینه بحران‌ها، مدل‌های چهارلایه را پیشنهاد نموده‌اند. در این مدل چهار عامل اساسی وجود دارد که در مواجهه با بحران نقش تعیین‌کننده‌ای دارند: ۱- انسان: عامل اول انسان، شخصیت و رفتار اوست. رفتار انسان در برابر بحران به دو صورت می‌تواند باشد؛ در حالت اول انسان به مقابله با بحران می‌پردازد و در حالت دوم در مقابله با بحران برخورد انفعالی دارد. ۲- فرهنگ جامعه: عامل دومی که در تدبیر بهینه بحران‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد فرهنگ جامعه می‌باشد. فرهنگ جامعه در چگونگی مواجهه با بحران نقش اساسی دارد. ۳- ساختار ارتباطی: ساختار ارتباطی در لایه سوم قرار دارد. که می‌تواند در بحران ستیزی و یا بحران‌پذیری سازمان مؤثر باشد. ارتباط واحدها با هم میزان پیچیدگی، تمرکز، اختیارات، رسمیت، سلسله مراتب، و... از عوامل تأثیرگذار لایه سوم است که در ساختار ارتباطی بحران قرار می‌گیرد. ۴- استراتژی و خط‌مشی‌ها: در آخرین لایه برای تدبیر بحران (در مدل چهار لایه) استراتژی و خط‌مشی‌ها و شیوه‌های مقابله در مدیریت بحران قرار دارد که جز عوامل اساسی تدبیر بهینه بحران‌ها می‌باشد. با توجه به لایه‌های ذکر شده، تدبیر در مدیریت بهینه بحران‌ها به موفقیت در چهار لایه. اتخاذ سیستم‌های جامع و مبتنی بر افق‌های مکانی و زمانی وابسته می‌باشد. توجه کافی به هر یک از عوامل اساسی ذکر شده در لایه‌های مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت بهینه بحران‌ها دارد. مدیریت بحران هر چقدر در عوامل تأثیر بحران در لایه‌ها مختلف از شناخت و آگاهی بیشتری برخوردار باشد مسلماً در کنترل و تدبیر بهینه آن توانمندتر خواهد بود. (۵) بحران در سازمان بحران جز جدایی‌ناپذیر اکثر سازمان‌های اقتصادی اجتماعی، سیاسی و... است. به بیان دیگر اکثر سازمان‌ها در زمان‌های خاص با بحران روبرو می‌گردند. بحران در سازمان‌ها می‌تواند به انفجار اطلاعات، جهش تکنولوژی، رکود تورمی، بحران در محیط زیست بحران پولی و... اشاره نمود. امروزه تعادلات و ارتباطات بین سازمان‌ها بسیار گسترده شده است. همین گستردگی ارتباطات، سبب پیچیدگی سازمان‌ها اجتماعی شده است. که این خود می‌تواند منجر به ایجاد بحران‌های جدید گردد. یکی از ویژگی‌های بحران در سازمان این است که سبب ایجاد فشار بر مدیران می‌شود. کیفیت کار نامطلوب مسائل شدید روحی و روانی: مشکلات خاص اجتماعی، نارضایتی کارکنان و... از مهمترین عواملی هستند که فشار بحران سازمان‌ها را بریدتر بیشتر

می‌کند. سازمان‌هایی می‌توانند در مقابل حوادث پیش‌بینی نشده و بحران‌ها از خود واکنش مناسب و به‌موقع نشان دهند و که از قبل پیش‌بینی لازم توان خود را در مواجهه با بحران‌ها افزایش داده باشند. سازمان‌هایی بایست برای موفقیت در اداره بحران نسبت به تجهیز و اندیشیدن تمهید لازم برای لایه‌های بحران اقدام کنند. ۶. تأثیر بحران بر مدیرانهمانگونه که ذکر شد بحران‌ها به طور غیر منتظره‌ای مدیران را برای اداره سازمان خود با شکل و چالش روبرو می‌کند. تحقیقات نشان داده است. در اکثر سازمان‌هایی که بحران حاصل شده است بیشترین فشار بر مدیران سازمان وارد گردیده است. این مسئله ضرورت افزایش قابلیت مدیران برای مواجهه با حوادث و جریان‌های غیرقابل پیش‌بینی را پیش از پیش نمایان می‌کند. در عصر جدید و در هزاره سوم مدیران در مواقع مختلف می‌بایست ۵ نوع فشار را تحمل نمایند. ۱- زیستی: فضای زیستی روز به روز تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های تولیدی تحت فشار بیشتری ناشی از آلودگی قرار می‌گیرد. ۲- فضای اجتماعی: با توجه به افزایش ارتباطات، تکثیر نهادها، و سازمان‌ها و افزایش پیچیدگی‌ها دومین فشار از فضای اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. و باعث یک رشته عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای می‌گردد. ۳- اطلاعاتی: امروزه مدیران با توجه به دامنه گسترده فعالیت‌ها، روابط واحدها و همچنین متغیر بودن و پیچیدگی محیط پیرامون خود نیاز به اطلاعات دارند از این رو سومین فشار از ناحیه فضای اطلاعاتی است. به بیان دیگر باید گفت که همه سازمان‌ها و سیستم‌ها برای حل مشکلات خود به طور روز افزونی به اطلاعات نیاز دارند. ۴- فضای سیاسی: قدرت‌های سیاسی امروزه دارای پیچیدگی‌هایی هستند که بر روی سازمان‌های اجتماعی تأثیر گذارند. یکی از دلایل عمده این مسئله این است که امروزه روابط میان سازمان‌ها گسترش یافته و نظارت قدرت حاکمه بر فعالیت‌های سازمان‌ها بیشتر اعمال می‌شود. از این رو چهارمین فشار از ناحیه فضای سیاسی بر مدیران وارد می‌شود. ۵- افکار عمومی: با توجه به افزایش رسانه‌ها و نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی اهمیت افکار عمومی پیش از پیش نمایان گردیده است. بدین ترتیب از ناحیه افکار عمومی نیز بر مدیران فشار وارد می‌شود. به بیان دیگر از آنجا که عملکرد سازمان‌ها در زندگی جامعه اثر دارد افکار عمومی نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد. موارد اولیه و ... نیز می‌تواند به مورد ذکر شده اضافه گردد و سبب ایجاد شرایط بحرانی شود. در زمان وقوع بحران در سازمان شرایطی ایجاد می‌شود که دو شاخصه مهم دستپاچگی و شتاب‌زدگی از مهمترین ویژگی‌های آن است. در چنین شرایطی مدیران می‌بایست با توجه به حاد بودن موضوع نسبت به اخذ تصمیم‌گیری صحیح، سریع و به موقع اقدام نمایند. حفظ خونسردی در شرایط حاد بحران از اهمیت زیادی برخوردار است که می‌تواند اخذ تصمیم‌های نادرست را تا حد زیادی کاهش دهد. رویارویی صحیح و واقع بینانه و تصمیم‌گیری مناسب، بهینه و به موقع از لازمه‌های اساسی شرایط بحرانی است. که می‌تواند فشارهای ناشی از بحران را برای مدیران تا حد زیادی کاهش دهد. ۷) انواع بحران‌ها بحران‌ها به طور کلی به دودسته تقسیم می‌شوند: ۱- بحران‌های طبیعی: بحران‌هایی هستند که بر اثر عوامل طبیعی ایجاد می‌شوند. از قبیل سیل، آتش‌سوزی زلزله. ۲- بحران‌های غیر طبیعی: بحران‌هایی هستند که بر اثر عوامل غیرطبیعی ایجاد می‌شوند. بحران‌های غیرطبیعی در سازمان‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند. الف) بحران‌های مالی: منظور بحران‌هایی است که در اثر اختلال در کارکرد نظام‌های مالی سازمان رخ می‌دهد و موجب آشفتگی اساسی در سازمان می‌شود از قبیل: مفقود شدن، اسناد مالی با اهمیت، جعل اسناد مالی با اهمیت، وارد شدن خسارات شدید مالی، اختلاس، عدم تحقق درآمدها، افزایش غیر مترقبه هزینه‌ها، از بین رفتن منابع تأمین وجوه، شیوع رشوه، بلوکه کردن دارایی‌ها. ب) بحران‌های اطلاعاتی امنیتی: بحران است که در اثر اختلال در طراحی، تجهیزات و کارکرد نظام‌های حفاظتی، اطلاعاتی، امنیتی و رایانه‌ای در سازمان رخ می‌دهد و موجب آشفتگی در سازمان می‌شود. از قبیل تقلب و دسترسی غیرمجاز، استراق‌سمع در خطوط ارتباطی اطلاعاتی، افشای غیرمجاز اطلاعاتی، حساس، بمب‌گذاری، ناکارآمدی سخت افزار و نرم افزار، مفقود شدن مدارک و داده‌ها، عدم تبادل و انتقال اطلاعات. ج) بحران‌هایی انسانی: منظور بحرانی است که در اثر اختلال در کارکرد منابع انسانی سازمان رخ می‌دهد و موجب آشفتگی اساسی در سازمان می‌شود. از قبیل تحریم کاری، اعتصاب نشسته یا تخصص در محل کار، اعتصاب تهدید کننده، اعتصاب نوبتی، خرابکاری در محل کار،

اعتصاب ناگهانی و غیررسمی، اشغال محل کار، اعتصاب همدردی، اپیدمی، آشوب کارکنان، کمبود علم و تجربه در کنار هم در سازمان، بحران نیروی انسانی، ممانعت از بکارگیری نیروی انسانی جدید، حاکمیت عملکرد گروه‌های غیررسمی منفید) سایر موارد: از قبیل؛ جنگ شورش و بلوای عمومی، قطع خطوط ارتباطی، برق، آب و گاز در اثر عوارض سازمانی با فراسازمانی. ۸) چرخه مدیریت بحران چرخه مدیریت بحران عبارتست از: ۱- پیشگیری: اقدامات با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش آثار زیانبار آن. ۲- آمادگی: اقداماتی است برای افزایش توانایی سازمان در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران. آمادگی شامل جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش، برنامه‌ریزی، ایجاد ساختارهایی مدیریتی، آموزش، تأمین منابع، تمرین و مانور است. ۳- مقابله: ارائه خدمات اضطراری و فوق‌العاده بدنال وقوع بحران است با هدف حفاظت از منابع مختلف سازمان در جلوگیری از گسترش خسارات مقابله در حوادث غیرطبیعی شامل شناسایی دامنه بحران، ریشه‌یابی عوامل پدیدآورنده بحران، استفاده از ابزارهای انسانی، اطلاعاتی و فیزیکی مورد نیاز برای مقابله با بحران است. ۴- بازسازی: بازگرداندن شرایط یک سازمان آسیب دیده پس از بحران به شرایط عادی با در نظر گرفتن ویژگی‌های سازمان موفق و کلیه ضوابط ایمنی. ۹) اثرات عمومی بحران اثرات عمومی بحرانها بصورت زیر طبقه‌بندی می‌شود: ۱- فوت ۲- مصدومیت ۳- خسارت و ازدست دادن دارایی ۴- خسارت و نابودی مواد محصولات غذایی ۵- قطع جریان تولید ۶- قطع روند عادی زندگی ۱۰) خصوصیات بحرانها توجه به اثرات عمومی بحران، خصوصیات بحران متصور است. ۱- از دست رفتن کنترل حوادث و افراد ۲- ایجاد نگرانی، پریشانی، دستپاچگی و سردرگمی در تصمیم‌گیری ۳- کمبود اطلاعات ۴- کمبود وقت برای تصمیم‌گیری ۵- تهدید اهداف، مقاصد و فرصت‌ها ۶- ضرورت تصمیم‌گیری سریع ۷- آثار و نتایج زیان‌بار ۸- ایجاد وضعیت نامطلوب و عدم اطمینان ۹- دگرگونی روابط بین افراد (ایجاد دگرگونی، برخورد، درگیری و ... بین افراد) ۱۱) اقدامات لازم برای مواجهه با بحرانها اساس چرخه زمان بحران، در سه قطع پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران اقدامات زیر ضروری است. ۱- اقدامات پیش از بحران شامل موارد زیر است: تشکیل کمیته‌های اجرایی، انتخاب اعضای کمیته اجرایی، جمع‌آوری اطلاعات و آمار ضروری، تدوین خط‌مشی‌های بهینه، تصویب خط‌مشی‌های مدون، پیش‌بینی، برگزاری دوره‌های آموزش لازم جهت آمادگی و اقدام در مواقع ضروری. ۲- اقدامات حین بحران شامل موارد زیر است: اعلام وضعیت بحران، فعال کردن کمیته‌های اجرایی، بررسی وقوع بحران در بخش‌های مختلف، فرماندهی عملیات، کنترل و هدایت بحران، گزارش مستمر وضعیت بحران، ارائه راه‌کارهای بهینه در مورد نحوه عملیات، ایجاد هماهنگی بین کارکنان، اطلاع‌رسانی و هشدارهای لازم. ۳- اقدامات پس از بحران شامل موارد زیر است: اعلام پایان وضعیت بحران، برآورد پیامدها و خسارات حاصله از بحران، هماهنگی جهت جمع‌آوری آوارها و مواد زائد در بحران‌های طبیعی، تهیه لیست مالی خسارات مالی، انسانی، فیزیکی و تجهیزاتی، برنامه‌ریزی جهت ترمیم خسارات وارده، بازگرداندن وضعیت عادی، برنامه‌ریزی جهت پیشگیری از حوادث مشابه در آینده و بروز حوادث ثانویه، ثبت و بایگانی مستندات و تجارب وقایع. ۱۲) نتیجه‌گیری بحران حالتی غیرمنتظره و غافلگیرکننده است که همه سازمان‌ها کم‌وبیش با آن مواجه هستند. از اینرو می‌بایست با درک واقعیت بحران و اثرات با تمهید اندیشه‌های آثار منفی و خسارات آن را به حداقل ممکن رسانید. حفظ خونسردی، کاهش عوامل استرس‌زا، پرهیز از درگیری با دیگران، سرعت عمل در تصمیم‌گیری، دقت در کردار به همراه توکل به خداوند متعال برای مدد رسانی در هنگام بلا و سختی‌ها از مهمترین لازمه‌های بایسته در زمان وقوع بحران است. برای آنکه بتوانیم همیشه در برابر بحران‌ها عکس‌العمل مناسب داشته باشیم می‌بایست از قبل با انجام پیش‌بینی‌های لازم ضمن ارائه آموزش‌های ضروری و برگزاری مانور، احساس نیاز در منابع انسانی برای آشنایی با اصول مدیریت بحران را ایجاد نماییم تا از این طریق در هنگام وقوع بحران دچار سردرگمی و دستپاچگی در عمل نشویم. اقدامات سریع برای حفظ و نگهداری اموال سازمان ضروری است که می‌بایست در هنگام وقوع بحران بدان اهتمام ورزید. منابع و مأخذ ۱- تسلیمی، محمدسعید، مدیریت تحول سازمانی، انتشارات سمت. ۲- الوانی، سیدمهدی، مدیر بحران آفرین، مجله کنترلر، سال اول شماره‌های



۳ و ۴- تاجیک، محمدرضا، مدیریت بحران. ۴- رضائیان، علی، اصول مدیریت، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.۵- محمدزاده، عباس، مدیریت توسعه، انتشارات سمت، تابستان ۱۳۸۱.۶- ناطقی الهی، فریبرز، مدیریت بحران زمین‌لرزه ابرشهرها با رویکرد به مدیریت بحران، زمین‌لرزه شهر تهران ۱۳۸۲.۷- طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران، دبیرخانه طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۴۳.۸- لایحه قدیمی جهت تقویت و عملیاتی نمودن سیستم مدیریت بحران شهر تهران. ۹- جزوات دانشگاهی

## Crisis Management

Crisis management is a relatively new field of management. Typically, proactive crisis management activities include forecasting potential crises and planning how to deal with them, for example, how to recover if your computer system completely fails. Hopefully, organizations have time and resources to complete a crisis management plan before they experience a crisis. Crisis management in the face of a current, real crisis includes identifying the real nature of a current crisis, intervening to minimize damage and recovering from the crisis. Crisis management often includes strong focus on public relations to recover any damage to public image and assure stakeholders that recovery is underway.

### راهنمایی نوشتن طرح تحقیق

۳۹۰، ۵۹: ۱۰ راهنمایی نوشتن " طرح تحقیق " ترجمه: مهدی یاراحمدی خراسانی- هانیه مازندرانی

DRY YOUR tears, my darling, for love that has opened our eyes and made us its servants will grant us the blessing of patience and forbearance. Dry your tears and be consoled, for we have made a covenant with love, and for that love shall we bear the torment of poverty and the bitterness of misfortune and the pain of separation.

پژوهشی و اطلاع رسانی انجمن مدیریت ایران (ماهنامه مدیریت- شماره: ۱۰۷ - ۱۰۸) پذیرفته و به چاپ رسیده است. (دارای شماره استاندارد بین المللی ۷۴۴۵-۱۰۲۳) طرح تحقیق (proposal) رسمی برای تحقیق لازم بوده است. این وسیله ای است که به واسطه آن هیأت دانشگاه تحقیق شما را ارزیابی می کند. مراحل پیشرفت این طرح در صورتی می تواند تمرین ارزشمندی باشد که عامل تعیین کننده ای برای رسیدن شما به اهدافتان باشد. اهداف پروژه تحقیقاتی و طرح آن را به وضوح مشخص کنید. طرح توسعه یافته راه مهمی است که در آن شما می توانید درک خود را از تحقیق نشان دهید و تفکرات خود را با دیگران مکاتبه کنید. این رهنمودها برای یاری شما در جهت استخراج عقایدتان مهیا شده است. آنها نیازهای طرح اصلی را بنا می کنند. ۱- عنوان و مشکلات شایع موضوع تحقیق بر اساس مسئله ای که قابل بررسی است تنظیم می شود موضوع باید واضح توضیح داده شود و در یک یا دو جمله خلاصه گردد. بعد از مشورت با سرپرست معین گردد. موضوع معمولاً به عنوان مسئله یا سوالی که نیاز به پاسخ دارد، ساخته می شود. بیان موضوع خواننده شما را به پرسش هایی در مورد ارزش کار دعوت می نماید. یک طرح تحقیقی خوب در یک عنوان حیرت آور تحقیقی، شناخته می شود. لازم به گفتن نیست که بیان شما حاصل از علایق و عقاید شما، مشورت با سرپرست و دیگران خواهد بود. قالب بندی سؤالات همیشه آسان نیست و شما نیاز به پرسش از خود دارید که آیا سؤالات تحقیقی واقعاً مسئله ای است که پرسیده و پاسخ داده شود؟ قالب بندی این مسائل در ساختار یک تحقیق بسیار سخت است گر چه برای

محققین باز بینی و تنظیم آن به عنوان پیشرفت تحقیق یک کار رایج است. مسئله‌ی مهم این است که نگرش و تصور شما از موضوع چگونه است؟ چیزی که برای استخراج درک شما در مورد مسئله‌ی که بر روی آن کاوش می‌کنید مورد نیاز است. ۲- سابقه و بافت متعنوان تحقیق شما لازم است که در بافت و زمینه خودش قرار داده شود. در روش گرافیکی این زمینه شما لازم است که نشان دهید چگونه و چرا عنوان اهمیت پیدا می‌کند و چرا ارزشمند است؟ این یعنی: بافت مشکلات تحقیق - چگونه به وجود می‌آید؟ خلاصه کردن مطالب مهم چه نتایجی و برای چه کسی خواهد داشت؟ مراجعه به موضوعات کلیدی که به عنوان مربوط می‌شوند. زمینه می‌تواند در چند روش مهیا شود. علایق شخصی و یا وابستگیهای نظری شما تحقیق را گسترش داده و خلق می‌کند. صفحه بندی آن در توسعه‌ی نظری یافت می‌شود یا به ادبیات مربوط می‌گردد. جایی که اعمال حرفه‌ای کانون و نقطه‌ی اصلی است، شما ممکن است بخواهید رویه یا تغییرات سازمانی متن را تجزیه و تحلیل کنید. در هر صورت، شما باید توانایی‌هایی که برای شکل دهی تحقیقتان به بازی گرفته می‌شوند را خلاصه کنید. این تجزیه‌ها باید شما را به استنتاج مفروضات خودتان در مورد اینکه چرا موضوع مهم است، هدایت کند شما باید پرسید که چه علایقی تحقیق را به جلو می‌راند و از چه نقطه‌ی نظری این موضوع مهم است؟ ۳- چارچوب نظری و ادبیات مربوط چارچوب نظری مسئله‌ی تحقیق را در ارتباط با ادبیات مربوطه با دقت شرح می‌دهد، او باید به چنین مطالبی رسیدگی کند: موجود بودن تحقیق و رابطه‌اش با موضوع شما دید نظری مربوط یا جنبه‌ی فکری کلیدی کردن تصویرها یا شکل دادن دیدگاه خودتان ممکن کردن مسیر تحقیق که احتمال دارد پیگیری کنید. طرح شما لازم است نشان دهد که چگونه تحقیق طرح ریزی شده با بدنه مطالعات مربوط یا ادبیات مرتبط است. راه رسمی درست برای انجامش این است که خلاصه‌ی متن بازبینی شده ادبی بر روی مدلهای سنتی دانشمندان را به صورت خلاصه بنویسید. این همیشه ممکن نیست، مخصوصاً اگر رابطه‌ی کوچکی با تحقیق گذشته وجود داشته باشد. دیگر آنکه خلاصه کردن انواع منابع تئوری که ممکن است تحقیق شما را شکل دهد. اگر چه تمام طرح‌ها (PROPOSAL) لازم نیست که شامل یک چارچوب ادراکی باشند، طرح تحقیق توسعه یافته این کار را انجام خواهد داد. این می‌تواند نتیجه‌ای که درک شما را بیان می‌کند، در بر داشته باشد. ۴- روش تحقیق و علم اخلاق متدولوژی حقیقتاً روش تحقیقی است که شما به پیشرفت یا استعمال کردن و صفحه بندی آن‌ها تمایل دارید. این فراتر از توصیف تکنیک و شیوه‌های مطرح شده است و باید فرضیات کلیدی، روش ساختاری شما را طرح ریزی کند. این ممکن است بعضی از نتایج روش تحقیق که شما پیش بینی کرده‌اید در پیشرفت دیدگاه تحقیقی شما به وجود آید، از پیش خبر دهد. چگونگی شرح طرح تحقیق شما بستگی دارد به دیدگاهی که شما دارید. تقسیم انواع روش تحقیق چنین است: مراجعه به پذیرش روش یا رویکرد برجسته کردن مشکلات در راه توسعه‌ی دیدگاه مناسبان چگونگی اطلاعات تولید شده، تشریح و گزارش آنتایج سندهای اخلاقی در دانشگاه‌ها اگر شما برای مقدار کمی مطالعه برنامه ریزی کنید، شما در روشها نکته برداری و تجزیه را ترجیح می‌دهید. طرح تحقیق کیفیتی، به توصیف نتایج جزئی کیفیتی نیاز دارد. عمل روش تحقیق محققان نیاز به توضیح در طول ترم، پیشرفت برنامه ریزی و نتایج صورت‌های مختلف توسعه‌ی آن و مانند آن دارد. ۵- طرح تحقیق و جایگاه آنهمترین بخش این طرح برنامه ریزی محقق در کلیه مراحل به سوی تکمیل تحقیق می‌باشد. برنامه ریزی شما باید وظیفه‌ای که در هر مرحله بازبینی ادبی به عهده‌ی شماست، معین کند. چارچوب تحقیق، تشریح روش، نکته برداری یافته‌ها و غیره را معین کند. این وظایف باید معین کند که چه نوشته‌ای چگونه و چه زمانی تکمیل خواهد بود. این‌ها به ما کمک خواهند کرد برای: نمایش تحقیق به عنوان کار ترمی دانشگاه به وسیله دوره‌ی مناسب توضیح موضوعات نوشتاری دانشگاه برای هر ترم توضیح دیگر نتایج در مرحله‌ی داده شده مانند سمینار یا کنفرانس مجاز بودن برای تجدید نظر و بررسی پایان نامه در طول ترم شما وقت بی حد و اندازه برای تکمیل این مدارج ندارید. برای تکمیل در زمان کوتاه و برنامه ریزی چگونگی دست‌یابی به آن برنامه ریزی کنید. راه پیشنهادی برای توصیف زمان مناسب در برنامه‌ی ارائه شده نشان داده شده است. ۶- نوشتن تحقیقتیه پایان نامه وظیفه نوشتاری چالش‌انگیزی است و می‌تواند

برای تعیین اینکه چه نتایج نوشتاری در هر مرحله خواهد بود، مورد کمک قرار گیرد. دانشجویان علاقه مند استادان، برای درک پژوهشگرانه در طول ترم کار می کنند. گر چه زمینه تحقیقشان خیلی در گیر کننده نباشد. مکملهای اخیر بهترند، اگر پایان نامه در سر تا سر نوشته های تکمیلی ویژه شامل فیش های تحقیق که باید در سمینار و کنفرانس حاضر باشد، توسعه یابد. تقاضاهای نامزدی پزشکی، سمینار تأیید پزشکی را تکمیل می کند. ۷- تحقیق مناسب توضیحات زیر چگونگی مدارج تحقیق پایان نامه ی برنامه ریزی شده در طول فرآیند را بیان می کند: ۱- تحقیق، فیش در بحث، پایان نامه، خلاصه رئوس، پایان نامه (طرح تحقیق پیشرفته) ۲- فیش برداری استند لالی و چارچوب ادراکی، بازبینی ادبی (خواندن ادبیات تحقیق مذاکره و ارزیابی فعالیت) ۳- پیش نویس بخش روش تحقیق، آزمایش موارد انتخابی مورد نگارش، بررسی دوباره بخش های ادراکی (زمینه ی تحقیق، پیشرفت طرح آزمایشی، پیشرفت برنامه ی داده ها) ۴- فیش های کار شده در زمینه تحقیق، مورد نگارش قرار دادن روشهای تحقیق (زمینه ی تحقیق، اتمام روشها و تکمیل) ۵- پیش نویس بخش تجزیه، آماده سازی برگه کنفرانس، پیش نویس بخش آخر (تجزیه) ۶- بخش آخر، باز بینی پایان نامه و ساختارش، سمینار یا برگه کنفرانس (بازبینی پایان نامه) ۷- بازبینی نهایی، عنوان ژورنال (فرمانبرداری و آزمون) نکته: طرح تحقیق اصولاً برای تصمیم گیری در مورد پذیرش مورد استفاده قرار می گیرد، دور از انتظار است که این نهایت و اتمام کار باشد. بعد از شروع تحقیق این طبیعی است که طرح تحقیق به عنوان نتایج پژوهش در بعضی مواقع به صورت معتبر مورد اصلاح قرار گیرد.

Guide to writing a research proposal By: University of technology sydney

DRY YOUR tears, my darling, for love that has opened our eyes and made us its servants will grant us the blessing of patience and forbearance. Dry your tears and be consoled, for we have made a covenant with love, and for that love shall we bear the torment of poverty and the bitterness of misfortune and the pain of separation. A formal proposal is required for admission to a research degree. It is one means by which university committees assess and approve your research candidature. The process of developing the proposal can be a valuable exercise, one which can help you determine your focus, clarify what is involved in your research project and plan its development. A developed proposal is an important way in which you can demonstrate your understanding of research and communicate your 'research thinking' to others. These guidelines are provided to help you draw out your ideas. They state the requirements of a sound proposal.

۱. Topic and problematic The research topic formulates a problem that is worthy of research. The topic should be stated clearly and succinctly in one or two sentences. be determined after consultation with potential supervisors. The topic is usually framed as a 'problem' or question in need of an answer. The topic statement will invite your reader to ask why it is significant and 'worth doing'. A good research proposal identifies in the research topic a 'problematic' to be investigated. Needless to say, your statement of this will result from discussion of your area of interest with potential supervisors, mentors and others. Framing the question is not always easy, and you need to ask yourself whether your proposed 'problem' or 'research question' is really the question to be asked and

answered. The framing of the problematic is crucial in setting up the research, though it is a common for researchers to revise and reformulate this as the research progresses. An important issue is how you theorise or conceptualise the topic—what needs to come through is your understanding of the problematic you are exploring.<sup>۲</sup> Background and context Your research topic needs to be located in its context and background. In sketching this background, you need to show how and why does the topic come to be important and why is it worth researching? This means: contextualising the research problem—how does it arise? outlining its significance—what will be the outcomes, and for whom? referring to key issues that are associated with the topic Background can be provided in several ways. Your theoretical interests or concerns may have generated the research, and its justification is to be found in a theoretical developments or related literature. Where professional practice is the focus, you may want to describe and analyse the context of policy or organisational changes. In any case, you should summarise the influences which come into play to shape your research. The analysis should lead you to interrogate your own assumptions about why the problem is significant. You need to ask what interests are driving the research, from whose point of view the problem is ‘significant’?<sup>۳</sup> Conceptual framework and related literature A conceptual framework elaborates the research problematic in relation to relevant literature. It should deal with such matters as: existing research and its relevance for your topic relevant theoretical perspective or perspectives key ideas or constructs in your approach possible lines of inquiry you might pursue Your proposal needs to show how the proposed research relates to a body of related studies, or literature. The orthodox way to do this is to write a brief version of the literature review on a traditional science model. This is not always possible, especially if there is little related past research. Another is to outline the kinds of theoretical sources that will inform your research—the available research perspectives. Though not all proposals need to include an elaborated conceptual framework, a well-developed proposal will do so. This can take up so-called ‘conceptual issues’ which express your understanding of the topic and the problems in researching it.<sup>۴</sup> Methodology and ethics Methodology put simply is the research methods you intend to develop or employ and their justification. It is more than a description of the techniques or procedures proposed, and should outline the key assumptions your approach makes. It may foreshadow some of the ‘methodological issues’ which you anticipate will arise in developing your research approach. How you describe your methodology will depend on

what kind of approach you are taking. The methodology section typically might refer to a accepted method or approach highlight problems in developing a suitable approach (methodological issues) describe how information will be generated, analysed and reported document ethical issues in view of UTS Ethics Committee requirements (see the guidelines on ethics included in this handbook) If you plan a quantitative study, you will refer to method, data collection and analysis. Qualitative methodology will need to describe issues in managing qualitative data. An action research methodology needs to be described in terms of planning a process and the outcomes of different phases of the process, and so on.

۵ Research plan and timeline An important part of the proposal is planning the research in all its stages up to completion. Your plan should specify what tasks you will complete at each stage – literature review, research framework, description of method, writing up of findings and conclusions and so on. These tasks should specify what writing tasks will be accomplished and when. It is helpful to diagram the research as a semester by semester timeline state semester writing objectives for each semester state other outcomes at a given stage, such as seminar or conference papers allow a semester for revising the thesis You do not have an indefinite amount of time to complete the degree. Plan to complete in the minimum time, and plan how you will achieve this. A suggested way to describe the timeline is shown on the attached planner.

۶ Writing Thesis preparation is a challenging writing task. It will be helpful for you to specify what writing outcomes there will be at each stage. The Faculty encourages students to understand their research in terms of scholarly writing, whether or not field research is involved. Early completion is more likely if the thesis develops through specific writing commitments including short papers which may be presented at seminars and conferences. UTS requires doctoral candidates complete a doctoral assessment seminar (see guidelines elsewhere in this handbook).

۷ Research Timeline The following illustrates how a research degree thesis might be planned over six semesters: A formal proposal is required for admission to a research degree. It is one means by which university committees assess and approve your research candidature. The process of developing the proposal can be a valuable exercise, one which can help you determine your focus, clarify what is involved in your research project and plan its development. A developed proposal is an important way in which you can demonstrate your understanding of research and communicate your ‘research thinking’ to others. These guidelines are provided to help you draw out your ideas. They state the requirements of a sound

proposal.semesters:a. Proposal. Paper on the thesis argument. Thesis outline.( Proposal developed)b. Short papers on rationale & conceptual framework, review of literature.( Reading of literature. Negotiate access to field)c. Draft methodology chapter. Trial write-up of selected material. Re-work conceptual chapter.( Field research: develop and pilot procedures. Database development)d. Short papers on field research. Write up research procedures.( Field research: finalise procedures and complete.)e. Draft analysis chapter. Prepare conference paper. Draft conclusions.( Analysis)f. Final chapter. Revise and refine thesis structure. Seminar or conference paper.( Revision of thesis)g. Final revisions. Journal article.( Submission and examination)Note:The research proposal which is submitted with an application is used primarily for making a decision about admission. It is not expected that this will be definitive or final. After commencing a research degree, it is normal for research proposals to be modified as a result of further study and investigation, sometimes in substantial ways

## جهاد اقتصادی مبتنی بر اصول

مهدی یاراحمدی خراسانی

مقدمه: هر چند اداره حکومت ابعاد مختلفی از اقتصاد، سیاست، هنر، اجتماع و روابط بین الملل را در بر می گیرد، اما تردیدی نیست جامعه ای که پای اقتصادش بلندگد، فقط از منظر اقتصادی عقب نخواهد بود بلکه در سایر حوزه های به هم پیوسته اش نیز به مقصد نخواهد رسید. از این رو در سال های اخیر، مقام معظم رهبری اسامی سال ها را با محوریت اقتصادی تعیین می کنند مانند اصلاح الگوی مصرف، همت و کار مضاعف و جهاد اقتصادی. «جهاد» به نهایت کوشش، سعی و تلاش در هر امری گفته می شود. «اقتصاد» نیز به معنای «میان روی» است. نام گذاری امسال به عنوان «جهاد اقتصادی» بی شک امری تشریفاتی نبوده و اهدافی از این موضع، مدنظر است. جهاد اقتصادی یعنی همه در کنار هم، اقتصاد مملکت را با تلاش، وجدان کاری، بهره وری، صرفه جویی، اصلاح الگوی مصرف، خودداری از هدر دادن پول، انرژی و... بسازیم. اول: جهاد اقتصادی و فقه شیعه اسلام به عنوان دین کامل بشریت به مسلمین توصیه می فرماید که در مسائل اقتصادی و مالی، طوری با جدیت کار و تلاش کنید که انگار تا ابد در این دنیا زنده اید و در مسائل معنوی، طوری عمل کنید، که انگار امروز آخرین روز زندگیتان است. فقه شیعه این انعطاف و زمان شناسی را دارد که بتواند به روز گردد و بدین سان جهاد به عنوان یکی از فروع دین به ابعاد فرانظامی تعمیم یابد؛ جهاد علمی، جهاد فرهنگی، جهاد سازندگی و... و امروز نیز جهاد اقتصادی به این گفتمان وارد شده است. در بین ابعاد مذکور اقتصاد در مقایسه ابعاد مختلف پیشرفت یک کشور با کشورهای دیگر از ویژگی عام تری برخوردار است. به بیان دیگر متأسفانه یا خوشبختانه حوزه اقتصاد و شاخص های مربوط به آن از برجستگی ویژه ای بهره مند است و نهادهای بین المللی نیز توسعه را در این بعد خلاصه می کنند. بنابراین برای اثبات کارآمدی نظام دینی در عرصه اقتصاد و اجتماع و سیاست، رسالت سنگینی بر دوش پیشکسوتان و دلسوزان انقلاب اسلامی است. جهاد اقتصادی که گفتمان عمومی امسال کشور است، یکی از عرصه های اثبات این کارآمدی است و از جمله مسائلی است که همه مردم (بدون استثنا) آن را لمس می کنند و هر کسی در حد فهم و تجربه خود درباره آن به قضاوت می نشیند، بنابراین آن سوی اثبات کارآمدی اقتصادی نظام اسلامی، رضایت عمومی خواهد بود. اما ابعاد جهاد اقتصادی چیست و

چگونه باید بدان ورود کرد؟ مفهوم جهاد اقتصادی یعنی همان اقتصاد مبتنی بر فرهنگ اسلام و این که تمامی برنامه های اقتصادی با اسلامی بودن سیاست های اقتصادی، سنخیت و همخوانی داشته باشد. پس پاسخ سؤال مذکور در سایه تحقیق و تفحص در متون اقتصاد اسلامی محقق خواهد شد. در اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد غربی هم اعتقاد به معاد و هم اعتقاد قلبی به عدالت اجتماعی وجود دارد. دوم: رابطه معنادار جهاد اقتصادی و جهاد علمی جهاد اقتصادی رفع محدودیت ها، فقر و نابرابری در کشور از طریق ایجاد یک رونق اقتصادی است که برای تحقق آن باید رفتار همه عوامل اقتصادی، جهاد گونه باشد زیرا دستیابی به جهاد اقتصادی مستلزم اعمال رفتارهای غیر خودخواهانه و ایثار توسط همه افراد جامعه می باشد. توسعه علمی بخشی از توسعه اقتصادی است که می تواند وجهه جهاد اقتصادی را تقویت کند. هر قدر مجاهدت بیشتری در پیشرفت اقتصادی خود از راه حلال و مبتنی بر علم و دانش برگرفته از اصول دینی انجام دهیم، سود آن به اجتماع و ملت می رسد. کشور هم که از لحاظ اقتصادی پیشرفت خیره کننده ای داشته باشد، طبعاً تبدیل به الگویی برای سایر کشورها می شود. در کنار این موارد، هر قدر در مسائل اقتصادی، بیشتر جلو برویم و اقتصاد کشور و تولید و صادرات خود را رشد دهیم، از بیگانگان، بیشتر مستقل می شویم. یکی از نتایج مجاهدت علمی در امر اقتصاد، اگر با روش های صحیح انجام شود، استقلال مملکت است؛ موضوعی که آرزوی همه ملت است. سوم عدالت شرط تحقق توسعه اقتصادی مطالعه ابعاد اقتصادی حکومت امام علی (ع) به این نکته برخورد می کنیم که در اندیشه ایشان عدالت شرط لازم و ضروری توسعه اقتصادی جامعه است. چنان که بدون عدالت هرگز با افزایش تولید در آمد، نمی توان رفاه همگانی را به ارمغان آورد، بلکه پس از مدتی، جامعه به بن بست خواهد رسید. عدالت اقتصادی به قدری اهمیت دارد که گاه حاکم اسلامی باید افزایش تولید جامعه را فدای برقراری عدالت و توزیع عادلانه در آمد موجود کند. توزیع نابرابر بیت المال موجب رفاه مادی قشری خاص و محرومیت سایر اقشار جامعه خواهد شد، ولی توزیع عادلانه آن موجب آسایش و رفاه نسبی تمام اقشار خواهد گردید. نابسامانی های منتج از سیاست های غلط تقسیم در آمد در گذشته، تنها با کنار نهادن شیوه گذشته سامان نمی یابد، بلکه باید در کنار آن، اموالی که بناحق از حساب عمومی برداشته شده و به جیب افرادی خاص ریخته شده، بازگردانده شود. ملاک مصادره ثروت های بادآورده انباشت آن از طریق غیرقانونی نیست؛ معیار اساسی، ناحق و غیرمشروع بودن آن است. از این رو در نگاه امام علی (ع)، اگر حاکمی همچون عثمان هم بناحق اموال مسلمانان را به دیگران ببخشد، در عین قانونی بودن، باید مصادره شود. ترس از مخالفت صاحبان ثروت و ملامت و سرزنش آنان نباید حکومت اسلامی را از مصادره اموال زیاده خواهان باز دارد، گرچه به جنگی مثل جنگ جمل بینجامد. همه مسلمانان جامعه اسلامی در بهره مندی از در آمد ملی حکومت برابرند و هیچ امتیازی برای مردم یک شهر نسبت به شهر دیگر وجود ندارد، حتی تدین و تعهد بالای افراد در حکومت اسلامی ابزاری برای کسب امتیاز مادی افزون تر به حساب نمی آید. از این رو امام (ع) می فرماید: "قسم به خدا اگر با آن اموال شان زنانی را کابین بسته و یا کنیزانی خریده باشند، آن را بازپس خواهم گرفت؛ زیرا عدالت مایه گشایش است و آن که عدالت برایش گران آید، تحمل ظلم برایش گران تر خواهد بود". چهارم: اصول تحقق جهاد اقتصادی اقتصاد با اقتصادی که با جهاد و تلاش الهی، شکوفا شود و تمام آحاد مردم در آن شرکت جویند، بی شک نقشه ی دشمنان را با شکست مواجه و کید آنان را به خودشان برمی گرداند. جهاد اقتصادی مبتنی بر اصولی است که مهم ترین آن عبارتند از: ۱- خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی: تلاش جهت ابداعات، بروز خلاقیت ها و نوآوری ها و کارآفرینی یکی از اصول مهم تحقق جهاد اقتصادی است که تعبیر علمی آن تولید ثروت از دانش است. بدون تردید باید در کنار عوامل داخلی و خارجی عقب ماندگی ایران در سال های گذشته، به مسئله ذخایر زیرزمینی و خصوصاً نفت اشاره کرد. طبق تحقیقات علمی، وجود منابع خدادادی یکی از عوامل مهم در افول نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی است. ملتی که از زیر زمین ارتزاق می کند مجبور نمی شود تا استعداد های خود را برای کشف مسیرهای تازه به کار گیرد. ۲- صرفه جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر: هدر ندادن منابع، پیشگیری از اسراف و تبذیر، درست مصرف کردن از اصولی است که می تواند به اندوخته ها و ذخایر ملی بیفزاید و توزیع منابع را تا حدودی عادلانه نماید. باید

اندیشه و لخرجی به یک ضد ارزش تبدیل شود و قناعت به عنوان یک شاخص اسلامی برجسته شود. اولین راه برای مشارکت مردم در تحقق جهاد اقتصادی صرفه جویی و پرهیز جدی از هدر دادن منابع است. ۳- تکیه بر تولیدات داخلی: در سال جهاد اقتصادی باید هدف نهایی رسیدن به تولید صادرات گرا و تبدیل شدن ایران به یک کشور صادراتی باشد. تولید دارای ابعاد گوناگون است. از یک طرف اشتغال را افزایش می‌دهد و از طرفی واردات را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن اثر روانی آن یعنی افزایش اعتماد به نفس ملی و غرور ملی ارتقا خواهد یافت و اثرات هویت بخش آن بر شخصیت تک تک مردم نیز مؤثر خواهد بود. استقلال اقتصادی از مسیر تولید می‌گذرد. بنابراین تولیدات استراتژیک باید در اولویت جهاد اقتصادی قرار گیرد و موانع تولید باید شناسایی و برطرف شود و اصل تولید نیز به مثابه ارزش معرفی شود. ۴- ایجاد سیستم مناسب اقتصادی در عرصه تولید و مصرف: صرفه جویی ممکن است در برخی از حوزه‌ها یا بعضی از خانواده‌ها به صورت شخصی و فردی انجام گیرد، اما کشور نیز نیازمند نهادمند شدن روش‌های درست مصرف کردن است. هدفمند کردن یارانه‌ها نمونه‌ای از این تمرین و آموزش عمومی است که اثرات آن در کمترین فرصت ملموس و قابل احصا است. بنابراین باید همه اهرم‌ها و مکانیسم‌هایی که می‌تواند از هدر رفتن منابع خدادادی و تولیدی کشور جلوگیری کند به کار افتد تا فرهنگ عمیق آن در نسل‌های آینده نهادینه شود. ۵- عدالت توزیعی: بخش‌های وسیعی از کشور همچنان از مشکلات روزمره زندگی رنج می‌برند و عدالت توزیعی را هنوز به صورت عینی درک نکرده‌اند. باید عدالت توزیعی و خدمت‌رسانی در سال جهاد اقتصادی از ضریب و اهتمام ویژه‌ای برخوردار شود تا عدالت‌ساری و جاری شود. ۶- فقرزدایی: فقر زدایی، پروسه‌ای است که نتیجه آن، ایمان زایی، اندیشه گسترده‌تری، رفاه عمومی، زدودن بسیاری از تخلفات و جرم‌ها و عداوت‌ها و ... است و البته این مهم نیز با شعار و بخشنامه و دستورالعمل‌های بی پشتوانه میسر نمی‌شود. ۷- وحدت و ثبات: تحقق اصول ذکر شده در بندهای قبلی نیازمند تمرکز اذهان و اراده‌ها و برنامه‌ها بر مسأله‌های اقتصادی کشور است. از این رو حفظ وحدت ملی، کوشش همگانی و حفظ آرامش جامعه از اصول بلاانکار جهاد اقتصادی است. امسال که به سمت انتخابات مجلس در زمستان می‌رویم باید مراقب بود که دعوای قدرت به جهاد اقتصادی سایه نیفکند و آن را تحت تأثیر قرار ندهد. نخبگان سیاسی و اجتماعی اگر داعیه ورود به قدرت یا اثبات حقانیت خود را دارند باید در مسیر جهاد اقتصادی تلاش کنند. محبوبیت، کارآمدی و ذهنیت مثبت اجتماعی نیز در این مسیر قابل تحقق است، بنابراین مباحث بیهوده می‌تواند جهاد اقتصادی را مختل کند و تقلیل دهد. ۸- تلاش هدفمند و مبتنی بر برنامه ریزی: باید جهت‌گیری برنامه‌ریزی دولت و نظام به سمت و سوی جهاد اقتصادی باشد و از اعمال و رفتارهای نمادین یا شتابزده به صورت جدی خودداری شود. بدون برنامه‌ریزی صحیح و عمیق، جهاد اقتصادی در حوزه رسانه‌ای باقی خواهد ماند. از این رو هر گونه تلاش و کوششی در این زمینه می‌بایست مبتنی بر فکر، اندیشه و علم باشد. سخن پایانی‌گر قرار است دهه آینده برای ما «دهه پیشرفت و عدالت» باشد، به عنوان پیش نیاز ضروری چاره‌ای جز بازنگری در اقتصاد کشور و بازسازی آن بر اساس معنویت و آموزه‌های دینی نیست؛ چرا که کشور عقب مانده یا مرفه، اما رنجور از فقر و فساد و تبعیض، هیچ گاه نمی‌تواند الگوی مقبولی برای جهان امروز ارائه نماید. در واقع در دنیای امروز مبارزه اصلی در سازندگی و پیشرفت کشورهاست و تلاش برای پیش افتادن کشور در این مسابقه نابرابر جهانی که نهایتاً به قدرت و تعیین کنندگی نظام در جامعه بین‌المللی می‌انجامد. از این رو رهبر انقلاب حرکت عادی در جبهه اقتصادی را کافی ندانسته و می‌فرماید: «در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.»

## جلوه‌های زیبایی عاشورا



اشاره: " ما رایت ال‌جمیلا؛ " حضرت زینب کبری(س) این جمله را در مجلس یزید در شام فرمود، زمانی که یزید بن معاویه در مجلسی عمومی، رو به حضرت نمود، و در حالتی که مست غرور بود گفت: خدا را شکر که شما را خوار نمود! بعد از حضرت زینب(س) سؤال کرد: کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه یافتی؟ یزید قصد داشت همه جنایات خویش را با نسبت دادن به خواست خدا صحیح جلوه داده و کارهای خود را بر اساس حق توجیه نماید! زینب کبری در جواب فرمود: " و ما رأیتُ الا جمیلاً...؛ هیچ چیز جز زیبایی ندیدم. اینان (امام حسین و یارانش) گروهی بودند که خداوند شهادت را برای آنان مقرر نمود و در قیامت خداوند بین تو و آنها قضاوت می‌نماید"... زیبایی در نگاهگاهی زیبایی در نگاه و دید انسان است، نه در دیدنی‌ها. آنکه به چشم «نظام احسن» به همه هستی می‌نگرد، از این نگاه، خیلی چیزها هم «زیبا» دیده می‌شود. بستگی دارد تا چه عینکی بر چشم زده باشیم و از کدام زاویه به هستی و حوادث بنگریم. «زیبا بینی» هستی و حیات، هم آرامش روح می‌بخشد، هم صلابت و پایداری و پایداری می‌آفریند و هم قدرت تحمل ناگواری‌ها را می‌افزاید. از این نگاه «عاشورا» همان گونه که زینب(س) فرمود، جز «زیبایی» نبود. انسان موحد چون می‌یابد که بر اساس مصلحت خداوند، این واقعه به وقوع پیوسته و حکمت خدا بر آن تعلق گرفته، در هر لحظه و هر کاری به رضای او راضی است و آن حادثه را که خداوند پسندیده است، زیبا می‌یابد؛ این اوج عرفان و عشق الهی است که: «من از درمان و درد و صل و هجران/ پسندم آنچه را جانان پسندد» جلوه‌های زیبایی آنچه زینب(س) در مقابل طعنه دشمن نسبت به این حادثه، می‌فرماید " ما رایت ال‌جمیلا - جز زیبا ندیدم " بیشتر آرزوی حسین(ع) بود که در طلیعه این سفر، آرزو کرده بود که آنچه پیش می‌آید و آنچه اراده خداست، «خیر» برای او و یارانش باشد، چه به صورت «فتح»، چه به شکل " شهادت؛ «ارجو ان یكون خیرا ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا» زیبا دیدن خواهر و خیر دیدن برادر، مکمل یکدیگرند. جلوه‌های زیبایی و نمادهای جمال در آینه کربلا بسیار است، که در این مجال به صورت مختصر بدان پرداخته می‌شود: جدایی حق و باطل: از مهم‌ترین جلوه‌های زیبایی عاشورا خط‌کشی میان انسان‌های دیومنش و فرشته‌خو بود. وقتی خوبی و بدی و حق و باطل با هم در آمیزد تیرگی باطل، حق را هم غبارآلود و ناپیدا می‌کند. در چنین ظلمت‌کده‌ای گمراهی اندیشه‌ها و انسانها طبیعی است و کفر نقابدار، مسلمانان ساده لوح و سطحی‌نگر را به شبهه می‌افکند! زیبایی کار حسین آن بود که مشعلی روشن کرد تا راه، روشن و تیرگی زدوده شود و چهره‌ها در آن هوای گرگ‌ومیش نمایان و بازشناسانده شود، تا دیگر فریب و نقاب بی‌اثر شود. مفهوم تازه‌ای از پیروزی: از دیگر زیبایی‌های عاشورا، مفهوم تازه‌ای از پیروزی بود. عاشورا نشان داد که در اوج مظلومیت هم می‌توان فاتح و پیروز بود. این همان «پیروزی خون بر شمشیر» است. عده‌ای به غلط، پیروزی را تنها در «غلبه نظامی» می‌پندارند و شکست را در مظلومیت و شهادت. با این دید، همه آن حوادث تلخ، چون پیامدی به سود اسلام و حق داشت، جمیل و شیرین بود. وقتی ابراهیم بن طلحه از امام زین العابدین پرسید: «چه کسی غالب شد؟» حضرت فرمود: آنگاه که وقت نماز فرا می‌رسد، اذان و اقامه بگو، خواهی فهمید که چه کسی پیروز شد! «هدایت در پرتو حماسه: نتیجه خون امام(ع) و پرداختن به خون امام، حماسه است. نتیجه نور امام(ع) و پرداختن به نور امام، هدایت است. در یک جامعه هم هدایت باید باشد و هم حماسه. یک جامعه بیشتر از آن که به حماسه نیاز داشته باشد به هدایت نیاز دارد. انسان بیشتر از آن که به حماسه نیاز داشته باشد به هدایت نیاز دارد. در ماجرای کربلا، نگاه می‌کنیم، زینب(س) به چه چیزی توجه داشت؟ اگر او می‌خواست به شهادت‌ها توجه داشته باشد تمام چیزهایی که می‌دید برایش درد بود نه زیبایی. ولی ایشان چون هدایت را می‌بیند از زیبایی می‌گوید. تجلی کمال انسان: این که انسان تا کجا می‌تواند اوج بگیرد، زلال شود، خدایی گردد، فانی در خدا شود، در «میدان عمل» روشن می‌شود. کربلا نشان داد که سقف تعالی انسان و آستانه رفعت روحی و تصعید وجودی و ظرفیت کمال جویی و کمال‌یابی او تا کجاست. پرونده آن حماسه نشان داد «که تا چه حد است مقام آدمیت». این نکته برای جویندگان ارزش‌ها بسیار زیبا و قابل توجه است. تجلی رضا به قضا: کربلا تجلی گاه رضای انسان به قضای خدا بود. امام حسین(ع) در واپسین لحظات حیات در قتلگاه چنین زمزمه می‌کرد: «الهی رضی بقضائک». همچنین

خواهر بزرگوار و صبور خویش را نیز به همین نکته توصیه کرده بود: «ارضی بقضاء الله» در مقامات و مراحل عرفانی و سلوک، رسیدن به مقام «رضا» بسی دشوار و بس ارجمند است. اگر حضرت زینب، حادثه کربلا را زیبا می بیند، به خاطر بروز این شاخصه متعالی در عملکرد ولی خدا سیدالشهداست و یاران و دودمانش. این مرحله از عرفان، یعنی خود را هیچ ندیدن و جز خدا هیچ ندیدن و در مقابل پسند خدا اصلاً پسندی نداشتن. حرکت در مسیر مشیت خدا: برای زینب(س)، که پرورده دامن وحی و تربیت شده مکتب امام علی(ع) است، نهضت امام معصوم در بستر مشیت الهی، اوج ارزش ها و زیبایی هاست. وی مجموعه این برنامه را از آغاز تا انجام، زیبا می بیند، چون تک تک صحنه ها را منطبق با آن «خواستہ ربوبی» می بیند. آیا با این تحلیل و نگاه، حادثه عاشورا زیبا نیست؟ عنصری که امام را به کربلا می کشاند، یاوران را به عاشورا می کشاند، خواست خداست، مشیت خداست. زیباترین جلوه این است که انسان، یک عمل و حادثه را در بستر «مشیة الله» و همسو با «خواست خدا» ببیند. اگر سالار شهیدان و یارانش به خون نشستند و اگر زینب و دودمان مصطفی به اسارت رفتند، این در لوح مشیت الهی رقم خورده بود و چه جمالی برتر از این که کارگروهی با جدول مشیت خدا هماهنگ گردد؟! مگر به حسین بن علی(ع) از غیب، خطاب نیامده بود که خواسته خدا آن است که تو را کشته ببیند؟ «ان الله شاء ان یراک قتیلًا» و مگر مشیت خدا آن نبود که عترت پیامبر در راه نجات دین و آزادی انسان، به اسارت بروند؟ «ان الله شاء ان یراهن سبایا» پس چه غم از آن شهادت و این اسارت؟ هر دو، هزینه ای بودند که برای بقای دین و افشای طاغوت، می بایست پرداخته می شدند، آن هم عاشقانه، صبورانه و قهرمانانه! فداکاری و ایثار: این صحنه، از درخشان ترین جلوه های زیبایی است. کسانی که در سر دوراهی رفتن و ماندن، «ماندن» را که نشان «وفا» و «ایثار» است بر می گزینند و «زندگی بدون حسین» را ذلت و مرگ می شمارند. آن خطبه امام، آن ابراز وفاداری یاران، آن سخنان و سؤال امام با قاسم، آن شب بیداری اصحاب تا سحرگاهان، آن زمزمه تلاوت قرآن و نیایش از خیمه ها، آن اعلام وفاداری یاران در حضور زینب کبری و امام حسین(ع)، هر کدام برگی زرین از این «کتاب جمال» است. چرا زینب، عاشورا را زیبا نبیند؟ مکتب آزادگی: آنچه در کربلا اتفاق افتاد، به یک «بنیاد» تبدیل شد، برای مبارزه با ستم در طول تاریخ و در همه جای زمین. آیا این زیبا نیست؟ لحظه لحظه های عاشورا، به صورت یک «مکتب» در آمد، که به انسان «آزادگی»، «وفا»، «فتوت»، «ایمان»، «شجاعت»، «شهادت طلبی»، «بصیرت» آموخت. آیا این زیبا نیست؟ سخن پایانی حضرت زینب(س) با استفاده از دو اصل «پیکار» و «تبلیغ»، رسالت عاشورای امام خویش را با همه ویژگی هایش به طرز صحیح به پایان می رساند و با قهرمانی خاص خود در بحران های فرساینده زندگی مسئولیت خویش را فراموش نمی کند و بسان یک «پیامبر تبلیغی» نقشه طرح ریزی شده مکتب انقلاب حسین(ع) را شکل می بخشد. حضرت امام سجاد(ع) خطاب به عمه ی بزرگوار خویش می فرماید: «أنتِ بحمدِ اللهِ عالِمَةٌ غیرَ مُعَلَّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غیرَ مُفَهَّمَةٍ» این جمله را اگر بفهمیم مقام حضرت زینب کبری(س) را فهمیده ایم. نواده بزرگ پیامبر، دختر سخنور و دانشمند علی، فرزند شجاع و پارسای زهرا، چهره نمونه بانوان تاریخ و الگوی شایسته همه زنان عالم. در واقع فاجعه آفرینان کوفه و شام، فکر می کردند با قتل عام اصحاب حق، خود را جاودانه می سازند. ولی در نگاه ژرف زینب(س)، آنان گور خویش را کردند و چهره نورانی اهل بیت روشن تر و نامشان جاودان و دین خدا زنده و کربلا یک دانشگاه شد. و این بود که در مقابل سخن نیشدار و زخم زبان یزید ملعون فرمود: ما رایت الا جمیلاً... جز زیبا چیزی ندیدم!

### مسائل اجتماعی و سیر تکاملی کارکرد مدیریت شهری

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: امروزه شهرها محیط مناسبی برای ارائه توانائی های بالقوه انسانی هستند. از ابتدای پیدایش شهرها، شهر با نقش های اداری، سیاسی و مذهبی شناخته می شد بنابراین اولین شهرها دارای نقش اداری سیاسی بوده اند. لیکن امروز، شهرها دارای کارکردهای

متنوعی بویژه کارکردهای اقتصادی، صنعتی،

خدماتی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌باشند. که بعد اجتماعی آن روز به روز پررنگ تر و اثر گذارتر می‌شود. مسایل اجتماعی در دنیای معاصر یک پدیده نوظهور است. به تبع تحولاتی که در جامعه رخ داده است کم‌کم بحث مسایل اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. اولین خواستگاه های مسایل اجتماعی در غرب و در قرن نوزدهم بوده است که انقلاب صنعتی و انقلاب های متعدد اجتماعی بی‌نظمی های متعددی را در جوامع غربی ایجاد کرده بود. از این رو نظریه پردازان مدیریت سازمان های محلی و شهرداری ها معتقدند برای اداره ی مناسب شهر می بایست مسائل و اثرات اجتماعی فعالیت ها شهرها به روشنی مشخص، ردیابی و مدیریت گردند. سیر تکاملی کارکرد مدیریت شهریان چه امروزه در اکثر کشورهای توسعه یافته مشاهده می شود نظام مدیریت واحد شهری است که از طریق اعمال آن کلیه ی فعالیت های سازمان های محلی بصورت سیستماتیک و وابسته به هم اداره می گردد. در واقع شهرداری ها و سازمان های اداره ی شهر سه دوره ی تکاملی را طی کرده اند: دوره ی اول زمانی بود که شهرداری ها به عنوان نهادهای صرفاً خدماتی شناخته می شدند. سپس شهرداری ها در دوره ی دوم حیات خود ماهیت عمرانی و فنی پیدا کردند و امروزه در کامل ترین حالت خود و در دوره ی سوم حیات خود ضمن حفظ ویژگی های قبلی کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نیز دارند. که در دوران سیر تکامل، فناوری های مختلف در مسیر توسعه ی نظام اداره شهر به کار گرفته شده است که نمونه ی بارز آن حرکت شهرداری ها به سمت الکترونیکی کردن ارائه خدمات می باشد. شناخت مسائل اجتماعی مسئله اجتماعی را جامعه شناسان، فاقد محتوایی دقیق می دانند. برخی می گویند دایره این اصطلاح می تواند وضع یا شرایط کلی اجتماعی را که سبب بروز دشواری خاصی می شود، ساختارهای اقتصادی نامطلوبی که به بروز نابرابری های بزرگ می انجامد و یا بی عدالتی های نهادینه شده و نارضایتی و نابسامانی عمومی را، در برگیرد. عده ای دیگر نیز معتقدند مسئله اجتماعی در شرایط و اوضاع خاصی به کار می رود که نیاز به بهسازی احساس شود. اگر اندکی در جنس مساله اجتماعی دقت کنیم، می بینیم که تعریف آن کار ساده ای نیست. به همین خاطر تعریفی مطلق، پایدار و فراگیر از آن را نمی توان ارائه داد. بنابراین هر نوع تلقی از مساله اجتماعی و همچنین تعریف آن بر اساس زمان، مکان و موقعیت با وضعیت های خاص، متغیر است. البته نباید اینگونه تصور کنیم که این تغییرپذیری و نسبیّت نافی قانونمندی های حاکم بر فرآیند پیدایش و تحول آن هاست. برای تعریف مساله اجتماعی نیاز به چند معیار داریم تا بتوانیم بر اساس آن ها به تعریف مساله بپردازیم. این معیارها عبارتند از: تفاوت میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی، منشاء اجتماعی داشتن، شرایط غیر مطلوب، قضاوت اکثریت مردم، تاثیر مستقیم و غیرمستقیم داشتن، شایع بودن و امکان تغییر و کنترل مساله اجتماعی. در تعریف مسایل اجتماعی دو نوع رویکرد قابل تشخیص است؛ ۱- رویکرد کلاسیک: که مسئله اجتماعی را امری عینی و بیرونی می داند. نابهنجاری ها و وقایعی که نظم و تعادل اجتماعی را برهم می زد و اکثریت افراد جامعه درگیر آن مشکل و مسئله بودند. ۲- رویکردهای نوین: رویکردهای نوین مسئله اجتماعی یک امر ذهنی است. یعنی هر چیزی را که بیشتر مردم یا بیشتر افراد جامعه مشکل یا اختلال بدانند. یک مسئله اجتماعی است. در عصر جدید مدیران عرصه ی شهری قبل از ورود به هر فعالیت یا به کارگیری هر گونه فناوری یا ارائه ی هر گونه خدمت اثرات اجتماعی آن را نیز می باید مد نظر قرار دهند. سکونت در "شهر" آثاری بر زندگی فردی و جمعی انسان ها می گذارد که از حدود دو قرن پیش تاکنون، موضوع تأمل اندیشمندان اجتماعی بوده است. چند وجهی بودن این اثرات و نیز فرایندها و جریانات موجود در درون اجتماعات شهری، متفکران بسیاری را از علوم مختلف به خود مشغول داشته است. مسایل اجتماعی همیشه محل بحث و مناقشه جدی گروه های مدیریتی بوده است. برخی وسعت اثرات مخرب یک پدیده را دلیلی بر مسأله بودن آن دانسته، عده ای فراگیر و گسترده گی یک موضوع به تمام سطوح جامعه و برخی اتفاق نظر ذهنی مردم بر موضوعی را حاکی از مسأله و مشکل اجتماعی بودن آن تلقی می کنند. این تنوع تعاریف و برداشت ها به ناچار در مهندسی اجتماعی، اولویت بندی مسائل برای حل معضلات اجتماعی را مطالبه می نماید. حل مسایل اجتماعی در حوزه شهری باید

به صورت زیر تعریف می‌گردد: ۱- مشکل: از مشکل به سمت تعریف مشکل پیش می‌رود و ابتدا به شناسایی مشکل و سپس به تعریف آن می‌پردازد. ۲- تجزیه و تحلیل: از تعریف مشکل به سمت تحلیل و توضیح مشکل پیش می‌رود. ۳- آزمایش: از تحلیل به سمت پردازش مسأله، تکوین الگو و آزمایش فرایند می‌رود. ۴- کمک: از پردازش الگو به سمت مداخله و ارزیابی و در نتیجه کمک به جامعه برای حل مشکلات پیش می‌رود. چارچوب‌های نظری مسایل اجتماعیبه نظر می‌رسد در رویکردهای نوین مسایه اجتماعی جنبه ذهنی بسیار حائز اهمیت است. چرا که تا مسئله‌ای به خودآگاهی انسان نیاید هر چقدر هم شایع باشد، تبدیل به مسئله اجتماعی نمی‌شود؟ همچنین الویت فعالیت‌ها با توجه به چارچوب‌های نظری و رویکردهایی که نسبت به مسایل اجتماعی وجود دارد اتخاذ می‌شود. برای مثال برخی از دولت‌ها ممکن است براساس رویکرد ایدئولوژیک یا دینی مسایل اجتماعی را تعریف کنند، در حالی که در جامعه ممکن است ذهنیتی نسبت به این مساله وجود نداشته باشد خصوصاً در جوامعی که دولت‌ها و حکومت‌ها نقش مهمی در ساختار اجتماعی دارند، این رویکردها از دید عده‌ای مهم است، چون دولت‌ها با صرف پول و هزینه، سعی در رفع آن دارند. در آن جامعه شما می‌بینید که پول صرف می‌شود، قانون رفع می‌شود ولی مساله حل نمی‌شود. به این خاطر که با رویکرد جامعه‌شناختی مساله تعیین نشده است. بلکه اولویت‌های یک گروه خاص مساله را تعیین کرده است. روش دیگر تعیین اولویت براساس رویکرد کلاسیک می‌باشد. در این حالت بدین صورت است که ما انبوه مشکلات اجتماعی را در غربالی می‌ریزیم و در نهایت دانه درشت‌ها و مسایلی که از این غربال رد نمی‌شود را به عنوان مساله اجتماعی تعیین کنیم. چون نمی‌توانیم به همه مسایل پردازیم، وقت، انرژی و توان لازم برای این کار وجود ندارد. ولی رویکردهای نوین به این روش اولویت‌بندی مسایل اجتماعی انتقاد می‌کنند و معتقدند که مسایلی که به این طریق انتخاب می‌شود از جمله مسایلی است که همه افراد در جامعه به نوعی به آن عادت کرده‌اند. جامعه‌شناسی شهری و مسایل اجتماعی جامعه‌شناسی؛ مطالعه علمی واقعیت‌های اجتماعی است که از سه جنبه ریخت‌شناسی ساختاری و فرهنگی و روانی مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. و شهر؛ تولیدکننده فرهنگ است. اگر از جنبه مادی و خارجی آنرا مورد نظر قرار دهیم، شهر بدواً انبوهی از افراد انسانی و فضایی را که در آن سکونت گزیده‌اند شامل می‌شود. در اینجا نظم جاری مربوط به مسائل زیر در خور توجه است و شهرداری‌ها؛ اصلی‌ترین نهاد فرهنگی اجتماعی کشور هستند و توجه همزمان به روح و کالبد شهرها و در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و ارزشهای دینی همگام با توسعه شهری، بارها مورد تاکید مسئولان ارشد نظام قرار گرفته است. جامعه‌شناسی شهری از جمله شاخه‌های معرفتی است که صرفاً و اختصاصاً "شهر" را به عنوان یک "محصول اجتماعی"، "کانون توجه و مطالعه خود قرار می‌دهد. امروز شهرسازان، معماران و مهندسان شهری بیش از پیش به میزان قابل توجهی از ره آورد جامعه‌شناسی شهری استفاده می‌کنند و مفهوم شهر سازی و شهرنشینی را منحصر به جنبه معماری آن نمی‌دانند. نباید از یاد بُرد که "فقر شهری" و نابسامانی‌های ناشی از کجروی و وقوع انواع جرائم در شهرها بود که نخستین دستمایه‌های مطالعات جامعه‌شناسی را فراهم ساخت. اما این علم به مرور، مسائل و موضوعات پیچیده‌تری را مورد تحلیل قرار داد که همگی بر محور زندگی شهری استوارند. مسائل و موضوعاتی چون جنبش‌های شهری، هویت شهروندی، وجود و گسترش مناطق جرم، مشارکت شهروندان و نهایتاً حکمرانی شهری از جمله مسائل متأخر در این علم‌اند. سخن پایانی تحولات و رشد علم و فن آوری با همه‌ی تغییرات مثبتی که بوجود آورده، به امنیت اجتماعی و حل مسایل شهرها کمکی نکرده است. گزارش سازمان‌های معتبر جهانی نشانگر رشد فزاینده، خشونت، تبهکاری، بزهکاری جوانان، حاشیه نشینی و توسعه فقر علیه ایمنی و امنیت شهرهاست. به اعتقاد اندیشمندان نیاز به امنیت در میان سایر نیازها از اهمیت بالاتری برخوردار است. هر پدیده اجتماعی از منظر رویکردها و نحله‌های مختلف در علوم اجتماعی، دارای ابعاد و سطوح مختلفی است که هر نظریه نیز در تلاش برای شناسایی و سنجش برخی از این ابعاد و سطوح مورد نظر است. مسئله اجتماعی همانند منشوری است که چشم ساده انگار می‌تواند با اولین مخروط از آن به انگاره تامیت رسیده و مخروط‌های دیگر این منشور را نادیده بیانگارد. در این بخش لازم است که به زوایا و ابعاد پیچیده تر این

بازیابی و بازگویی یک مسئله اجتماعی توجه شود. در رویکردهای نوین برای تشخیص مساله اجتماعی کافی است به این نکته توجه شود که بیشتر افراد یک جامعه چه چیزی را مشکل می‌دانند، نه این که چه چیزی به لحاظ عینی بیشتر مشکل است. وقتی مساله‌ای را که بیشتر آدم‌ها به عنوان مساله می‌شناسند، مساله اجتماعی شناختیم امکان کنترل و حل وجود دارد.

## امام مهربان؛ بهترین همسایه

مهدی یاراحمدی خراسانی

از هزار و اندی سال پیش که قلب نازنین امام ابوالحسن الرضا(ع) از تپش ایستاد و از آن لحظه که پیکر پاکش را به آغوش خاک تیره سپردند و شیعیان و دوستداران حضرتش گرداگرد قبر مطهرش بی‌قرار در مدار عشق او جاودانه می‌گردیدند تا به امروز، حضور مبارکشان در ایران و وجود مرقد مطهر و

بارگاه ملکوتی ایشان در ارض اقدس رضوی همواره مایه برکت و مباحثات مردم ایران زمین بوده و این نعمتی بس بزرگ برای ایرانیان است که کسی در این میان نتواند «از عهده شکرش به درآید». امام رضا(ع) روز یازدهم ذی‌قعدة سال ۱۴۸ق در مدینه متولد شدند. مادر بزرگوارشان «تکتم» نام داشت که بعد از تولد حضرت، از طرف امام کاظم(ع) طاهره نام گرفت. نام مادر حضرت را «نجمه» نیز گفته‌اند. نقش انگشتی آن حضرت «ماشاء... ولا قوه الا با...» بوده است. نام حضرت علی، کنیه ایشان ابوالحسن الثانی و لقبشان رضاست. امامت ایشان در سال ۱۸۳ در سن ۳۵ سالگی آغاز شد و ۱۹ یا ۲۰ سال به طول انجامید. اخلاق و سیره رضوی حضرت چند ویژگی خیلی مهم دارند؛ یکی اینکه راضی و رضا هستند یعنی زود می‌گذرند و از این رو امام رأفت هستند. دیگر اینکه عالم آل محمد(ص) هستند. ایشان همچون نیاکان بزرگوارشان، از مقام علمی بسیار والایی برخوردار بودند، تا آنجا که ایشان را عالم آل محمد(ع) لقب داده‌اند. بیست و چند سال بیشتر نداشتند که در مسجد رسول... (ص) به فتوی می‌نشستند. علمشان بی‌کران و رفتارشان پیامبرگونه و حلم و رأفت و احسانشان شامل خاص و عام بود. دورانی که امام رضا(ع) در آن زندگی می‌کردند عصر شکوفایی علم و سرازیر شدن علوم مختلف ملت‌ها و تداخل فرهنگی مردمان آن روزگار بود. در این زمان پیشرفت علوم باعث پیدایش افکار و عقاید انحرافی و مشرب‌های فکری گوناگون کلامی و فلسفی شده بود که همین امر چالشی جدی در برابر عقاید و آموزه‌های ناب اسلامی و شیعی به‌شمار می‌رفت. امام رضا(ع) با درک این خطرات و تهدیدها از فرصت پیش آمده نهایت بهره‌برداری را کردند و به روشنگری‌های فراوان در زمینه تبیین عقاید اسلامی و نمایاندن راه مستقیم الهی دست زدند. در کتاب «اهل بیت عرشیان فرش نشین» در مورد ایشان آمده است؛ «امام رضا(ع) کسی را با عمل و سخن خود نمی‌آزرد، تا حرف مخاطب تمام نمی‌شد سخنش را قطع نمی‌کرد. هیچ نیازمندی را مأیوس باز نمی‌گرداند. در حضور میهمان به پشتی تکیه نمی‌داد و پای خود را دراز نمی‌کرد. هرگز به غلامان و خدمه دشنام نمی‌داد و با آنان می‌نشست و غذا می‌خورد. شب‌ها کم می‌خوابید و قرآن بسیار می‌خواند. اکثر شب‌هایش را از سر شب تا صبح بیدار بود. شب‌های تاریک در مدینه می‌گشت و مستمندان را کمک می‌کرد. در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس زندگی می‌کرد. نظافت را در هر حال رعایت می‌فرمود و عطر و بخور بسیار به کار می‌برد. جامه ارزان و خشن می‌پوشید، ولی در مجالس و برای ملاقات‌ها و پذیرایی‌ها لباس فاخر در بر می‌کرد. غذا را اندک می‌خورد و سفره‌اش رنگین نبود. در هر فرصت مقتضی، مردم را به وظایفشان آگاه می‌کرد.» کانون مهر و عاطفه‌امام رضا(ع) کانون مهر و عاطفه به مردم و مظهر عشق و محبت به آنان بود. از این رو، در زیارتنامه آن حضرت یکی از ویژگی‌هایش رأفت و مهربانی یاد شده است و چنین می‌خوانیم؛ «السلام علی الامام الرؤف»، سلام و درود بر امام و پیشوای با رأفت و مهربان (مفاتیح الجنان). به‌راستی باید گفت این لقبی است که از سوی پروردگار به آن بزرگوار عنایت شده است. مهربانی، محبت و رأفت آن بزرگوار بر کسی پوشیده نیست. به گونه‌ای که اگر بخواهیم در این باره مطالبی بنگاریم، از بحث در این نوشتار خارج می‌شویم. امام رضا(ع)

یاور درماندگان و پناه بی پناهان بود؛ چه بسا یتیمانی که گرمی دست او را بر سر و صورت خود احساس کرده‌اند و چه بسیار مستضعفان و گرفتارانی که در سایه یاری رساندن‌های او به خیری دست یافتند. آری، او پناه غم‌دیدگان و فریادرس دردمندان بود. حق همسایگی‌همسایگی و مجاورت ایرانیان با امام مهربانی‌ها و عالم آل محمد حضرت (ع) توفیق و نعمتی است که بی‌شک خداوند متعال از چگونگی بهره‌مندی ما از این فرصت در روز قیامت سؤال می‌کند. مگر نه این است که براساس آموزه‌های دینی ما همسایه بر همسایه حقی دارد که باید نسبت به ادای آن اهتمام ورزد؟ پس اکنون که با ایرانیان در همراهی با بهترین همسایه توفیق داشته‌اند باید فرهنگ رضوی را در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود جاری سازند و خود را در محضر امام ببینند و رفتار و گفتار و کردار خویش را با آموزه‌های رضوی همسو و هماهنگ کنند و بر خود ببالند که امروز سایه امام هشتم (ع) بر سرزمین ایران و بر دل ایرانیان مستدام است.

سزد که بر سر خورشید سایه اندازیم‌کنون که سایه شمس‌الشموس بر سر ماست

<http://shahrara.com/1390,11,3.html>

## نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تفکرات امام خمینی (ره) به دنیا شکل تازه ای بخشید و حرکت نوینی را در جهان پدیدار کرد که اتحاد مسلمانان مهم ترین ثمره آن بود. در برخی از دوره ها تغییراتی در جهان رخ داده است، اما در جهان اسلام به ویژه در خاورمیانه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک جهت مشخص شد. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تحولاتی که امروز در خاورمیانه رخ می دهد، غیرقابل انکار است. از یک طرف به عنوان آلترناتیوی در برابر امپریالیسم جهان ظهور کرد و از طرف دیگر به مسلمانان با یک تفکر نوین، انگیزه بخشید. بعد از این، جهان اسلام از راه و روش هایی که انقلاب اسلامی ایران نشان می دهد حداکثر بهره را خواهد برد چون در این دوران جهان اسلام بیش از هر زمان دیگر به انقلاب اسلامی ایران نیاز دارد. تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و جهان عرب به حدی است که سیاستمداران و جامعه شناسان غرب به آن اعتراف می کنند. این تأثیرات تنها به داخل مرزهای ایران محدود نشد، بلکه به کشورهای همسایه هم سرایت کرد. انقلاب اسلامی ایران؛ نقطه عطف جنبش های اسلام‌بیداری اسلامی مقوله ای است که همزمان با تهاجم همه جانبه غرب علیه جهان اسلام و عصر استعمار، شروع شد و از آغاز تا عصر امام خمینی (ره) مراحل گوناگونی را پیمود. این حرکت که مشخصاً با اندیشه های افرادی چون سید جمال الدین اسدآبادی شروع شده بود، همواره در میان حلقه های محدود و معین بروز یافت و هیچ گاه نتوانست به مثابه یک گفتمان مسلط عمل کند، با این حال وقوع انقلاب اسلامی را میتوان نقطه عطفی در حرکت جنبشهای اسلامی معاصر محسوب کرد. چرا که انقلاب اسلامی با تکیه بر اصول و ارزش های اسلامی، با رهبری امام خمینی (ره) توانست به شکل نهضت اسلامی و انقلابی در میان سایر دولت های اسلامی مطرح و به این شکل الگویی الهامبخش برای مسلمانان در سطح جهان شود. با این وجود بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران، معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است. ایران؛ قرارگاه مسلماناناقبال لاهوری در کتاب فلسفه خود پیش بینی می کند که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد. همین طور هم شد و پس از انقلاب اسلامی، ایران به صورت ام‌القرای اسلام در آمد. زیرا انقلاب اسلامی ایران، در پیدایش، کیفیت مبارزه و انگیزه از سایر انقلاب ها جداست. به عبارت دیگر، این انقلاب بر آمده از مذهب، به احیای دین و تجدید حیات اسلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، تولد و تداوم بخشی به حیات جنبش های سیاسی اسلامی معاصر در دو دهه اخیر است. که سرآمد این نهضت ها، انقلاب در تونس، مصر، بحرین،

لیبی و یمن بود که همه را در منطقه و دنیا غافلگیر کرد؛ عده‌ای از اصل رخداد چنین حادثه‌ای با این قدرت و سرعت متعجب شدند، ولی برخی تنها از سرعت وقوع و گسترش آن متحیر شدند، ولی منتظر وقوع آن بودند. جمهوری اسلامی در جهت دادن به بیداری و احیای تفکر اسلامی نقش هدایت کننده را ایفا نموده و ضمن مقابله با حرکت های انحرافی در جهت وحدت اسلامی و حمایت از نهضت های اصیل اسلامی گام های مؤثری برداشته است. واکاوی پدیده بیداری اسلامی بیداری اسلامی بعنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده است می رود تا به قدرت بلامنازع نقش آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. نهضت های اسلامی و جریانهای فعال متأثر از متن مردم جوامع اسلامی، شعائر و شعارهای انقلابی ایران مانند جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته اند. پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد و مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی های خود آگاه کرد و طلسم شکست ناپذیر بودن غول استبداد و استعمار و امپریالیسم را ابطال نمود و این مساله خود جسارت و اعتماد به نفس را به ملت های مسلمان بازگرداند. امروزه امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان بوده و ارزشهای اسلامی نیز در حال احیا می باشند. موج بیداری اسلامی باعث شکست سیاستهای استعماری شده است و دشمنان سعی دارند تا با این موج عظیم که در سراسر دنیا فراگیر شده مقابله کنند. زمینه های تأثیرپذیری جنبش های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است که موجب تغییر و دگرگونی معادلات سیاسی و موازنه قوا در مقیاس جهانی به سود ملت های اسلامی شده و اکنون با گذشت سه دهه از عمر پر برکت آن، راهبرد تفکر اسلامی به مثابه الگویی نجات بخش برای تمام ملت های اسلامی و بشریت محسوب می شود. بدون تردید موارد مشترک فراوانی بین انقلاب اسلامی ایران و آرمان های جهان اسلام وجود دارد که اهم آنها عبارتند از: ۱- ایده واحد: انقلاب اسلامی ایران، بر پایه وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) بنا شده است، سایر جنبشهای اسلامی نیز در این خصوصیت با انقلاب اسلامی ایران نقطه اشتراک دارند. ۲- دشمن یکسان: انقلاب ایران و جنبش های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است، کیان اسلام را تهدید می کنند در حالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی» علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است. ۳- آرمان مشترک: انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز در آوردن پرچم لاله‌الاله در سراسر جهان از طریق نفی قدرت ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده های مردمند. ۴- وحدت گرایی: تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است؛ چون، انقلاب اسلامی با الگوپذیری از اسلام ناب محمدی (ص) هیچ تفاوتی بین مسلمانان نگذاشته بلکه در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است. ۵- مردم مداری: مردم گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت های مسلمان بوده است. رهبری انقلاب ۱۳۵۷، بر این باور بود که باید به ملت ها بها داد نه به دولت ها. سخن پایانبیدون تردید انقلاب اسلامی تحت رهبری حضرت امام خمینی (ره) با برشمردن نقاط اشتراک مسلمانان سراسر جهان و با زنده کردن روح بیداری و خیزش اسلامی توانست اعتماد به نفس را در بین توده های مسلمانان بازگرداند و می رود تا بیدار نمودن مسلمانان از خواب غفلت، آنها را از زیر یوغ استعمار و استبداد خارج نماید. همچنین آنان در سرتاسر جهان با تاسی از آرمان های والای انقلاب اسلامی و با تکیه بر قرآن و شعائر اسلامی، سرنوشت خود را از دست حاکمان وابسته به امریکای سلطه گر جدا کرده و زیر پرچم انقلاب اسلامی در مسیر استقلال و آزادی گام برمی

دارند. امام خمینی (ره) همواره بر این نکته اساسی تأکید داشتند که معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری‌هایی که دارند نجات بدهند. امید می‌رود به برکت انقلاب اسلامی و گسترش روح بیداری و خیزش اسلامی در سراسر جهان اسلام و حتی سایر ملت‌های آزادیخواه، بارقه‌های استکبار ستیزی و ضد استعماری بیش از پیش نمود یابد و سردمداران نظام‌های سلطه ضمن گردن نهادن به خواسته‌های به حق مستضعفان و مسلمانان جهان به خاک مذلت کشیده شوند و ندای الله اکبر در سراسر گیتی طنین انداز شود.

## معضلی به نام تنبلی اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: اسلام به کار و تلاش ارزش بسیار والایی داده است، به گونه‌ای که کار کردن را از بزرگ‌ترین عبادت‌ها و وسیله‌ای برای تقرب به پروردگار شمرده است. قرآن کریم کارکردن را با ارزش می‌داند و می‌فرماید: «نیست برای انسان، مگر بازتاب عمل و واکنش کارش». (نجم: ۴۰) از سوی دیگر

بی‌کاری و تن‌آسایی صفاتی هستند که در ادبیات دینی، با نفرت و نکوهش از آنها یاد شده است. در اسلام کار به عنوان یک دستور دینی واجب است. در روایتی از پیامبر اعظم (ص) آمده است: «تلاش در جهت کسب روزی حلال، بر هر زن و مرد مسلمان واجب است»

تنبلی اجتماعیدر بین مسائل اجتماعی و مشخصه‌هایی که کم و بیش، از آنها با عنوان آسیب‌های فرهنگی و یا اجتماعی یاد میشود، خصوصیتی اخلاقی را مشاهده می‌کنیم که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، بسیاری از ویژگی‌های نامطلوب ما بر روی آن سوار شده است و در فرهنگ و خصلت جمعی ما ریشه دارد. این خصوصیت اخلاقی، تنبلی اجتماعی است که بسیاری از عادات فرهنگی و صفات اجتماعی ما از آن مایه می‌گیرند و تغذیه می‌کنند. آنچه روشن است «تنبلی اجتماعی» یکی از مهمترین ویژگی‌های رفتاری ناپسند ایرانیان است. این مساله بویژه در عدم تمایل به درس خواندن در مدارس و دانشگاه‌ها، و در کار اداری کارمندان، و در میزان بالایی تماشای تلویزیون در ایران به جای کتابخوانی، در تمایل زیاد به استخدام در دستگاه دولتی و عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت و کارآفرینی، در وجود تعطیلی‌های فراوان سالانه، در پدیده‌ای به نام بین‌التعطیلین، و در موارد فراوان دیگر موجود است. همین شیوع و گستردگی آسیب‌های اجتماعی «تنبلی اجتماعی» نشان از اهمیت ریشه‌یابی و تبیین دقیق این خصلت فرهنگی ایرانیان است.

تنبلی و انواع آن در جامعه‌تنبلی تمدید یا اطاله وضعیت فعلی و عدم تمایل به تغییر رفتار یا وضعیت که نوعی رخوت و رکود است. تنبلی دو حالت دارد: تنبلی فردی و تنبلی اجتماعی. تنبلی فردی حالتی است که فرد میان دو انتخاب مخیر میشود، یکی لذت آنی و دیگری نفعی شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت. انتخاب کردن و نیز علم به زیان‌آور بودن انتخاب لذت فعلی و سودمند بودن نفع آینده، ابعاد مهم تنبلی هستند. انتخاب در اینجا به معنای آن است که یک کنشگر عاقل، به‌صورت نسبی از مزایا و معایب هر دو گزینه آگاه است، یعنی میداند که الان چه میکند و میداند که انتخاب لذت آنی در زمان حال، چه زبانی برای فرد در آینده دارد، و با علم به این دو گزینه، «انتخاب» میکند. نوع دیگر تنبلی، تنبلی اجتماعی است. تنبلی اجتماعی گاه محصول تنبلی افراد جامعه و برآیند تنبلی آنها است. یعنی وقتی جمع کثیری از افراد، بی‌عمل و لذتطلب هستند، در سطح جامعه نیز این فرآیند مشاهده میشود. این نوع از تنبلی پیامدهای متعدد دارد. پایین بودن بهره‌وری اداری، عدم اقبال به‌کار طولانی‌مدت و سخت و بین‌التعطیلین، از این نمونه است. اما بعد دیگر تنبلی اجتماعی، حالتی است که افراد سطح فردی رفتاری نسبتاً مطلوب دارند، اما این رفتار در سطح جمعی به نتیجه مطلوب منتج نمیشود که دلیل آنهم ناهماهنگی در سطح نهادهای اجتماعی است.



نگاهی به عوامل ایجاد تنبلی اجتماعی برخی از کارشناسان معتقدند بسیاری از رفتارهای نامناسب اجتماعی ما بر جریان تنبلی اجتماعی حرکت می‌کند. یکی از حوزه‌های جدی این رفتار، حوزه روابط کار است. موضوع کار به عنوان منبع امرار معاش و کسب درآمد و رفاه از یک سو و از طرف دیگر پرورش روحیه خودباوری، امید به آینده و اعتماد به نفس از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین نیازمندی‌های انسان را تشکیل می‌دهد. با این حال این غذای روح و تعالی بخش وجدان انسانی، برخی مواقع به سوهان روحی بدل می‌شود که عامل را از عمل بیزار می‌کند. این بیزاری و بی میلی نسبت به کار و تصوراتی که در اطراف آن پدیدار می‌شود، موجب تنبلی اجتماعی در حیطه روابط کار است. اما علت این گریز از کار چیست؟ بدون شک نیازها و توقعات درونی انسان بر محیط اطراف او تأثیر گذارند. کنش‌های درونی، انسان را به سوی خواسته‌هایش هدایت می‌کند. کار یکی از عرصه‌های بروز این کنش‌های درونی است. افراد موفق کسانی هستند که کار و شغل خود را از روی رغبت بر می‌گزینند و این اصل در کنار ویژگی مهم تلاش و پشتکار، که ریشه‌ای انکارناشدنی در علاقه دارد، می‌تواند دروازه‌های موفقیت را به روی فرد باز کند. کسب ثروت بدون تلاش و کوشش رویایی است که در برخی جوامع به دلایل متنوع گسترش یافته است. این دلایل بیشتر حول چند محور گردش می‌کنند. منابع ملی، غارت دیگران و طرح‌های استعماری و نهایتاً بیماری‌های اقتصادی از جمله مهمترین دلایل به وجود آمدن تنبلی اجتماعی هستند. گاهی شخص به کار مورد نظر خود دست پیدا می‌کند اما عوامل بیرونی منجر به بروز افسردگی و دلزدگی شخص نسبت به کار و تنبلی در آن می‌شوند. تصورش را بکنید که با شور و شوق، هر روز به سرکاری می‌روید که به آن علاقه دارید و امیدوارید آینده جذابی را برای‌تان رقم زند، اما بعد از گذشت مدتی شاهد درجا زدن خودتان هستید، مدیر به ابتکار و خلاقیت و تلاش شما بهایی نمی‌دهد و شما در برابر بوروکراسی خشک و نامتعارف اطراف‌تان، اندک اندک به حاشیه رانده می‌شوید و یکنواختی به سراغ شما می‌آید، امری که دروازه دلزدگی و عدم رغبت به شغل و تنبلی است. یکی دیگر از این عوامل بیرونی که در منظر برخی کارشناسان حتی باعث بروز ضعف‌ها و بیماری‌های روانی نظیر افسردگی در میان طیف شاغلین محسوب می‌شود، تحمل یک فرودست به عنوان فرادست در محیط کار است. این امر به وضوح حتی در همان ابتدای کار برای شما نوعی سرخوردگی ایجاد خواهد کرد که در نهایت به شدت از راندمان کاری شما خواهد کاست و تنبلی شما در پرداختن به شغل مورد نظر را رقم خواهد زد. برخی آفت تکرار را از عوامل بروز تنبلی در کار می‌دانند. به این معنی که فرد شاغل مدت‌های متمادی در محیطی مشغول به کار باشد تکرار وظایف او را مبدل به ماشینی خواهد کرد که تنها به صورت روتین اقدام به اجرای دستورالعمل‌های خاصی می‌کند

راه چاره در چیست؟ ایران بعد از کشورهای عربی و آفریقایی رتبه سوم تنبلی در جهان را دارد. بنابراین تنبلی اجتماعی نه تنها یک نارسایی بسیار مهم اجتماعی است بلکه یک معضل مدیریتی نیز در ایران قلمداد می‌شود که سال‌های طولانی ست کارشناسان و متخصصان و استادان مدیریت نتوانسته‌اند برای آن راه حلی پیدا کنند. با این وجود بیش از همه اصلاح مدیریت به عنوان ابزاری مناسب برای ارتقاء کیفیت کار در جامعه به چشم می‌آید. مدیریت مناسب قادر است توانایی‌های کارمند و کارگر را تشخیص دهد و همچون یک مربی فوتبال او را در پستی به کار گیرد که بیشترین کمک را به هم تیمی‌هایش برساند. مدیریت مطلوب قادر است افراد کاردان و لایق را به عنوان مسئول کسانی که از مهارت کمتری برخوردارند قرار دهد، چنین شرایطی اطاعت از مافوق را برای شاغل ممکن تر و قابل تحمل تر خواهد کرد. این مدیریت صحیح است که می‌تواند تشویق و تنبیه را در موارد لازم به کار گیرد و با ارتقاء و یا پاداش کارمند و کارگر را نسبت به نوع رفتار مناسب دلگرم و از خطرات ناشی از کاهلی بیم دهد. این مدیریت مناسب در سطح کلان با تصویب و البته اجرای قوانین مناسب می‌تواند شاخص‌های دستمزد را به واقعی بودن نزدیک کند و با کنترل زیاده‌خواهی‌های اقتصادی برخی که به نوعی عامل ایجاد بیماری در اقتصاد و روان جامعه هستند، مسیر حرکت برای کسب ثروت را در منظر جامعه، تلاش و کوشش صادقانه در کار و شغل مناسب ترسیم کند.

سخن پایانیدر ادبیات اسلامی، بخشی از عزت نفس، در گرو کار و تلاش و پرهیز از تنبلی است. کار کردن، موجب می شود انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست تکدی و نیاز به سوی این و آن دراز نکند. انسان باید بکوشد با کار و حرفه ای مخارج زندگی خود و خانواده اش را تأمین کند و اسیر محبت و منت دیگران نشود. شاید به همین سبب است که امام علی (ع) در وصیتی به فرزندش امام حسن (ع) فرموده است: اگر می خواهی آزاد باشی و حریت داشته باشی، مانند بندگان و غلامان زحمت بکش و کار کن. امید و آرزوی خود را از مال جمیع انسان ها قطع کن، هرگز چشم طمع به مال و ثروت و اندوخته دیگران نداشته باش.

## انتخابات، کشتی نجات نظام اسلامی و جذب حداکثری

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: رهبر معظم انقلاب (در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۶ اسفند ۸۸) فرمودند: "کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که ... یک نقطه‌ی قوت را برای نظام، می خواهند به یک نقطه‌ی ضعف تبدیل کنند، این ها در واقع دارند خودشان را از یک کشتی نجات - که نظام اسلامی است - بیرون می اندازند. و الا هیچ کس نمی خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد. نظام اسلامی به همه می گوید: «بیاید با ما باشید و وارد این کشتی نجات شوید. ولا تکن مع الکافرین؛ هود، ۴۲» هدف و مبنا این است. "رأی ملت؛ میزان استامروزه بسیاری از کشورهای جهان، ادعای مردم سالاری دارند، ولی به جرأت می توان گفت نظام جمهوری اسلامی، زیباترین شکل از مردم سالاری را در قالب دین و شریعت ایجاد کرده است؛ به صورتی که در این نظام، هم حضور مردم در امر اداره جامعه، بسیار جدی و پررنگ است و هم اصول و ارزش های دین به خوبی اجرا و رعایت می شود. انتخابات و فرآیند برگزاری آن علاوه بر مفاهیم مختلفی که در عرصه ی بین المللی به عنوان نمادی از دموکراسی و مشارکت مردمی در تصمیم گیری ها دارد در ادبیات انقلاب اسلامی معنای دیگری را نیز به دنبال دارد. و آن تجلی وحدت آحاد جامعه در مشارکت حداکثری است. وقتی در نظام فکری جمهوری اسلامی "میزان رأی ملت است" گروه های مختلف سیاسی اجتماعی کشور بدین وسیله خود را در بوته ی آزمون قرار می دهند تا عیار فعالیت های سیاسی خود را در چارچوب برگزاری انتخابات سالم و آزاد بسنجند. رویه مهر و رویه قهر بر مبنای مبانی فقهی و اسلامی مدیریت باید مظهر دو نوع از صفات باشد؛ رویه مهر و رویه قهر. این دو صفت لازم است در مدیریت به صورت همزمان وجود داشته باشد. مدیر باید با جاذبه و ارزیابی، انسان های محروم و مشتاق و لایق را به سوی خود جذب کند و آنان را دلگرم و ثابت قدم نگه دارد و با قهر و خشم، ناهلان را از خود دور سازد و دست ناهلان را از دراز شدن به سوی حریم های محترم مال و جان مردم کوتاه کند. محبت و مشکل گشایی، عدالت محوری، زهد و پاکی، تلاش و جسارت و قدرشناسی، از جمله صفاتی هستند که با تحقق آن ها مدیریت، جمالی زینده می یابد و این ها موجب توفیق و کام یابی مدیر می گردد و صفاتی همچون: پای بندی به قانون، برخورد با متخلف و جدیت و دقت در حسابرسی و نظارت؛ هیبت، وقار و شکوه لازم را برای مدیر اسلامی می آفریند و بر حول مدیریت او، دیواره آتشی ایجاد می کند که حوزه مدیریت او را از دستبرد و سوءاستفاده بدخواهان و ناهلان محفوظ نگه می دارد و موانع را از سر راه مدیریت برطرف می سازد. برطبق آموزه های مدیریت اسلامی ولی فقیه کسی است که در دایره دستورات و احکام اسلامی امور جامعه ی اسلامی را مدیریت می نماید. و مسلماً هر سخن و هر کلامی که می گوید منشأ و ریشه ی آن در قرآن و سنت است (باید باشد). از این رو نگاه مرحمت آمیز و همراه با صبر و گذشت رهبری معظم نظام اسلامی به افرادی که به دلایلی از قبیل؛ عدم بصیرت، هیجان زدگی در مواجهه با تبلیغات رسانه های بیگانه، فریب خوردگی و ... اشتباهاتی را مرتکب شده اند ریشه در رأفت اسلامی دارد. کما این که اوج این رفتار مرحمت آمیز اسلامی را پیامبر اعظم (ص) پس از فتح مکه از خود نشان دادند. اما مسلماً این رفتار تا جایی ادامه دارد که افراد خود را از دایره رحمت و گذشت خارج نسازند. "ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان، خودشان را از

نظام خارج می‌کنند؛ و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می‌دهند که از دست داده‌اند." مفهوم جذب حداکثری "جذب حداکثری" یک فرهنگ است. فرهنگی برگرفته از مبانی فکری دین رافت و پیامبر رحمت آن. فرهنگی که به دنبال مدیریت هیجانات اجتماعی و اصلاح رفتار است. تا بوسیله ی روح معنوی اسلام افراد بیشتری را در کشتی نجات نظام اسلامی نشانند و از گمراهی نجات دهد. همچون کشتی نوح؛ که پیامبر شریف الهی تا آخرین لحظات ممکن افراد را بر سوار شدن بر آن تا دستیابی به فلاح و نجات توصیه می نمودند. امروز جذب حداکثری همان فرهنگ را مطالبه می کند. بر اساس همین تفکر سیاست نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب این بوده که معاند را به منتقد و منتقد را به موافق تبدیل کند. سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی که بارها رهبر فرزانه انقلاب خاطر نشان کردند، اهمیت و ضرورت این مقوله را نشان می دهد. برای دستیابی به معنای واقعی جذب حداکثری باید صبور بود. نمی توان جواب هر گونه بدی یا مخالفت را بلافاصله و با شدت بیشتر پاسخ داد و خود را معتقد به راهبرد جذب حداکثری دانست. جذب حداکثری و یک استثنا باید توجه داشته باشیم اصل کلی جذب حداکثری - که حاصل رافت اسلامی است - با یک تبصره کامل می شود. تبصره ای که در آن افرادی را که عالمانه و عامدانه در مسیر دشمن حرکت می کنند و در نهایت گستاخی مهر نظام اسلامی را با عداوت پاسخ می دهند استثنا می نماید. بی شک این نظام متعلق به تمام کسانی است که در این مملکت و خارج از آن به اصالت تمدن و دین این دیار وابستگی دارند. بطور کلی سیاست نظام این است که تمامی گروه ها و جریانات سیاسی در چرخش قدرت مشارکت داشته باشند و سند این مدعا دست به دست شدن قدرت در میان گروههای مختلف سیاسی درون نظام است. اما امروز شرایط خاصی در کشور وجود دارد که می بایست نسبت به اعمال رفتار تسامحی نظام با برخی از کسانی که عمداً در راستای دشمنی با ملت ایران گام بر می دارند، کمی شدت عمل به خرج داد. برخی جریانات داخل متأسفانه با استفاده از امکانات نظام به انقلاب لطمه وارد می سازند. یعنی به راحتی در قدرت نشسته اند و تیشه به ریشه ملت می زنند. اینها مال این است که به آن محور مشترک عقیده ندارند و البته سیاست نظام هم در مقابل کسانی که اینگونه رفتار می کنند، تا یک جایی تحمل است و قطعاً وقتی از حد تحمل خارج شوند، برخورد نظام یک برخورد دافعه ای و تقابلی خواهد بود. بعضی ها به اشتباه سعی دارند مفهوم جذب حداکثری را به همه تعمیم دهند، در حالی که این اصلاً کار درستی نیست و روی دیگر جذب، دفع است هر چند حداقلی باشد. سخن پایانی انتخابات مجلس شورای اسلامی پیش روی ماست. اهمیت و حساسیت این دوره از انتخابات بر هیچ کس پوشیده نیست. به همین دلیل، همکاری و مشارکت برای هر چه باشکوه تر برگزار شدن آن بر همگان ضروری است. امروز علی رغم تمامی ناملایمات سیاسی و تحریم های اقتصادی که توسط ایادی استکبار جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی رخ می دهد کشتی نظام اسلامی با سلامت و صلابت از تلاطم امواج عبور کرده و خود را به ساحل سعادت و سلامت نزدیک و نزدیک تر می نماید. مسلماً هر گونه حرکت انحرافی و فتنه انگیزی نمی تواند خللی در مقابل کشتی نظام که بر پایه ی مبانی اسلام عزیز، ولایت فقیه و شور و اشتیاق قاطبه ی ایرانیان مؤمن و مسلمان در حرکت است ایجاد نماید. پس باید بدین نکته توجه داشت که چند سنگ ریزه نمی تواند مانع حرکت کشتی نظام اسلامی شود جز اینکه افراد منحرف و فتنه انگیز خود از سلامت و سعادت باز می مانند. باید به فرموده ی رهبری با تقوای جمعی به ریسمان محکم الهی چنگ زد و با اتحاد و همدلی و صبر و تحمل در مقابل سختی ها و سعه ی صدر در مقابل نظرات مخالف خود، بر کشتی نظام اسلامی بنشینیم تا با یاری خداوند مهربان به فلاح و رستگاری نائل شویم. آفریده ها، با درک جمال الهی مجذوب و مشتاق او می گردند و از درک آثار جلال خداوند، به ترس و خشوع می افتند. دو بال شوق و خوف، برای کمال آفریده ها ضروری است و انسان چون خلیفه خداست، باید مظهر اسمای خدا باشد و هر دو گونه از اسمای جلالی و جمالی، در صفات و اعمال او نمودار باشد که بر اثر این نمود، فرد جاذبه و دافعه پیدا می کند. ائمه معصومین (ع) که مظهر انسان کامل بودند، بیشترین جاذبه و دافعه را داشتند. جاذبه آنان؛ پیروان را به تولی و محبت فرامی خواند و دافعه قوی آنان؛ دشمنان را به شدت از آنها دور و جدا می ساخت. یا

رب این قافله را لطف ازل بدرقه باد که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به کام

## تأثیر تولید ملی بر پدیده های اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: « سال ۹۰ (که سال جهاد اقتصادی نامیده شد) در داخل کشور سال بروز اقتدار ملت بود.. جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی و حضور جهاد گونه در عرصه های اقتصادی برای ملت ایران یک ضرورت است. من امسال تقسیم میکنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی گردد به تولید داخلی. اگر با توفیق الهی و اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان بتوانیم مسأله تولید داخلی را آنچنان که شایسته است رونق بخشیم و پیش ببریم بدون تردید بخش عمده ای از تلاش های دشمن ناکام خواهد ماند...» این سخنان بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب بود. سالی که به فرموده ایشان حوادث بسیاری در سطح جهان، منطقه و کشور روی داد که در مجموع به سود این ملت تمام شد و ملت ایران آمادگی خود را در تمام عرصه های گوناگون علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشان داد.

مقدمهسال ۹۰ با عنایت رهبر معظم به مسائل ویژه اقتصادی، سال جهاد اقتصادی نام گذاری شد و ایشان امسال را نیز با توجه به گستردگی مسأله جهاد اقتصادی و لزوم تلاش تمام مسئولین و مردم برای مقابله با تحریم های دشمن و خنثی ساختن اثر آنها سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام گذاری نمودند. در عصری که اقتصاد و اثرات آن بر حوزه های مختلف - خصوصاً مسایل اجتماعی - حرف اول را میزند نمی توان به مسائل اقتصادی و تبعات ناشی از آن بی تفاوت بود. وقتی بسیاری از پدیده های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... از این مهم نشأت می گیرند و برای تکامل باید وارد چرخه اقتصاد شوند چطور ممکن است رهبر فرزانه و با تدبیر انقلاب آن را نادیده بگیرند؟ اثرات اجتماعی پدیده ها از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی ها، محرومیت های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبهکاری، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب ها شده است. این رو مطالعه پدیده های مختلف از منظر اجتماعی ضروری است.

تولید ملی لازم است قبل از بررسی ارتباط بین تولید ملی و پدیده های اجتماعی ابتدا مفهوم تولید ملی را از نظر علمی بیان کنیم: تولید ملی به ارزش پولی همه ی کالاها و خدماتی که در دوره ی معینی، معمولاً یک سال، در کشوری و توسط مردم همان کشور تولید شده، گفته می شود. درآمد ملی نیز به ارزش پولی تمامی درآمدهایی که در دوره ی معینی در کشوری در جریان تولید، کسب شده گفته می شود. تولید ملی را با توجه به اینکه هزینه های تولید از آن کم شده یا نه می توان به دو زیرشاخه تقسیم نمود: ۱. تولید خالص ملی ۲. تولید ناخالص ملی. برای بدست آوردن میزان تولیدات خالص ملی هزینه استهلاک را از آن کم می کنند و محصول خالص ملی ارزش کالاها و خدمات تولید شده ای خواهد بود که پس از کسر هزینه استهلاک بدست می آیند و نتیجه نهایی به عنوان تولید خالص ملی شناخته می شود. تفاوت تولید خالص با تولید ناخالص نیز در این است که در محاسبه تولید ناخالص ملی احتیاجی به کسر هزینه استهلاک نیست.

پدیده های اجتماعی و تولید ملی هرچه از زندگی در جامعه ناشی شود را باید پدیده اجتماعی به حساب آورد. فقر، طلاق، بیکاری، جرم، بالا رفتن سن ازدواج، تکدی گری و... البته اینها پدیده های منفی اجتماعی هستند که در کنار پدیده های مثبت ظاهر می شوند. در اینجا یک نکته حائز اهمیت است و آن نکته این است که اگر به ریشه یابی این پدیده های منفی پردازیم درمی یابیم که بیشتر آنها به مسائل اقتصادی برمی گردد. بیکاری، فقر می آورد و فقر منجر به ارتکاب انواع جرایم، طلاق و بالا رفتن سن ازدواج، تکدی گری و... می شود. اما چه عاملی باعث بیکاری می گردد؟ آیا جز این است که مصرف تولیدات و کالاهای خارجی

منجر به کنار زده شدن تولیدگران داخلی و گوشه نشینی آنها می شود؟ هنگامی که ایرانی به تولید محصولات مورد نیاز بپردازد و این محصولات از سوی مصرف کنندگان داخلی مورد استقبال قرار گیرند می توان تیشه بر ریشه بیکاری زد و در راستای ریشه کن نمودن فقر گام برداشت. هنگامی که کالاهای بی کیفیت خارجی در بازار با قیمتی نازل به فروش برسند چطور می توان انتظار داشت زمینه اشتغال زایی برای جوانانی که در رشته های مختلف صنعتی تحصیل کرده اند فراهم شود؟ هنگامی که بهترین میوه و مرکبات در کشور ما تولید می شود چه لزومی دارد از کشورهای دیگر واردات داشته باشیم؟ متأسفانه بیکاری ریشه بسیاری از نابهنجاری های اجتماعی است و یکی از عوامل ایجاد این معضل بزرگ عدم توجه به تولیدگران داخلی می باشد. بسیاری از طلاق هایی که در جامعه رخ می دهد بر اثر بیکاری و فقر مالی خانواده است. و فقر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را ایجاد می کند. بخش اعظمی از اعتیادی که اندیشمندان از وجود آن به عنوان یک معضل بزرگ دم میزنند در اثر فشارهای مالی پدید می آید. شاید اغراق آمیز به نظر برسد اما اجازه بدهید طرح واره ای در خصوص ارتباط بین توجه به تولید داخلی و پدیده های اجتماعی مجسم کنیم؛ زمانی که یک جوان که در زمینه های مختلف صنعتی یا کشاورزی تحصیل کرده است وارد چرخه تولیدگری می شود و با انبوه کالاهای وارداتی و سیل جمعیت استقبال کننده از آنها مواجه می گردد ناچار است شغل خود را رها کرده و به مشاغل روی بیاورد که در حیطه تخصص اش نیست بنابراین به بیکاری پنهان دچار می شود. مسلماً این شخص نمی تواند آن طور که باید در کار خود پیشرفت کند و چه بسا حتی آن را رها نماید. حال اگر وی دارای خانواده باشد باید بار مخارج سنگین خانواده را نیز به دوش کشد و آنچنان که باید نمی تواند مخارج خانواده و تحصیل فرزندان خود را بپردازد و چه بسا فرزندان را نیز از تحصیل محروم کند همان گونه که در حال حاضر بسیاری از کودکان کار دارای چنین شرایطی هستند. و بالاخره تحت این فشارهای زیاد یا زندگی اش از هم می پاشد و یا ممکن است زمینه ارتکاب انواع جرایم برای وی فراهم شود و به انواع جرایم از قبیل؛ سرقت، قاچاق و ... نیز دست بزند. حال شرایطی را تصور کنید که یک کشور به خود کفایی رسیده و مصرف کننده کالای تولیدی خود باشد؛ در این حال نه تنها زمینه تحصیل جوانان در رشته های متنوع صنعت و کشاورزی فراهم می شود بلکه کشور به جای وارد کننده تبدیل به صادرکننده ای می شود که در عرصه جهانی می تواند حرف نخست را بزند. در این شرایط زمینه اشتغال برای افرادی فراهم می شود که در شغل خود مهارت و تخصص کامل دارند و با علاقمندی آن را دنبال می کنند و در آن به پیشرفت های چشمگیری می رسند. بنابراین دیگر دغدغه اشتغال و تورم را نخواهند داشت، از پس تأمین مخارج زندگی خود بر می آیند و به راحتی ازدواج می کنند و کمتر شاهد فسادهای اجتماعی خواهیم بود.

ضرورت کوشش همگانی در حمایت از تولید ملی برای حمایت از تولید ملی نیازمند کوشش همگانی آحاد جامعه هستیم. نه تنها مسئولین موظفند از تولیدگران داخلی حمایت نمایند و از ورود بی رویه کالاهای وارداتی به کشور جلوگیری کنند بلکه مردم نیز باید به تولید و مصرف بهترین کالاهای ایرانی روی بیاورند. وظیفه تک تک اعضای این ملت است که در راستای ریشه کن کردن بیکاری و معضلات ناشی از آن از طریق حمایت از تولید ملی گام بردارند. واضح است که وقتی جوان ایرانی اطمینان داشته باشد که جامعه به تخصص و مهارت وی نیاز دارد حداکثر تلاش خود را برای افزایش این تخصص در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب جامعه می نماید و استعداد خود را صرف گام برداشتن در راه های بزهکارانه نمی کند. کشور چهار فصل ایران دارای منابع غنی انرژی، خاک حاصلخیز، آب و هوای مناسب، دریاها پربرکت و از همه مهمتر نیروی انسانی جوان و باهوش است. ملت ایران باید بیش از پیش خود را باور کند و مجال تولید را به جوانان و تولیدگران بدهند.

سخن پایانی شرایط کسب و کار و ارزش های اجتماعی در کشور ما تابع شرایط خاص خود بوده و با سایر کشورها تفاوت دارد. نباید فراموش کنیم که از دیرباز در سایه برخی سیاست گذاری ها و اقدامات غیراصولی دستگاه های مسئول نه تنها کالاهای خارجی را وارد می کنیم، بلکه بدون ایجاد محدودیت های منطقی و متعادل، بقدری ساز و کار ورود محصولات خارجی را تسهیل می نمایم

که بخش قابل توجهی از داشته‌های خود در بخش صنعت را نیز بطور کامل از دست می‌دهیم. تحریم کشور ایران شاید در ابتدا پدیده‌ای ناخوشایند به نظر برسد اما در حقیقت لطفی ناخواسته به کشور است که با فرصت‌اندیشی می‌تواند زمینه استقلال و روی آوردن به تولید ملی را افزایش دهد و نه تنها مسئولین بلکه مردم را نیز به تکاپو و تلاش روزافزون وادارد. دشمن تصور می‌کند که با تحریم این ملت می‌تواند ایران را در عرصه کار و تولید زمین گیر کند درحالی که هرچه بیشتر بر این ملت سخت بگیرد خود را خسته و ناتوان تر کرده و ایرانیان را به سوی کشف استعدادهای خود سوق می‌دهد. همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: «چه بسا چیزی را ناخوشایند بدانید در حالی که خداوند در آن خیر فراوانی قرار داده است / نسا/ ۱۹»

## در آمدی بر نظم اجتماعی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: امیرمؤمنان (ع) در وصیتی خطاب به فرزندان‌شان می‌فرماید: «شما (دو فرزندم حسن و حسین) و همگی فرزندانم و هر کس که نامه‌ام به او برسد را سفارش می‌کنم به ملاحظه کردن از خدا و نظم در امور» بر اساس آنچه امام می‌فرماید مخاطب این وصیت، همه‌ی کسانی هستند که این نامه و این وصیت به آنها می‌رسد؛ یعنی ما هم مخاطب کلمات امیرالمومنین (ع) هستیم. در معارف اسلامی تقوا با نظم آمده است. اساتید اخلاق اسلامی تقوا را نظم فردی و نظم را تقوای جمعی می‌دانند. این که سفارش می‌کنند «در جماعت خلوت کنید» به همین معنی است که بتوانید هر چیزی را در جای خودش انجام دهید. تقوا یعنی انسان جای‌گاه و موقعیت خودش را بفهمد و تکلیفش را در آن موقعیت ادا کند؛ و در حالت کلی آدم باید بفهمد در این عالم آمده است که چه بکند، و همان‌کند. مقدمه‌مقوله نظم اجتماعی از مباحثی است که در طبقه بندی موضوعات جامعه‌شناختی، نقطه مقابل جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی و بویژه در تعارض با مباحث تغییرات عمیق و انقلابات اجتماعی است. نظم یعنی هر چیزی در جای حقیقی خود باشد. بر اساس حدیث ذکر شده این دو - یعنی نظم و تقوا - بر هم اثر می‌گذارند و از هم اثر می‌پذیرند. آدم‌های منظم هستند که می‌توانند زندگی خود را مدیریت کنند و انسان‌های باتقوا هستند که در تشکیلات می‌توانند منظم و گروهی کار کنند. در مباحث نظم اجتماعی، دو سؤال عمده وجود دارد: ۱. نظم اجتماعی چگونه به وجود می‌آید؟ ۲. تداوم نظم اجتماعی چگونه ممکن است؟ منظور از سؤال اول این است که اولین جوامع چگونه شکل گرفته است. اما در سؤال دوم، از شکل‌گیری جامعه سؤال نمی‌کنند، مسئله این است که این نظم به وجود آمده - به هر دلیل - چگونه در هم نمی‌ریزد؟ امروزه سؤال اول چندان اهمیتی ندارد؛ چرا که زندگی اجتماعی به هر حال، شکل گرفته است. اما سؤال دوم، اساسی است؛ زیرا علی‌رغم وجود بحران‌های ویرانگر اجتماعی و سیاسی، جوامع همچنان پابرجا هستند. تعریف نظم، ترتیب دادن به هر چیز و یک نوع رابطه‌ی هماهنگ میان اجزای یک مجموعه، برای تحقق یافتن هدف مشخصی است. به گونه‌ای که هر جزیی از اجزای مجموعه، مکمل دیگری بوده و فقدان هر یک سبب می‌شود که مجموعه، هدف خاص و اثر مطلوب را از دست بدهد. نظم اولین قانون جهان است. به بیان دیگر واقعیت نظم در یک پدیده‌ی طبیعی، جز این نیست که اجزای مختلفی از نظر کیفیت و کمیت دور هم گرد آیند، تا در پرتو همکاری اجزای آن، هدف مشخص تحقق یابد. مضمون نظم، اندیشه چیزهایی را که هر یک به جای مطلوب نشسته‌اند و دقیقاً مرتب گشته‌اند، در ذهن متبادر می‌سازد. از این رو نظم، در حد گروه‌های انسانی، به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است. تبیین مفهوم نظم اجتماعینظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس و قوام جامعه هستند. که یکی از عوامل برقراری آن رعایت حقوق اجتماعی است. اگر مردم به حقوق یکدیگر احترام بگذارند، و حقوق فرد و جامعه رعایت شود نظم اجتماعی تحقق می‌یابد. پس از اینکه انسان‌ها زندگی اجتماعی تشکیل دادند، عامل تداوم این زندگی اجتماعی چیست؟ اسلام چه سازوکارهایی اندیشیده است تا نظم اجتماعی برهم نریزد؟ عامل ثبات و نظم اجتماعی در عمل

کردن به قوانین پدید می‌آید. در جوامع بدوی، قوانین تدوین شده ثابت کمتری داشتند، اما قوانین جوامع متمدن از ثبات نسبی برخوردار است، و هر قدر جامعه پیشرفته باشد، می‌تواند قوانین مستحکم تری تدوین کند. ضامن اجرای قوانین، هم درونی است و هم بیرونی که همان حکومت است. اما آیا هر قانونی قادر است نظم اجتماعی مطلوب را در جامعه ایجاد کند؟ پاسخ علامه طباطبائی به این پرسش منفی است. از نظر ایشان، با این قوانین نمی‌توان به حد مطلوب نظم اجتماعی دست یافت. اختلاف اساسی اسلام با نظریه‌های جامعه‌شناسی در مورد «نظم اجتماعی»، در انسان‌شناسی و ضمانت اخلاقی برای برقراری نظم اجتماعی است. بدون اعتقاد به مبدأ و معاد، اخلاق معنای صحیحی ندارد. بیشتر نظریه پردازان غربی انسان‌هایی معتقد نیستند. پس تکیه کردن آنان بر «اخلاق» به عنوان ضمانت اجرای قوانین و نیز تکیه بر «مذهب» به عنوان عامل پیوند میان افراد جامعه، در مکاتب سکولاریستی قابل دفاع نیست. مفهوم نظم اجتماعی می‌تواند به طور مستقیم هماهنگی، تعادل و انسجام روابط اجتماعی را برساند که مجموعه افراد جامعه را از طریق فعل و انفعال و ساز و کارهای اقتصادی و سیاسی به سوی زندگی مشترک جلب می‌کند و حیات جمعی را امکان پذیر می‌سازد. رویکردهای اصلی جامعه‌شناسی در تشریح نظم اجتماعیاغلب نظم اجتماعی به نظم رایجی گفته می‌شود که اطاعت همگان را از یک نظم ارزشی رایج به منظور مرجع داشتن طبقات و قشرهای اجتماعی ممتاز، اولویت می‌بخشد. اساس چنین نظمی بر این اندیشه استوار است که ثروت اساسی یک جامعه را صلح و آرامش تشکیل می‌دهد. نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود این است که همه اعضا باید خواه ناخواه در برابر نظام سیاسی اجتماعی، یا شکلی از سازمان اجتماعی سرتمکین فرو آورند که خود موجبات تداوم نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و تنازعات اجتماعی را فراهم می‌آورد. در زمینه توضیح نظم اجتماعی در جامعه سه رویکرد اصلی در جامعه‌شناسی وجود دارد: ۱- رویکرد فایده‌ای: این رویکرد که جایگاه کمتری در نظریات جامعه‌شناسی دارد و بیشتر در تئوری‌های اقتصادی مطرح است می‌گوید: به نفع خود افراد است که نظم اجتماعی را به خصوص در جوامع پیچیده‌ای که تقسیم کار در آن‌ها وافر است و مردم متقابلاً به یکدیگر وابسته‌اند حفظ کنند. ۲- رویکرد فرهنگی: نقش هنجارها و ارزش‌های مشترک را مورد تأکید قرار می‌دهد. ۳- رویکرد تحمیلی: قدرت و سلطه را به صورت‌های گوناگون نظامی، قضائی، معنوی، اقتصادی در ایجاد نظم تأکید می‌کند. بین نظریه پردازان جامعه‌شناسی مارکس و وبر از مفسران رویکرد تحمیلی هستند. راه کارهای اسلام برای تأمین نظم اجتماعیاسلام خواهان جامعه سالمی است که سعادت دنیوی و اخروی افراد در آن جامعه ممکن باشد. بنیادهای نظام اجتماعی اسلام بر این باور استوار است که همه انسان‌ها برابرند و یک اجتماع بشری را تشکیل می‌دهند. نظم و ترتیب بین گروه‌های مختلف جامعه و افراد آن و به تعبیر دیگر «نظم اجتماعی» در بسیاری از ارزش‌های دینی نهفته است و امر به آنها امر به نظم است. لذا می‌توان گستره نظم اجتماعی را در زوایای ارزش‌هایی چون عدل، وفای به عهد، نماز جماعت و... دنبال نمود و بیان داشت که هرگونه انحراف اعتقادی، فقهی و اخلاقی دین اسلام گونه‌ای از بی‌نظمی است. از نظر اسلام، نظم اجتماعی باید طوری باشد که در سایه آن، به حقوق و آزادی‌های فردی آسیبی نرسد. مهمترین راه کارهای اسلام برای تأمین نظم اجتماعی عبارتند از: ۱- توحید: اسلام برای تأمین سعادت دنیا و آخرت بشر، اصلاحات خود را از دعوت به «توحید» شروع کرد تا تمامی افراد بشر یک خدا را پرستند و آنگاه قوانین خود را بر همین اساس تشریح نمود و تنها به تعدیل خواست‌ها و اعمال اکتفا نکرد، بلکه آن را با قوانینی عبادی تکمیل نمود و نیز معارف حقه و اخلاق فاضله را بر آن اضافه کرد. ۲- آیین‌های جمعی: در اسلام توصیه شده است برخی از عبادت‌ها همچون نمازهای یومیه و نماز جمعه به صورت جماعت برگزار شود. این عمل زمینه تفاهم، عشق و محبت و به دنبال آن نظم اجتماعی را میان مسلمانان ایجاد می‌کند. ۳- حاکمیت دین: در جامعه اسلامی، همه نهادها در خدمت دین قرار می‌گیرند، برخلاف جامعه‌شناسان غربی که دین را نهادی در کنار سایر نهادهای اجتماعی قلمداد می‌کنند. از نظر اسلامی، «دین برنامه صحیح و مطلوب زندگی آدمی است که جمیع ابعاد و وجوه حیات فرد و جامعه را فرا می‌گیرد و علاوه بر اعتقادات، اخلاق و عبادات، به معنای اخص - شامل انواع و اقسام حقوق، از جمله حقوق سیاسی، حقوق قضائی، حقوق جزائی، حقوق بین‌الملل،

حقوق اقتصادی و حقوق مدنی (نظیر حقوق خانواده) می‌شود» و این نگرش سبب توسعه نظم اجتماعی است. ۴- مشارکت مردم: مشارکت و هماهنگی مردم یک جامعه اسلامی در تحقق بخشیدن به رفع نیازهای زندگی اجتماعی تکلیفی است قطعی که زمینه ساز تحقق نظم اجتماعی است. ۵- مسئولیت متقابل فرد و جامعه: نقش افراد مکمل نقش جامعه بوده و میان این دو همبستگی و مسئولیت متقابل وجود دارد. افراد در مقابل جامعه مسئولند. البته این مسئولیت تنها در برابر جامعه مطرح نیست. از سوی دیگر، جامعه نیز در برابر افراد مسئول است. جامعه باید امنیت و آسایش افراد را فراهم کند. ۶- توجه به رفتارهای اجتماعی در سطح خرد و کلان: اسلام آیین زندگی است و بنابراین، برای همه عرصه های اجتماعی بشر برنامه دارد. عمل به حقوق و وظایف در همه سطوح فردی و اجتماعی، چه از طرف فرد و چه از طرف جامعه، بسترساز نظم اجتماعی است. اسلام علاوه بر اینکه برای هر موقعیتی حقوق خاصی در نظر گرفته است، به انسان ها توصیه می‌کند: با هم روابط دوستانه برقرار کنند. ۷- مبادله: «مبادله» به عنوان قوام زندگی اجتماعی بیان می‌شود. نقش مبادله چنان است که بدون آن، جامعه حتی برای لحظه ای دوام نمی‌آورد. «شکی نیست که قوام اجتماعی، که بشر تشکیل داده، بر مبادله مال و عمل پایدار است و قطعاً اگر چنین مبادله ای در کار نبود، مجتمع انسان، حتی یک چشم برهم زدن، قوام نمی‌داشت. راه بهره مندی انسان در اجتماعش غیر از این نبوده که اموری از مواد اولیه زمین گرفته و به قدر وسعش، روی آن عمل نموده و از نتیجه عملش، مایحتاج خود را ذخیره می‌کرده است و مازاد بر احتیاج خود از آن حاصل را به دیگران می‌داده و در عوض، سایر مایحتاج خود را از آنچه در دست دیگران بوده، می‌گرفته.» (تفسیر المیزان) ۸- وضع قوانین کیفی: تعلیمات اخلاقی به خاطر نداشتن ضمانت اجرائی برای کسانی که از فطرت خود به دورند، برای نظام بخشیدن به جامعه کفایت نمی‌کند. اسلام بعد از ترویج تعلیمات اخلاقی در مرحله ی بعدی به وضع قوانین مدنی حاکم بر روابط انسان ها اهتمام می‌ورزد. عدالت اجتماعی زمینه ساز نظم اجتماعیه‌دالت از مفاهیمی است که بشر، هم در حیات طبیعی خود، ضرورت آن را احساس کرده، و هم آنجا که آن را به یک ارزش ذاتی دانسته، وجود آن را در میان قوای نفس و ضمیر آگاه خود و در میان روابط اجتماعی جهت «به زیستن» مهم می‌داند. همچنین رویکرد اسلام به مساله نظم اجتماعی، نگاهی کلان نگر است و در مواجهه با بی‌نظمی، اسیر ظواهر نظم نمی‌شود و هر نظمی را طلب نمی‌کند. «عدالت اجتماعی» در اسلام یک اصل اساسی است. هیچ یک از مکتب های بشری نمی‌توانند ادعا کنند که راه کارهای آنان برای نظم اجتماعی منجر به اجرای عدالت اجتماعی می‌شود. در منطق اسلام، در جامعه ای که به شدت نامتعادل است و اختلافات طبقاتی در آن چشمگیر است نمی‌توان انتظار داشت امنیت اغنیا محفوظ بماند. نمی‌توان انتظار داشت کارگران و کارمندان با حداقل حقوق و مزایا، نظاره گر درآمدهای کلان و اقدامات استثمارگرانه و سودجویانه صاحبان قدرت و ثروت باشند و آنان بی‌هیچ توقع، خدمات سالم اداری و فنی مورد نیاز آن غارتگران را فراهم آورند. نمی‌توان انتظار داشت کاخ ها و منازل مجلل در نگاه حسرت بار محرومین باشد و هزاران قلم کالاهای لوکس و گران قیمت هر لحظه شعله نیاز را دامن زند و آتش آن دامن گیر جامعه نگردد. طبیعی است در این شرایط امنیت و نظم روابط اجتماعی به خطر می‌افتد و متأسفانه در این هنگامه، فقط غارتگران آسیب نمی‌بینند بلکه زیان اصلی متوجه اقشار و گروههایی است که در این عرصه در دور باطل انحراف گرفتار نیامده اند. سخن پایانی‌تکیه اسلام بر نظم اجتماعی، بیشتر بر اخلاق مبتنی بر معاد و قانونمندی جامعه است. جامعه باید بستر رسیدن افراد به سعادت دنیوی و اخروی را فراهم کند. چنین جامعه ای به قوانین دقیقی نیاز دارد و مسلماً تدوین چنین چیزی از توان بشر خارج است. بشر با توجه به محدودیت هایی که دارد، نمی‌تواند به قوانین فرازمانی و فرامکانی دست یابد، مگر از طریق اتصال به منبع مافوق بشری. در واقع، اسلام نیز با این نظر موافق است که افراد تنها در سایه زندگی اجتماعی، می‌توانند به خواسته هایشان دست یابند و بنابراین، انسان ها از روی ناچاری - ولی با اختیار - به زندگی اجتماعی تن در داده اند و به هر صورتی که شده است، باید در جامعه نظمی برقرار باشد و برقراری این نظم بدون کسانی که از اجرای قوانین و حقوق فردی و اجتماعی دفاع کنند، ممکن نیست. پس قانون به مجری نیاز دارد. اسلام، هم قوانین خاصی عرضه می‌



کند و هم برای مجریان قانون، شرایطی قایل است و احراز این شرایط در مواردی در دست بشر نیست. اسلام راهنمایی کامل برای تمام جنبه های زندگی انسان است. قوانین اسلامی به امور مدنی و کیفری محدود نمی شود، بلکه شامل امور اداری، اقتصادی و اجتماعی، ملی و بین المللی است. دستیابی به نظم پایدار اجتماعی از طریق تحقق عدالت اجتماعی ممکن می گردد. و عدالت اجتماعی با رعایت حدود تقوای فردی و جمعی بوجود می آید.

## حمایت از تولید ملی در سایه اصلاح الگوی مصرف

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: مسئولین کشور در درجه اول - چه قوهی مقننه، چه قوهی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوهی قضائیه و غیر آنها - و اشخاص و شخصیتها در رتبه های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. اینجور مصرف کردن در همه ی زمینه ها - در امور ضروری زندگی، در زیاده های زندگی - مصرف کردن بی رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست... (از بیانات رهبر انقلاب در نوروز ۸۸) ما باید بتوانیم از کار کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه ی سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه ی تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه ی اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است... (پیام نوروزی رهبر معظم ۹۱) مقدمه کشور ایران به منظور دست یابی به اهداف تعیین شده در سند چشم انداز بیست ساله و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به تولیدات ملی و سرمایه گذاری داخلی نیازمند است در صورتی که مصرف بی رویه کالاهای وارداتی مانع سرمایه گذاری شده و باعث خروج مقدار زیادی ارز از کشور می شود. در جهان امروز کشوری قدرتمند است که صادرات ان بیشتر از وارداتش باشد و کشوری که در کوچکترین اقلام خود به سایر کشورها نیازمند باشد نمی تواند به اهداف بلند مدتی که در قانون برای خود تعریف کرده است دست یابد. چنین کشوری گرچه به ظاهر مستعمره نیست اما در اصل تحت استعمار پنهان قرار دارد. اما باید توجه داشت که این معضل زمانی بزرگتر می شود که یک ملت به علت مصرف زدگی و تقلید از فرهنگ بیگانه و در شرایطی که خود توانایی تولید را دارد به واردات کالا روی بیاورد. بنابراین شاید بتوان اولین گام در حمایت از تولید ملی و سرمایه گذاران داخلی را اصلاح الگوی مصرف دانست. اولویت بندی نیازها و اصلاح الگوی مصرف مصرف یعنی استفاده درست و به اندازه از منابع طبیعی برای زنده ماندن و زندگی کردن. مصرف کردن محصول، انرژی، خدمت و یا هر چیز دیگری ناشی از احساس نیازی است که در انسان پدیدار می گردد و الگوی مصرف در واقع همان نیازهای ماست که بر اساس فرهنگ موجود در هر جامعه اولویت بندی می شود. محورهای مهم الگوی مصرف در اقتصاد ایران شامل مصرف انرژی، آب و مواد غذایی است. اصلاح الگوی مصرف نیز باید در این زمینه های مهم انجام گیرد. البته اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی به منظور کم مصرف کردن و سخت گیری نیست زیرا همانطور که اسراف در شرع و نزد عقلا ناپسند است تفریط و بخل نیز مذموم شمرده شده است و آیه شریفه «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» ساده ترین مصداق و شاهد گواه بر این ادعاست. برای اصلاح الگوی مصرف ابتدا باید نیازهایمان را اولویت بندی کنیم. با کمی دقت می توان نیازهای حقیقی را از نیازهای کاذب بازشناخت و آنها را از سبد مصرفی زندگی فردی و اجتماعی دور ریخت. بخشی از نیازهای کاذب در اثر تبلیغات در افراد ایجاد میشود. این تبلیغات می تواند به صورت مستقیم از طریق رسانه و انواع بروشور و غیر مستقیم مانند چشم و هم چشمی ها انجام شود. مثلا افراد در اثر دیدن تبلیغات یک وسیله به ان احتیاجی ندارند اما احساس می کنند لازم است ان را تهیه کنند و نکته جالب اینجاست که بیشتر این افراد پس از تهیه وسیله احساس پشیمانی میکنند. باید دانست که چشم و هم چشمی در رفت و آمدهای

خانوادگی نیز از دیگر عواملی است که موجب احساس نیاز کاذب می‌شود و تنها به مصرف روزافزون کالاهای وارداتی و کناره‌گیری تولیدگران داخلی منجر می‌گردد. اصلاح الگوی مصرف از طریق تولید کالای مرغوب ایرانی‌اصلاح الگوی مصرف تنها به اولویت بندی نیازها و صرفه جویی محدود نمی‌شود. استفاده از کالاهای تولید شده در داخل کشور نیز از دیگر مصادیق مهم اصلاح الگوی مصرف است. زمانی که الگوی مصرف برخی خانواده‌ها استفاده از اجناس خارجی باشد هرچقدر هم که بخواهند در مصرف صرفه جویی کنند نمی‌توانند مدعی اصلاح گری در مصرف خود باشند. استفاده از اجناس خارجی موجب افزایش واردات و خروج مقادیر زیادی از ارز کشور می‌شود و امکان سرمایه‌گذاری دولت را برای اقدامات زیرساختی محدود می‌کند. البته این مقوله تنها به مصرف کنندگان محدود نمی‌شود بلکه تولید کنندگان نیز باید در کنار صرفه جویی در مصرف انرژی از مواد مرغوب در فرآیند تولید استفاده نمایند. کالای تولید شده ملی باید آن قدر مرغوبیت داشته باشد که خریدار مجبور نشود در طی یک مدت کوتاه چندین بار آن کالا را تهیه کند زیرا در آن صورت اصلاح الگوی مصرف نه از سوی تولیدکننده رعایت شده است و نه از سوی خریدار. در این صورت تولیدکننده با ریخت و پاش و ساخت کالای نامرغوب زمان و سرمایه را هدر می‌دهد و خریدار نیز مجبور می‌شود بخش اعظمی از درآمد خود را به تهیه چندین باره یک کالا- اختصاص دهد و در آخر هم به جنس خارجی که فکر می‌کند مرغوبیت بیشتری دارد روی بیاورد. راهکارهای حمایت از تولید ملی و اصلاح الگوی مصرف برای حمایت از تولید ملی و اصلاح الگوی مصرف راهکارهای گوناگونی وجود دارد. در این بخش چند راهکار مهم ارائه می‌گردد: ۱- فرهنگ سازی از طریق تبلیغات: تبلیغ یکی از مهمترین عامل جهت دهی به افکار مردم است. تبلیغات می‌تواند جمع‌کننده کثیری از مردم را به کالا و حتی عملی جذب کند و یا آنها را از آن دور نماید. تبلیغات از راههای گوناگون انجام میشود؛ تبلیغات محیطی از طریق بنرها و پوسترها، تبلیغ در صدا و سیما به صورت مستقیم نظیر کلیپ های تبلیغاتی و غیر مستقیم مانند پوشش بازیگران و مجریان صدا و سیما و حتی بسته بندی محصولات از جمله انواع تبلیغ می‌باشند. اما نکته مهم اینجاست که تبلیغات باید مردم را به سوی تولید مصرف کالای ملی و به کارگیری الگوی مصرف صحیح سوق دهد. واضح است که فعالین عرصه صدا و سیما بخصوص بازیگران الگوی قابل توجهی برای مردم هستند. با کمی دقت می‌توان متوجه شد که به محض اینکه یک بازیگر نوع خاصی از پوشش یا کالایی خاص را استفاده می‌کند بازارها به سرعت پر از آن کالا می‌شوند و با استقبال خوبی نیز مواجه می‌گردند. بنابراین چه خوب است که بازیگران و مجریان صدا و سیما با انتخاب کالا و پوشش ایرانی و پرهیز از ریخت و پاش در برنامه های تلویزیونی، مردم را به مصرف کالاهای داخلی و اصلاح الگوی مصرف سوق دهند. ۲- آموزش: آموزش از یک سو به مصرف کنندگان و از سوی دیگر به تولید کنندگان بر می‌گردد. آموزش مصرف کنندگان که همان فرهنگ سازی است. اما آموزش تولید کنندگان به معنای آن است که با ارتقای سطح آموزشهای فنی و حرفه ای در مدارس و ایجاد رشته های متنوع صنعتی و آسان سازی ورود دانشجویان به دانشگاه و تحصیل در این رشته ها مهارت آنها را افزایش دهیم. زمانی که تولید کنندگان بتوانند به صورت علمی و تخصصی به تولید کالا بپردازند تمامی راهکارهای افزایش سطح کیفی تولید را نیز فرا میگیرند. ۳- تجهیز و احداث کارخانه ها و مراکز تولیدی: در اینجاست که سخن رهبری معظم در خصوص لزوم حمایت از سرمایه گذار ایرانی و کارگر ایرانی مصداق پیدا می‌کند. سرمایه گذاران لازم ست با بکار بردن سرمایه های خود برای ایجاد کارگاههای تولیدی و کارخانجات زمینه اشتغال را برای تولید کنندگان داخلی فراهم کنند تا اینکه از این سرمایه برای واردات کالا- استفاده نمایند. در این حال نه تنها زمینه ورود جوانان متخصص و ماهر در عرصه تولید فراهم می‌شود بلکه واردات کالا نیز کاهش می‌یابد، کشور به خودکفایی می‌رسد و با افزایش سطح کیفی و کمی محصولات داخلی، الگوی مصرف مردم نیز تغییر می‌کند. ۴- قوانین و مدیریت کشور: ایجاد قوانینی برای اصلاح الگوی مصرف نظیر هدفمندسازی یارانه ها و سهمیه بندی بتزین موجب تغییر بسیاری در الگوی مصرف خانوارهای ایرانی شد. سوخت و انرژی، آب و نان از جمله اقلامی بودند که متأسفانه بدون هیچ گونه ملاحظه ای با ریخت و پاش بسیاری

مصرف می شدند، اما سهمیه بندی بنزین و هدفمندسازی یارانه ها نه تنها موجب صرفه جویی در مصرف این اقلام شد بلکه با ذخیره سازی سوخت و انرژی و صادرات آن امکان ذخیره سازی ارزی در کشور فراهم شد. حال نیز دولت لازم است با ایجاد قوانین ویژه و افزایش فرصت برای سرمایه گذاران داخلی زمینه افزایش تولیدات ملی را گسترش دهد. ۵- مارک پوشی؛ عامل مهم جلوگیری از تولید ملی: متأسفانه مارک پوشی معضلی است که هم اکنون شاهد آن هستیم. بخش اعظمی از این عادت نادرست نتیجه تهاجم فرهنگی است. جنگ نرم همین است. جنگ نرم الگوها را تغییر می دهد، افکار را تحت تاثیر قرار می دهد و در آخر با تغییر ارزش ها رفتارها را دگرگون میسازد. اما تبلیغاتی که از سوی شبکه های خارجی در این راستا انجام می شود بی هدف و تنها برای فروش محصولات خود نیست. دشمن می خواهد با این تیر دو نشان را هدف قرار دهد؛ از سویی فرهنگ خود را به صورت کاملاً نامحسوس به ما تحمیل کند و از سوی دیگر با ایجاد وابستگی در جوانان نسبت به محصولات خود از تولید ملی توسط ایرانیان و پیشرفت آنها جلوگیری کنند. مارک پوشی نه تنها موجب گوشه نشینی تولیدگران داخلی می شود بلکه الگوی بسیار ناصحیحی در مصرف است. به طور مثال کفشی با کیفیت مناسب که تولید داخل است ممکن است ۲۰ هزار تومان فروخته شود اما یک کفش بی کیفیت فقط به خاطر داشتن یک مارک به بیش از صد هزار تومان خرید و فروش گردد. آیا این اسراف و خیانت به اقتصاد کشور نیست؟ کشور ایران با تمدن ۲۵۰۰ ساله خود می تواند الگویی برای جوانان سایر کشورها باشد نه اینکه مقلد فرهنگهایی شود که هیچ ریشه و اساسی ندارند. این کشور با منابع سرشار خود می تواند یکی از بهترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان در عرصه جهانی باشد بجای آنکه به خاطر کالاهایی که جوانان تنها برای مد گرایی استفاده می کنند وابسته به سایر ملل گردد. سخن پایانی مفهوم حمایت از تولید ملی و اصلاح الگوی مصرف نباید به شعار تبدیل شوند بلکه مهم این است که آنها را عملیاتی کنیم. یادمان باشد که تنها ما و نسل حاضر نیستیم که قرار است در این کشور زندگی کنیم. آیندگان ما و فرزندانمان پس از ما اداره این مملکت را بدست می گیرند. پس باید برایشان چیزی باقی بگذاریم. نباید تنها نامی از ایران و بازارهایی مملو از اجناس خارجی به آیندگانمان بسپاریم. حق فرزندان ماست که در آسایش و نعمت زندگی کنند. حق دارند از انرژی به اندازه کافی استفاده نمایند و در بازار کار مجالی برای فعالیت داشته باشند. حق آنهاست که سربلندی کشورشان را در عرصه های جهانی تولید ببینند و این حق را ما و فعالیت امروزمان برای آنها ایجاد می کند.

## عرصه های کار در مدیریت روابط عمومی

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: نیاز به شناخت و درک متقابل به منظور تسریع در دستیابی به مقاصد و اهداف، امروزه در سازمان ها و ادارات به عنوان یک اصل اساسی در مدیریت پذیرفته شده است. این ارتباط که از آن به عنوان روابط عمومی یاد می شود یکی از مهم ترین و با ارزشترین عوامل مؤثر در سرنوشت هر سازمان و گروه محسوب می گردد. امروزه روابط عمومی به عنوان علم دارای اصول و مبانی اولیه می باشد. عموماً شاهد آن هستیم که واژه روابط عمومی در میان مردم استفاده می شود بدون در نظر گرفتن این که واقعاً روابط عمومی چیست؟ آیا در زمره علوم پایه قرار می گیرد یا هنری است که از خلاقیت بهره می گیرد و خود پس از موسیقی، نمایش، سینما و ... هنر هشتم خوانده می شود. مقدمه در عصر ارتباطات و اطلاعات روابط عمومی از عناصر اصلی ارتباطات است. زیرا ماهیت و مجموعه فعالیت های آن به طور عمده "ارتباطی، تعاملی و تبادلی" است. امر مشارکت با مقوله اطلاع رسانی که از مهم ترین رویکردهای روابط عمومی است آغاز می شود و بسیاری دیگر از کارهای اجرای تحقق مشارکت از جمله تمهیدات ترغیبی، همان امور رایج کاربردی روابط عمومی است. شایسته نیست که ارتباطات مردم با سازمان ها سرد و عاری از مهر و رغبت باشد، بجاست، که با انجام مطالعات و بررسی های لازم اساساً معلوم شود که سازمان های ما واقعاً به چه رویه و رویکردی برای تعامل با

مردم نیاز دارد؟ یکی از عواملی که در سرنوشت هر گروه و فرد اهمیت و ارزش دارد و آن‌ها را برای رسیدن به هدفشان یاری می‌دهد، کیفیت رابطه آن‌ها با افراد و مؤسساتی است که با آن‌ها سر و کار دارند. تعریف روابط عمومی اصطلاح روابط عمومی، ترجمه واژه انگلیسی **public Relations** برای نخستین بار در آمریکا به کار برده شد و در ایران نخستین بار در شرکت نفت به کار رفته و دفتری در آن شرکت ایجاد شد. روابط عمومی هنر است، علم است، فن است. روابط عمومی نقش‌های گوناگونی را در جایگاه‌های متفاوت و شرایط متمایز از یکدیگر ایفا می‌کند. اما دو نقش قابل تفکیک آن در ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی از میان سایر نقشها نمایانتر و مهمتر است. قرن حاضر را علاوه بر تسخیر فضا، اتم، کامپیوتر، لیزر و غیره بحق عصر ارتباطات نامیده‌اند. وسایل ارتباطی مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون بسیاری از شیوه‌های زندگی را عوض کرده است و گویی که دنیای گسترده ما به دهکده جهانی تبدیل شده است. روابط عمومی‌ها؛ پل‌های ارتباطی بین سازمانها و جمعیتها و طرفهای ذیربط، بیان‌کننده و منادی اخبار و اطلاعات سازمانها به مخاطبین خود هستند. روابط عمومی بر شانه راست بار "اقتناع" و بر شانه چپ خود "ترغیب" را حمل می‌کند که این دو رسالت عظیم شاخه‌های هدف‌نهایی آن ایجاد حسن تفاهم است. عرصه‌های کار در روابط عمومی در عرصه‌های کار روابط عمومی فعالیت‌های وابسته شامل مجموعه‌هایی می‌شود که کالاها و خدمات روابط عمومی عرضه می‌کنند. فعالیت‌های متنوعی از قبیل پیام‌رسانی طراحی و گرافیک تبلیغات چاپ و نشر، تولید محصولات سمعی و بصری و مانند آن‌ها. افزون بر این سازمان‌های پشتیبانی دهنده در حرفه روابط عمومی مانند مراکز پژوهشی و آموزشی سازندگان ابزار و تجهیزات و مواد و لوازم مصرفی ارتباطی عوامل توزیع و پخش اقلام ارتباطی و هدایا نیز در این عرصه فعال هستند. اکثر این سازمان‌ها بدون این که خود را وابسته به این حرفه بدانند، در درجه اول به محصول خود نظر دارند و در بهترین حالت به روابط عمومی به عنوان یک منبع درآمد توجه می‌کنند و در عین حال خود را جزیی از این عرصه مهم تلقی نمی‌کنند. از طرفی شرط موفقیت در این حرفه دستیابی به جایگاه واقعی روابط عمومی است که از طریق انجام فعالیت‌هایی نظیر نوآوری کارآفرینی استانداردسازی مشاوره پژوهش توزیع محصولات روابط عمومی و مانند آن‌ها، در این عرصه تحقق می‌یابد و برای ایجاد چنین زمینه‌ای اعمال سیاست‌های حمایتی و تقویت توان کارشناسی این حوزه قطعاً موثر خواهد بود. عرصه‌های کار در روابط عمومی امور اجرایی مدیریت روابط عمومی روابط عمومی عمل مدیریت است که به وسیله آن افراد جامعه مورد سنجش قرار می‌گیرند و روش کار و طرز عمل یک فرد یا مؤسسه یا مصلحت عمومی منطبق می‌شود و برنامه‌ای برای جلب تفاهم و مقبولیت عامه به موقع اجرا گذاشته می‌شود. بر این اساس امور اجرایی روابط عمومی عبارتند از: ۱- ارتباط با رسانه‌های جمعی: گسترش وسایل ارتباط جمعی کار را برای روابط عمومی‌ها آسان نموده است. توسط این ابزارها داده‌ها و دریافت‌های لازم برای آن‌ها فراهم می‌شود. ۲- تشکیل گردهمایی: مؤسسات مختلف بر حسب موارد در طول سال مبادرت به تشکیل مجالس، سمینارها، نمایشگاه‌ها و به طور کلی گردهمایی می‌کنند که برگزارکننده یا هماهنگ‌کننده‌ی آن‌ها واحد روابط عمومی است. ۳- تنظیم و انتشار اطلاعیه: منظور از اطلاعیه‌ها انواع گزارش‌ها، آگهی‌ها، تابلو‌ها، پوسترها، تراکت‌ها و موارد مشابه می‌باشد. رعایت تناسب در حجم، اندازه متون، انتخاب پیام‌های کوتاه و جذاب، پرهیز از مطالب نامربوط رعایت خوش خطی و خوش لحنی و موازین اخلاقی و وجدانی باید مد نظر باشد. ۴- بریده جراید: از کارهای معمولی و جاری و روزمره روابط عمومی تهیه بریده جراید است. برای تسهیل نمودن دسترسی به اطلاعات جراید برای مدیران و دست‌اندرکاران که دقت کافی را ندارند از این شیوه بهره می‌جویند. ۵- نشریه داخلی: در یک مؤسسه که متوسط و یا بزرگ است تنظیم و انتشارات یک نشریه داخلی یا خبرنامه از طرف روابط عمومی آن یک ضرورت است که بر حسب مقتضیات می‌تواند روزانه، هفتگی یا ماهانه باشد. ۶- هنرهای انتشاراتی: عکاسی، فیلمبرداری، خطاطی، نقاشی و کاریکاتور و گرافیک از شاخه‌های هنری هستند که در امور مطبوعاتی و انتشارات، تبلیغات و رادیو و تلویزیون کاربرد خبری‌تری دارند. لذا روابط عمومی برای تهیه فیلم مستند، خبری، عکس و اسلاید، پوستر و بروشور آگهی و موارد مشابه به صاحبان این هنرها نیاز مبرم

دارد. ۷- آرشيو: روابط عمومی باید آرشيوی که محتوای آن را سوابق کارکردها و فهرست خلاصه ای از همه فعالیت های مؤسسه یا سازمان تشکیل می دهد در اختیار داشته و توسط متصدی ماهر و متخصص بایگانی و نگهداری کند. ۸- مصاحبه: در جریان امور جاری برحسب مقتضیات و ملاحظات گوناگون انجام مصاحبه هایی با خبرگزاری ها و وسایل ارتباط جمعی ضرورت پیدا می کند. که گاه طرف مصاحبه مسئول روابط عمومی است. که باید از عهده ی اجرای آن بر آید. ۹- افکار سنجی: انتقادات، پیشنهادها، تقاضاها، گله مندی ها، تقدیرها چراغی فرا راه متولیان و متصدیان مؤسسه یا سازمان است. ۱۰- کدخدا منشی: اعمال روش کدخدا منشی در حل اختلافات با تعالیم قومی و مذهبی مردم نیز مطابقت و ملازمت دارد و از نظر روان شناختی نیز نمونه خوبی برای ارضای میل به مطرح شدن و مورد توجه قرار گرفتن می باشد. بجاست که مدیر روابط عمومی که لباس میانجی گری و وساطت به قامت دارد در این گونه موارد با حسن تدبیر ملاحظه کند. ۱۱- نظر خواهی عمومی: یکی از جلوه های خوب و ارزنده در مدیریت روابط عمومی شیوه مطلوب و کار ساز نظر خواهی عمومی است. ۱۲- کمیته همیاری: کارکنان یک مؤسسه در دنیای درون خود قصه ها دارند. یکی از اختلاف خانوادگی رنج می برد شخصی از تبعیضی که بر او رفته ناراحت است، فردی برای احقاق حق خود از دادگاه نیاز به مشاوره حقوقی دارد و ... زیباترین وانسانی ترین کار یک روابط عمومی لایق و مدبر کشف محترمانه این گونه رازهاست و حتی المقدور دفع و رفع این معضلات که البته این خدمت خدا پسندانه در کیفیت خدمت کارکنان اثر مثبت خواهد داشت. سخن پایانی روابط عمومی در پی ارتباط دو سویه با مخاطب بوده و صرفاً به دنبال "اطلاع رسانی نیست بلکه مکمل این فرآیند را" اطلاع یابی می داند. در واقع روابط عمومی از طریق "اطلاع یابی بر اهمیت تأثیرپذیری از افکار عمومی صحه می گذارد. روابط عمومی درحقیقت، ابزار دو گانه ای است که از یک سو باعث آگاهی مدیران از محیط پیرامون آن ها می شود و از سوی دیگر باعث انعکاس درست فعالیت آنان به جمعیت مخاطب می گردد. برقراری این ارتباط دوطرفه در هر سطحی، مترادف سطح توفیق روابط عمومی است. مدیریت روابط عمومی مسئولیتی است که برای انجام آن باید از ویژگی های خاصی برخوردار بود که مهم ترین آن عبارتند از: علاقه، تخصص، تجربه، شناخت سازمان و مخاطبین و بهره مندی از ویژگی های اخلاقی و رفتاری خاص. به تدریج که جامعه پیچیده تر شد و حرفه ها به سوی تخصصی شدن پیش رفت، روابط عمومی نیز با آن گام برداشت. هراندازه ارتباط در روابط عمومی گسترش یافته باشد، همان اندازه آن فرد، گروه و سازمان در دستیابی به اهداف خود موفق تر می شوند. با توجه به وظایف کلی، روابط عمومی در حقیقت می تواند در حکم واسطه میان دولت و مردم نقش قابل قبولی ایفا کند. آن ها می توانند با تنظیم برنامه دقیق به سؤال ها و شک ها و تردید ها پاسخ بدهند. روابط عمومی، اصالتاً مبتنی بر دو مقوله اطلاع رسانی و متقاعد سازی است.. لذا ضرورتاً باید آن را به خوبی شناخت و نحوه استفاده کاربرد از آن را فراگرفت. هم اینک، دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی دولت در راستای ضرورت انجام این مهم، یعنی آموزش و باز آموزی فنون روابط عمومی را فراهم نموده است. امروز که روزگار پر تحول و پیچیده و نوگرایی است، برای اثبات کارایی روابط عمومی ها، باید مجموعه سازمان متبوعه خود را با کارهای مناسب و جدید کامیاب کنند.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاء الله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰-۰۰ IR۹۰  
 ۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

